

محبوب محبوب



آیہ اللہ حید تہتی کربلائی

محبوب محبوب

دیدگاه قرآن و اهل بیت علیهم السلام پیرامون پنج موضوع
ربا ، حجاب ، ریش تراشی ، شطرنج و موسیقی

تألیف : آیه الله حیدر تربتی کربلانی
بازنویسی : محدثه تربتی

عنوان و نام پدیدآور: محبوب محبوب: دیدگاه قرآن و اهل بیت علیهم السلام
پیرامون پنج موضوع ربا، حجاب، ریش تراشی، شطرنج و موسیقی / تألیف حیدر تربتی
کربلائی

بازنویسی محدثه تربتی

مشخصات نشر: قم: حبیب، 1387.

مشخصات ظاهری: 256ص.

شابک: 978-964-6119-40-6

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

موضوع: اسلام و اجتماع

موضوع: موسیقی - جنبه های مذهبی - اسلام

موضوع: ریش - جنبه های مذهبی - اسلام

شناسه افزوده: تربتی کربلائی، حیدر، 1338

رده بندی کنگره: 1387 3م4ت / BP230

رده بندی دیویی: 297/483

شماره کاتالوگ ملی: 1330351

محبوب محبوب

مؤلف: آیت الله حیدر تربتی کربلائی

تایپ، بازنویسی و خوشنویسی: محدثه

تربتی

ویرایش: زهره تربتی

ناشر: نشر حبیب

نوبت و سال چاپ: اول - 1387

چاپ: عترت

شمارگان: 2000 نسخه

شابک: 978-964-6119-40-6

ISBN: 987-964-6119-40-6

۹۱۲ ۷۴۷ ۴۵۷۲ - همراه: ۳۷۱۸۵ / ۷۹۱ - صندوق پستی: ۹۱۲ - قم

تمامی حقوق برای مؤلف محفوظ می باشد.

E-mail: Zabihe.ale.mohammad@gmail.com

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قال الله تعالى

قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ

اے پیامبر! به ایشان بگو:

اگر محبوتان خداست، مرا پیروک کنید تا محبوب خدا گردید

سوره آل عمران آیه ۳۲

پیشگفتار

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله ربّ العالمين و أفضل الصَّلوات و التَّحِيَّات على محمّد و آله الطَّيِّبين
الطَّاهرين و لعنة الله على أعدائهم و ظالميههم و غاصبي حقوقهم و مخالفيههم
و منكري فضائلهم و مناقبهم و مدّعي شئونهم و مراتبهم و الرّاضين بذلك، من
الاوّلين و الآخرين آمين.

قال الله تعالى: ﴿قُلْ إِنَّمَا أَعْطُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلَىٰ خِزْفٍ...﴾^۱

خداوند متعال می فرماید: بگو (ای پیامبر)! همانا شما را به یک چیز پند می دهم،
اینکه برای خدا دوتا دوتا و تک تک بپاخیزید. . . .

و خدا انسان را خلق نمود و خود آگاه است که طبیعت واقعی انسان^۲ به چه چیز
گرایش دارد و پاسخ صحیح به این گرایش ها کدام است. و این از لطف او بود که
پاسخ به این نیازها را در قالبی به نام دین نهاد تا بشر بداند، آنچه را باید بداند.

۱- (۳۴) سوره سبأ: آیه ۴۶.

۲- (۳۰) سوره روم: آیه ۳۱: ﴿فَطَرَتِ اللَّهُ النَّاسَ عَلَىٰ هَذِهِ...﴾.

آنچه با نام ارزش های معنوی تلقی می شود، فقط یک گفتار نیست، سیره ای است که در کلام خلاصه شده و با جاری شدن آن در جامعه پرتوهای هدایت تابش می گیرند و راه را روشن می کنند. راهی که برای پیمودن آن آمده ایم. راهی که انتهای آن مردی است از تبار نور، مردی راست قامت و مهربان، که همه ما روزی باید پاسخگوی او باشیم.

روزی باید ببینیم چطور جواب محبت های او را داده و چه به درگاهش می بریم.^۳ دانستن این موضوع که نافرمانی از آنچه تحت عنوان وحی از آن یاد می شود، چه تبعات و آثاری را به دنبال دارد، بسیار مهم است. زیرا از اینجاست که پی می بریم خداوند نیازی به من و ما ندارد و خود قادر مطلق است و اگر فرمان او را بر دیده نهم، رستگار خواهیم بود و چنانچه نافرمانی او را سرلوحه رفتار کنیم، خود را و خانواده خود را و جامعه خود را درگیر آثار زیانبار این نافرمانی کرده ایم.

آنچه امروزه شاهد آن هستیم، چیزی جز ندانستن، رسیدگی نکردن یا لجبازی بدون علم، نیست؛ لجبازی که به دنبال ناآگاهی از سیمای واقعی وحی به وجود آمده. و این من و ما هستیم که باید به آنان که نمی دانند، بگوئیم تا بدانند و به آنان که گوشزد نمی کنند، بگوئیم تا آگاه باشند و به آنان که سیمای واقعی وحی را ندیده اند، نشان دهیم آنچه را که می توان دید و همه به هم کمک کنیم تا رنگها عوض شوند و سمت و سوها، یک جهت واحد بگیرند و بدرستی که این

۳- (۱۹) سوره توبه: آیه ۱۰۵: ﴿وَقُلْ اَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللّٰهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَسَتُرَدُّونَ اِلٰى عَالَمِ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾.

جهت همان است که خداوند تعیین فرموده، همان که خدا خود فرمود تبعیتش کنید تا رستگار شوید.^۴ راه مردی که گناهان من قلبش را به درد می آورد و اشک را از چشمانش جاری می سازد.

امام عزیزی که شاید هرگز او را ندیده باشیم ولی قلب هایمان را صاحب است. امروز آنچه ما را از واقعیت دین دور می کند «توجیه گناه» و «تفسیر» هایی است که شیطان می پسندد، اما خدا آن را قصد ننموده، هوسهای آلوده آن را زیبا می بینند، اما قلب امام عزیزمان را به درد می آورد.

شیطان هر زمان حربه ای جدید می سازد و هر روز به شکلی در می آید. باید دانست که او از کار نمی نشیند و می خواهد آخرین تلاش خود را برای گمراه نمودن انسان، به کار بندد. دنیای او صحنه نمایشی است که امروزه با بیان لغات و بازی با الفاظ آن را اجرا می کند.

و می بینیم در این زمان، که سخن از فکر روشن و روشنفکری است، از این راه به دلهای پاک جوانان نفوذ کرده و آنان را غافل می نماید و گمراه می کند و سپس برای اینکه آنان را از سرزنشهای نفس لوّامه یا همان وجدان برهاند، گناهان را برایشان «توجیه» می کند... و اینجاست که دیگر تصوّرش را هم نمی توان کرد که جامعه به چه شکلی درخواهد آمد؟

آیا دیگر حتی می تواند لباس زیبای لفظ را که خود سرپوش گنااهش قرار داده، درآورد و زشتی گناه را ببیند و باور کند؟ دیگر حربه ای جدید به میدان آمده، که

۴- (۶) سوره انعام: آیه ۱۵۴: ﴿وَ أَنْ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾.

نام آن را «دلیل» می‌گذارد، در حالی که واقعیّت آن را نمی‌بیند و نمی‌داند «دلیل» را جایگزین «توجیه» کرده و مصمّم ادامه می‌دهد... تا ناکجا آباد... روی سخن با همه ماست، همه ما، کسانی که خود را پیرو مکتب علوی می‌دانند، آنانکه قرآن را در میان دستهای خود می‌گیرند و تلاوت می‌کنند و می‌خواهند عمل کنند، اما... شاید راه را گم کرده اند.

اصل مسلمّ این است که خداوند متعال، آفریدگار مهربان جهان، آنچه را پاک است و سودمند، حلال و آنچه را ناپاک است و برای حیات مادّی و معنوی بشر زیانبار، حرام نموده است. و این یکی از الطاف اوست. همچنانکه در قرآن کریم فرموده است: ﴿وَيَجِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ - و خداوند برای ایشان آنچه را پاک بود، حلال و آنچه را ناپاک بود، حرام نمود﴾^۵ او پیامبران الهی و جانشینان آنان را برای بیان حلال و حرام فرستاد و بوسیله متابعت از فرمان ایشان، پاک را از ناپاک جدا می‌کند: ﴿لِيُمَيِّزَ اللَّهُ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ﴾^۶، و خدا با لطفی که در حقّ ما روا داشته، راه را بوسیله ایشان نمایان می‌سازد. قرآن را می‌فرستد تا هدایت باشد و اهل بیت را می‌فرستد تا معنای این هدایت را بیان کنند.

و ابلاغ را به پیامبر امر می‌فرماید تا کسی نگوید نمی‌دانستم یا نفهمیدم.^۷

۵- (۷) سوره اعراف: آیه ۱۵۸

۶- (۸) سوره انفال: آیه ۳۸.

۷- ﴿... وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾
(۴) سوره نساء: آیه ۱۴.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى

او برای دانستن و فهمیدن تک تک ما، راهی گذاشته است، و آن را به لطف خود با چهارده خورشید و ماه و ستاره آذین بسته تا همه راه را ببینند و بخواهند تا هدایت شوند...^۸.

فضای نفس کشیدن ما باید پاک باشد تا بتوانیم نفس بکشیم، غذایی که می خوریم باید پاکیزه باشد تا با خوردن آن بیمار نشویم، برای استراحت و رفع خستگی نیاز به محیطی آرام برای تسکین روح داریم، براستی! چرا راهی را نیپیماییم که همانا همه خوردن ها و خوابیدن ها و نفس کشیدن ها را برای پیمودن آن خلق کرده اند؟! ما آمده ایم تا بمانیم.^۹

از این رو است که آنجا که می بینیم گناهی رخ می دهد، گویا نفس کشیدن - که مایه و لازمه تداوم حیات ماست - برایمان عذاب آور است، و گویا احساسمان

اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا ﴿٤﴾ سورة نساء: آیه ۶۰.
﴿وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا﴾ (۴) سورة نساء: آیه ۷۰.

﴿مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ تَوَلَّىٰ فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِظًا﴾ (۴) سورة نساء: آیه ۸۱.
﴿وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَخْشَ اللَّهَ وَيَتَّقْهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ﴾ (۲۴) سورة نور: آیه ۵۳.
﴿... وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا﴾ (۳۳) سورة احزاب: آیه ۷۲.
﴿... وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَنْ يَتَوَلَّىٰ يَعْذِبْهُ عَذَابًا أَلِيمًا﴾ (۴۸) سورة فتح: آیه ۸۱.

۸- (۷۶) سورة دهر (انسان): آیه ۴: ﴿إِنَّا هَدَيْنَا السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا﴾.

۹- بحار الأنوار: ۲۴۹/۶ ب ۸ و ج ۵۸ ص ۷۸: النَّبِيُّ ﷺ: «مَا خُلِقْتُمْ لِلْفَنَاءِ بَلْ خُلِقْتُمْ لِلْبَقَاءِ وَإِنَّمَا تَنْتَقِلُونَ مِنْ دَارٍ إِلَى دَارٍ». پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: شما برای نابود شدن آفریده نشده اید، بلکه آفریده شده اید تا بمانید و جاودانی شوید و همانا از خانه ای (دنیا) به خانه دیگر (آخرت) منتقل می شوید.

و در کتاب غرر الحکم: ۱۳۳ ح ۲۲۹۱: إِنَّمَا خُلِقْتُمْ لِلْبَقَاءِ لَا لِلْفَنَاءِ وَإِنَّكُمْ فِي دَارِ بُلُغَةٍ وَمَنْزِلِ قُلْعَةٍ.

می گوید: سینه ام برای تحمّل این عذاب تنگ می آید... و می خواهیم هر طور شده خود را خلاص کنیم.

پس بیایید همه با هم تلاش کنیم تا خود، خانواده و اجتماعمان را پاک نگه داریم، بیایید به هم کمک کنیم تا بتوانیم فضای کشور اهل بیت، ایران را از آلودگی های اخلاقی پاک کنیم و همان شویم که او می خواهد...^{۱۰}

گناهانی چون ربا، بی حجابی، شطرنج و موسیقی از جمله گناهانی هستند که بستر انجام بسیاری از گناهان دیگر را فراهم می آورند و این از مکر شیطان است که زشتی را زیبا جلوه دهد تا آنکه ربا می خورد، از ربا خوردن لذت ببرد و هوس آلوده آنکه تربیت شده مکتب وحی نیست از نگاه حرام، لذت ببرد و آنکه پا در عرصه شطرنج یا موسیقی می نهد، احساس کند لذت می برد، درحالی که شیطان زشتی را زیبا جلوه می دهد^{۱۱} و آنگاه که دست انسان از همه جا قطع شد، خود را به کناری کشیده، سخن از اختیار به میان می آورد.^{۱۲}

و انسان را از یاد خدا - که همانا تمام زیبایی است - غافل می سازد، تا آنجا که می تواند گناه کند و از خدا دور شود، تا به حدی برسد که دیگر نیاز به تلاش او

۱۰- «أَنْتَ كَمَا أُحِبُّ فَأَجْعَلْنِي كَمَا تُحِبُّ». امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند: پروردگارا! تو همانطوری که من دوست دارم، مرا هم همانگونه کن که خود دوست می داری. خصال: ۴۲۰/۲، روضة الواعظین: ۱۰۹/۱، بحار الأنوار: ۴۰۲/۷۴ ب ۱۵ ص ۹۱ ج ۹۲ ب ۳۲.

۱۱- (۶) سوره انعام: آیه ۴۴: ﴿فَلَوْلَا إِذْ جَاءَهُمْ بَأْسُنَا تَضَرَّعُوا وَلَكِنْ قَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾.

۱۲- (۱۴) سوره ابراهیم (علیه السلام): آیه ۲۳: ﴿...وَمَا كَانَ لِيَ عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي فَلَا تَلُمُونِي وَلَا لَوْلَا أَنْفُسُكُمْ مَا أَنَا بِمُصْرِخِكُمْ وَمَا أَنْتُمْ بِمُصْرِخِي﴾.

نباشد، تا آنقدر نفس او را بر وی مسلط سازد که بتواند رو در روی امام خویش بایستد... .

آنچه در این کتاب آمده است در واقع سخن خداست و پیامبر خدا و اولیاء خدا، کلام پروردگار متعال پیرامون پنج موضوع: ربا، حجاب، ریش تراشی، شطرنج و موسیقی. و در ذیل آیات، گزیده ای از احادیث پیرامون این پنج موضوع ذکر شده که محققین محترم جهت اطلاع بیشتر به مصادری که مختص به آنهاست، مراجعه نمایند. احادیث از معتبرترین کتابهای حدیثی و فقهی آورده شده است و برای ترجمه نمودن متن احادیث، اقدامی دقیق به انجام رسانده ایم.

برای آنان که کلام اهل بیت قلب هایشان را صیقل داده و نورانی می کند، پیش از آغاز متن کتاب، سه قسمت آورده شده:

تا بدانیم خداوند، قرآن را نازل کرد و عترت را خلق نمود تا ما، راز سعادت ابدی را از آنان جويا شویم...، آنان که امر هدایتگری را به عهده دارند.

و بدانیم آنچه را برای پیمان برای پیمودن این مسیر توشه نهند، تا ابد کفاف سعادتمان را می دهد و هرگز نیاز ندارد به روز شود، و اگر به روز نبود نتواند پاسخگو باشد، و هرگز نسخه ای از قرآن با ویرایش و اضافات، چاپ نخواهد شد و همان قرآنی که بر قلب پیامبرمان نازل گشت برای خوشبخت شدن، خوشبخت باقی ماندن، و عاقبت به خیر شدن همه ما کفایت می کند. هیچ نیازی بی پاسخ باقی نمانده که ما بخواهیم برای پاسخگویی به آن دست به دامن بیگانه شویم و یا خود را اسیر هوس های آلوده دیگران کنیم یا به شیطان پناه ببریم، بلکه خدا به ما می آموزد تا از شیطان به او پناه ببریم.

و بدانیم که در این واویلائی گناه چه کنیم تا نگاه آن مرد پاک از آن سلاله پاک را برای خود بخریم و چه کنیم تا پاک به درگاهش زانو زده، دست او را ببوسیم و از حمایتگران او باشیم. تا آن روز که آمد، اگر بودیم، از ما روی نگرداند و مبادا ما از او روی بگردانیم... چرا که تنها غصه چنین کابوسی برای مردن تک تک ما کافیت.

و این تنها تذکری است برای آنان که ایمان آورده اند: ﴿وَذَكَرْ فَإِنَّ الذِّكْرَ تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ﴾ - یادآور شو، بدرستی که تذکر مؤمنان را سود می بخشد ﴿۱۳﴾.

و در پایان همه ما را بس است که تحفه ای به عنایت او به درگاهش ببریم و او لطف کند و یک شاخه گل لبخند را از روی لبهایش به ما هدیه دهد... به خدا سوگند که دنیا و آخرت همه ما را کفایت می کند.

اللَّهُمَّ... وَاعِنَّا عَلَى تَأْدِيَةِ حَقُوقِهِ إِلَيْهِ وَالْاجْتِهَادِ فِي طَاعَتِهِ وَالْاجْتِنَابِ عَنْ مَعْصِيَتِهِ وَامْنُنْ عَلَيْنَا بِرِضَاهُ وَهَبْ لَنَا رَأْفَتَهُ وَرَحْمَتَهُ وَدُعَاءَهُ وَخَيْرَهُ مَا نَنَالُ بِهِ سَعَةً مِنْ رَحْمَتِكَ وَفَوْزًا عِنْدَكَ... ۱۴ اللَّهُمَّ آمِينَ

لازم به ذکر است که صبیّه فاضله ام در تنظیم و تایپ و ویرایش و بازنویسی کتاب یاری ام نموده اند و امیدوارم این عمل صالح وی مورد قبول ولیّ الله الأعظم صلوات الله علیه قرارگیرد.

۱۳- (۵۱) سوره ذاریات : آیه ۵۶.

۱۴- فرازی از دعای شریف ندبه که از امام صادق و حضرت صاحب الامر علیه السلام نقل شده است.

آنانکه امر هدایتگری بر عهده دارند

در بسیاری از کتب حدیث و تفسیر و تاریخ شیعیان اهل بیت علیهم السلام و پیروان خلفاء با سندهای بسیار و از حدّ تواتر گذشته و صحیح، به روایت اهل بیت علیهم السلام و دوستان ایشان و حتّی دشمنان آنان، حدیث گرانقدر ثقلین آمده است که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله حداقل در پنج موقعیت و همچنین در آخرین لحظات زندگی خویش، در بستر بیماری، از آن سخن به میان آورده اند، و اینجا به ذکر یک حدیث از آنها بسنده می کنیم.

قال رسول الله صلی الله علیه و آله: إِنِّي قَدْ تَرَكْتُ فِيكُمْ أَمْرَيْنِ لَنْ تَضِلُّوا بَعْدِي مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا كِتَابَ اللَّهِ وَ عِرْثِي أَهْلَ بَيْتِي فَإِنَّ اللَّطِيفَ الْخَبِيرَ قَدْ عَهَدَ إِلَيَّ أَنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرَقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ كَهَاتَيْنِ وَ جَمَعَ بَيْنَ مُسَبِّحَتَيْهِ وَ لَأَقُولَ كَهَاتَيْنِ وَ جَمَعَ بَيْنَ الْمُسَبِّحَةِ وَ الْوُسْطَى فَتَسْبِقُ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى فَتَمَسَّكُوا بِهِمَا لَا تَزَلُوا وَ لَا تَضِلُّوا وَ لَا تَقْدَمُوهُمَا فَتَضِلُّوا... ١٥

پیامبر ﷺ فرمودند: بدرستی که دو چیز را برای شما به یادگار می‌گذارم، تا آن هنگام که به آن دو روی آورید (از ایشان پیروی نمایید)، هرگز گمراه نخواهید شد، کتاب خداوند و عترتم، اهل بیت من، زیرا خداوند مهربان و آگاه با من عهد نموده است آن دو تا زمانی که در کنار حوض کوثر بر من همچون این دو انگشتم (و پیامبر آنگاه میان دو انگشت کنار شست جمع فرمود) وارد شوند و نه همچون این دو انگشت (و جمع نمود میان انگشت اشاره و وسط) و هیچکدام از آن دو بر دیگری پیشی نخواهد گرفت. پس به آن دو چنگ زنید (آنچه امر می‌فرمایند، پیروی نمایید) و دور و گمراه نشوید و بر آنان پیشی نگیرید که گمراه خواهید شد.

نتیجه: خداوند برای ما اهل بیتی را در کنار قرآن قرار داده که آنچه می‌گویند، و آنچه عمل می‌کنند و آنچه را تایید می‌نمایند، همان است که خداوند پذیرفته است. کلام مولایمان پیامبر بسیار ظریف است: «دور و گمراه نشوید، و بر آنان پیشی نگیرید که گمراه خواهید شد»... .

و هرگز نیاز ندارد به روز شود.

قال رسول الله ﷺ: أَيُّهَا النَّاسُ حَلَالِي حَلَالٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ حَرَامِي حَرَامٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ أَلَا وَ قَدْ بَيَّنَّهَمَا اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فِي الْكِتَابِ وَ بَيَّنَّتُهُمَا لَكُمْ فِي سُنَّتِي وَ سِيرَتِي وَ بَيَّنَّهَمَا شُبُهَاتُ مِنَ الشَّيْطَانِ وَ بَدَعَ بَعْدِي مَنْ تَرَكَهَا صَلَحَ لَهُ أَمْرُ دِينِهِ وَ صَلَحَتْ لَهُ مَرْوَتُهُ وَ عَرْضُهُ وَ مَنْ تَلَبَّسَ بِهَا وَقَعَ فِيهَا وَ اتَّبَعَهَا كَانَ كَمَنْ رَعَى غَنَمَهُ قُرْبَ الْجَمَى وَ مَنْ رَعَى مَاشِيَّتَهُ قُرْبَ الْجَمَى نَازَعَتْهُ نَفْسُهُ إِلَى أَنْ يَرْعَاهَا فِي الْجَمَى أَلَا وَ إِنَّ لِكُلِّ مَلِكٍ جَمًى أَلَا وَ إِنَّ جَمَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مَحَارِمُهُ فَتَوَقَّوْا جَمَى اللَّهِ وَ مَحَارِمَهُ.^{١٦}

حضرت امام محمد باقر (ع) فرمود: جدّم پیامبر خدا (ص) فرمودند: ای مردم حلال من (آنچه را به امر خداوند حلال نموده ام) تا روز قیامت حلال است و حرام من (آنچه را به امر خداوند حرام نموده ام) تا روز قیامت حرام است، آگاه باشید که خداوند آنها را در قرآن بیان نموده و من در سنت و سیره ام آنها را بیان نموده ام. در میان آنها شبهه هایی از شیطان و بدعت هایی پس از من است، هر کس این

١٦- كنز الفوائد كراچكى: ٣٥٢/١، وسائل الشيعه: ١٦٩/٢٧ ب ١٢ ح ٣٣٥١٥، بحار الأنوار: ٢/٢٦٠ ب ٣١

ح ١٧ و ج ٧١ ص ٢٨ ب ١٨ ح ٧، مستدرک الوسائل: ٢١٧/١٢ ب ١٤ ح ١٣٩٢٤-٢.

شبهه ها و بدعت را ترک نماید، امر دین، مروّت و آبروی خود را نیکو قرار داده است، و هرکس خود را به آن آلوده کند و در پی بدعت ها برود، مانند کسی که گوسفندان خود را نزدیک مرز (حصار) چراگاه می چراند، نفس او و سوسه اش می کند که آنها را در چراگاه پس مرز نیز بچراند. آگاه باشید سرزمین هر پادشاهی مرزی دارد و مرز خداوند محرّمات (ممنوعیت های) اوست، پس مراقب مرزهای فرمان ها و محرّمات او باشید.

قال الصادق (علیه السلام): حَلَالٌ مُحَمَّدٌ حَلَالٌ أَبَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ حَرَامُهُ حَرَامٌ أَبَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا يَكُونُ غَيْرُهُ وَلَا يَجِيءُ غَيْرُهُ وَقَالَ: قَالَ عَلِيٌّ (علیه السلام): مَا أَحَدٌ ابْتَدَعَ بِدْعَةً إِلَّا تَرَكَ بِهَا سُنَّةً.^{۱۷}

حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) فرمودند: آنچه حلال محمد است برای همیشه تا روز قیامت حلال است و آنچه حرام محمد است برای همیشه تا روز قیامت حرام است و جز این نمی شود و نباید بشود. و حضرت علی (علیه السلام) فرمودند: کسی نیست که بدعتی را بنیان نهد مگر اینکه سنتی را ترک کرده باشد.

قال أبو عبد الله (علیه السلام): مَا خَلَقَ اللَّهُ حَلَالًا وَلَا حَرَامًا إِلَّا وَلَهُ حَدٌّ كَحَدِّ الدَّوْرِ وَإِنَّ حَلَالَ مُحَمَّدٍ حَلَالٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ حَرَامُهُ حَرَامٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ ...^{۱۸}

امام جعفر صادق (علیه السلام) فرمودند: خداوند متعال حلال و حرامی را نیافریده است مگر اینکه برای آن حدّ و مرزی مانند خانه ها قرار داده است و بدرستی که حلال محمد حلال است تا روز قیامت و حرام محمد نیز حرام است تا روز قیامت.

نتیجه: احکام شرعی بخش عظیمی از دین کامل اسلام هستند که سعادت همیشگی

۱۷- کافی: ۵۸/۱ باب البدع و الرأی و المقایس ... ح ۱۹.

۱۸- بصائر الدرجات: ۱۴۸ ب ۱۳ ح ۷.

انسان را تضمین نموده، و دستورات خداوند است که از نیازهای مادی و معنوی بشر آگاهی کامل دارد و او را سعادت‌مند می‌خواهد.

احکام مطهر اسلام از استاندارد الهی برخوردار هستند و هیچ خطا و اشتباهی در آنها نیست. زمان و دگرگونیهای آن نباید هیچگونه تغییری در آنها ایجاد کند، و نباید تابع زمان و مقتضیات آن باشند، تا بتواند سعادت ابدی را برای بشر به ارمغان آورد، در هر زمان و هر مکان.

در این وایلی گناه چه کنیم؟

قال رسول الله ﷺ: إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فِي أُمَّتِي فَلْيُظْهِرِ الْعَالِمُ عِلْمَهُ فَمَنْ لَمْ يَفْعَلْ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ.^۱

حضرت خاتم الانبياء محمد مصطفی ﷺ فرمودند: آن زمان که بدعت ها در میان امتم آشکار گردند، بر عالم واجب است علم خود را آشکار کند، هرکس به این وظیفه خود عمل ننماید؛ لعنت خداوند بر او باد.

قال رسول الله ﷺ: إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فِي أُمَّتِي فَلْيُظْهِرِ الْعَالِمُ عِلْمَهُ وَإِلَّا فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةُ وَالنَّاسُ أَجْمَعِينَ.^۲

و فرمودند: آن زمان که بدعت ها در میان امتم آشکار شود، بر عالم واجب است علم خود را آشکار سازد، هرکس به این وظیفه خود عمل ننماید لعنت خداوند و فرشتگان و همه مردم بر او باد.

۱- کافی: ۵۴/۱ باب البدع و... ح ۲، عوالی اللآلی: ۷۰/۴ جمله ۲ ح ۳۹، نهج الحق: ۳۷.

منية المريد: ۱۸۶، وسائل الشیعه: ۲۶۹/۱۶ ب ۴۰ ح ۲۱۵۳۸، بحار الأنوار: ۱۵/۱۰۵ اجازه ۲۸.

۲- بحار الأنوار: ۲۳۴/۵۴.

قال رسول الله ﷺ: كَيْفَ أَنْتُمْ إِذَا ظَهَرَ فِيكُمْ الْبِدْعُ حَتَّى يَرْبُؤَا فِيهَا الصَّغِيرُ وَيَهْرُمَ الْكَبِيرُ وَيَسْلَمَ عَلَيْهَا الْأَعَاجِمُ وَإِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ قِيلَ سُنَّةٌ وَإِذَا عَمِلَ بِالسُّنَّةِ قِيلَ بِدْعَةٌ^۱.

رسول خدا ﷺ فرمودند: حال شما چگونه است هنگامی که بدعت ها در میان شما آشکار گردد تا آنکه کودکان با آن بزرگ می شوند و بزرگان با آن پیر می گردند و بیگانگان بر آن (دین آلوده به بدعت ها) اسلام می آورند و وقتی بدعت ها آشکار شدند، به آن ها سنت گفته شود و هنگامی که به سنت عمل شود، (به آن) بدعت گفته شود.

از اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام روایت شده که فرمودند: إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فَعَلَى الْعَالِمِ أَنْ يُظْهِرَ عِلْمَهُ فَإِنْ لَمْ يَفْعَلْ سَلَبَ نُورَ الْإِيمَانِ^۲.
آن زمان که بدعت ها آشکار شوند، بر عالم واجب است علم خود را آشکار کند، اگر (با بدعت ها مبارزه) نکند نور ایمان از او گرفته خواهد شد.

۱- ارشادالقلوب: ۶۹/۱ ب ۱۷.

۲- رجال الکشی: ۴۹۳ ح ۹۴۶، علل الشرائع: ۲۳۵/۱ ب ۱۷۱ ح ۱، عیون أخبار الرضا علیه السلام: ۱۱۲/۱ ب ۱۰ ح ۲، الغیبة شیخ طوسی علیه السلام: ۶۳، وسائل الشیعه: ۲۷۱/۱۶ ب ۴۰ ح ۲۱۵۴۶، بحار الأنوار: ۲۵۲/۴۸ ب ۱۰.

قال رسول الله
صلى الله عليه وآله وسلم

إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ
كِتَابَ اللَّهِ وَ عِزَّتِي أَهْلَ بَيْتِي
مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا بَعْدِي أَبَدًا
وَ إِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا (يَتَفَرَّقَا) حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْخَوْضَ

(۱)

ربا

از دیدگاه

قرآن و عترت

ربا از دیدگاه قرآن کریم

مانند مادر است برای انجام بسیاری از گناهان دیگر، گناه بزرگ رباخواری بستری است برای انجام بسیاری از گناهان دیگر و سبب ایجاد فقر، محرومیت، بی عدالتی و ... است. ما این نتایج را بیان می کنیم زیرا با آن مواجه هستیم، اما اکنون ببینیم خداوند متعال و خاندان رسالت، در این مورد چه نظری دارند، کمی دقت به تو و من کمک می کند تا حواسمان جمع باشد، این بشر است که پس از خرابکاری به فکر چاره است، اما خداوند با ما فرق دارد، تا آنجا که هیچ شباهتی میان من و او نیست، او مرا قبل از آنکه به حادثه گرفتار شوم، نجات می دهد،

ببین :

آیه یکم: ﴿الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكِ بَأْنَهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ

هُم فِيهَا خَالِدُونَ^۱

ترجمه: کسانی که ربا می خورند، به پا نمی خیزند؛ مگر مانند کسی که بر اثر تماس با شیطان، آشفته حال شده است. این به خاطر آن است که می گویند: دادوستد مانند رباست، در حالی که خداوند، داد و ستد را حلال و ربا را حرام نموده است. پس هرکس اندرز الهی به او رسد و (از رباخواری) خودداری کند، خدا از گذشته او درگذرد و عاقبت کارش با خداست؛ اما کسانی که بازگردند (وبار دیگر مرتکب این گناه شوند) اهل آتش هستند و در آن جاودان خواهند بود.

۱- الرسول الأكرم ﷺ: فَإِذَا أَنَا بِقَوْمٍ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ مَوَائِدُ مِنْ لَحْمٍ طَيِّبٍ وَ لَحْمٍ خَبِيثٍ وَهُمْ يَأْكُلُونَ الْخَبِيثَ وَ يَدْعُونَ الطَّيِّبَ فَسَأَلْتُ جِبْرِئِيلَ مَنْ هَؤُلَاءِ؟ فَقَالَ: الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الْحَرَامَ وَ يَدْعُونَ الْحَلَالَ مِنْ أُمَّتِكَ.

ثُمَّ مَضَيْتُ، فَإِذَا أَنَا بِأَقْوَامٍ يُرِيدُ أَحَدُهُمْ أَنْ يَقُومَ فَلَا يَقْدِرُ مِنْ عِظَمِ بَطْنِهِ فَقُلْتُ: مَنْ هَؤُلَاءِ يَا جِبْرِئِيلُ؟ قَالَ: هُمْ «الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ» وَ إِنَّهُمْ لِبَسَبِيلِ آلِ فِرْعَوْنَ يُعْرَضُونَ عَلَى النَّارِ غُدُوًّا وَ عَشِيًّا يَقُولُونَ رَبَّنَا مَتَى تَقُومُ السَّاعَةُ^۲ وَ لَا يَعْلَمُونَ أَنَّ «السَّاعَةَ أَذْهَى وَ أَمَرُّ»^۳.

در تفسیر علی بن ابراهیم در حدیثی از امام صادق (ع) درباره معراج پیامبر (ص) آمده است که پیامبر (ص) فرمود: گروهی را دیدم که در مقابل آنها گوشتی پاک

۱- (۲) سوره بقره: آیه ۲۷۵.

۲- «النَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَ عَشِيًّا وَ يَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ» (۴۰) سوره غافر (مؤمن): آیه ۴۶.

۳- (۵۶) سوره قمر: آیه ۴۷.

۴- تفسیر قمی: ۷/۲: فِي الْخَبْرِ الطَّوِيلِ فِي الْمَعْرَاجِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) إِلَى أَنْ قَالَ:.. تفسیر مجمع البیان: ۳۸۹/۱، بحار الأنوار: ۲۳۹/۶ ح ۵۹، مستدرک الوسائل: ۳۳۱/۱۳ ب ۱ ح ۱۵۵۰۱-۶.

و گوشتی پست و ناپاک بود، اما آن گروه گوشت ناپاک را می خوردند و گوشت پاک را نمی خوردند. درباره آنها از جبرئیل علیه السلام پرسیدم، پاسخ داد: اینان کسانی از امت تو هستند که (مال) حرام را می خورند و (مال) حلال را رها می کنند. از آنان گذر کردم.

گروهی را دیدم که یک نفر از آنان قصد داشت از جا برخیزد؛ اما به جهت بزرگی شکمش، نمی توانست. گفتم: اینان چه کسانی هستند، ای جبرئیل؟ گفت: آنان رباخوران هستند، توانایی برخاستن ندارند، مگر مانند کسی که شیطان زده شده باشد (تعادل روانی ندارد)، و آنان راه و روش آل فرعون (خوی خودکامگی و استثمار) و عاقبت آنان را دارند و هر صبح و شام به جهنم عرضه می شوند. آنان می گویند: پروردگار ما! چه زمانی قیامت برپا می شود و نمی دانند که روز قیامت، روزی سخت تر و ناگوارتر است.

۲- تفسیر القمی: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ فَإِنَّهُ كَانَ سَبَبُ نَزُولِهَا أَنَّهُ لَمَّا نَزَلَ اللَّهُ: ﴿الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا...﴾ فَقَامَ خَالِدُ بْنُ الْوَلِيدِ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ رَبَا أَبِي فِي ثَقِيفٍ وَهَذَا أَوْصَانِي عِنْدَ مَوْتِهِ بِأَخْذِهِ فَأَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ﴾ قَالَ ﷺ: مَنْ أَخَذَ الرِّبَا وَحَبَّ عَلَيْهِ الْقَتْلُ وَكُلُّ مَنْ أُرْبِيَ وَحَبَّ عَلَيْهِ الْقَتْلُ^۱.

مفسر بزرگ شیعه علی بن ابراهیم قمی رحمته الله در تفسیر ارزشمند و شریف خود در مورد آیه: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ — ای کسانی که ایمان آورده اید! از (نافرمانی) خداوند بترسید و آنچه را که از

۱- بحار الأنوار: ۱۸/۱۰۰ ب ۱۸ ح ۵، مستدرک الوسائل: ۱۳/۳۳۴ ب ۲ ح ۱۵۵۱۹-۱.

مطالبات ربا باقی مانده رها کنید، اگر ایمان دارید ﴿ می فرماید: سبب نزول این آیه این بود که خالد بن ولید نزد پیامبر ﷺ از جا برخاسته و گفت: ای پیامبر خدا! ربای پدرم در قبیله ثقیف مانده و هنگام مرگ مرا وصیت کرده که (آن را) بگیرم. آنگاه خداوند این آیه را فرو فرستاد: ... سپس حضرت فرمودند: هرکس ربا بگیرد، کشتن او واجب است.

۳- عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام قَالَ: وَأَمَّا مَا فِي الْقُرْآنِ تَأْوِيلُهُ فِي تَنْزِيلِهِ فَهُوَ كُلُّ آيَةٍ مُحْكَمَةٍ نَزَلَتْ فِي تَحْرِيمِ شَيْءٍ مِنَ الْأُمُورِ الْمُتَعَارَفَةِ الَّتِي كَانَتْ فِي أَيَّامِ الْعَرَبِ تَأْوِيلُهَا فِي تَنْزِيلِهَا، فَلَيْسَ يَحْتَاجُ فِيهَا إِلَى تَفْسِيرٍ أَكْثَرَ مِنْ تَأْوِيلِهَا... وَقَوْلُهُ تَعَالَى: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا...﴾ الْآيَةُ إِلَى قَوْلِهِ: أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا... ﴿ وَ مِثْلُ ذَلِكَ فِي الْقُرْآنِ كَثِيرٌ مِمَّا حَرَّمَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ لَا يَحْتَاجُ الْمُسْتَمْعُ لَهُ إِلَى مَسْأَلَةٍ عَنْهُ... ١

امام امیرالمؤمنین علی عليه السلام فرمودند: و اما در قرآن آنچه تأویل (معنای باطن) آن در تنزیل (ظاهر) آن است؛ و آن هر آیه ای است که محکم (واضح و روشن) است (و نیاز به تفسیر و تأویل ندارد) در حرام نمودن چیزی از این امور متعارف که در روزگار عرب تأویل آن در تنزیل آن می باشد، نیازی به تفسیر بیش از تأویل آن ندارد مانند... سخن خداوند: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ...﴾ ای کسانی که ایمان آورده اید! از (مخالفت نمودن با فرمان) خدا بپرهیزید و آنچه را از (مطالبات) ربا باقی مانده؛ رها کنید، اگر ایمان دارید. کسانی که رباخواری می کنند، به پا نمی خیزند؛ مگر مانند کسی که بر اثر تماس با شیطان، آشفته حال شده است. این به خاطر آن است که گفتند: دادوستد مانند رباست، خدا دادوستد

۱- وسائل الشیعه: ۱۰/۲۵ ب ۱ ح ۳۱۰۰۱ و بحار الأنوار: ۱۳۸/۶۲ ب ۱ ح ۱۴ از تفسیر نعمانی.

را حلال و ربا را حرام نموده است ﴿ و مانند آن در قرآن بسیار است از چیزهایی که خداوند حرام نموده و شنونده نیازی به پرسیدن پیرامون آن ندارد.

توضیح: خداوند با بیان آیه: ﴿وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا﴾ در صدد بیان این نکته است که میان بیع و ربا تفاوت روشنی است و نباید آنها را با هم اشتباه کرد و به سبب همین وضوح، قرآن به بیان تفاوت آن دو نپرداخته است.^۱

۴- قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ الْبَاقِرُ (ع) : مَخْرَجُكَ فِي كِتَابِ اللَّهِ قَوْلُهُ: فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ، وَ الْمَوْعِظَةُ التَّوْبَةُ.^۲

مردی از اهل خراسان که مال بسیاری از راه رباخواری (معاملات ربوی) جمع نموده - و از فقهاء درباره آن پرسیده بود و آنان در پاسخ گفته بودند: هیچ عملی از تو قبول نمی شود، مگر آنکه اموال ربوی را به صاحبانش بازگردانی - خدمت امام باقر (ع) رسید و داستان خود را با آن حضرت مطرح نمود، حضرت فرمودند: راه نجات تو در کتاب خداوند و آیه کریمه است: ﴿فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ... - پس هرکس اندرز الهی به او رسد و (از رباخواری) خودداری کند، خدا از گذشته او درگذرد و عاقبت کارش با خداست ﴿ و مقصود از موعظه در این کلام خداوند توبه کردن است. اگر ناآگاهی از حرام بودن ربا (بوده) و سپس آگاهی یافتن باشد، آنچه گذشته است حلال و آنچه باقی مانده است، پس باید نگهداری کند (دیگر

۱- التبیان فی تفسیر القرآن: ۲/۳۶۰، تفسیر مجمع البیان: ۲/۳۸۹.

۲- نوادر اشعری: ۱۶۱ ب ۳۶ ح ۴۱۳، تفسیر عیاشی: ۱/۱۵۲ ح ۵۰۶ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ أَنَّ رَجُلًا سَأَلَ أَبَا جَعْفَرٍ (ع) وَقَدْ عَمِلَ بِالرِّبَا حَتَّى كَثُرَ مَالُهُ بَعْدَ أَنْ سَأَلَ غَيْرَهُ مِنَ الْفُقَهَاءِ فَقَالُوا لَهُ: لَيْسَ يَقْبَلُ مِنْكَ شَيْءٌ إِلَّا أَنْ تَرُدَّهُ إِلَى أَصْحَابِهِ فَلَمَّا قَصَّ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ (ع) قَالَ لَهُ: تَهْذِيبُ الْأَحْكَامِ ۱۵/۷ ب ۱ ح ۶۸، وسائل الشیعه: ۱۸/۱۳۰ ب ۵ ح ۲۳۳۰۷ و ص ۱۳۱ ح ۲۳۳۱۰ و ص ۱۳۲ ح ۲۳۳۱۲، بحار الأنوار: ۱۰۰/۱۲۲ ب ۵ ح ۳۹.

رباخواری نکند).

۵- قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: مَا خَلَقَ اللَّهُ حَلَالًا وَلَا حَرَامًا إِلَّا وَ لَهُ حُدُودٌ كَحُدُودِ الدَّارِ فَمَا كَانَ مِنْ حُدُودِ الدَّارِ فَهُوَ مِنَ الدَّارِ... وَإِنَّ رَجُلًا أَرَبَى دَهْرًا مِنَ الدَّهْرِ فَخَرَجَ قَاصِدًا أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام فَسَأَلَهُ عَنْ ذَلِكَ فَقَالَ لَهُ: مَخْرُجُكَ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ، يَقُولُ اللَّهُ: ﴿فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ﴾ وَالْمَوْعِظَةُ هِيَ التَّوْبَةُ فَجَهْلُهُ بِتَحْرِيمِهِ ثُمَّ مَعْرِفَتُهُ بِهِ فَمَا مَضَى فَحَلَالَ وَمَا بَقِيَ فَلْيُحْفَظْ.^۱

امام صادق عليه السلام فرمودند: خداوند هیچ حلال و حرامی را نیافریده است مگر اینکه برای آن حد و مرزی مانند مرزهای خانه قرار داده، آنچه از مرزهای خانه است، از آن خانه است... و مردی روزگاری را به رباخواری مشغول بود، نزد امام باقر عليه السلام رفت و از حضرت در این باره پرسش نمود، ایشان فرمودند: راه رهایی تو در کتاب خداوند است آنجا که فرموده: ﴿فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ... — پس هرکس اندرز الهی به او رسد و (از رباخواری) خودداری کند، خدا از گذشته او درگذرد﴾ بنابراین (با توجه به) ناآگاهی وی به حرام بودن ربا و آگاهی یافتن او پس از آن، آنچه گذشته حلال است و آنچه (از ربا) باقی مانده، باید نگهداری کند (دیگر رباخواری نکند).

۶- فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: مَا أَسْكَنْتَ؟ قَالَ: أَحَبُّ أَنْ أَعْرِفَ الْكِبَائِرَ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ. فَقَالَ: نَعَمْ يَا عَمْرُو أَكْبَرُ الْكِبَائِرِ الْإِشْرَاكُ بِاللَّهِ... وَأَكْلُ الرِّبَا لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَقُولُ: الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ...^۲

۱- نوادر أشعری: ۱۶۱ ج ۳۶ ح ۴۱۳، بحار الأنوار: ۱۱۷/۱۰۰ ج ۵ ب ۱۴ به نقل از فقه الرضا عليه السلام.

۲- کافی: ۲۸۵/۲ باب الكبائر... ح ۲۴، من لا یحضره الفقیه: ۵۶۳/۳، باب معرفة الكبائر التي...

سید کریم عبدالعظیم حسنی رحمته الله می گوید: امام محمد جواد رحمته الله فرمود: از پدرم شنیدم که فرمود: شخصی به نام عمرو بن عبید نزد امام صادق رحمته الله آمده و عرض کرد: می خواهم از قرآن کریم، گناهان بزرگ را بدانم. آن حضرت فرمودند: آری ای عمرو! بزرگترین گناهان شرک ورزیدن به خدا و... و رباخواری است زیرا خداوند در قرآن فرموده است: ﴿الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا...﴾ کسانی که ربا می خورند، به پا نمی خیزند؛ مگر مانند کسی که بر اثر تماس با شیطان، آشفته حال شده است رحمته الله.

۷- قال الإمام الصادق رحمته الله: أَكَلَ الرِّبَا لَا يَقُومُ حَتَّى يَتَخَبَّطَهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ.^۱
امام صادق رحمته الله می فرماید: رباخوار، بر نمی خیزد مگر اینکه شیطان به او بمالد (جن زده شده و به بیماری های روحی مبتلا گردد).

۸- وَمَنْ أَكَلَ الرِّبَا بِجَهَالَةٍ وَهُوَ لَا يَعْلَمُ أَنَّهُ حَرَامٌ، فَلَهُ مَا سَلَفَ وَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ فِيمَا لَا يَعْلَمُ وَمَنْ عَادَ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ.^۲

در کتاب «الهدایة» شیخ صدوق رحمته الله که مضمون آن متن احادیث اهل بیت علیهم السلام است، آمده: وهرکس ربا را با ناآگاهی بخورد درحالی که نمی دانسته حرام است، آنچه گذشته برای او (حلال) است و برای آنچه نمی دانسته، گناهی برایش نوشته نمی شود، و هرکس از آنان بازگردد (و دوباره رباخواری کند) از اهل آتش است.

۹- لَيْسَ الرِّبَا إِلَّا فِيمَا يُكَالُ أَوْ يُوزَنُ وَدِرْهَمُ رَبًّا أَعْظَمُ مِنْ سَبْعِينَ زَنِيَةً كُلُّهَا بِذَاتِ مَحْرَمٍ وَ الرِّبَا رِبَاءَانِ رَبًّا يُؤْكَلُ وَ رَبًّا لَا يُؤْكَلُ فَأَمَّا الَّذِي يُؤْكَلُ فَهُدَيْتُكَ إِلَى الرَّجُلِ تُرِيدُ

ح ۴۹۳۲، علل الشرائع: ۳۹۱/۲، ب ۱۳۱ ح ۱، عیون أخبار الرضا رحمته الله: ۲۵۸/۱، ب ۲۸ ح ۳۳، وسائل الشیعة: ۳۱۸/۱۵، ب ۴۶ ح ۲۰۶۲۹.

۱- تفسیر عیاشی: ۱۵۲/۱ ح ۵۰۳، وسائل الشیعة: ۱۲۴/۱۸ ح ۲۳۲۹۲.

۲- مستدرک الوسائل: ۳۳۷/۱۳، ب ۵ ح ۱۵۵۳۰، ۴.

النَّوَابَ أَفْضَلَ مِنْهَا وَ أَمَّا الَّذِي لَا يُؤْكَلُ فَهُوَ أَنْ يَدْفَعَ الرَّجُلُ عَشْرَةَ دَرَاهِمَ عَلَى أَنْ يَرُدَّ عَلَيْهِ أَكْثَرَ مِنْهَا فَهُوَ الرِّبَا الَّذِي نَهَى اللَّهُ عَنْهُ وَ مَنْ أَكَلَ الرِّبَا بِجَهَالَةٍ وَ هُوَ لَا يَعْلَمُ أَنَّهُ حَرَامٌ فَلَهُ مَا سَلَفَ وَ لَإِثْمَ عَلَيْهِ فِيمَا لَا يَعْلَمُ وَ مَنْ عَادَ فَأُولَئِكَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ.^۱

و نیز در این کتاب آمده است: ربا نیست مگر در معامله ای که با کِل (پیمانه) یا با وزن انجام شود. و گناه یک درهم ربا بسیار بزرگتر از گناه زنا با محارم است. و ربا دو ربا است: ربایی که خورده می شود (حلال است) و ربایی که خورده نمی شود (حرام است). اما ربایی که خورده می شود: هدیه توسست برای مردی که بهره و بیشتر از آن (اصل هدیه) را می خواهی، و اما ربایی که نباید خورده شود، آن است که (شخصی) به مردی ده درهم بدهد به این شرط و اساس که (وی) بیشتر از آن را بپردازد، پس آن ربا (حرام) می باشد که خداوند از آن نهی فرموده. و هرکس از روی ناآگاهی رباخورای کند و نداند که حرام است، آنچه گذشته از آن اوست و در آنچه نمی دانسته بر او گناهی نیست، و هرکس بازگردد (و دوباره رباخواری کند) پس از اهل آتش است.

آیه دوم: ﴿يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَ يُرْبِي الصَّدَقَاتِ وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ﴾^۲

ترجمه: خداوند ربا را نابود می سازد و صدقات را افزایش می دهد و خداوند هیچ انسان ناسپاس گناه کاری را دوست ندارد.

۱۰- رُوِيَ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ أَنَّهُ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ يَقْبَلُ الصَّدَقَاتِ وَ لَا يَقْبَلُ مِنْهَا إِلَّا الطَّيِّبَ وَيَأْخُذُهَا بِبَيْمِنِهِ ثُمَّ يُرْبِيهَا لِصَاحِبِهَا كَمَا يُرْبِي أَحَدُكُمْ مَهْرَهُ وَ فَصِيلَهُ حَتَّى تَصِيرَ اللَّقْمَةُ مِثْلَ جَبَلٍ أَحَدٍ وَ تَصْدِيقُ ذَلِكَ فِي كِتَابِ اللَّهِ: ﴿يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَ يُرْبِي

۱- بحار الأنوار: ۱۱۵/۱۰۰، ۵-الربا و أحكامها... ح ۲.

۲- (۲) سوره بقره: آیه ۲۷۶.

الصَّدَقَاتِ ﴿وَإِنَّ اللَّهَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ وَيَأْخُذُ الصَّدَقَاتِ﴾^۱

روایت شده که پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: همانا خداوند صدقات را می پذیرد و از آنها جز آنچه پاک (کارهای اقتصادی خوب و خالی از حرام) است را نمی پذیرد و آن را برای صاحبش رشد (برکت و فزونی) می دهد همانطور که یکی از شما کره اسب و بچه ماده شتر خود را پرورش می دهد، تا آنجا که (دادن) یک لقمه (که در راه خدا داده شود) مانند کوه احد، بزرگ می شود و تصدیق آن در کتاب خداوند است: ﴿يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُغْفِرُ الْغَلَطَ...﴾ خداوند ربا را نابود کرده و صدقات را افزایش می دهد ﴿و همانا خداوند توبه را می پذیرد و صدقات را می گیرد.

۱۱- وَ سَأَلَ رَجُلٌ الصَّادِقَ ﴿عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: ﴿يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُغْفِرُ الْغَلَطَ﴾ وَ قَدْ أَرَى مَنْ يَأْكُلُ الرِّبَا يَرْبُو مَالَهُ؟! فَقَالَ: فَأَيُّ مَحَقٍ أَمْحَقُ مِنْ دِرْهَمٍ رِبًا يَمْحَقُ الدِّينَ فَإِنْ تَابَ مِنْهُ ذَهَبَ مَالُهُ وَ افْتَقَرَ^۲.

مردی از امام صادق علیه السلام درباره بیان آیه ﴿يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَ...﴾ خداوند ربا را نابود می کند و صدقات را افزایش می دهد ﴿پرسش نمود و گفت: درحالی که رباخوار را می بینم که مالش بیشتر می شود! حضرت فرمود: کدام نابودی، نابود کننده تر از یک درهم رباست که دین (انسان) را از بین می برد و اگر توبه کند، اموالش از دستش می رود (باید به صاحبانشان برگرداند) و فقیر می شود؟

۱- جعفریات: ۷۳ باب السنة في البدنة...، مستدرک الوسائل: ۲۴۶/۷ ب ۴۲ ح ۸۱۵۷-۷ و ج ۱۰ ص ۱۰۲ ب ۲۷ ح ۱۱۵۸۰-۲.

۲- من لا يحضره الفقيه: ۲۷۹/۳ باب الربا... ح ۴۰۰۵، تهذيب الأحكام: ۱۵/۷ ب ۱ ح ۶۵-... عَنْ زُرَّارَةَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﴿قَالَ قُلْتُ لَهُ: إِنِّي سَمِعْتُ اللَّهَ يَقُولُ: يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُغْفِرُ الْغَلَطَ﴾ وَ قَدْ أَرَى مَنْ يَأْكُلُ الرِّبَا يَرْبُو مَالَهُ. فَقَالَ: أَيُّ مَحَقٍ أَمْحَقُ مِنْ دِرْهَمٍ رِبًا يَمْحَقُ الدِّينَ وَ إِنْ تَابَ مِنْهُ ذَهَبَ مَالُهُ وَ افْتَقَرَ. وَ ج ۷ ص ۱۹ ب ۸۳ به نقل از سَمَاعَةَ بن مهران از امام صادق علیه السلام، مانند آن را آورده است.

۱۲- تفسیر القمّی: فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ﴾ قَالَ: قِيلَ لِلصَّادِقِ (ع): قَدْ نَرَى الرَّجُلَ يُرْبِي وَمَالُهُ يَكْثُرُ؟ فَقَالَ: يَمْحَقُ اللَّهُ دِينَهُ وَإِنْ كَانَ مَالُهُ يَكْثُرُ.^۱

به امام صادق (ع) درباره آیه: ﴿يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَ...﴾ خداوند ربا را نابود می کند و صدقات را افزایش می دهد گفته شد: (چگونه است) می بینم کسی رباخواری می کند و مالش فزونی می یابد؟! حضرت فرمودند: خداوند (به سبب رباخواری) دین او را نابود می کند، گرچه مال او زیاد شده باشد.

آیه سوم: ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾^۲
ترجمه: کسانی که ایمان آوردند و اعمال نیکو انجام دادند، نماز را به پا داشته و زکات را پرداختند، پاداش ایشان نزد پروردگارشان است و هرگز ترسی (از آینده) و اندوه (از گذشته) نخواهند داشت.

آیه چهارم: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾^۳
ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید! از (مخالفت با فرمان) خدا بپرهیزید و آنچه را که از (مطالبات) ربا باقی مانده است؛ رها کنید، اگر ایمان دارید.

۱۳- عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) قَالَ: إِنَّ الْوَلِيدَ بْنَ الْمُغِيرَةَ كَانَ يُرْبِي فِي الْجَاهِلِيَّةِ وَقَدْ بَقِيَ لَهُ بَقَايَا عَلَى ثَقِيفٍ وَارَادَ خَالِدُ بْنُ الْوَلِيدِ الْمُطَالِبَةَ بَعْدَ أَنْ أَسْلَمَ فَنَزَلَتْ: ﴿اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ...﴾^۴.

۱- تفسیر قمی: ۹۳/۱، بحار الأنوار: ۱۱۷/۱۰۰ ب ۵ ح ۱۲، مستدرک الوسائل: ۳۳۳/۱۳ ب ۱ ح ۱۵۵۱۶-۲۱.

۲- (۲) سوره بقره: آیه ۲۷۷.

۳- (۲) سوره بقره: آیه ۲۷۸.

۴- تفسیر مجمع البیان: ۶۷۳/۲، تفسیر البرهان: ۵۵۷/۱، کنز العرفان فی فقه القرآن: ۳۸/۲، وسائل الشیعه: ۱۳۱/۱۸.

امام باقر (ع) فرمودند: ولید بن مغیره در زمان جاهلیت (پیش از اسلام) رباخواری می کرد و از قبیله ثقیف ربا طلبکار بود، و خالد فرزند وی می خواست پس از اسلام آوردن، آن (ربا) را از آنان درخواست کند، آنگاه این آیه نازل شد: ﴿اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا...﴾ - از (مخالفت با فرمان) خدا بپرهیزید و آنچه را که از (مطالبات) ربا باقی مانده است؛ رها کنید، اگر ایمان دارید ﴿﴾.

۱۴- سَأَلَ يَعْقُوبُ بْنُ شُعَيْبٍ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنِ الرَّجُلِ يَقْرَضُ الرَّجُلَ الدَّرَاهِمَ الْغِلَّةَ فَيَأْخُذُ مِنْهُ الدَّرَاهِمَ الطَّلَازِجِيَّةَ طَيِّبَةً بِهَا نَفْسُهُ؟ فَقَالَ: لَأَبَاسَ بِهِ وَذَكَرَ ذَلِكَ عَنْ عَلِيٍّ (ع). وَ الرَّبَّاءُ رِبَاءٌ رِبَاً يُؤْكَلُ وَ رَبًّا لَّا يُؤْكَلُ فَأَمَّا الَّذِي يُؤْكَلُ فَهُوَ هَدِيَّتُكَ إِلَى الرَّجُلِ تُرِيدُ الثَّوَابَ أَفْضَلَ مِنْهَا وَ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: ﴿وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ رَبًّا لِيَرْبُوهَا فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُوهَا عِنْدَ اللَّهِ﴾ وَ أَمَّا الَّذِي لَّا يُؤْكَلُ فَهُوَ أَنْ يَدْفَعَ الرَّجُلُ إِلَى الرَّجُلِ عَشْرَةَ دَرَاهِمٍ عَلَى أَنْ يَرُدَّ عَلَيْهِ أَكْثَرَ مِنْهَا فَهَذَا الرَّبَّا الَّذِي نَهَى اللَّهُ عَنْهُ فَقَالَ: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ ذَرُّوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ إِنْ تَبْتِغُوا فَلَكُمْ رُؤُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ﴾ عَنِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ أَنْ يَرُدَّ أَكْلَ الرَّبَا الْفَضْلَ الَّذِي أَخَذَهُ عَنْ رَأْسِ مَالِهِ حَتَّى اللَّحْمُ الَّذِي عَلَى بَدَنِهِ مِمَّا حَمَلَهُ مِنَ الرِّبَا عَلَيْهِ أَنْ يَضَعَهُ فَإِذَا وَفَّقَ لِلتَّوْبَةِ أَذْمَنَ دُخُولَ الْحَمَّامِ لِيَنْقُصَ لَحْمُهُ عَنْ بَدَنِهِ وَ إِذَا قَالَ الرَّجُلُ لِصَاحِبِهِ عَاوِضْنِي بِفَرَسِي فَرَسَكَ وَ أَزِيدَكَ فَلَا يَصْلُحُ وَ لَا يَجُوزُ ذَلِكَ وَ لَكِنَّهُ يَقُولُ أُعْطِنِي فَرَسَكَ بِكَذَا وَ كَذَا وَ أُعْطِيكَ فَرَسِي بِكَذَا وَ كَذَا.^۱

يعقوب بن شعيب از امام صادق (ع) پرسش نمود از مردی که پولی که نه را قرض می گیرد تا نوی آن را باز پس دهد؟ فرمود: اشکالی ندارد، و این از حضرت

علی ﷺ ذکر شده است.

و ربا دو رباست، ربایی که خورده می شود (حلال) و دیگری که خورده نمی شود (حرام)، اما آنکه خورده می شود، هدیه تو برای مردی است که ثواب (مقدار) بیشتری را بخواهی (بدون شرط) و فرمایش خداوند در این باره است: ﴿وَمَا آتَيْتُم مِّن رِّبًا... آنچه به عنوان ربا می دهید تا در اموال مردم فزونی یابد؛ نزد خداوند فزونی نخواهد یافت﴾ و اما آن ربایی که خورده نمی شود (حرام است) آن است که مردی مبلغ ده درهم به کسی بدهد به این شرط که بیشتر از آن را به او برگرداند، و این ربایی است که خداوند در قرآن از آن نهی فرموده: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ... ای کسانی که ایمان آورده اید! از (مخالفت با فرمان) خدا بپرهیزید و آنچه را که از (مطالبات) ربا باقی مانده؛ رها کنید، اگر ایمان دارید. اگر چنین نکنید (دست از رباخواری برندارید) بدانید خدا و رسولش با شما پیکار خواهند کرد و اگر توبه کنید، سرمایه های شما برای شماست (اصل سرمایه بدون ربا)، نه ستم می کنید و نه به شما ستم می شود﴾ خداوند قصد نموده است که زیادتى از سرمایه (ربا) را به صاحبش بازگرداند؛ حتّی آن گوشتی را که از پول حرام بر تن او روییده است، فروگذارد (آب کند) البته پس از کسب توفیق توبه نمودن، بسیار به حَمَام برود تا آن گوشت را از تن خود از بین ببرد.

و اگر کسی به دیگری بگوید در عوض اسب من اسبت را به من بده و مبلغ بیشتری به تو زیادت می دهم؛ جایز نیست (ربا است) اما بگوید اسبت را به فلان مبلغ بفروش و اسبم را به فلان مبلغ به تو می دهم (جایز است).

توضیح: دو معامله جدا از هم انجام بگیرد و این همان «بیع» (خرید و فروش حلال)

است.

۱۵- عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَّارَةَ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: أَخْبِرْنِي عَنِ الْكَبَائِرِ فَقَالَ: هُنَّ خَمْسٌ وَمَا أَوْجَبَ اللَّهُ عَلَيْهِنَّ النَّارَ... وَفَوَلُّهُ: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا...﴾^۱.

عبید بن زراره می گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: مرا از گناهان بزرگ آگاه کنید. آن حضرت فرمودند: (بزرگترین گناهان) پنج گناه می باشد، همان گناهانی که خداوند برای انجام آنها آتش جهنم را واجب نموده... و (ربا که) در سخن خود فرموده: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا...﴾ - ای کسانی که ایمان آورده اید! از (مخالفت با فرمان) خدا بپرهیزید و آنچه را که از (مطالبات) ربا باقی مانده است؛ رها کنید، اگر ایمان دارید.

۱۶- عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِنَّ التَّوْبَةَ مُطَهَّرَةٌ مِنْ دَنَسِ الْخَطِيئَةِ قَالَ اللَّهُ: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ... لَا تَظْلُمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ﴾ فَهَذَا مَا دَعَا اللَّهُ إِلَيْهِ عِبَادَهُ مِنَ التَّوْبَةِ وَوَعَدَ عَلَيْهَا مِنْ ثَوَابِهِ فَمَنْ خَالَفَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ مِنَ التَّوْبَةِ سَخِطَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَكَانَتْ النَّارُ أَوْلَىٰ بِهِ وَآحَقُّ^۲.

امام صادق عليه السلام فرمودند: همانا توبه پاک کننده از آلودگی خطاهاست، خداوند فرموده: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا...﴾ - ای کسانی که ایمان آورده اید! از (مخالفت با فرمان) خدا بپرهیزید و آنچه را که از (مطالبات) ربا باقی مانده است؛ رها کنید، اگر ایمان دارید. اگر چنین نکنید (دست از رباخواری برندارید)، بدانید خداوند

۱- ثواب الأعمال: ۲۳۳، خصال: ۲۷۳/۱ ح ۱۷، علل الشرائع: ۴۷۵/۲ ب ۲۲۳ ح ۳، وسائل الشیعه: ۳۲۷/۱۵ ب ۴۶ ح ۲۰۶۵۵، بحار الأنوار: ۴/۷۶ ب ۵-۴۸ ح ۵.

۲- تفسیر عیاشی: ۱/۱۵۳ ح ۵۱۲ ص ۳۶۱ ح ۲۷، وسائل الشیعه: ۱۲۴/۱۸ ح ۲۳۲۹۳، بحار الأنوار: ۳۳/۶ ب ۲۰ ح ۴۵ و ج ۱۲۳/۱۰۰ ب ۵ ح ۴۱، مستدرک الوسائل: ۱۲/۱۲۵ ب ۸۶ ح ۱۳۶۹۶ و ۱۳۶۹۸-۴.

و رسولش با شما پیکار خواهند کرد و اگر توبه کنید، سرمایه های شما (اصل سرمایه بدون ربا) برای شماست، نه ستم می کنید و نه به شما ستم می شود ﴿و آنچه را که خداوند به سوی آن خوانده؛ توبه است و وعده پاداش برای آن داده، پس هرکس با فرمان خداوند درباره توبه کردن مخالفت کند، خداوند بر او غضب می کند و آتش برای او سزاوارتر است.

۱۷- فقه الرضا: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِنِّي بِذَلِكَ أَمْرٌ الْفَضْلُ الَّذِي أَخَذَهُ عَلَى رَأْسِ مَالِهِ حَتَّى اللَّحْمَ الَّذِي عَلَى بَدَنِهِ بِالذُّخُولِ إِلَى الْحَمَّامِ كُلِّ يَوْمٍ عَلَى الرِّيقِ هَذَا إِذَا تَابَ عَنْ أَكْلِ الرِّبَا وَأَخَذَهُ وَمُعَامَلَتِهِ. ۱

در فقه الرضا: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا... ای کسانی که ایمان آورده اید! از (مخالفت با فرمان) خدا پرهیزید و آنچه را که از (مطالبات) ربا باقی مانده است؛ رها کنید ﴿آمده است که آن حضرت فرمودند: مقصود آن است که زیادتى از اصل سرمایه را بازگرداند (ربا را پس دهد) حتى آن گوشتى که بر اثر خوردن مال ربا بر تن او روییده است با هر روز ناشتا به حمام رفتن آب کند، اگر از رباخواری و گرفتن ربا و معامله ربوی توبه نموده باشد.

۱۸- وَاعْلَمَنَّ أَنَّ الرِّبَا رِبَاؤَانِ، إِلَى أَنْ قَالَ: وَرِبَاٌ يُؤْكَلُ وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِنْ تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُؤُوسُ أَمْوَالِكُمْ﴾ يَعْنِي: أَنْ يَرُدَّ أَكْلُ الرِّبَا عَلَى صَاحِبِهِ الْفَضْلُ الَّذِي أَخَذَهُ عَنْ رَأْسِ مَالِهِ وَرُوي: حَتَّى اللَّحْمَ الَّذِي عَلَى بَدَنِهِ عَلَيْهِ أَنْ

يَضَعَهُ وَإِذَا وَفَّقَ لِلتَّوْبَةِ أَذْمَنَ دُخُولَ الْحَمَامِ لِيَنْقُصَ لَحْمُهُ عَنْ بَدَنِهِ.^۱

شیخ صدوق رحمته الله در کتاب شریف «المقنع» که حاوی متن روایات است فرموده است: و بدان! ربا دو ربا می باشد... تا اینکه فرمود: و ربایی که خورده می شود (حلال است) و آن (در) سخن خداوند است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا... ای کسانی که ایمان آورده اید! از (مخالفت با فرمان) خدا بپرهیزید و آنچه را که از (مطالبات) ربا باقی مانده است؛ رها کنید. اگر چنین نکنید (دست از رباخواری برندارید)، بدانید خدا و رسولش با شما پیکار خواهند کرد و اگر توبه کنید، سرمایه های شما (اصل سرمایه بدون ربا) برای شماست﴾ یعنی رباخوار، ربا و زیادتی بر اصل سرمایه (قرض) را به صاحب آن برگرداند. و روایت شده است که حتی آن گوشتی که از مال حرام ربا، بر تن رباخوار روییده است، اگر توفیق توبه یافت باید چندان به حَمَام برود تا آن گوشت را از تن خود کم کند (ذوب نماید).

آیه پنجم: ﴿فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِنْ تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُؤُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ﴾^۲

ترجمه: اگر چنین نکنید (دست از رباخواری برندارید)، بدانید خدا و رسولش با شما پیکار خواهند کرد و اگر توبه کنید، سرمایه های شما برای شماست (اصل سرمایه بدون ربا)، نه ستم می کنید و نه بر شما ستم می شود.

۱۹- قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ أَخَذَ الرِّبَا وَجَبَ عَلَيْهِ الْقَتْلُ وَكُلُّ مَنْ أَرَبَى وَجَبَ عَلَيْهِ الْقَتْلُ.^۳

۱- مستدرک الوسائل: ۳۳۷/۱۳، ج ۵، ح ۱۵۵۲۹-۳.

۲- (۲) سوره بقره: آیه ۲۷۹.

۳- تفسیر قمی: ۹۳/۱، بحار الأنوار: ۱۸/۱۰۰، ج ۵، ۱۸، مستدرک الوسائل: ۳۳۴/۱۳، ج ۲، ح ۱۵۵۱۹-۱.

پیامبر اکرم ﷺ پس از نزول این آیه فرمودند: هرکس ربا بگیرد، یا ربا بدهد؛ کشتن او واجب است.

۲۰- عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سُئِلَ عَنِ الرَّجُلِ يَكُونُ لَهُ دَيْنٌ إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى فَيَأْتِيهِ غَرِيمُهُ فَيَقُولُ انْقُذْنِي كَذَا وَكَذَا وَأَضْعُ عَنْكَ بَقِيَّتَهُ أَوْ يَقُولُ انْقُذْنِي بَعْضَهُ وَأُمِدُّ لَكَ فِي الْأَجَلِ فِيمَا بَقِيَ عَلَيْكَ؟ قَالَ: لَا أَرَى بِهِ بَأْسًا إِنَّهُ لَمْ يَزِدْ عَلَى رَأْسِ مَالِهِ (مَا لَمْ يَزِدْ عَلَى رَأْسِ مَالِهِ شَيْئًا - الفقيه) قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿فَلَكُمْ رُؤُسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ﴾^۱

از امام صادق عليه السلام درباره کسی که بدهکار است پرسیده شد: اگر طلبکار وی بیايد و بگويد: بدهی ات را که چنین و چنان (مقدار و زمان) است به من نقد بده، من نیز مقداری از آن را از تو نمی گیرم، یا بگويد بخشی از آن را نقدی به من بده و برای بخش دیگر بر مهلت تو می افزایم؛ چگونه است؟ فرمود: اشکالی ندارد زیرا او بر مبلغ (سرمایه و اصل طلب) نمی افزاید و خداوند می فرماید: ﴿فَلَكُمْ رُؤُسُ أَمْوَالِكُمْ... سرمایه های شما برای شماست (اصل سرمایه بدون ربا)، نه ستم می کنید و نه بر شما ستم می شود﴾.

آیه ششم: ﴿وَإِنْ كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَىٰ مَيْسَرَةٍ وَأَنْ تَصَدَّقُوا خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾^۲

۱- کافی: ۲۵۹/۵، باب الصلح... ح ۴، من لا يحضره الفقيه: ۳۳/۳، باب الصلح... ح ۳۲۷۰، تهذيب الأحكام: ۲۰۷/۶ ب ۸۳ ح ۶-... عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام، وَ... عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُمَا قَالَا: فِي الرَّجُلِ يَكُونُ عَلَيْهِ الدَّيْنُ إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى فَيَأْتِيهِ غَرِيمُهُ فَيَقُولُ انْقُذْنِي مِنَ الَّذِي لِي كَذَا وَكَذَا وَأَضْعُ عَنْكَ بَقِيَّتَهُ أَوْ يَقُولُ انْقُذْ لِي بَعْضًا وَأُمِدُّ لَكَ فِي الْأَجَلِ فِيمَا بَقِيَ؟ قَالَ: لَا أَرَى بِهِ بَأْسًا مَا لَمْ يَزِدْ عَلَى رَأْسِ مَالِهِ شَيْئًا، يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿فَلَكُمْ رُؤُسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ﴾.

ترجمه: و چنانچه (بدهکار) تنگ دست است، او را تا هنگام توانایی، مهلت دهید (و اگر قدرت پرداخت بدهی را ندارد) برای خدا بر او ببخشید، این کار برای شما بهتر است؛ اگر (منافع این کار را) بدانید.

۲۱- قال الإمام الصادق (ع): صَعِدَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) الْمُنْبَرَ ذَاتَ يَوْمٍ فَحَمِدَ اللَّهَ وَ أَثْنَى عَلَيْهِ وَ صَلَّى عَلَى أَنْبِيَائِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ ثُمَّ قَالَ: أَيُّهَا النَّاسُ لِيُبَلِّغِ الشَّاهِدُ مِنْكُمْ الْغَائِبَ أَلَا وَ مَنْ أَنْظَرَ مُعْسِرًا كَانَ لَهُ عَلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فِي كُلِّ يَوْمٍ صَدَقَةٌ بِمِثْلِ مَالِهِ حَتَّى يَسْتَوْفِيَهُ ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع): ﴿وَ إِنْ كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَى مَيْسَرَةٍ وَ أَنْ تَصَدَّقُوا خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ أَنَّهُ مُعْسِرٌ فَتَصَدَّقُوا عَلَيْهِ بِمَالِكُمْ فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ^۱.

امام صادق (ع) فرمودند: روزی پیامبر اکرم (ص) بر فراز منبر رفتند و پس از حمد و ثنای خداوند و درود فرستادن بر پیامبرانش فرمودند: ای مردم! حاضران به غایبان اطلاع دهید: هرکس به کسی که توان بازپس دادن بدهی خود را ندارد؛ مهلت دهد، به جای هر یک روز که به او مهلت داده خداوند ثواب صدقه ای مانند تمام مال وی به او می دهد، تا زمانی که بدهکار بتواند بدهی را بدهد.

سپس امام صادق (ع) فرمود: ﴿وَ إِنْ كَانَ ذُو عُسْرَةٍ... وَ اگر (بدهکار) تنگ دست است، او را تا هنگام توانایی، مهلت دهید (و اگر قدرت پرداخت بدهی را ندارد) برای خدا بر او ببخشید، این کار برای شما بهتر است؛ اگر (منافع این کار را) بدانید﴾ اگر می دانید بدهکار از پرداخت بدهی ناتوان است، با مال و دارایی خود به او صدقه دهید که همان برای شما بهتر است.

۲۲- وَ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (ع) أَنَّهُ قَالَ: لَأَحْبَسَ عَلَى مُفْلِسٍ قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: ﴿وَ إِنْ كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَى مَيْسَرَةٍ﴾ وَ الْمُعْسِرُ إِذَا ثَبَتَ عَدَمُهُ لَمْ يَكُنْ عَلَيْهِ حَبْسٌ وَ إِنْ

۱- کافی: ۳۵/۴، باب إنظار المعسر... ح ۴، من لا يحضره الفقيه: ۵۸/۲، باب ثواب إنظار المعسر... ح ۱۷۰۱.

كَانَ عَلَيْهِ دَيْنٌ مِنْ شَيْءٍ وَصَلَ إِلَيْهِ فَالْبَيِّنَةُ عَلَيْهِ فِي دَعْوَى الْعَدَمِ إِنْ دَفَعَ ذَلِكَ خَصْمَهُ
وَإِنْ كَانَ فِي شَيْءٍ لَمْ يَصِلْ إِلَيْهِ كَدِّينٍ لَزِمَهُ مِنْ جَنَائَةٍ أَوْ كَفَالَةٍ أَوْ حَوَالَةٍ أَوْ صَدَاقِ
امْرَأَةٍ أَوْ مَا أَشْبَهَ ذَلِكَ فَالْقَوْلُ قَوْلُهُ مَعَ يَمِينِهِ مَا لَمْ يَظْهَرْ لَهُ مَالٌ أَوْ تَقْوَمَ عَلَيْهِ بَيِّنَةٌ.^۱
حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند: ورشکسته را نباید زندانی نمود، خداوند
فرموده: ﴿وَإِنْ كَانَ ذُو عُسْرَةٍ - و اگر (بدهکار) تنگ دست است، او را تا هنگام
توانایی، مهلت دهید﴾ و کسی که ناتوان است؛ اگر ناتوانی وی از پرداخت بدهی
مردم ثابت شود، نباید زندانی شود، و اگر از کسی طلبی داشته باشد که به وی
رسیده است، باید در مورد ادّعی عدم آن دلیل بیاورد تا ادّعی دشمن خود را
دفع نماید و اگر درباره بدهی ای است که چیزی به او نرسیده مانند جنایت (قتل
و...) یا کفالت و یا حواله و یا بدهی مهریه همسرش و مانند آن، تا زمانی که
مالی برایش معلوم نشده و یا دلیل علیه او نباشد، با قسم خوردن وی، سخن
سخن اوست و مورد قبول.

۲۳- الإمام الصادق (علیه السلام): أَقِيمُوا الشَّهَادَةَ عَلَى الْوَالِدَيْنِ وَالْوَلَدِ وَلَا تُقِيمُوهَا عَلَى الْأَخِ فِي
الدَّيْنِ الضَّيِّرِ. قُلْتُ: وَمَا الضَّيِّرُ؟ قَالَ: إِذَا تَعَدَّى فِيهِ صَاحِبُ الْحَقِّ الَّذِي يَدَّعِيهِ قَبْلَهُ
خِلَافَ مَا أَمَرَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ وَرَسُولُهُ (علیه السلام) وَ مَثَلُ ذَلِكَ أَنْ يَكُونَ لِرَجُلٍ عَلَى آخَرٍ دَيْنٌ وَهُوَ
مُعْسِرٌ وَقَدْ أَمَرَ اللَّهُ تَعَالَى بِإِنْظَارِهِ حَتَّى يُبَسَّرَ فَقَالَ: ﴿فَنَظَرْتُ إِلَى مَيْسَرَةٍ﴾ وَ يَسْأَلُكَ
أَنْ تُقِيمَ الشَّهَادَةَ وَأَنْتَ تَعْرِفُهُ بِالْعُسْرِ فَلَا يَحِلُّ لَكَ أَنْ تُقِيمَ الشَّهَادَةَ فِي حَالِ الْعُسْرِ.^۲

امام صادق (علیه السلام) فرمود: شهادت را بر پدر و مادر و فرزند اقامه کنید ولی بر برادر
دینی خود که بدهکار و ورشکسته است، زمانی که صاحب حق (طلبکار) تعدّی

۱- دعائم الاسلام: ۷۱/۲ فصل ۱۷، مستدرک الوسائل: ۴۳۱/۱۳ ج ۶ ح ۱۵۸۲۰-۲.

۲- من لا یحضره الفقیه: ۴۹/۳، باب من یجب رد شهادته و... ح ۳۳۰۴، تهذیب الأحکام: ۲۵۷/۶ ج ۹۱

نمود و برخلاف امر خداوند و پیامبرش ﷺ (زیادتی و ربا) بخواهد؛ اقامه نکنید، مانند کسی که بدهکار و ناتوان از پس دادن بدهی است درحالی که خداوند امر فرموده است: ﴿فَنَظِرَةٌ إِلَى مَيْسَرَةٍ﴾ - او را تا هنگام توانایی، مهلت دهید ﴿به او تا زمانی که بتواند (بدهی را) پس دهد مهلت داده شود، و از تو بخواهد که به زیان او شهادت بدهی در حالی که آگاهی داری از پرداخت بدهی ناتوان است، بنابراین بر تو حلال نیست در هنگام ناتوانی وی، علیه او گواهی بدهی.

۲۴- عَنْ الصَّادِقِ ؑ أَنَّهُ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُحِبُّ إِنْظَارَ الْمُعْسِرِ وَمَنْ كَانَ غَرِيمُهُ مُعْسِرًا فَعَلَيْهِ أَنْ يُنْظِرَهُ إِلَى مَيْسَرَةٍ إِنْ كَانَ أَنْفَقَ مَا أَخَذَ فِي طَاعَةِ اللَّهِ وَإِنْ كَانَ أَنْفَقَ ذَلِكَ فِي مَعْصِيَةِ اللَّهِ فَلَيْسَ عَلَيْهِ أَنْ يُنْظِرَهُ إِلَى مَيْسَرَةٍ وَ لَيْسَ هُوَ مِنْ أَهْلِ الْآيَةِ الَّتِي قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿فَنَظِرَةٌ إِلَى مَيْسَرَةٍ﴾^۱.

امام صادق ؑ فرمود: خدا مهلت دادن به بدهکاری که توانایی ندارد بدهی اش را بپردازد؛ دوست می دارد، و هرکس که بدهکارش ناتوان است، اگر آنچه گرفته در راه طاعت خدا (غیر حرام) مصرف کرده است تا زمان توانایی (به او) مهلت بدهد. ولی اگر در راه نافرمانی خداوند صرف کرده باشد، نباید به او مهلت داده شود و او از اهل این آیه: ﴿فَنَظِرَةٌ إِلَى مَيْسَرَةٍ﴾ - او را تا هنگام توانایی، مهلت دهید ﴿نیست (این آیه شامل حال وی نمی شود).

۲۵- سَأَلَ الرِّضَاءُ رَجُلًا وَأَنَا أَسْمَعُ فَقَالَ لَهُ: جُعِلَتْ فِدَاكَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: ﴿وَإِنْ كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَى مَيْسَرَةٍ﴾ أَخْبَرَنِي عَنْ هَذِهِ النَّظِرَةِ الَّتِي ذَكَرَهَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي كِتَابِهِ لَهَا حَدٌّ يُعْرَفُ إِذَا صَارَ هَذَا الْمُعْسِرُ إِلَيْهِ لَا بُدَّ لَهُ مِنْ أَنْ يُنْتَظَرَ وَقَدْ أَخَذَ مَالَ هَذَا الرَّجُلِ وَأَنْفَقَهُ عَلَى عِيَالِهِ وَ لَيْسَ لَهُ غَلَّةٌ يُنْتَظَرُ إِذْرَاكُهَا وَ لَا دَيْنٌ يُنْتَظَرُ مَجْلُهُ وَ

لَا مَالَ غَائِبٍ يُنْتَظَرُ قُدُومُهُ؟ قَالَ: نَعَمْ يُنْتَظَرُ بِقَدْرِ مَا يَنْتَهِي خَبَرُهُ إِلَى الْإِمَامِ فَيَقْضِي عَنْهُ مَا عَلَيْهِ مِنْ سَهْمِ الْغَارِمِينَ إِذَا كَانَ أَنْفَقَهُ فِي طَاعَةِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فَإِنْ كَانَ قَدْ أَنْفَقَهُ فِي مَعْصِيَةِ اللَّهِ فَلَا شَيْءَ لَهُ عَلَى الْإِمَامِ. قُلْتُ: فَمَا لِهَذَا الرَّجُلِ الَّذِي اتَّيَمَّنَهُ وَهُوَ لَا يَعْلَمُ فِيمَا أَنْفَقَهُ فِي طَاعَةِ اللَّهِ أَمْ فِي مَعْصِيَتِهِ؟ قَالَ: يَسْعَى لَهُ فِي مَالِهِ فَيَرُدُّهُ عَلَيْهِ وَهُوَ صَاغِرٌ^۱.

مردی از حضرت امام رضا علیه السلام پرسش نموده و عرض کرد: فدایت شوم! خداوند متعال، در قرآن می فرماید: ﴿وَإِنْ كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَى مَيْسَرَةٍ﴾ - او را تا هنگام توانایی، مهلت دهید ﴿﴾ مرا از معنای «مهلت» در این آیه آگاه کن؛ آیا برای این مهلت، حدّی (اندازه ای) است که اگر بدهکار ناتوان از پرداخت بدهی به آن حد رسیده باشد، باید به وی مهلت داده شود؟ درحالی که مال کسی را می گیرد و برای خانواده اش مصرف می کند، درحالی که نه غلّه ای (محصولی) دارد که منتظر برداشت آن باشد و نه طلبی دارد که منتظر وصول آن باشد و نه در جایی مالی دارد که منتظر رسیدن آن باشد. (آیا به این فرد هم باید مهلت داد؟)

امام رضا علیه السلام فرمود: آری، مهلت داده می شود تا اینکه خبر نیاز وی به امام برسد و بدهی او را از سهم ورشکستگان و بدهکاران پردازد، البته این در صورتی است که مال طلبکار را در راه طاعت و فرمانبرداری از خداوند خرج نموده باشد، اما اگر مال را در راه معصیت (نافرمانی) خدا هزینه کرده باشد، چیزی به عهده امام نیست (امام بدهی را نمی پردازد).

۱- کافی: ۹۳/۵، باب الدین... ۵ح، تفسیر عیاشی: ۱۵۵/۱ ح ۵۲۰، تهذیب الأحکام: ۱۸۵/۶ ب ۸۱ ح ۱۰، وسائل الشیعه: ۳۳۶/۱۸ ب ح ۲۳۷۹۶، بحار الأنوار: ۱۵۲/۱۰۰ ب ح ۴، مستدرک الوسائل: ۱۲۹/۷ ح ۷۸۲۳-۳ و ج ۱۳ ص ۳۹۷ ب ح ۱۵۷۱۷-۱.

وی گفت: عرض نمودم: پس به این مردی که به او پول داده و او را امین دانسته درحالی که نمی داند آن مال را در راه طاعت صرف نموده یا معصیت چه می رسد؟ امام رضا علیه السلام فرمود: برای بازگرداندن مال خود چنان کوشش و پیگیری بنماید تا (بدهکار) خسته شده و مال را بازگرداند.

۲۶- وَإِنْ كَانَ لَكَ عَلَى رَجُلٍ مَالٌ وَكَانَ مُعْسِراً وَأَنْفَقَ مَا أَخَذَهُ مِنْكَ فِي طَاعَةِ اللَّهِ فَاَنْظِرْهُ إِلَى مَيْسَرَةٍ وَهُوَ أَنْ يَبْلُغَ خَبَرَهُ الْإِمَامَ فَيَقْضِي عَنْهُ دَيْنَهُ أَوْ يَجِدَ الرَّجُلُ طَوْلاً فَيَقْضِي دَيْنَهُ وَإِنْ كَانَ أَنْفَقَ مَا أَخَذَهُ مِنْكَ فِي مَعْصِيَةِ اللَّهِ فَطَالِبُهُ بِحَقِّكَ فَلَيْسَ هُوَ مِنْ أَهْلِ هَذِهِ الْآيَةِ الَّتِي قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: ﴿فَنَظِرَةٌ إِلَى مَيْسَرَةٍ﴾.^۱

شیخ صدوق رحمته الله در کتاب شریف «المقنع» - که متن روایات اهل بیت علیهم السلام است - آورده: و اگر برای تو مالی بر عهده (گردن) کسی است که از بازپس دادن (آن) ناتوان است و او آن مال را در راه اطاعت و فرمانبرداری از خداوند مصرف نموده است، به او تا زمانی که بتواند (بدهی اش را) بپردازد؛ مهلت بده تا اینکه خبر او به امام برسد و امام بدهی اش را از طرف او بپردازد و یا اینکه بدهکار راه چاره ای بیابد و بدهی خود را بدهد، و اگر مال تو را در راه گناه و نافرمانی خدا مصرف کرده باشد، حق خود را از او طلب نما که او از اهل این آیه که خداوند فرموده است: ﴿فَنَظِرَةٌ إِلَى مَيْسَرَةٍ﴾ - او را تا هنگام توانایی، مهلت دهید نیست. آیه هفتم: ﴿وَاتَّقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾^۲

ترجمه: و پروا کنید از روزی که به سوی خدا بازگردانده می شوید، سپس به

۱- مستدرک الوسائل: ۴۰۱/۱۳ ب ۹۱۵۷۲۵-۹ و ج ۱۳ ص ۴۱۲ ب ۲۳ ح ۱۵۷۵۵-۳.

۲- (۲) سوره بقره: آیه ۲۸۱.

هرکس آنچه را انجام داده، به طور کامل بازپس داده شود و بر آنها ستم نخواهد شد (هر چه ببینند، نتایج اعمال و بلکه عین عمل آنهاست).

آیه هشتم: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَعْضٌ مِّنْ بَعْضٍ مَّضَاعَفَةً وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید! ربا را چند برابر نخورید و از (نافرمانی) خدا بپرهیزید تا رستگار شوید.

آیه نهم: ﴿وَ اتَّقُوا النَّارَ الَّتِي أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ﴾

ترجمه: و از آتشی که برای کافران مهیا گردیده؛ پروا کنید.

آیه دهم: ﴿وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾^۱

ترجمه: و از فرمان خداوند و پیامبر اطاعت کنید تا مورد رحمت قرار گیرید.

آیه یازدهم: ﴿وَ مَا آتَيْتُم مِّن رِّبَا لِّيَرْبُوَا فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُوا عِنْدَ اللَّهِ وَ مَا آتَيْتُم مِّن زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُضْعِفُونَ﴾^۲

ترجمه: آنچه به عنوان ربا می دهید تا در اموال مردم فزونی یابد، نزد خداوند فزونی نخواهد یافت و آنچه را به عنوان زکات می پردازید و تنها رضای خدا را می طلبید (مایه برکت است) و برای کسانی که چنین می کنند، پاداشی چند برابر است.

۲۷- عَنْ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام قَالَ: مِنَ السُّحْتِ... وَ الْهَدِيَّةُ يُلْتَمَسُ أَفْضَلُ مِنْهَا وَ ذَلِكَ قَوْلُهُ تَعَالَى: ﴿وَ لَا تَمْنُنْ تَسْتَكْثِرُ﴾ وَ هُوَ قَوْلُهُ تَعَالَى: ﴿وَ مَا آتَيْتُم مِّن رِّبَا لِّيَرْبُوَا فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُوا عِنْدَ اللَّهِ﴾ وَ هِيَ الْهَدِيَّةُ يُطْلَبُ مِنْهَا مَن تَرَاثَ الدُّنْيَا أَكْثَرَ مِنْهَا

۱- (۳) سوره آل عمران: آیات ۱۳۰-۱۳۲.

۲- (۳۰) سوره روم: آیه ۳۹.

و...۱

حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: از جمله اموال حرام... هدیه ای است که (شخصی) بدهد و بخواهد فزونتر از آن را به او بازپس دهند و آن سخن خداوند است که فرمود: ﴿وَلَا تَمْنُنْ تَسْتَكْثِرُ﴾ و بر هر کس احسان می کنی، هرگز منت نگذار و عوض افزون نخواه ﴿وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ...﴾ آنچه به عنوان ربا می دهید تا در اموال مردم فزونی یابد، نزد خدا فزونی نخواهد یافت ﴿وَمَقْصُودُ أَنْ هَدِيهَ إِيَّاهُ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ تَسْأَلَ مِنْهُ﴾ .

۲۸- عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: الرَّبَا رِبَاءَانِ رَبًّا يُؤْكَلُ وَرَبًّا لَا يُؤْكَلُ فَأَمَّا الَّذِي يُؤْكَلُ فَهَدْيُكَ إِلَى الرَّجُلِ تَطْلُبُ مِنْهُ الثَّوَابُ أَفْضَلُ مِنْهَا فَذَلِكَ الرَّبَا الَّذِي يُؤْكَلُ وَهُوَ قَوْلُهُ عَزَّوَجَلَّ: ﴿وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ رَبٍّ لِيَرْبُؤَا فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُؤُوا عِنْدَ اللَّهِ﴾ وَأَمَّا الَّذِي لَا يُؤْكَلُ فَهُوَ الرَّبَا الَّذِي نَهَى اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَنْهُ وَأَوْعَدَ عَلَيْهِ النَّارَ.^۱

امام صادق عليه السلام فرمودند: ربا دو ربا است، یکی حلال است و خورده می شود و دیگری حرام است و نباید خورده شود، اما آنکه خورده می شود (حلال است): هدیه ای است که تو به مردی می دهی و درخواست فزونی از وی می کنی، پس این همان ربایی است که خورده می شود و همان سخن خداوند است که فرمود: ﴿وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ رَبٍّ﴾ آنچه به عنوان ربا می دهید تا در اموال مردم فزونی یابد، نزد خداوند فزونی نخواهد یافت ﴿وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ رَبٍّ لِيَرْبُؤَا فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُؤُوا عِنْدَ اللَّهِ﴾ و اما آنکه خورده نمی شود (حرام است): ربایی است که خداوند از آن نهی فرموده و برای آن وعده آتش داده است.

۲۹- عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: ﴿وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ رَبٍّ لِيَرْبُؤَا فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُؤُوا عِنْدَ اللَّهِ﴾ وَأَمَّا الَّذِي لَا يُؤْكَلُ فَهُوَ الرَّبَا الَّذِي نَهَى اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَنْهُ وَأَوْعَدَ عَلَيْهِ النَّارَ.^۲

۱- جعفریات: ۱۸۰، مستدرک الوسائل: ۶۹/۱۳، ج ۵، ۱۴۷۷۳-۱.

۲- کافی: ۱۴۵/۵، باب الربا... ۶، تهذیب الأحکام: ۱۷/۷، ج ۱، ۷۳، وسائل الشیعه: ۱۸/۱۲۵، ج ۳.

النَّاسِ فَلَا يَرْبُؤُوا عِنْدَ اللَّهِ ﴿۱﴾ قَالَ: هُوَ هَدَيْتُكَ إِلَى الرَّجُلِ تَطْلُبُ مِنْهُ الثَّوَابَ أَفْضَلَ مِنْهَا فَذَلِكَ رَبًّا يُؤْكَلُ^۱.

امام صادق (ع) درباره سخن خداوند: ﴿وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ رَبًّا...﴾ آنچه به عنوان ربا می دهید تا در اموال مردم فزونی یابد، نزد خداوند فزونی نخواهد یافت ﴿فرمود: ربا در این آیه همان هدیه توست به مردی که به سبب آن درخواست زیادتی از وی نمایی.

۳۰- عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: الرَّبَّا رَبَاءَانِ أَحَدُهُمَا رَبًّا حَلَالٌ وَالْآخَرُ حَرَامٌ فَأَمَّا الْحَلَالُ فَهُوَ أَنْ يَقْرِضَ الرَّجُلُ قَرْضًا طَمَعًا أَنْ يَزِيدَهُ وَيَعُوْضَهُ بِأَكْثَرَ مِمَّا أَخَذَهُ بِلَا شَرْطٍ بَيْنَهُمَا فَإِنْ أَعْطَاهُ أَكْثَرَ مِمَّا أَخَذَهُ بِلَا شَرْطٍ بَيْنَهُمَا فَهُوَ مُبَاحٌ لَهُ وَ لَيْسَ لَهُ عِنْدَ اللَّهِ ثَوَابٌ فِيمَا أَفْرَضَهُ وَ هُوَ قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿فَلَا يَرْبُؤُوا عِنْدَ اللَّهِ﴾ وَأَمَّا الرَّبَّا الْحَرَامُ فَهُوَ الرَّجُلُ يَقْرِضُ قَرْضًا وَ يَشْتَرِطُ أَنْ يَرِدَّ أَكْثَرَ مِمَّا أَخَذَهُ فَهَذَا هُوَ الْحَرَامُ^۲.

امام صادق (ع) فرمود: ربا دو ربا است، یکی از آنها حلال و دیگری حرام است، ربای حلال: آن است که کسی به دیگری قرض بدهد به طمع آنکه به او زیادتی پس دهد و بدون شرط نمودن (بدهکار) بیشتر بازپس دهد، پس اگر به او زیادتی داد و بدون شرط بود، آن (زیادت) برای او حلال است، و نزد خداوند برای آنچه قرض داده ثوابی ندارد و آن همان سخن خداوند است: ﴿فَلَا يَرْبُؤُوا عِنْدَ اللَّهِ﴾ - نزد خداوند فزونی نخواهد یافت ﴿و اما ربای حرام آن است که مردی (مالی را)

۱- من لا يحضره الفقيه ۳/ ۲۷۵، باب الربا... ح ۳۹۹۵، تهذيب الأحكام: ۱۵/۷ ح ۶۷، دعائم الإسلام: ۳۲۷/۲ فصل ۳ ح ۱۲۳۶: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) أَنَّهُ قَالَ: فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: وَ مَا آتَيْتُمْ مِنْ رَبًّا لِيَرْبُؤَا فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُؤُوا عِنْدَ اللَّهِ قَالَ: هِيَ هَدَيْتُكَ إِلَى الرَّجُلِ تَطْلُبُ بِهَا مِنْهُ الثَّوَابَ أَفْضَلَ مِنْهَا فَذَلِكَ رَبًّا، وسائل الشيعة ۱۸/ ۱۲۶ ب ۳

ح ۲۳۲۹۶، مستدرک الوسائل: ۱۳/ ۳۳۵ ح ۱۵۵۲۲-۳

۲- تفسیر قمی: ۱۵۹/۲، وسائل الشيعة: ۱۸/ ۱۶۰ ب ۱۸ ح ۲۳۳۸۹، البحار: ۱۵۷/۱۰۰ ب ۶ ح ۱.

قرض بدهد به شرط بازپس دادن (اصل) همراه با زیادت از آنچه داده، این حرام است (معامله قرض ربوی است).

آیه دوازدهم- ﴿وَلَا تَمْنُنْ تَسْتَكْثِرُ﴾^۱

ترجمه: و بر هرکس احسان می کنی، هرگز منت مگذار و عوض افزون نخواه.

۳۱- عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (ع) أَنَّهُ قَالَ: مِنَ السُّحْتِ الْهَدِيَّةُ يُلْتَمَسُ بِهَا مُهْدِيهَا مَا هُوَ أَفْضَلُ مِنْهَا وَ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ ﴿وَلَا تَمْنُنْ تَسْتَكْثِرُ﴾ أَيُّ، لَا تُعْطِي عَطِيَّةً أَنْ تُعْطَى أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ.^۲

امیرالمؤمنین علی (ع) فرمودند: از جمله اموال حرام، هدیه ای است که اهداکننده آن می خواهد بهتر از آن را به او پس دهند و این همان سخن خداوند عزوجل است که می فرماید: ﴿وَلَا تَمْنُنْ تَسْتَكْثِرُ﴾ - چیزی عطا مکن که بخواهی بیشتر از آن را باز پس بگیری ﴿یعنی چیزی را هدیه مده تا بیشتر از آن را پس بگیری. ۳۲- عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿وَلَا تَمْنُنْ تَسْتَكْثِرُ﴾ لَاتُعْطِيَ الْعَطِيَّةَ تَلْتَمَسُ أَكْثَرَ مِنْهَا.^۳

امام باقر (ع) درباره آیه: ﴿وَلَا تَمْنُنْ تَسْتَكْثِرُ﴾ و بر هرکس احسان می کنی، هرگز منت مگذار و عوض افزون نخواه ﴿فرمودند: چیزی مده که بیشتر از آن را بخواهی.

۳۳- عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ قُلْتُ لَهُ: مَا حَدُّ أَكْلِ الرَّبَا بَعْدَ الْبَيِّنَةِ؟ قَالَ: يُؤَدَّبُ فَإِنْ عَادَ أُدْبَ فَإِنْ عَادَ قُتِلَ.^۴

۱- (۷۴) سوره مدثر: آیه ۷.

۲- دعائم الإسلام: ۲/۳۲۷، ح ۱۲۳۵، مستدرک الوسائل: ۱۳/۳۳۵، ح ۳.

۳- تفسیر قمی: ۲/۳۹۳، بحار الأنوار: ۹/۲۴۴، ح ۱۴۷.

۴- کافی: ۷/۲۴۱، باب ما يجب فيه التعزير... ح ۹، من لا يحضره الفقيه: ۴/۷۰، باب حد أكل الربا...

امام صادق علیه السلام فرمود: رباخوار پس از شهادت دادن شاهد، تنبیه می شود و اگر دوباره به رباخواری برگردد، باز تنبیه می شود و اگر مرتبه بعد رباخواری کرد؛ کشته می شود.

توضیح: شیخ طوسی رحمته الله می گوید: در مذهب شیعه، رباخوار تا سه مرتبه تأدیب می شود. اگر توبه نکرد، مرتبه چهارم کشته می شود.

رباخوار در صورت اعتقاد به حلال بودن ربا، مرتد است و از تصرف در اموال خود محجور می گردد (نمی تواند در اموال خود تصرف کند)؛ تا وقتی که توبه نماید و اگر مرتد فطری باشد، به محض ثبوت ارتداد، اموال وی به ورثه اش منتقل می شود. در صورتی که رباخوار اعتقاد به حرمت ربا داشته باشد، حاکم شرع او را توبه می دهد. تا موقعی که رباخوار توبه نکرده، از تصرف در اموال خود محجور است. اگر رباخوار به جایی رسید که کشته شد اموالش به ورثه می رسد.

۳۴-... قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: جُعِلْتُ فِدَاكَ! إِنَّ النَّاسَ يَزْعُمُونَ أَنَّ الرَّبْحَ عَلَى الْمُضْطَرِّ حَرَامٌ وَ هُوَ مِنَ الرَّبَا؟ فَقَالَ: وَ هَلْ رَأَيْتَ أَحَدًا اشْتَرَى غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا إِلَّا مِنْ ضَرُورَةٍ؟ يَا عَمْرُ! قَدْ أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَ حَرَّمَ الرَّبَا فَارْبَحْ وَ لَا تُرْبِهْ قُلْتُ: وَ مَا الرَّبَا؟ قَالَ: دَرَاهِمٌ بِدَرَاهِمٍ مِثْلَانِ بِمِثْلٍ^۱.

عمر بن یزید می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: فدایت شوم! مردم بر این

ح ۵۱۳۲، تهذیب الأحکام: ۹۸/۱۰ ب ۷ ح ۳۷ و ج ۱۰ ص ۱۴۵ ب ۱۰ ح ۴.

۱ - من لا یحضره الفقیه: ۲۷۸/۳ باب الربا... ح ۴۰۰۳، تهذیب الأحکام: ۱۸/۷ ب ۱ ح ۷۸، إستیصار: ۷۲/۳ ب ۴۴ ح ۲ و در آن عبارت: وَ جَنْطَةٌ بِجَنْطَةٍ مِثْلَيْنِ بِمِثْلٍ نیز آمده است، وسائل الشیعه: ۴۴۷/۱۷ ب ۴۰ ح ۲۲۹۶۳ و ج ۱۸ ص ۱۳۳ ب ۶ ح ۲۳۳۱۴.

باورند که سود بردن از کسی که مضطر (ناچار از خرید) است، حرام و ربا است؟
 امام صادق (ع) فرمودند: و آیا ثروتمند و نیازمندی تاکنون دیده ای که چیزی را
 جز از روی ناچاری (نیاز) بخرد؟!

ای عمر! بدرستی که خداوند خرید و فروش را حلال و ربا را حرام کرده است؛
 پس سود ببر (بخر و بفروش) و ربا نخور. عرض کردم: و ربا چیست؟ فرمود:
 اینکه درهم ها را در مقابل یکدیگر معامله کنید و یک طرف بیشتر باشد (ربای
 نقدی - ربا با پول).

۳۵- عن سماعة قال قلت لأبي عبد الله (ع): إني رأيت الله عز وجل قد ذكر الربا في
 غير آية وكبره فقال (ع): أو تدري لم ذلك؟ قلت: لا، قال: لئلا يمتنع الناس من
 إصطناع المعروف.^۱

سماعه می گوید: به امام صادق (ع) عرض کردم: خداوند متعال مسئله ربا را در
 چندین آیه آورده و تکرار کرده است! امام (ع) فرمود: آیا دلیل آن را می دانی؟
 گفتم: نه. فرمود: به این دلیل است که مردم کارهای نیک (قرض الحسنه بدون
 بهره) را ترک نکنند.

توضیح: از این روایت استفاده می شود که علت تکرار آیات تحریم ربا در قرآن،
 تأکید تحریم و یادآوری اهمیت آن بوده و نه چیز دیگر. از برخی شأن نزول های
 ذکر شده درباره آیات ربا نیز چنین برمی آید که بعضی از مردم پس از تحریم ربا
 در سوره آل عمران، باز هم آن را کنار نگذاشتند و آشکارا اقدام به رباخواری

۱- کافی: ۱۴۶/۵ باب الربا... ح ۷ و ح ۸، تهذیب الأحکام: ۱۷/۷ ب ۱ ح ۷۱... و ح ۷۲، وسائل الشیعه:
 ۱۱۸/۱۸ ب ۱ ح ۲۳۲۷۳، بحار الأنوار: ۱۱۹/۱۰۰ و ح ۲۶.

کردند. از این رو، خداوند با فرستادن آیات سوره بقره و بیان عاقبت رباخواران و عذاب هایی که در انتظار آنهاست، اراده فرمود این عمل را از صحنه فعالیت اقتصادی مسلمانان حذف کند. بنابراین تدریج تحریم ربا در کار نبوده است.

ربا از دیدگاه اهل بیت علیهم السلام

به جهت بزرگی گناہانی که طی انجام معاملات ربوی صورت می گیرد و نیز تحمیل آثار زیانبار آن به فرد و جامعه، علاوه بر آیاتی از قرآن کریم، احادیث بسیاری از پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت ایشان در این زمینه نقل شده که برخی از آنها ذکر می شود، باشد تا بدانیم ...

۱- ترس نبی صلی الله علیه و آله

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِنَّ أَخَوْفَ مَا أَخَوْفُ عَلَى أُمَّتِي مِنْ بَعْدِي هَذِهِ الْمَكَاسِبُ الْحَرَامُ وَالشَّهْوَةُ الْخَفِيَّةُ وَالرِّبَا.^۱

امام کاظم علیه السلام از پدران خود علیهم السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می فرمایند که فرمودند: پس از رحلت، از جمله ترسناکترین چیزهایی که (از آنها) برای امت می ترسم، این کسب های حرام و شهوت پنهان (ریا) و ریاست.

۱- کافی: ۱۲۴/۵ باب المكاسب الحرام ... ح ۱، مستدرک الوسائل: ۶۶/۱۳ ب ۳ ح ۱۴۷۶۳-۳ از نوادر

راوندی و ص ۱۰۳۲۹- باب تحریمه ... ح ۱۵۴۹۷-۲.

۲- پنهان تر از حرکت مورچه...

...سَمِعْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (ع) يَقُولُ عَلَى الْمُنْبَرِ: يَا مَعْشَرَ التَّجَارِ! الْفِقْهَ ثُمَّ الْمُتَجَرَّ الْفِقْهَ ثُمَّ الْمُتَجَرَّ الْفِقْهَ ثُمَّ الْمُتَجَرَّ وَاللَّهُ لِلرَّبِّ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ أَخْفَى مِنْ دَبِيبِ النَّمْلِ عَلَى الصَّفَا شُوبُوا أَيْمَانَكُمْ بِالصِّدْقِ، التَّاجِرُ فَاجِرٌ وَ الْفَاجِرُ فِي النَّارِ إِلَّا مَنْ أَخَذَ الْحَقَّ وَ أَعْطَى الْحَقَّ.^۱

امیرالمؤمنین علی (ع) فرمود: ای مردم! ابتدا فقه بیاموزید، سپس تجارت کنید. به خدا سوگند! ربا در میان این امت از حرکت مورچه روی سنگ سیاه پنهان تر است...

۳- خداوند ربا را حرام فرمود تا...

سَأَلَ هِشَامُ بْنُ الْحَكَمِ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع): عَنْ عِلَّةِ تَحْرِيمِ الرَّبَا فَقَالَ: إِنَّهُ لَوْ كَانَ الرَّبَا حَلَالًا لَتَرَكَ النَّاسُ التَّجَارَاتِ وَ مَا يَحْتَاجُونَ إِلَيْهِ فَحَرَّمَ اللَّهُ الرَّبَا لِيَفِرَّ النَّاسُ مِنَ الْحَرَامِ إِلَى الْحَلَالِ وَ إِلَى التَّجَارَاتِ وَ إِلَى الْبَيْعِ وَ الشَّرَاءِ فَيَبْقَى ذَلِكَ بَيْنَهُمْ فِي الْقَرْضِ.^۲

هشام بن حکم از امام صادق (ع) درباره علت تحریم ربا پرسید؛ امام (ع) فرمود: اگر ربا حلال بود مردم تجارت و معاملاتی را که به آنها نیاز دارند رها می کردند. به همین جهت خداوند ربا را حرام نمود تا مردم از حرام به سوی حلال و از ربا به سوی تجارت و داد و ستد روی آورند.

۴- چرا پلید...؟

وَ كَتَبَ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرُّضَا (ع) إِلَى مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ فِيمَا كَتَبَ مِنْ جَوَابِ مَسَائِلِهِ: ...وَ عِلَّةُ تَحْرِيمِ الرَّبَا لِمَا نَهَى اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَنْهُ وَ لِمَا فِيهِ مِنْ فَسَادِ الْأَمْوَالِ

۱- کافی: ۵/۱۵۰ باب آداب التجارة... ح ۱، من لا يحضره الفقيه: ۳/۱۹۴ و تهذيب: ۶/۷ باب ۱ الى قوله: المتجر، بحار الأنوار: ۱۰۳/۱۱۷.

۲- من لا يحضره الفقيه: ۳/۵۶۷ باب معرفة الكبائر التي... ح ۴۹۳۷، علل الشرائع: ۲/۴۸۲ باب ۲۳۶- باب علة تحریم الربا... ح ۱، وسائل الشیعة: ۱۸/۱۲۰ باب ۱ ح ۲۳۲۷۷، بحار الأنوار: ۱۰۰/۱۱۹، ۵- الربا و أحكامها... ح ۲۴.

لِأَنَّ الْإِنْسَانَ إِذَا اشْتَرَى الدَّرْهَمَ بِالدَّرْهَمَيْنِ كَانَ ثَمَنُ الدَّرْهَمِ دَرْهَمًا وَ ثَمَنُ الْآخَرِ بَاطِلًا
فَبَيْعُ الرَّبَا وَ شِرَاؤُهُ وَكُسُّ عَلَى كُلِّ حَالٍ عَلَى الْمُشْتَرِي وَ عَلَى الْبَائِعِ فَحَرَّمَ اللَّهُ
عَزَّوَجَلَّ عَلَى الْعِبَادِ الرَّبَا لِعِلَّةِ فَسَادِ الْأَمْوَالِ كَمَا حَظَرَ عَلَى السَّفِيهِ أَنْ يَدْفَعَ إِلَيْهِ مَالُهُ
لِمَا يَتَخَوَّفُ عَلَيْهِ مِنْ إِفْسَادِهِ حَتَّى يُؤْنَسَ مِنْهُ رُشْدُهُ فَلِهَذِهِ الْعِلَّةِ حَرَّمَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ
الرَّبَا وَ بَيْعَ الرَّبَا بَيْعَ الدَّرْهَمِ بِالدَّرْهَمَيْنِ وَ عِلَّةُ تَحْرِيمِ الرَّبَا بَعْدَ الْبَيِّنَةِ لِمَا فِيهِ مِنْ
الِاسْتِخْفَافِ بِالْحَرَامِ الْمُحَرَّمِ وَ هِيَ كَبِيرَةٌ بَعْدَ الْبَيَانِ وَ تَحْرِيمِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ لَهَا لَمْ يَكُنْ
ذَلِكَ مِنْهُ إِلَّا اسْتِخْفَافًا بِالْمُحَرَّمِ الْحَرَامِ وَ الْإِسْتِخْفَافُ بِذَلِكَ دُخُولٌ فِي الْكُفْرِ وَ عِلَّةُ
تَحْرِيمِ الرَّبَا بِالنَّسِيئَةِ لِعِلَّةِ ذَهَابِ الْمَعْرُوفِ وَ تَلَفِ الْأَمْوَالِ وَ رَغْبَةِ النَّاسِ فِي الرِّبْحِ
وَ تَرْكِهِمُ لِلْقَرْضِ وَ الْقَرْضُ صَنَائِعُ الْمَعْرُوفِ وَ لِمَا فِي ذَلِكَ مِنَ الْفُسَادِ وَ الظُّلْمِ وَ فَنَاءِ
الْأَمْوَالِ... ١.

امام رضا علیه السلام در پاسخ نامه محمد بن سنان که از حضرت سؤالهای را پرسیده
بود، نوشتند: علّت حرام نمودن ربا این است که خداوند عزّوجلّ از آن نهی
فرموده، و به سبب تباهی و فسادى که در اموال ربوى است، زیرا انسان هنگامى
که یک درهم را به دو درهم مى خرد، بهای یک درهم یک درهم است و بهای
درهم دیگر باطل (ربا) است. پس خرید و فروش ربوى، در هر حال، برای
فروشنده و خریدار موجب خسارت است. خداوند عزّوجلّ ربا را بر بندگان حرام
کرد، زیرا باعث نابودى اموال است... و علّت تحریم ربا در نسیه، از بین رفتن
کارهای نیک و نابودى اموال و گرایش مردم به سودجویی و رها کردن قرض
است و حال آنکه قرض از کارهای نیک است و ربا سبب فساد و ظلم و از دست

۱- من لا یحضره الفقیه: ۵۶۵/۳ ح ۴۹۳۴، علل الشرائع: ۴۸۳/۲ ح ۴، عیون أخبار الرضا علیه السلام: ۲/۸۸ ب ۳۳

ح ۱، وسائل الشیعه: ۱۲۱/۱۸ ح ۲۳۲۸۰.

رفتن ثروتهاست .

ه- روزی حلال و پاک

اسلام عزیز با طرح نظام اقتصادی صحیح و معقول ، سعادت دنیوی و اخروی جامعه را تضمین فرموده و برای لقمه حلال و خالی از حق الناس فضیلت بسیار

والایی قائل است . همچنان که اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام فرموده اند :
عَنِ النَّبِيِّ ﷺ أَنَّهُ قَالَ: أَطْبَبَ كَسْبُكَ تُسْتَجَبُ دَعْوَتُكَ فَإِنَّ الرَّجُلَ يَرْفَعُ اللَّقْمَةَ إِلَى فِيهِ حَرَامًا فَمَا تُسْتَجَابُ لَهُ دَعْوَةٌ أَرْبَعِينَ يَوْمًا.^۱

پیامبر گرامی اسلام ﷺ فرمودند : کسب خود را پاک گردان ؛ دعایت مستجاب خواهد شد . بدرستی کسی که لقمه ای حرام را به سوی دهان خود بالا ببرد ، دعایش تا چهل روز مستجاب نمی گردد .

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ أَكَلَ الْحَلَالَ قَامَ عَلَى رَأْسِهِ مَلَكٌ يَسْتَغْفِرُ لَهُ حَتَّى يَفْرُغَ مِنْ أَكْلِهِ. وَقَالَ: إِذَا وَقَعَتِ اللَّقْمَةُ مِنْ حَرَامٍ فِي جَوْفِ الْعَبْدِ لَعَنَهُ كُلُّ مَلَكٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا دَامَتِ اللَّقْمَةُ فِي جَوْفِهِ لَا يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَمَنْ أَكَلَ اللَّقْمَةَ مِنَ الْحَرَامِ فَقَدْ بَاءَ بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ، فَإِنْ تَابَ تَابَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَإِنْ مَاتَ فَالنَّارُ أَوْلَى بِهِ.^۲

پیامبر اکرم ﷺ فرمود : هرکس روزی حلال بخورد تا زمانی که وی مشغول خوردن است ؛ فرشته ای بالای سرش قرار گرفته و برایش طلب آمرزش می کند ، و هرگاه لقمه حرامی در شکم کسی قرار بگیرد ؛ همه فرشتگان آسمان و زمین او را لعنت می کنند و هرکس لقمه حرامی بخورد ؛ سزاوار غضب خداوند شده ، اگر توبه

۱- مکارم الأخلاق: ۲۷۵، مستدرک الوسائل: ۲۱۷/۵ ب ۳۰ ح ۵۷۲۸-۲، بحار الأنوار: ۳۵۸/۹۰ ب ۲۲.

۲- روضة الواعظین: ۴۵۷/۲، مکارم الأخلاق: ۱۵۰ فصل ۳، دعوات راوندی: ۲۴ فصل ۲ ح ۳۵، بحار الأنوار: ۳۱۴/۶۳، ۲- مدح الطعام الحلال... ح ۶ و ج ۱۰۰ ص ۱۱، ۱- الحث علی طلب الحلال و...

کند، خداوند توبه او را می پذیرد و اگر توبه نکرده بمیرد، آتش جهنم او را سزاوارتر است.

۶- گناه بزرگ

فقه الرضا علیه السلام: **إِعْلَمَ يَرْحَمُكَ اللَّهُ أَنَّ الرَّبَّ حَرَامٌ سَخَتْ مِنَ الْكَبَائِرِ وَمِمَّا قَدْ وَعَدَ اللَّهُ عَلَيْهِ النَّارَ فَنَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْهَا وَهُوَ مُحَرَّمٌ عَلَى لِسَانِ كُلِّ نَبِيٍّ وَفِي كُلِّ كِتَابٍ^۱**

در فقه منسوب به امام رضا علیه السلام آمده است: بدان! خدا رحمتت کند، همانا ربا، حرام، پلید و از جمله گناهان کبیره و جرایمی است که خداوند برای انجام آنها وعده عذاب داده است، از آن به خدا پناه می بریم. ربا در سخن تمامی پیامبران و در همه کتب آسمانی حرام گردیده است.

۷- ناچیزترین آنها...

عَنِ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله أَنَّهُ قَالَ لَهُ: يَا عَلِيُّ! الرَّبَّ سَبْعُونَ جُزْءًا فَأَيُّسَرُهَا مِثْلُ أَنْ يَنْكِحَ الرَّجُلُ أُمَّهُ فِي بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ، يَا عَلِيُّ! دَرَهُمْ رَبًّا أَعْظَمَ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ سَبْعِينَ زَنِيَةً كُلُّهَا بِذَاتِ مُحَرَّمٍ فِي بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ^۲.

امام صادق علیه السلام از پدرانشان، از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نقل می فرماید که آن حضرت در وصیتشان به حضرت علی علیه السلام فرمودند: ای علی! (گناه) ربا هفتاد بخش است که ناچیزترین آنها مانند این است که مرد در مسجد الحرام با مادر خود زنا کند. ای علی! گناه یک درهم ربا نزد خداوند بزرگتر از (گناه) هفتاد مرتبه زناکردن است که تمامی آنها با محارم و در مسجد الحرام باشد.

نظیر این تعبیر در روایات بسیاری از طریق شیعه و عامّه نقل شده است.^۳

۱- فقه الرضا علیه السلام: ۲۵۶ ب ۳۸، بحار الأنوار: ۱۲۱/۱۰۰، ۵- باب الربا و... ح ۳۳.

۲- من لایحضره الفقیه: ۳۵۲/۴-۳۶۵ باب النوادر ح ۵۷۶۲.

۳- کافی: ۸۱/۸ ح ۳۹، من لایحضره الفقیه: ۳۷۷/۴، ح ۵۷۷۵.

۸- در غضب خدا و...

خَطَبَنَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: ... وَ مَنْ أَكَلَ الرَّبَا مَلَأَ اللَّهُ بَطْنَهُ مِنْ نَارِ جَهَنَّمَ بِقَدَرِ مَا أَكَلَ وَ إِنْ اكْتَسَبَ مِنْهُ مَالًا لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ مِنْهُ شَيْئًا مِنْ عَمَلِهِ وَلَمْ يَزَلْ فِي لَعْنَةِ اللَّهِ وَ الْمَلَائِكَةِ مَا كَانَ عِنْدَهُ قَيْرَاطٌ^۱.

رسول خدا ﷺ در آخرین خطبه خود قبل از رحلتشان فرمودند: هرکس ربا بخورد، خداوند به اندازه ای که ربا خورده است، شکمش را از آتش جهنم پر می کند و اگر از راه ربا مالی به دست آورد، هیچ عمل نیکی از او نمی پذیرد و تا وقتی که به اندازه یک قیراط (مقدار ناچیزی) از ربا نزد اوست، پیوسته خداوند و فرشتگان او را لعنت کنند.

۹- گواهی دادن و نوشتن...

گذشته از حرمت اخذ یا پرداخت ربا، حضور در مجلس ربا به عنوان نویسنده سند و شاهد نیز حرام است. این مطلب در روایات زیادی از شیعه و عامه (سنی ها) آمده است.

عَنْ عَلِيٍّ ؓ قَالَ: لَعَنَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ الرَّبَا وَ أَكْلَهُ وَ مُؤْكَلَهُ وَ بَائِعَهُ وَ مُشْتَرِيَهُ وَ كَاتِبَهُ وَ شَاهِدِيَهُ^۲.

حضرت امیرالمؤمنین علی ؓ فرمود: رسول خدا ﷺ ربا و رباخوار و فروشنده

۱- ثواب الأعمال، تصحیح علی اکبر غفاری: ۳۳۵ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبَّاسٍ قَالَا: خَطَبَنَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ قَبْلَ وَفَاتِهِ وَ هِيَ آخِرُ خُطْبَةٍ خَطَبَهَا بِالْمَدِينَةِ حَتَّى لَحِقَ بِاللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَوَعظَنَا بِمَوَاعِظَ ذَرَفَتْ مِنْهَا الْعُيُونُ وَ وَجِلَتْ مِنْهَا الْقُلُوبُ وَ أَفْشَعَرَتْ مِنْهَا الْجُلُودُ وَ تَقَلَّقَتْ مِنْهَا الْأَخْشَاءُ أَمَرَ بِأَلَّا فَنَادَى الصَّلَاةَ جَامِعَةً فَاجْتَمَعَ النَّاسُ وَ خَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ حَتَّى ارْتَقَى الْمُنْبَرَ فَقَالَ: يَا أَيُّهَا النَّاسُ اذْنُوا وَ وَسَّعُوا لِمَنْ خَلَفَكُمْ قَالَهَا ثَلَاثَ مَرَّاتٍ

بحار الأنوار: ۳۵۹/۷۳-۳۶۴، ۶۷-جوامع مناهي النبي ح ۳۰، مستدرک الوسائل: ۳۳۲/۱۳ ابواب الربا، ب ۱ ح ۱۲.

۲- من لا يحضره الفقيه: ۲۷۴/۳ باب الربا... ح ۳۹۹۴، تهذيب الأحكام: ۱۵/۷، ۱- باب فضل التجارة و... ح ۶۴، وسائل الشیعه: ۱۲۷/۱۸، ۴- باب تحریم اخذ الربا و... ح ۲۳۲۹۸.

و مشتری ربا و نویسنده و دو شاهد آن را لعنت کردند.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: أَكَلُ الرِّبَا وَ مُؤْكَلُهُ وَ كَاتِبُهُ وَ شَاهِدَاهُ فِي الْوِزْرِ سَوَاءٌ.^۱

پیامبر گرامی اسلام ﷺ فرمود: رباخوار و آنکه ربا دهد و نویسنده سند معامله بر مبنای ربا و دو شاهد آن در گناه مساوی هستند.

توضیح: دقت کن! شریک نیستند، در گناه مساویند.

۱۰- زمینه نابودی

عَنِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ (ع): إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ هَلَاكًا ظَهَرَ فِيهِمُ الرِّبَا.^۲

امام صادق (ع) می فرماید: هرگاه ربا در بین قومی آشکار شود خداوند هلاکت آنان را اراده فرماید.

وَعَنِ النَّبِيِّ (ص) أَنَّهُ قَالَ: إِذَا ظَهَرَ الزُّنَا وَ الرِّبَا فِي قَرْيَةٍ أُذِنَ فِي هَلَاكِهَا.^۳

پیامبر اکرم (ص) می فرماید: وقتی زنا و ربا در جامعه ای پیدا شود، اجازه (فرمان) نابودی آن جامعه داده می شود.

۱۱- بدترین شغل

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: ... وَ شَرُّ الْكَسْبِ كَسْبُ الرِّبَا.^۴

پیامبر خدا ﷺ فرمودند: ... و بدترین کسب رباخواری است.

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) قَالَ: أَخْبَثُ الْمَكَاسِبِ كَسْبُ الرِّبَا.^۱

۱- کافی: ۱۴۴/۵ باب الربا... ۲، من لا يحضره الفقيه: ۱۹۳/۳ باب الربا... ح ۳۷۲۵، وسائل الشیعه: ۱۲۶/۱۸.

۴- باب تحریم أخذ الربا و... ح ۲۳۲۹۷، مستدرک الوسائل: ۳۳۶/۱۳، ۴- باب تحریم أخذ الربا و... ح ۱۵۵۲۶-۴ به نقل از تفسیر ابوالفتوح رازی.

۲- وسائل الشیعه: ۱۰۱۲۳/۱۸- باب تحریمه... ح ۲۳۲۸۶.

۳- مستدرک الوسائل: ۱۰۳۳۲/۱۳- باب تحریمه... ح ۱۵۵۰۶-۱۱.

۴- کافی: ۱۴۷/۵، من لا يحضره الفقيه، تحقیق محمدجواد فقیه: ۳۲۶ ح ۸۲۸.

امام باقر (ع) فرمودند: پلیدترین کسب ها رباخواری است.

۱۲- ناآگاهی از...

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ : مَنْ اتَّجَرَ بِغَيْرِ عِلْمٍ ارْتَبَطَ فِي الرَّبَا ثُمَّ ارْتَبَطَ قَالَ: وَكَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع) يَقُولُ: لَا يَقْعُدَنَّ فِي السُّوقِ إِلَّا مَنْ يَعْقِلُ الشَّرَاءَ وَالْبَيْعَ.^۱

امیرالمؤمنین علی (ع) فرمود: هرکس بدون آموختن احکام معاملات؛ تجارت کند، قطعاً مرتکب رباخواری می گردد و رباخوار یقیناً در آتش است.

۱۳- از حيله های آخرالزمان

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يُسْتَحَلُّ فِيهِ الرَّبَا بِالْبَيْعِ وَالْخَمْرُ بِالنَّبِيذِ وَالسُّخْتُ بِالْهَدِيَّةِ.^۲

پیامبر اکرم (ص) فرمودند: روزگاری بر مردم فرا خواهد رسید که ربا را به نام خرید و فروش، شراب را به نام آبجو (ماءالشعیر) و رشوه را به نام هدیه، حلال بشمارند.

۱۴- ربای همگانی

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ لَا يَبْقَى أَحَدٌ إِلَّا أَكَلَ الرَّبَا فَإِنْ لَمْ يَأْكُلْهُ أَصَابَهُ مِنْ غُبَارِهِ.^۳

پیامبر اکرم (ص) فرمود: روزگاری خواهد آمد که کسی نمی ماند مگر اینکه ربا می خورد و اگر ربا نخورد، غبار ربا بر او می نشیند.

۱- کافی: ۵/۵۱، ۱۴۷- الربا... ح ۱۲.

۲- کافی: ۵/۱۵۴ باب آداب التجارة... ح ۲۳، من لا يحضره الفقيه: ۳/۱۹۳، مقنعه: ۵۹۱، تهذيب الأحكام: ۵/۷ ب ۱، نهج البلاغه: ۵۵۵ حکمت ۴۴۷، الغرر والدرر: ۳۵۵: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع): مَنْ اتَّجَرَ بِغَيْرِ فِقْهِ ارْتَبَطَ فِي الرَّبَا، مستدرک الوسائل: ۱۳/۲۴۸ ب ۲ ح ۷.

۳- مستدرک الوسائل: ۱۳/۳۳۲ ب ۱ ح ۱۶ از لَبِّ اللَّبَابِ راوندی.

۴- مستدرک الوسائل: ۱۳/۳۳۳ ب ۱ ح ۱۸ از لَبِّ اللَّبَابِ راوندی.

۱۵- چهره ای پشت نقاب

عَنْ عَلِيٍّ عليه السلام فِي كَلَامٍ لَهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله قَالَ لَهُ: يَا عَلِيُّ! إِنَّ الْقَوْمَ سَيُفْتَنُونَ بِأَمْوَالِهِمْ وَيَمْنُونَ بِدِينِهِمْ عَلَى رَبِّهِمْ وَيَتَمَتُّونَ رَحْمَتَهُ وَيَأْمَنُونَ سَطَوَتَهُ وَيَسْتَحِلُّونَ حَرَامَهُ بِالشُّبُهَاتِ الْكَاذِبَةِ وَالْأَهْوَاءِ السَّاهِيَةِ فَيَسْتَحِلُّونَ الْخَمْرَ بِالنَّبِيذِ وَالسُّحْتَ بِالْهَدِيَّةِ وَالرِّبَا بِالْبَيْعِ.^۱

حضرت امیرالمؤمنین عليه السلام فرمودند: پیامبر خدا صلى الله عليه وآله فرمودند: ای علی! مردم به زودی به وسیله اموالشان مورد آزمایش قرار خواهند گرفت و به دین خود به خدا منت می نهند در حالی که آرزوی رحمت او را دارند و خود را از شدت غضب خداوند در امان می دانند، آنان با تمسک به شبهه های دروغین و هوس های آشفته، حرام خدا را حلال می شمارند، پس شراب را به اسم نبیذ (ماء الشعیر) ورشوه را به نام هدیه و ربا را به اسم خرید و فروش، حلال می کنند.

۱- نهج البلاغه: ۲۲، نهج البلاغه صبحی صالح: خطبه ۱۵۶، وسائل الشیعه: ۱۸/۱۶۳ ب ۲۰ ح ۲۳۳۹۴.

أَلَا

بِذِكْرِ اللَّهِ

تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ

سورة رعد آیه ۹۲

(۲)

حجاب

(نگاه، پوشش و روابط)

از دیدگاه

قرآن و عترت

بسم ربّ الزّهراء علیها السلام

پیامبری به پیامبری برانگیخته شد تا بگوید: ... خداوند شما را گرمی داشته و می خواهد شما را ارزشمند ببیند.

خداوند با اسلام برای انسان برنامه یک زندگی جاوید را به نمایش گذاشت. بوسیله آنچه از انسان خواست، سعادتش را تضمین فرمود، سعادت جاودانه. زن را لطیف و زیبا آفرید، اما او را برای اشباع هوس های سرکش بیماردلان خلق نفرمود. او ما را ارزشمند می خواهد.

خداوند یکتا، با امر نمودن بشر به حفظ حریم و حرمت ها، می خواهد به ما بگوید: من شما را، درون و بیرون شما را، پاک می خواهم. و اسلام همان دین کاملی است که به ما می گوید: شما را با روحی آرام و جسمی پاک می خواهم. و اینها از علت های واجب شدن رعایت حجاب است.

غریزه جنسی، یکی از موهبت های الهی است و وجود آن برای تداوم یافتن نسل بشر الزامی، و هرگز مخالفت یا تباین با حیات انسان ندارد. به این غریزه نیز

همچون سایر غرائز بشری باید پاسخ مناسب داد و به تکامل و تعدیل آن پرداخت. و پروردگار مهربان و حکیم ما، با فطرت الهی و پاکی که به همه انسانها عنایت نموده است و همچنین از طریق پیام آوران وحی به بشر می گوید: با پیمودن راهی که تو را از من دور می سازد، خود را تباه مکن.

اسلام با شگردی اساسی به صحنه آمده و سخن از حجاب به میان می آورد. زن و مرد را محدود می کند، نه محدودیتی که مزاحم و دست و پاگیر باشد، نه، بلکه محدودیتی که با خود حفاظت و مصونیت به همراه می آورد، محدودیتی که جامعه را از فساد می رهند و امنیت به تمام معنا در جامعه پیاده می سازد: اخلاقی، روانی، بهداشتی و ...

مرد و زن را به رعایت حریم دعوت نموده و بر ازدواج ترغیب می نماید. اسلام هرگز زن را محبوس و خانه نشین نکرده و وی را از ظاهر شدن در عرصه علم و عمل، منع نمی نماید. زن، در جامعه ای که در آن مراعات احکام اسلامی می شود، هرگز از انجام فعالیت های علمی و عملی سازنده محروم نیست. او می تواند به دور از هوس های آلوده مشغول فعالیت خود گردد. حجاب نه تنها مانع او نمی شود، بلکه به وی شخصیت می بخشد و از هوس و طمع آنانکه دلهاشان بیمار است، در امان می دارد. زن می تواند با رعایت دقیق حجاب خود، به کاری که در شأن اوست بپردازد و خود، برنامه، کودک و کارش را حفظ نماید. آری حجاب اسیر می کند، هوس های آلوده را، تا گوهر پاک وجود ارزشمند یک زن را برای ارضای خود به بازی نگیرد.

فطرت انسانها الهی است، پاکی و نیکویی را می طلبد. حتی فطرت نیز می خواهد

حجاب وجود داشته باشد و تأثیر این دعوت درونی را در میان اقوام و ملل مختلف جهان می بینیم. همه انسانها برگرفته از احساس فطری خود بی قید و بند بودن و بی بند و باری را ناپسند می دانند. فطرت الهی انسانها، با آزادی بی حدّ این غریزه موافق نیست و نمی خواهد روح را در اسارت جسم ببیند، نمی خواهد نفس را سرکش ببیند. فطرتی که خداوند به لطف خود در درون ما نهاده است، از ما می خواهد که این غریزه را کنترل کنیم تا ما را به بازی نگیرد.

اگر ما نفس خود را به کار نگیریم، او ما را به کار خواهد گرفت. و از این روست که تمام ادیان الهی به بیان این مهم پرداخته اند و بر لزوم رعایت آن تأکید نموده اند.

زن خود را می پوشاند تا از انسان بودن خارج نشود. او کارگردان خانه ای است که در آن همسر و فرزندی حضور دارند که آینده سازان و کارگردانان علمی، عملی، اخلاقی، اقتصادی و... جامعه هستند.

جایگاه زن بسیار ارزنده و در عین حال حساس و سازنده است. او می تواند تربیت کننده نسلی موفق باشد. اوست که چگونه بودن آینده یک جامعه را رقم می زند... خوب یا بد، پاک یا ناپاک، آگاه و مقید یا نادان و بی قید...؟

آری زن در اسلام محدود است و محدودیت هایی دارد، محدودیت هایی که رعایت نمودن آنها، برای او، خانواده و جامعه اش سعادت را به دنبال می آورد. آنجا که اسلام حضور دارد، دو همسر تعلق به یکدیگر دارند و احساسات، عشق و عواطفشان مخصوص به یکدیگر است و غیر این مخالف احکام اسلام خواهد بود، چرا که اسلام دین آرامش است و اظهار نمودن اینها، این حریم را آلوده و

ناپاک می گرداند.

گریزه جنسی نیرومند ترین و ریشه دارترین گریزه در وجود انسان است، با این وجود آیا دامن زدن مستمر به این گریزه و شعله ور ساختن آن به هر طریقی، خارج از مسیر، بازی با آتش نیست؟ عاقلانه است که در معرض تحریک قرار داده شود و پس از آنکه جامعه را به آتش این بی قیدی سوزاند، وجودش مقصّر دانسته شود؟ و گفته شود: چرا...؟

استعمارگران در کشورهای اسلامی توسط مزدوران خود، از طریق وسایل ارتباط جمعی، نشریه ها و مجلات، انتشار عکس و فیلم های مستهجن و نیز راه اندازی سایت ها و شبکه های ماهواره ای، نهایت سوءاستفاده خود را می نمایند. آنان آثار حرمت قائل نبودن برای حریم نامحرم را به خوبی بررسی کرده و می دانند اگر از یک جوان، زن یا مرد، فکر او را بگیرند، چیزی برایش باقی نخواهد ماند، آنجا که عقل نباشد، نفس حکمفرمایی می کند و عاقبت انسان بودن از شخص گرفته می شود.

غریبه ها و غرب زدگان هوسباز، طرفدار مسابقه ای بی پایان در نشان دادن اندام خود و به هیجان آوردن شهوت هستند. مسابقه ای بی پایان مسابقه ای که پایان آن بی پایانی است و هرچه جوان بیشتر در آن فرو برود، باز هم به عمق آن نخواهد رسید. مسابقه ای برای نمایش دور شدن از خدا با آخرین سرعت

آنان جوان را نمی خواهند، بلکه می خواهند فکرش را از وی بگیرند. وابسته اش می کنند تا دیگر نتواند تصمیمی بگیرد. می خواهند انسان بودن را از او بگیرند،

آنچنان او را اسیر هوس نمایند تا هر روز به دلبری دل بسته و با دیگری وداع گوید. او را در معرض تحریک دایم قرار دهند. تحریکی که موجب در هم کوبیده شدن اعصاب او شود و باعث ایجاد هیجان های بیمارگونه عصبی و امراض روانی گردد. و این نظر پزشکان است:

هیجان مستمر عامل ریشه ای به وجود آمدن بسیاری از بیماری هاست. مسأله «ابتدال زن» و «سقوط شخصیت وی» نیز اهمیت بسیاری دارد، چون هنگامی که جامعه، زن را با اندام برهنه بخواهد، طبیعی است که روز به روز تقاضای آرایش بیشتر و خودنمایی افزونتری از وی دارد و هنگامی که زن را از طریق جاذبه جنسی اش وسیله تبلیغ کالاها، دکور اطاقهای انتظار، عاملی برای جلب جهانگردان و... قرار دهد، شخصیت او را به اندازه يك عروسك یا يك كالای بی ارزش سقوط می دهد و ارزشهای والای انسانی و حتی انسان بودن او به دست فراموشی سپرده می شود...

و تنها افتخار او خودنمایی، جوانی و زیباییش خواهد بود. و به این ترتیب وجود لطیف زن تبدیل به وسیله ای برای اشباع هوسهای سرکش افراد آلوده و فریبکار و انسان نماهای دیوصفت خواهد شد.

در چنین جامعه ای، ویژگی های اخلاقی، علم، آگاهی و دانایی یک زن چگونه می تواند جلوه کند و او را به مقام والا برساند؟!

و در آخر این بیراهه، آمار فوق العاده بالای طلاق در خانواده های بی بند و بار، سطح بالای تولد فرزندان نامشروع و کودکان بی سرپرست و هزاران بدبختی دیگر است، که خود حکایتی طولانی دارد.

این آمارها هستند که افتضاح به بار آمده را نمایان می سازند: برهنگی موجب از هم گسیختگی زندگی زناشویی شده و این شمار در دنیا همواره سیر صعودی داشته و دارد.

زمینه برای انحرافها و آلودگیهای اخلاقی، بزهکاری، ناامنی و شیوع بسیاری از بیماریهای روحی - روانی، جسمی و حتی خسارتهای جبران ناپذیر اقتصادی فراهم می شود و در پایان موجودیت جامعه از او گرفته خواهد شد.

خداوند حتی از زنان خواسته است که هنگام راه رفتن پای خود را چنان به زمین نکوبند که صدای خلخالهایشان به گوش رسد! و این نمایش مهربانی اوست، نمی خواهد زن را بازیچه ببیند، می خواهد به درگاه ابلیس زانو نزند و به دنبال آنچه در بلندای لیاقت او نیست، نرود.

آنچه را که به آتش شهوت جوانان دامن می زند، مانند نشر عکس و فیلم های تحریک آمیز و اغواکننده، رمانها و داستانهای جنسی و...، همین چیزهایی که ما را از خدا دور می کند، نمی خواهیم، هیچکدام از ما به نابودی فکر یک جوان راضی نخواهیم شد و اجازه نخواهیم داد که روح افکارمان به سوی مراکز فساد سوق داده شود و پسران و دختران جوان آلوده شوند؛ دنیای ما باید پاک و مبرا از زشتی باشد. من و تو، نباید اجازه دهیم دیگران برایمان تصمیم بگیرند، نباید از کسی پرسیم: دلش می خواهد ما را چطور ببیند. و هرگز نباید آخرتی را که خودمان باید رقم بزنیم و سرانجام نتیجه آن را ببینیم، به دست دیگری بسپاریم.

باید مطمئن باشیم آنکه هواپرستی در خورش قرار گرفته، به فکر فردای تو و من نیست، او از عذاب کشیدن ما، در این دنیا و آخرتی که همانا با آن مواجه خواهیم

بود، ناراحت نخواهد شد، زیرا تنها به دنبال آن چیزی می رود که نفس از او می خواهد.

باید بدانیم که من و تو را خدایی خلق نموده که به مصالح و مفاسد ما آگاه است.^۱ و آگاهتر و عادلتر از آن است که ما را در این واویلا، تنها رها کند. حجاب، روابط زن و مرد و مسایل مرتبط با آن، مانند دیگر احکام و نیازهای زندگی ما، باید از عالم بالا خط بگیرد و با وحی پیوند داشته باشد. و باید در این راه هم از او بپرسیم: تو مرا چگونه می خواهی؟...

۱- ﴿الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَاَلَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنْزِلَ مَعَهُ أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ (۷) سوره اعراف: آیه ۱۵۸.

حجاب از دیدگاه قرآن کریم

آیه یکم: ﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ﴾^۱

ترجمه: ای محمد! به مردان با ایمان بگو: چشمان خویش (از نگاه کردن به نامحرمان) فروگیرند (پایین اندازند) و شرمگاه خود را (از دیده شدن) محافظت کنند. این کار برایشان بهتر است. خداوند به آنچه انجام می دهند آگاه است.

۱- عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٍّ عليه السلام فِي قَوْلِهِ عَزَّوَجَلَّ: ﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ﴾ مَعْنَاهُ لَا يَنْظُرُ أَحَدُكُمْ إِلَى فَرْجِ أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ أَوْ يُمَكِّنُهُ مِنَ النَّظَرِ إِلَى فَرْجِهِ.

ثُمَّ قَالَ: ﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ﴾ أَيِ مِمَّنْ يُلْحِقُهُنَّ النَّظَرُ كَمَا جَاءَ فِي حِفْظِ الْفُرُوجِ فَالنَّظَرُ سَبَبُ إِيقَاعِ الْفِعْلِ مِنَ الزَّانَا وَغَيْرِهِ.^۲

حضرت امیرالمؤمنین امام علی عليه السلام درباره آیه کریمه: ﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا... —

۱- (۲۴) سوره نور: آیه ۳۱.

۲- وسائل الشیعه: ۱/۳۰۰ ب ۱ ح ۷۸۹ و مستدرک الوسائل: ۱۱/۱۴۳ ح ۱۲۶۶۰-۴ از تفسیر نعمانی.

ای محمد! به مردان با ایمان بگو: چشمان خویش (از دیدن نامحرمان) فروگیرند (پایین اندازند) و شرمگاه خود را (از دیده شدن) محافظت کنند، این کار برایشان بهتر است ﴿ فرمودند: مقصود این است که کسی از شما به عورت برادر مؤمن خود نگاه نکند و نگذارد کسی به عورتش نگاه کند. سپس فرمودند: مقصود (فروگذاشتن نگاه زنان از) آن کسانی است که نگاه به آنان می پیوندند، همچنان که درباره حفظ عورتها آمده است، و نگاه (حرام) سبب گرفتار آمدن به زنا و سایر فحشاء (کارهای منافی عفت) است.

۲- وَصِيَّةُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام لَوْلَدِهِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَنَفِيَّةِ: ... وَفَرَضَ عَلَى الْبَصَرِ أَنْ لَا يَنْظُرَ بِهِ إِلَى مَا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ فَقَالَ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ﴾ فَحَرَّمَ أَنْ يَنْظُرَ أَحَدٌ إِلَى فَرْجِ غَيْرِهِ^۱.

حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام در ضمن سفارش به فرزند خود محمد بن حنفیه فرمودند: و خداوند بر دیدگان واجب نموده است که به آنچه حرام است نگاه نکند و فرموده است: ﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغْضُوا...﴾ و (ای پیامبر) به مؤمنان بگو: از چشمان (نگاه) خود فرو گذارند و عورت‌های خود را نگاه داری کنند ﴿ در نتیجه نگاه کردن به عورت دیگری را حرام فرمود.

۳- عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: اسْتَقْبَلَ شَابٌّ مِنَ الْأَنْصَارِ امْرَأَةً بِالْمَدِينَةِ وَكَانَ النَّسَاءُ يَتَقَنَّعْنَ خَلْفَ آذَانِهِنَّ فَنَظَرَ إِلَيْهَا وَهِيَ مُقْبِلَةٌ فَلَمَّا جَازَتْ نَظَرَ إِلَيْهَا وَدَخَلَ فِي زُفَاقٍ فَدَسَّ سَمَاءَهُ بَيْنِي فَلَانَ فَجَعَلَ يَنْظُرُ خَلْفَهَا وَاعْتَرَضَ وَجْهَهُ عَظْمٌ فِي الْحَائِطِ أَوْ زُجَاجَةٍ فَشَقَّ وَجْهَهُ فَلَمَّا مَضَتْ الْمَرْأَةُ نَظَرَ فَإِذَا الدَّمَاءُ تَسِيلُ عَلَى صَدْرِهِ وَثُوبِهِ فَقَالَ: وَاللَّهِ لَا تَتَيْنِ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وَلاُخْبَرْنَهُ قَالَ: فَأَتَاهُ؛ فَلَمَّا رَأَى رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله قَالَ لَهُ: مَا هَذَا

۱- من لا يحضره الفقيه: ۲/۶۲۶ باب الفروض على الجوارح... ح ۳۲۱۵، وسائل الشیعه: ۱۵/۱۶۸ ح ۲۲۲۴.

فَاخْبِرْهُ فَهَبَطَ جَبْرَائِيلُ ﷺ بِهَذِهِ الْآيَةِ: ﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ﴾.^۱

امام محمد باقر ﷺ فرمودند: جوانی از انصار با زنی در مدینه روبرو شد - و زنان در آن زمان مقنعه های خود را به پشت گوشهای خود قرار می دادند - به او نگاه می کرد در حالی که زن به سوی او می آمد و هنگامی که از روبروی او گذشت به او نگاه می کرد و (زن) از کوچه ای گذشت و او همچنان به پشت او می نگریست که استخوانی یا شیشه ای در دیواری قرار داشت، صورت جوان را شکافت، تا اینکه آن زن گذر کرد، نگاه کرده و دید خون بر سینه و پیراهنش می ریزد، گفت: به خدا سوگند! نزد پیامبر خدا می روم و به او خبر خواهم داد. نزد آن حضرت رفته و ماجرا را خبر داد، پس جبرئیل این آیه را نازل فرمود: ﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا...﴾ - ای محمد! به مردان با ایمان بگو: چشمان (نگاه) خویش فروگیرند و شرمگاه خود را محافظت کنند. این کار برایشان بهتر است. خداوند به آنچه انجام می دهند آگاه است. ﴿

۴- عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ: ... وَفَرَضَ عَلَى الْبَصَرِ أَنْ لَا يَنْظُرَ إِلَى مَا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ أَنْ يُعْرِضَ عَمَّا نَهَى اللَّهُ عَنْهُ مِمَّا لَا يَحِلُّ لَهُ وَ هُوَ عَمَلُهُ وَ هُوَ مِنَ الْإِيمَانِ فَقَالَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى: ﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ﴾ أَنْ يَنْظُرُوا إِلَى عَوْرَاتِهِمْ وَ أَنْ يَنْظُرَ الْمَرْءُ إِلَى فَرْجِ أَخِيهِ وَ يَحْفَظَ فَرْجَهُ أَنْ يَنْظُرَ إِلَيْهِ. وَ قَالَ: ﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَ يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ﴾ مِنْ أَنْ تَنْظُرَ

۱- کافی: ۵۲۱/۵ باب ما يحل النظر إليه من المرأة... ح ۵، وسائل الشیعه: ۲۰/۱۹۲ ب ۱۰۴ ح ۲۵۳۹۸.

إِخْدَاهُنَّ إِلَى فَرْجِ أَخْتِهَا وَتَحْفَظَ فَرْجَهَا مِنْ أَنْ يُنْظَرَ إِلَيْهَا.^۱

امام صادق (ع) فرمودند: ... و خداوند بر چشم واجب نموده است که به آنچه حرام گردانده و نهی فرموده، نگاه نکند و این کاری است که چشم باید انجام دهد و (نشانه) ایمان اوست، و خداوند بلندمرتبه فرموده است: ﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا...﴾ (ای پیامبر) مؤمنان را بگو! از چشمان خود فرو گذارند و عورت‌های خود را نگاه داری کنند ﴿و بدینوسیله از اینکه دیگران به عورت‌های ایشان نگاه کنند، منع نموده است و اینکه مردی به شرمگاه برادر خود نگاه کند، و باید شرمگاه خود را از اینکه دیگران به آن نگاه کنند، نگهبانی کند. و (خداوند) فرمود: ﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ...﴾ و (ای پیامبر) به زنان با ایمان بگو دیدگان خود را فرو گذارند و عورت‌های خود را محافظت کنند ﴿مقصود از این آیه این است که برخی از آنان شرمگاه دیگری را نبینند، و عورت‌های خود را از اینکه دیگران ببینند، حفظ نمایند.

۵- عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (ع) : وَفَرَضَ عَلَى الْبَصَرِ أَنْ لَا يَنْظُرَ إِلَى مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَأَنْ يَغُضَّ عَمَّا نَهَى اللَّهُ عَنْهُ مِمَّا لَا يَحِلُّ لَهُ وَهُوَ عَمَلُهُ وَذَلِكَ مِنَ الْإِيمَانِ، وَقَالَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: ﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ﴾ مِنْ أَنْ يَنْظُرَ أَحَدُهُمْ إِلَى فَرْجِ أَخِيهِ وَيَحْفَظَ فَرْجَهُ مِنْ أَنْ يُنْظَرَ إِلَيْهِ أَحَدٌ. ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع) : كُلُّ شَيْءٍ فِي الْقُرْآنِ مِنْ حِفْظِ الْفَرْجِ فَهُوَ مِنَ الزَّيْنَةِ إِلَّا هَذِهِ الْآيَةُ فَإِنَّهَا مِنَ النَّظَرِ.^۲

۱- کافی: ۳۳/۲ باب فی أنَّ الْإِيمَانَ مَبْنُوثٌ لِجَوَارِحِ الْبَدَنِ كُلِّهَا ح ۱، من لا یحضره الفقیه: ۶۲۶/۲ باب الفروض علی

الجوارح، وسائل الشیعه: ۱۶۴/۱۵ ح ۲ ب ۲۰۲۱۸.

۲- مستدرک الوسائل: ۲۴۵/۱ ح ۴۸۹-۳.

امام صادق علیه السلام فرمودند: و خداوند بر چشم ها واجب فرمود که به آنچه حرام نموده است نگاه نکنند، و نگاه را از آنچه بازداشته و حلال نموده، فروگذارند و این وظیفه چشم می باشد و (نگاه از حرام بستن، بخشی) از ایمان است و خدای بزرگ منش فرموده: ﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوْا...﴾ - و (ای پیامبر) به مردان با ایمان بگو: از چشمان خود فروگذارند و عورت های خود را نگاه داری کنند ﴿نگاه خود را فروگیرند از اینکه هر کدام به شرمگاه دیگری نگاه کند، و شرمگاه خود را از نگاه دیگران حفظ نمایند.

سپس امام صادق علیه السلام فرمودند: در هر جای قرآن که سخن از حفظ فرج آمده است، مقصود از آن (محافظت از) زنا می باشد مگر این آیه که مقصود از حفظ فرج در آن محافظت از نگاه (دیدن شدن) است.

۶- وَ سَأَلَ الصَّادِقُ علیه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: ﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوْا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ﴾ فَقَالَ: كُلُّ مَا كَانَ فِي كِتَابِ اللَّهِ تَعَالَى مِنْ ذِكْرِ حِفْظِ الْفَرْجِ فَهُوَ مِنَ الزَّنا إِلَّا فِي هَذَا الْمَوْضِعِ فَإِنَّهُ لِلْحِفْظِ مِنْ أَنْ يُنْظَرَ إِلَيْهِ.^۱

درباره سخن خداوند: ﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوْا...﴾ ای محمد! به مردان با ایمان بگو: چشمان خویش (از دیدن نامحرمان) فروگیرند (پایین اندازند) و شرمگاه خود را (از دیده شدن) حفظ کنند. این کار برایشان بهتر است ﴿از امام صادق علیه السلام پرسش شد آن حضرت فرمودند: آنچه در کتاب خداوند بلندمرتبه از حفظ فرج ذکر شده است، مقصود از آن (محافظت فرج از) زنا می باشد مگر در این آیه که همانا مقصود خداوند از حفظ فرج، حفظ و نگهبانی از دیده شدن است.

۱- من لا يحضره الفقيه: ۱/۱۱۴ باب غسل يوم الجمعة و... ح، ۲۳۵، وسائل الشیعه: ۱/۳۰۰ ب ۱ ح ۷۸۷.

۷- عن أبي عبد الله عليه السلام قال: كُلُّ آيَةٍ فِي الْقُرْآنِ فِي ذِكْرِ الْفَرْجِ فَهِيَ مِنَ الزَّنا، إِلَّا هَذِهِ الْآيَةُ فَإِنَّهَا مِنَ النَّظَرِ، فَلَا يَحِلُّ لِلرَّجُلِ الْمُؤْمِنِ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى فَرْجِ أَخِيهِ، وَلَا يَحِلُّ لِلْمَرْأَةِ أَنْ تَنْظُرَ إِلَى فَرْجِ اخْتِهَا.^۱

امام صادق عليه السلام فرمودند: هر آیه ای از قرآن که در آن سخن از حفظ فرج آمده است، مقصود (محافظت کردن فرج از) زنا است، مگر این آیه که مقصود از آن حفظ نموده عورت از دیده شدن است، بنابراین حلال نیست مرد با ایمان به شرمگاه برادر خود، و زن به شرمگاه خواهر (دینی) خود نگاه کند.

آیه دوم: ﴿وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلَا يَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْأَرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعاً أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾^۲

ترجمه: و (ای پیامبر) به زنان با ایمان بگو: چشمان خود را (از نگاه کردن به نامحرمان) فروبندند، و دامان خویش را (از گناه) محفوظ دارند و زینت خود را - جز آن مقداری که آشکار است - پنهان کنند.

و باید (کناره‌های) مقنعه‌ها را بر سینه‌های خود ببندازند، و زینت خود را نمایان نکنند مگر برای: شوهرانشان، یا پدرانشان، یا پدران شوهرانشان، یا پسرانشان، یا پسران شوهرانشان، یا برادرانشان، یا پسران برادرانشان، یا پسران خواهرانشان،

۱- تفسیر قمی: ۱۰۱/۲، کافی: ۳۳/۲ ح ۱، وسائل الشیعه: ۱۶۴/۱۵ ب ۲ ح ۲۰۲۸، بحار الأنوار: ۳۳/۱۰۱ ح ۵.

۲- (۲۴) سوره نور: آیه ۳۲.

یا زنان خودشان، یا کنیزان زرخریدشان، یا مردان پیر و دیوانه ای که به زن مایل نیستند، یا به کودکانی که از امور جنسی زنان آگاهی ندارند.

زنان نباید (به هنگام راه رفتن) پای خود را به زمین بکوبند که آن زینت‌های مخفی ایشان (برای دیگران) دانسته و معرفی شود.

و ای مؤمنان! همگی (اعم از مرد وزن) به سوی خداوند (از کوتاهی در خودداری از شهوات) توبه و بازگشت کنید تا رستگار شوید.

توضیح: با توجه به آیه، زنان باید چنان رعایت عفت نموده و از انجام اموری که آتش شهوت را در دل مردان شعله‌ور می‌سازد و ممکن است به انحراف آنان از جاده عفت بیانجامد؛ دوری کنند، که حتی صدای خلخال پای آنان را بیگانه نشود.

۸- تفسیر القمی رحمته الله: إِنَّ النِّسَاءَ كُنَّ يَخْرُجْنَ إِلَى الْمَسْجِدِ وَيُصَلِّيْنَ خَلْفَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَإِذَا كَانَ بِاللَّيْلِ وَخَرَجْنَ إِلَى صَلَاةِ الْمَغْرِبِ وَالْعِشَاءِ وَالْغَدَاةِ يَقْعُدُ الشَّابُّ لَهُنَّ فِي طَرِيقِهِنَّ فَيُؤْذُنُهُنَّ وَيَتَعَرَّضُونَ لَهُنَّ فَأَنْزَلَ اللَّهُ: ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا﴾^۱.

در تفسیر شریف علی بن ابراهیم قمی رحمته الله که از اصحاب گرانقدر امام حسن عسکری رحمته الله است و روایات را غالباً از امام محمد باقر و امام جعفر صادق رحمته الله نقل می‌فرماید؛ از آن بزرگوار نقل نموده است که فرمودند: زنان از خانه برای نماز خواندن پشت سر پیامبر رحمته الله به مسجد می‌رفتند و وقتی شب می‌شد و برای

۱- تفسیر قمی: ۱۹۶/۲، بحار الأنوار: ۳۳/۱۰۱ ب ۳۴ ح ۶.

نماز مغرب وعشاء و صبح به مسجد می رفتند جوانان سر راه آنان نشست و آنان را آزار داده و راه (آنان) را می گرفتند، از این رو خداوند این آیه را فرو فرستاد.

۹- عَنْ زُرَّارَةَ قَالَتْ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: ﴿أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ﴾ إِلَى آخِرِ الْآيَةِ؟ قَالَ: الْأَحْمَقُ الَّذِي لَا يَأْتِي النِّسَاءَ.^۱

زراره می گوید: از امام باقر عليه السلام پرسیدم مقصود از ﴿أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ﴾ چیست؟ فرمود: مرد احمقی (دیوانه ای) که کاری به زن (شہوت) ندارد.

۱۰- عَنْ الْفُضَيْلِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ سَأَلْتُ: أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الذَّرَاعَيْنِ مِنَ الْمَرْأَةِ أَهْمَا مِنَ الزَّيْنَةِ الَّتِي قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى: ﴿وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ؟﴾ قَالَ: نَعَمْ وَمَا دُونَ الْخِمَارِ مِنَ الزَّيْنَةِ وَمَا دُونَ السَّوَارِينِ.^۲

فضیل بن یسار گوید: از امام صادق عليه السلام در مورد بازوان زن پرسش نمودم که آیا آنها از زینت هستند که خدای تعالی در آیه فرموده: ﴿وَلَا يُبْدِينَ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ؟﴾ فرمود: آری، و آنچه زیر مقنعه و دستبند و النگو است از زینت می باشد (که نباید آشکار کنند).

آیه سوم: ﴿وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَغْفِفْنَ خَيْرٌ لَهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾^۳
ترجمه: پیرزنان که دیگر امیدی به زناشویی (غریزه جنسی) ندارند، بدون آنکه

۱- کافی: ۵/۲۳۳ باب أولى الإربة من الرجال... ح ۱، تهذیب: ۷/۴۶۸ ب ۴۱ ح ۸۱، وسائل الشیعه: ۲۰/۲۰۴

ب ۱۱۱ ح ۲۵۴۳۶ و ۲۵۴۳۷.

۲- کافی: ۵/۵۲۰ باب ما يحل النظر إليه من المرأة... ح ۱، وسائل الشیعه: ۲۰/۲۰۰ ب ۱۰۹ ح ۲۵۴۲۵.

۳- (۲۴) سوره نور: آیه ۶۱.

زینتهای خود را آشکار کنند، اگر چادر خویش بنهند مرتکب گناهی نشده‌اند مشروط بر این که منظورشان از این عمل، زینت و خودنمایی در مقابل دید مردان نباشد و اگر عفت را پیشه سازند برایشان بهتر است و خدا شنوا و داناست.

۱۱- عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَ جَلَّ: ﴿وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا﴾ مَا الَّذِي يَصْلُحُ لَهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ مِنْ ثِيَابِهِنَّ؟ قَالَ الْجَلْبَابُ.^۱

از امام محمد باقر عليه السلام درباره سخن خداوند عزوجل که فرمود: ﴿وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ...﴾ پیرزنان که دیگر امیدی به زناشویی ندارند سؤال شد که زنان سالخورده چه چیز از لباسهایشان را می توانند فروگذارند (نپوشند)؟ فرمود: جلباب (چادر و عبا) را.

۱۲- عَنْ الرِّضَا عليه السلام فِيمَا كَتَبَهُ إِلَيْهِ مِنْ جَوَابِ مَسَائِلِهِ: ... وَ حُرِّمَ النَّظَرُ إِلَى شُعُورِ النِّسَاءِ الْمُحْجُوبَاتِ بِالْأَزْوَاجِ وَ إِلَى غَيْرِهِنَّ مِنَ النِّسَاءِ لِمَا فِيهِ مِنْ تَهْيِيجِ الرِّجَالِ وَ مَا يَدْعُو إِلَيْهِ التَّهْيِيجُ مِنَ الْفَسَادِ وَ الدُّخُولِ فِيمَا لَا يَحِلُّ وَ لَا يَجْمَلُ وَ كَذَلِكَ مَا أَشْبَهَ الشُّعُورَ إِلَّا الَّذِي قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ﴾ أَيْ غَيْرَ الْجَلْبَابِ فَلَا بَأْسَ بِالنَّظَرِ إِلَى شُعُورِ مِثْلِهِنَّ.^۲

حضرت امام علی بن موسی الرضا عليه السلام در جواب سؤالات محمد بن سنان مرقوم فرمودند: ... و نگاه کردن به موی زنان باحجابی که همسر دار یا بدون همسر هستند (به طور کلی نگاه کردن به موی زنان)، سبب هیجان مردان می گردد

۱- کافی: ۵/۵۲۲ باب القواعد من النساء... ح ۳، وسائل الشیعه: ۲۰/۲۰۲ ب ۱۱۰ ح ۲۵۴۳۰.

۲- عیون أخبار الرضا عليه السلام: ۲/۸۸-۹۶ ب ۳۳ ح ۱، وسائل الشیعه: ۲۰/۱۹۳ ب ۱۰۴ ح ۲۵۴۰۶، بحار الأنوار:

و (نگاه کردن به) آنچه به تهییج فساد، حرام و نازیباست داخل می شوند، و نیز چنین است (نگاه کردن به) آنچه شبیه به موها گردد مگر در آنچه خداوند فرموده: ﴿وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ...﴾ پیرزنان که دیگر امیدی به زناشویی (غریزه جنسی) ندارند، بدون آنکه زینتهای خود را آشکار کنند، اگر چادر خویش بنهند مرتکب گناهی نشده‌اند مشروط بر این که منظورشان از این عمل، زینت و خودنمایی در منظر مردان نباشد ﴿مقصود جز جلباب (چادر و عبا) نیست، باکی نیست به موهای همچون آنان (زنان سالخورده) نگاه کردن.

توضیح: نتیجه آشکاراست، بنابر فرمایش حضرت: نگاه کردن به موی زنان، شوهردار یا بی شوهر و آنچه شبیه به موها شود (مثلاً موهای مصنوعی) و نیز نگاه کردن به آنچه سبب تهییج شهوت مردان شود حرام است مگر نگاه کردن به موهای زنان سالخورده به شرط آنکه آرایش نکرده باشند.

و فقط کمی توجه می طلبد، امام می فرماید: آنچه حرام و نازیباست.

۱۳- تفسیر القمی رحمته الله: ﴿وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحاً فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ﴾ قَالَ: نَزَلَتْ فِي الْعَجَائِزِ اللَّاتِي يَسْنُنُ مِنَ الْمَحِيضِ وَالتَّزْوِيجِ أَنْ يَضَعْنَ النِّقَابَ ثُمَّ قَالَ: ﴿وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَهُنَّ﴾ أَيُّ لَا يَظْهَرْنَ لِلرِّجَالِ^۱.

در تفسیر قمی رحمته الله از اهل بیت عليهم السلام آمده که پیرامون آیه: ﴿وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ...﴾ پیرزنان که دیگر امیدی به زناشویی (غریزه جنسی) ندارند، بدون آنکه زینتهای خود را آشکار کنند، اگر چادر خویش بنهند مرتکب گناهی نشده‌اند

۱- تفسیر قمی: ۱۰۷/۲، بحار الأنوار: ۴۰/۱۰۱ ب ۳۴ ح ۴۵، مستدرک الوسائل: ۲۷۶/۱۴ ب ۸۶ ح ۱۶۷۰۵-۲.

مشروط بر آنکه منظورشان از این کار، زینت و خودنمایی در منظر مردان نباشد ﴿فرموده اند: این آیه درباره پیرزنانی است که از حیض شدن و ازدواج (بهره جنسی) نا امید شده اند، که می توانند (روبندی) فرو گذارند. سپس فرمود: ﴿وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَهُنَّ - و اگر عفاف را پیشه سازند (چهره را آشکار نسازند) برایشان بهتر است﴾ یعنی برای آنان بهتر است که برای مردان ظاهر نشوند.

صاحب جواهر در مورد پوشش زنان پیر و سالخورده نوشته است: اما در مورد زنان سالخورده، آنچه از دلایل آشکار می شود این است: حکم عورت و وجوب پوشش نسبت به آن قسمتهایی از بدن، مثل شکم و مانند آن، که دیگر زنان می پوشانند، در مورد ایشان نیز باقی است.

اشکال ندارد این دسته از زنان، چهره، بخشی از مو، قسمت آرنج به پایین و مانند آن را آشکار کنند، یعنی قسمت هایی که آشکار کردن آنها در میان پیرزنها، متعارف است... نه به این معنا که حکم عورت و پوشش (به کلی) در مورد ایشان برداشته شده، چرا که می توان ادعا نمود ضرورت مذهب یا دین، برخلاف این برداشت است.^۱

و به نظر طبرسی، مقصود از آن، جلباب است.^۲ در دیگر کتب تفسیری نیز همین

۱- جواهر الکلام: ۸۵/۲۹: و أَمَّا الْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ: فَالَّذِي يَظْهَرُ بَقَاءُ حُكْمِ الْعَوْرَةِ بِالنِّسْبَةِ إِلَى مَا يَعْتَادُ سِتْرَهُ مِنَ الْأَجْسَادِ فِي مِثْلِهِنَّ مِنَ الْبُطْنِ وَنَحْوِهَا، نَعَمْ، لَا بَأْسَ بِبُرُوزِ وَجُوهِنَّ وَبَعْضِ شَعْرِهِنَّ وَأُذْرُعِهِنَّ وَنَحْوِ ذَلِكَ مِمَّا يَعْتَادُ فِي الْعَجَائِزِ الْمُسَنَّةِ... لَا أَنَّ الْمُرَادَ ارْتِفَاعَ حُكْمِ الْعَوْرَةِ بِالنِّسْبَةِ إِلَيْهِنَّ الَّذِي يُمْكِنُ دَعْوَى ضَرُورَةِ الْمَذْهَبِ أَوْ الدِّينِ عَلَى خِلَافِهِ.

۲- تفسیر مجمع البیان: ۲۷۱/۷.

سخنان کم و بیش به چشم می خورد.

زنان مورد بحث، اجازه دارند در برابر مردان نامحرم، تنها پوشش سرتاسری خود - مانند چادر- را بردارند و نمی توانند در برابر آنان، با سر و سینه برهنه و بدون روسری، آشکار شوند مگر آنانکه کنیز هستند.

۱۴- عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام: فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا﴾ مَا الَّذِي يَصْلُحُ لَهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ مِنْ ثِيَابِهِنَّ؟ قَالَ: الْجِلْبَابُ.^۱

محمد بن مسلم می گوید: درباره این سخن خداوند که می فرماید: ﴿وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا﴾ از امام صادق عليه السلام پرسیدم: این دسته از زنان، کدام بخش از لباس خود را می توانند بردارند؟ حضرت فرمود: جلباب (چادر و عبا) را.

۱۵- عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: ﴿الْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ لَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحُ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ﴾ قَالَ: تَضَعُ الْجِلْبَابَ وَحْدَهُ.^۲

امام صادق عليه السلام درباره آیه فرمودند: تنها می تواند جلباب (چادر و عبا) را بردارد. توضیح: براساس این دو روایت مقصود از ثياب در آیه، جلباب (چادر و عبا) است.

۱۶- عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ قَرَأَ: ﴿أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ﴾ قَالَ: الْخِمَارَ وَالْجِلْبَابَ. قُلْتُ: بَيْنَ يَدَيَّ مَنْ كَانَ؟ فَقَالَ: بَيْنَ يَدَيَّ مَنْ كَانَ غَيْرَ مُتَبَرِّجَةٍ بِزِينَةٍ فَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَهُوَ خَيْرٌ لَهَا...^۳

امام صادق عليه السلام آیه ﴿أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ﴾ را قرائت کردند و فرمودند: (مقصود از ثيابهن) روسری و چادر است. راوی می گوید به آن حضرت عرض کردم: نزد هر

۱- کافی: ۵/۵۲۲ باب القواعد من النساء... ح ۳، وسائل الشیعه: ۲۰/۲۰۲ ب ۱۱۰ ح ۲۵۴۳۰.

۲- کافی: ۵/۵۲۲ باب القواعد من النساء... ح ۲، وسائل الشیعه: ۲۰/۲۰۳ ب ۱۱۰ ح ۲۵۴۳۲.

۳- کافی: ۵/۵۲۲ ح ۱، وسائل الشیعه: ۲۰/۲۰۲ ب ۱۱۰ ح ۲۵۴۳۱.

کسی می تواند (روسی و چادر را) فروگذارد؟ فرمودند: نزد هر کسی (بیننده ای)، و زینت خود را آشکار نکند و اگر این را هم انجام ندهد برای او بهتر است ...

۱۷- عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ قَرَأَ: ﴿أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ﴾ قَالَ: الْجِلْبَابَ وَالْخِمَارَ إِذَا كَانَتِ الْمَرْأَةُ مُسِنَّةً^۱.

امام صادق عليه السلام درباره آیه مورد بحث فرمود: زن در صورتی که سالخورده باشد می تواند جلباب و روسری خود را بردارد.

۱۸- عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الْقَوَاعِدِ مِنَ النِّسَاءِ مَا الَّذِي يَصْلُحُ لَهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ مِنْ ثِيَابِهِنَّ؟ فَقَالَ: الْجِلْبَابُ إِلَّا أَنْ تَكُونِ أُمَةً فَلَيْسَ عَلَيْهَا جُنَاحُ أَنْ تَضَعَ خِمَارَهَا^۲.

از امام صادق عليه السلام پرسیدم: زنان سالخورده می توانند کدام بخش از پوشش خود را بردارند؟ فرمود: روپوش (لباسی که سر تا پا را می پوشاند)، مگر اینکه آن زن، کنیز باشد، که در این صورت بر او گناهی نیست روسری خود را بردارد.

توضیح: از این روایت، به قرینه ذیل آن استفاده می شود که برای زنان سالخورده (غیر کنیز) روا نیست در برابر مردان نامحرم، روسری خود را بردارند.

۱۹- ذَكَرَ الْحُسَيْنُ أَنَّهُ كَتَبَ إِلَيْهِ (الصَّادِقُ عليه السلام) يَسْأَلُهُ عَنْ حَدِّ الْقَوَاعِدِ مِنَ النِّسَاءِ اللَّائِي إِذَا بَلَغَتْ حَازَ لَهَا أَنْ تَكْشِفَ رَأْسَهَا وَذِرَاعَهَا؟ فَكَتَبَ عليه السلام: مَنْ قَعَدَنَ عَنِ النِّكَاحِ^۳.

حسین (یکی از اصحاب امام صادق عليه السلام) می گوید: خدمت آن حضرت نامه نوشته و از ایشان پرسیدم: حدّ زنان سالخورده که وقتی به آن حد برسند، می توانند سر

۱- کافی: ۵/۵۲۲ ح ۴، وسائل الشیعه: ۲۰/۲۰۳ ب ۱۱۰ ح ۲۵۴۳۳.

۲- تهذیب الأحکام: ۷/۴۸۰ ب ۴۱ ح ۱۳۶، وسائل الشیعه: ۲۰/۲۰۳ ابواب مقدمات نکاح ب ۱۱۰ ح ۲۵۴۳۵.

۳- تهذیب الأحکام: ۷/۴۶۷ ب ۴۱ ح ۷۹، وسائل الشیعه: ۲۰/۲۰۳ ابواب مقدمات نکاح ب ۱۱۰ ح ۲۵۴۳۴.

و دو دست خود از آرنج تا پایین را آشکار سازند، چیست؟ فرمود: وقتی که از ازدواج، فرو بنشینند (و دیگر رغبتی به آن نداشته باشند).

۲۰- عَنِ الرَّضَاءِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَجِلُّ لَهُ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى شَعْرِ أُخْتِ امْرَأَتِهِ فَقَالَ: لَا إِلَّا أَنْ تَكُونَ مِنَ الْقَوَاعِدِ. قُلْتُ لَهُ: أُخْتُ امْرَأَتِهِ وَالْغَرِيبَةُ سَوَاءٌ؟ قَالَ: نَعَمْ. قُلْتُ: فَمَا لِي مِنَ النَّظَرِ إِلَيْهِ مِنْهَا؟ فَقَالَ شَعْرُهَا وَ ذِرَاعُهَا.^۱

بزنطی می گوید: از امام رضا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ پرسیدم: آیا برای مرد حلال است به موی خواهر زن خود نگاه کند؟ فرمود: نه، مگر آن که از زنان سالخورده باشد. عرض کردم: یعنی خواهر زن با غریبه یکسان است؟ فرمود بله. عرض کردم: پس به کدام قسمت از او می توانم نگاه کنم؟ فرمود: مو و دستهایش از آرنج به پایین.

با توجه به پاسخ اول حضرت، روشن است که مقصود خواهر زن سالخورده است. آیه چهارم - ﴿يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِّنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا﴾^۲

ترجمه: ای همسران پیامبر! شما مانند یکی از زنان (دیگر) نیستید (باید سرمشق باشید) اگر تقوی پیشه کنید، بنابراین به گونه ای (به نرمی و ناز) هوس انگیز سخن نگوئید تا بیمار دلان (هواپرستان) به شما طمع کنند، و سخن شایسته (غیر هوس انگیز) بگوئید.

آیه پنجم - ﴿وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ...﴾^۳

۱- قرب الإسناد: ۱۶۰ الجزء ۳، وسائل الشیعة: ۱۹۹/۲۰ ب ۱۰۷ ح ۲۵۴۲۰.

۲- (۳۳) سوره احزاب: آیه ۳۳.

۳- (۳۳) سوره احزاب: آیه ۳۴.

ترجمه: و در خانه‌های خود بنشینید، و چون زنان جاهلیت نخست خودنمایی نکنید، و نماز بپادارید، و زکات دهید، و خدا و رسولش را اطاعت کنید... .

آیه ششم - ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ إِلَى طَعَامٍ غَيْرِ نَاطِرِينَ إِنَّهُ وَلَكِنْ إِذَا دُعِيتُمْ فَادْخُلُوا فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَانْتَشِرُوا وَلَا مُسْتَأْنَسِينَ لِحَدِيثٍ إِنَّ ذَلِكَ كَانَ يُؤْذِي النَّبِيَّ فَيَسْتَحْيِي مِنْكُمْ وَاللَّهُ لَا يَسْتَحْيِي مِنَ الْحَقِّ وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ وَمَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُؤْذُوا رَسُولَ اللَّهِ وَلَا أَنْ تَنْكِحُوا أَزْوَاجَهُ مِنْ بَعْدِهِ أَبَدًا إِنَّ ذَلِكَ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمًا﴾^۱

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به خانه‌های پیامبر داخل نشوید مگر آنکه به شما اجازه داده شود... و چون از زنان پیامبر چیزی خواستید (سوالی داشتید) از پشت پرده بخواهید، این پاکیزه‌تر است برای دل‌های شما و آنها، و شما نباید رسول خدا را اذیت کنید و نه زنان او را پس از ایشان به همسری خود درآورید، این کار نزد خدا (گناهی) بزرگ است.

آیه هفتم - ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا﴾^۲

ترجمه: ای پیامبر! به زنان و دختران خود و زنان مؤمنان بگو: چادر خود را به خود جمع کنند (و با آن صورت خود را بپوشانند). این نزدیکتر است تا شناخته نشوند و مورد آزار قرار نگیرند. و خدا آمرزنده و مهربان است.

توضیح: اظهارنمودن اندام و زیباییها، حیات معنوی را نابود می‌کند، و تفاوتی در کار نیست، زن و مرد هر دو گرفتار خواهند شد.

۱- (۳۳) سوره احزاب: آیه ۵۴.

۲- (۳۳) سوره احزاب: آیه ۶۰.

از این رو اسلام خانم های جوان را از افکندن چادر و روسری منع و موظّف نموده است که چادری ضخیم بپوشند تا لباسشان از پشت آن نمایان نباشد. خداوند به جهت حسّاسیّت امر برای بانوان جوان در مقابل دیدگان، وظایفی را مقرر فرموده است، و بدینوسیله دلّهای پاک را، راهنمایی می فرماید.

همچنین با توجّه به این قسمت از آیه کریمه ﴿ذَلِكَ اَذْنٰى اَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَنُ﴾ برای اینکه زنان شناخته نشوند چاره ای ندارند جز اینکه تمام بدن حتّی صورت را که مجمع زیباییها و زینت های ایشان و برترین قسمت شناساننده اشخاص است، بپوشانند.

روي عن النبي ﷺ أنه قال: للزوج ما تحت الدرع وللأخ ما فوق الدرع وغير ذي محرم أربعة أثواب: درع و خمار و جلباب و إزار.^۱

از پیامبر اکرم ﷺ روایت شده: (بهره شوهر از زن) کامیابی از زیرپیراهن است و برای پسر و برادر آنچه روی پیراهن است و نامحرم (از روی) چهار لباس (همراه با هم): پیراهن (لباس بلند)، روسری، شلوار و چادر می تواند زن را ببیند. محقّق اردبیلی رحمه الله می نویسد: از «ثیاب» مانند چادر و عبا اراده شده که معمولاً روی لباسهای دیگر پوشیده می شود.^۲

مفسّرین امامیه جز اندکی از ایشان، همگی ثیاب را به چادر تفسیر کرده اند. شهرت عظیمی از نظر جمیع مفسّرین و علماء اسلام که به اجماع نزدیک است محقّق شود می توان ادّعا کرد که مراد از ثیاب در آیه لباس گشاد (عبا و چادر)

۱- تفسیر مجمع البیان: ۱۵۵/۴.

۲- زیّد البیان، سوره نور: آیه ۵۹.

است. و مشهور میان علماء و لغت شناسان این است که «جلیاب» را به چادر در مقابل خمار که روسری می باشد معنا کرده اند.

بر زن، پوشانیدن همه بدن، حتّیّ چهره و دو دست واجب است. به گفته علامه حلّی رحمته الله، این قول را، ابابکر بن عبدالرحمان بن هشام و به گفته صاحب جواهر، فاضل مقداد اختیار نموده اند^۱؛ و از عبارت فیض کاشانی رحمته الله در تفسیر صافی نیز این بیان آشکار می شود.^۲

براساس نقل صاحب جواهر رحمته الله، سخن فاضل مقداد سیوری رحمته الله چنین است: **إِنَّ بَدْنَ الْمَرْأَةِ عَوْرَةَ إِلَّا عَلَى الزَّوْجِ وَالْمَحَارِمِ**.^۳ یعنی: پیکر زن عورت است مگر بر شوهر و محارم او.

سیره عملی متدینان از صدر اسلام تاکنون نیز رعایت پوشش کامل از سوی بانوان و پوشیده ماندن ایشان از نگاه نامحرمان بوده است. مردان متدین و غیور، هیچگاه اجازه نمی دادند زنان و دخترانشان باچهره های باز در مقابل نامحرم نمایان شوند. شهید ثانی رحمته الله چنین نگاشته: **لَا تَتَّفَاقُ الْمُسْلِمِينَ عَلَى مَنَعِ النِّسَاءِ مِنْ أَنْ يَخْرُجْنَ سَافِرَاتٍ**.^۴ یعنی: مسلمانان اتفاق دارند که از بیرون رفتن زنان با سر و روی برهنه جلوگیری نمایند.

صاحب جواهر رحمته الله فرموده: بعضی بر وجوب پوشش چهره به این آیه **يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى**

۱- تذکرة الفقهاء: ۴۴۸/۲؛ جواهر الکلام: ۷۷/۲۹.

۲- تفسیر صافی: ۳۶۶/۲.

۳- جواهر الکلام: ۷۰۷/۲۹.

۴- مسالک الأفهام: ۴۷/۷.

أَنْ يُعْرِفَنَّ فَلَا يُؤْذِنَنَّ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ﴿استدلال کرده اند.^۱

استدلال به آیه، مبنی بر این است: ﴿يُذْنِبْنَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيهِنَّ﴾ - روپوش های خویش را به خود نزدیک کنند ﴿اشاره به پوشاندن صورت است، چنانکه ملّامحسن فیض قدس سره در تفسیر صافی نوشته است: يَغْطِيْنَ وَجُوهَهُنَّ وَأَبْدَانَهُنَّ بِمَلَاهِفِهِنَّ إِذَا بَرَزْنَ لِحَاجَةٍ.^۲ یعنی: زنان، هنگامی که برای (رفع) حاجتی، بیرون می روند، چهره ها و بدن هایشان را با روپوش های خویش بپوشانند.

صاحب جواهر الکلام قدس سره می نویسد: و لمناسبة ذلك البعد عن الوقوع في الزنا، والافتتان ونحوهما المعلوم من الشارع ارادة عدمهما.^۳ یعنی: حکم به حرمت، تناسب دارد با دور شدن از زناکاری و مفتون واقع نشدن و مانند آن دو که معلوم است مقصود شارع، نبودن آنها است.

جوهری نوشته است: الجلباب: الملحفة؛^۴ یعنی: جلباب، پوشش سرتاسری است. قرطبی از مفسرین عامّه می نویسد: الجلابيب - جمع جلباب - و هو ثوب اكبر من الخمار. و روی عن ابن عباس و ابن مسعود انه الرداء و قد قيل: إنه القناع، والصحيح أنه الثوب الذي يستر جميع البدن.^۵ یعنی: جلابيب، جمع جلباب و آن پوششی است بزرگتر از روسری و از ابن عباس و ابن مسعود روایت شده که جلباب را به ردّا معنا کرده اند؛ برخی آن را به معنای روسری دانسته اند و صحیح آن است که

۱- جواهر الکلام: ۷۷/۲۹.

۲- تفسیر الصافی: ۳۶۶/۲.

۳- جواهر الکلام: ۷۸/۲۹.

۴- صحاح اللّغة: ۱۰۱/۱.

۵- الجامع لأحكام القرآن: ۲۴۴/۱۴.

واژه ی جلباب را به معنای پوششی بدانیم که همه بدن را می پوشاند.

اسماعیل بن کثیر از مفسرین عامّه می نویسد: **الجلباب هو الرداء فوق الخمار... و هو بمنزلة الإزار اليوم**.^۱ یعنی: جلباب به معنای پوششی است که روی مقنعه قرار می گیرد... و آن امروزه به منزله چادر است. این سخن را ابن مسعود، عیبه، قتاده، حسن بصری، سعید بن جبیر، ابراهیم نخعی، عطایی خراسانی و شمار فراوان دیگری ابراز داشته اند.

وجوب پوشش صورت از دیدگاههایی است که در میان مفسّرین^۲ و فقهاء شهرت فتوایی دارد.

۱- تفسیر ابن کثیر: ۲۴۴/۴.

۲- الجلباب خمار المرأة الذي يغطي رأسها و وجهها اذا خرجت لحاجة، یعنی: جلباب سرپوشی است که زن، سر و صورت خود را هنگام بیرون رفتن از خانه (با آن) می پوشاند، تفسیر مجمع البیان.

حجاب از دیدگاه اهل بیت علیهم السلام

۱- بهشت سزای...

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ سَلِمَ مِنْ أَمَّتِي مَنْ أَرْبَعَ خِصَالٍ فَلَهُ الْجَنَّةُ، مِنَ الدُّخُولِ فِي الدُّنْيَا وَاتِّبَاعِ الْهَوَى وَشَهْوَةِ الْبَطْنِ وَشَهْوَةِ الْفَرْجِ، وَمَنْ سَلِمَ مِنْ نِسَاءِ أَمَّتِي مَنْ أَرْبَعَ خِصَالٍ فَلَهَا الْجَنَّةُ، إِذَا حَفِظَتْ مَا بَيْنَ رِجْلَيْهَا وَأَطَاعَتْ زَوْجَهَا وَصَلَّتْ خَمْسَهَا وَصَامَتْ شَهْرَهَا.^۱

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: از امت من هرکس از چهار خوی سالم بماند، پاداش او بهشت است: ۱- در دنیا داخل شدن (دنیاپرستی) ۲- و پیروی از هوا و هوس (هواپرستی) ۳- شهوت شکم (شکم بارگی) ۴- شهوت جنسی (شهو ترانی).
و از زنان امت من هرکدام که از چهار خوی سالم بماند، پاداش او بهشت است:
۱- اگر بین دو پای خود حفظ کند (شهوت پرستی نکند) ۲- و فرمان شوهر خود ببرد ۳- و نمازهای پنجگانه را به جای آورد ۴- و ماه رمضان را روزه بگیرد.

۱- خصال: ۲۲۳/۱ ح ۵۴، بحار الأنوار: ۱۰۷/۱۰۱ ب ۳ ح ۲.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: تَقَبَّلُوا لِي سِتَّ خِصَالٍ اتَّقَبَّلْ لَكُمْ بِالْجَنَّةِ... وَ غُضُّوا أَبْصَارَكُمْ
وَاحْفَظُوا فُرُوجَكُمْ وَ...^۱

پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: شش خصلت را برایم بپذیرید، بهشت را برای شما
خواهم پذیرفت... و چشمانتان را از نگاه حرام فرو نهید و عورت‌های خود را از
حرام محافظت کنید و... .

۲- هر عضوی را بهره ای از...

عَنِ النَّبِيِّ ﷺ أَنَّهُ قَالَ: لِكُلِّ عَضْوٍ مِنْ بَنِي آدَمَ حَظٌّ مِنَ الزَّنى، وَالْعَيْنُ زِنَاهُ النَّظَرُ
وَاللِّسَانُ زِنَاهُ الْكَلَامُ وَالْأُذُنَانِ زِنَاهُمَا السَّمْعُ وَالْيَدَانِ زِنَاهُمَا الْبَطْشُ وَالرَّجُلَانِ زِنَاهُمَا
الْمَشْيُ وَالْفَرْجُ يُصَدِّقُ ذَلِكَ كُلَّهُ وَيُكَذِّبُهُ.^۲

پیامبر اسلام ﷺ فرمودند: برای هر عضوی از فرزندان آدم بهره ای از زنا است
و زنا چشم نگاه حرام، زنا زبان سخن بانامحرم، زنا دو گوش شنیدن صدای
نامحرم و زنا دست ها لمس و گرفتن است و زنا پاها نیز راه رفتن به سوی
گناه و حرام است. و عورت ها (شهوة جنسی) تصدیق و تکذیب آنها را می کند.
توضیح: محقق حلّی می نویسد: برای شخص نابینا، روا نیست به صدای زن
نامحرم گوش فرا دهد.^۳

صاحب کتاب جواهر الکلام می نویسد: اختصاص به شخص نابینا ندارد؛ و ظاهر
کتاب های القواعد، التحریر، الارشاد و التلخیص نیز حرمت است.^۴

۱- مشکاة الأنوار: ۱۷۳ فصل ۱۹، بحار الأنوار: ۲۸۶/۶۸ ب ۷۸ ج ۷۲ ب ۴۷.

۲- جامع الأخبار: ۱۴۵ فصل ۷، بحار الأنوار: ۳۸/۱۰۱ ب ۳۴ ح ۳۵، مستدرک الوسائل: ۱۴/۳۴۰

ب ۱۲ ح ۱۶۸۹۴-۱.

۳- شرائع الإسلام: ۲/۲۶۹.

۴- جواهر الکلام: ۵۱۲/۲۹.

۳- داستان پاکش، پاکتر از آن بود که...

عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عَمْرِو قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ: كَيْفَ مَسَحَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ النِّسَاءَ حِينَ بَايَعَهُنَّ؟ فَقَالَ: دَعَا بِمِرْكَنِهِ الَّذِي كَانَ يَتَوَضَّأُ فِيهِ فَصَبَّ فِيهِ مَاءً ثُمَّ غَمَسَ فِيهِ يَدَهُ الْيُمْنَى فَكَلَّمَا بَايَعَ وَاحِدَةً مِنْهُنَّ قَالَ اغْمِسِي يَدَكَ فَتَغْمِسُ كَمَا غَمَسَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فَكَانَ هَذَا مِمَّا سَحَّتْهُ إِيَّاهُنَّ.^۱

به امام صادق علیه السلام عرض کردم: هنگامی که پیامبر خدا ﷺ با زنان (مکه) بیعت فرمودند، چگونه با آنان بیعت نمودند؟ فرمود: ظرف وضوی خود را طلبیده، در آن مقداری آب ریختند، سپس دست راست خود را در آن فرو بردند، هر زنی که می خواست با آن حضرت بیعت کند، می فرمود: دست خود را در ظرف فرو ببرد، و زنان بیعت کننده نیز مانند پیامبر دست خود را در ظرف فرومی بردند. مصافحه پیامبر ﷺ با زنان اینگونه بود. (هرگز با هیچ زنی مصافحه نکرده و دست ندادند).

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ: أَتَدْرِي كَيْفَ بَايَعَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ النِّسَاءَ؟ قُلْتُ: اللَّهُ أَعْلَمُ وَابْنُ رَسُولِهِ أَعْلَمُ. قَالَ: جَمَعَهُنَّ حَوْلَهُ ثُمَّ دَعَا بِتَوْرٍ بِرَأْسٍ فَصَبَّ فِيهِ نَضُوحًا ثُمَّ غَمَسَ يَدَهُ إِلَى أَنْ قَالَ: ثُمَّ قَالَ: اِغْمِسْنَ أَيْدِيَكُمْ فَفَعَلْنَ، فَكَانَتْ يَدُ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ الطَّاهِرَةُ أَطْيَبَ مِنْ أَنْ يَمَسَّ بِهَا كَفُّ أَنْثَى لَيْسَتْ لَهُ بِمَحْرَمٍ.^۲

امام صادق علیه السلام فرمودند: آیا می دانی پیامبر خدا ﷺ با زنان چگونه بیعت نمودند؟ عرض کردم: خدا و فرزند پیامبر خدا ﷺ داناترند. آن حضرت فرمود: ظرف وضوی خود را طلب نمودند و در آن آب تازه ریخته؛ سپس دست خود را در آن

۱- کافی: ۵/۲۵۵ح ۱، وسائل الشیعه: ۲۰/۲۰۸ب ۱۱۵ح ۱۱۵۴۴۷.

۲- کافی: ۵/۲۵۶ح ۱، وسائل الشیعه: ۲۰/۲۰۸ب ۱۱۵ح ۱۱۵۴۴۸.

فروربدرند و به زنان امر فرمودند: دستان خود را در آن فرو برید. همانا دستان طاهر رسول خدا ﷺ، پاکتر از آن بود که با آن دست زن نامحرمی را لمس کند.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: لَمَّا فَتَحَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَكَّةَ بَايَعَ الرِّجَالَ ثُمَّ جَاءَهُ النِّسَاءُ يُبَايِعُنَهُ فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ عَلَى أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِفْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِيَنَّكَ فِي مَعْرُوفٍ فَبَايِعْنَهُنَّ وَاسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾^۱ إِلَى أَنْ قَالَ: فَقَالَتْ أُمُّ حَكِيمٍ: ... يَا رَسُولَ اللَّهِ! كَيْفَ نُبَايِعُكَ؟ فَقَالَ: إِنِّي لَا أَصَافِحُ النِّسَاءَ، فَدَعَا بِقَدَحٍ مِنْ مَاءٍ فَأَدْخَلَ يَدَهُ ثُمَّ أَخْرَجَهَا فَقَالَ: ادْخُلْنَ أَيْدِيَكُمْ فِي هَذَا الْمَاءِ فَهِيَ الْبَيْعَةُ.^۲

امام صادق رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فرمودند: هنگامی که پیامبر خدا ﷺ مکه را فتح نمودند؛ مردان با آن حضرت بیعت کردند، سپس زنان برای بیعت کردن با ایشان آمدند، خداوند عزوجل آیه ای نازل فرمود: ﴿ای پیامبر! هنگامی که زنان با ایمان نزد تو آیند تا (براساس این شرایط) با تو بیعت کنند: چیزی را با خدا شریک نگیرند، و دزدی نکنند، و مرتکب زنا نشوند، و فرزندان خود را نکشند، و طفل حرام زاده خود را به دروغ و افترا به شوهرانشان نبندند، و در هیچ کار پسندیده‌ای از تو سرپیچی نکنند، با آنان بیعت کن و از خدا برای آنان آمرزش بخواه؛ زیرا خداوند آمرزنده و مهربان است﴾ (زنی به نام) امّ حکیم گفت: ای پیامبر خدا! چگونه با تو بیعت کنیم؟ پیامبر ﷺ فرمود: بدرستی که من با زنان دست نمی دهم. پس آن حضرت

۱- (۶۰) سوره ممتحنه: آیه ۱۳.

۲- تفسیر قمی: ۳۶۳/۲، کافی: ۵/۵۲۷، باب صفة مبايعة النبي ﷺ النساء... ح ۵، شرح نهج البلاغه حدیدی: ۸/۱۸، وسائل الشیعه: ۲۰/۲۱۱ ب ۱۱۷ ح ۲۵۴۵۴، بحار الأنوار: ۱۱۳/۲۱ ب ۲۶

ظرف آبی خواستند، دست خود را در آن قرار دادند، سپس دست خود را از آن خارج نموده و فرمودند: ای زنان دست خود را در این آب قرار دهید، همین بیعت کردن است.

۴- پیمان بر عفاف

عَنْ عَلِيٍّ عليه السلام قَالَ: أَخَذَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ الْبَيْعَةَ عَلَى النِّسَاءِ... وَ لَا يَقْعُدْنَ مَعَ الرِّجَالِ فِي الْخَلَاءِ^۱.

حضرت امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود: پیامبر خدا ﷺ از زنان پیمان گرفتند (بر اینکه)... و اینکه در خلوت با نامحرمان ننشینند.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ فِيمَا أَخَذَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مِنَ الْبَيْعَةِ عَلَى النِّسَاءِ:.... وَلَا يَقْعُدْنَ مَعَ الرِّجَالِ فِي الْخَلَاءِ^۲.

امام صادق علیه السلام فرمود: از چیزهایی که پیامبر (بر آنها) از زنان پیمان گرفتند... و اینکه با مردان در خلوت همنشینی نکنند.

عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ: أَنَّهُ كَانَ مِمَّا يَأْخُذُ عَلَى النِّسَاءِ فِي الْبَيْعَةِ أَنْ لَا يَتَحَدَّثْنَ مَعَ الرِّجَالِ إِلَّا ذَا مَحْرَمٍ^۳.

از پیمان هایی که رسول خدا ﷺ از زنان می گرفتند این بود که با نامحرمان همسخن نباشند.

۱- دعائم الإسلام: ۲۲۶/۱، مکارم الأخلاق: ۲۳۳، فصل ۹، وسائل الشیعه: ۱۸۵/۲۰ ب ۹۹ ح ۲۵۳۸۳، بحار الأنوار: ۱۰۱/۷۹ ب ۱۶ و ج ۱۰ ص ۲۶۱ ب ۵ ح ۱۷، مستدرک الوسائل: ۴۴۹/۲ ب ۷۱ ح ۲۴۳۳-۲ ص ۴۵۳ ح ۲۴۴۹-۱۸ و ج ۱۴ ص ۲۶۵ ب ۷۸ ح ۱۶۶۶۶-۳.

۲- کافی: ۵۱۹/۵ باب التستر... ح ۶، وسائل الشیعه: ۱۸۵/۲۰ ب ۹۹ ح ۲۵۳۸۱.

۳- دعائم الإسلام: ۲۱۴/۲ ح ۷۹۱، مستدرک الوسائل: ۲۷۲/۱۴ ب ۸۳ ح ۱۶۶۹۰-۱.

۵- نهی نبوی ﷺ

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: نَهَى رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَنْ يَدْخُلَ الرَّجَالُ عَلَى النِّسَاءِ إِلَّا بِإِذْنِ أَوْلِيَائِهِنَّ.^۱

امام صادق عليه السلام فرمود: پیامبر ﷺ نهی فرمود از اینکه مردان بر زنان بدون اجازه اولیاء (سرپرست، پدر، شوهر، ولی) آنان داخل شوند.

عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ أَنَّهُ نَهَى النِّسَاءَ أَنْ يَنْظُرْنَ إِلَى الرَّجَالِ وَأَنْ يَخْرُجْنَ مِنْ بُيُوتِهِنَّ إِلَّا بِإِذْنِ أَزْوَاجِهِنَّ وَنَهَى أَنْ يَدْخُلْنَ الْحَمَّامَاتِ إِلَّا مِنْ عَذْرِ وَقَالَ ﷺ: أَيُّمَا امْرَأَةٍ وَضَعَتْ حِمَارَهَا فِي غَيْرِ بَيْتِ زَوْجِهَا فَقَدْ هَتَكَتْ حِجَابَهَا.^۲

رسول اکرم ﷺ زنان را از نگاه کردن به مردان نامحرم نهی فرمودند و از بیرون رفتن از خانه بدون اجازه شوهران بازداشتند و از رفتن به حمام عمومی بدون عذر شرعی نهی نموده و فرمودند: هر زنی که حجاب خود را در غیر خانه شوهرش فروگذارد، حجاب خود را هتک نموده است.

وَعَنْهُ ﷺ: أَنَّهُ نَهَى النِّسَاءَ أَنْ يَسْلُكْنَ وَسَطَ الطَّرِيقِ وَقَالَ: لَيْسَ لِلنِّسَاءِ فِي وَسْطِ الطَّرِيقِ نَصِيبٌ. وَنَهَى أَنْ تَلْبَسَ الْمَرْأَةُ إِذَا خَرَجَتْ ثَوْبًا مَشْهُورًا أَوْ تَتَحَلَّى بِمَا لَهُ صَوْتُ يُسْمَعُ وَلَعَنَ الْمُذْكَرَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْمُؤَنَّثِينَ مِنَ الرَّجَالِ وَنَهَى النِّسَاءَ عَنْ إظهارِ الصَّوْتِ إِلَّا مِنْ ضَرُورَةٍ وَنَهَاَهُنَّ عَنِ الْمَبِيتِ فِي غَيْرِ بُيُوتِهِنَّ وَنَهَى أَنْ يُسَلِّمَ الرَّجَالُ عَلَيْهِنَّ.^۳

و پیامبر ﷺ زنان را از اینکه در وسط راه حرکت کنند نهی نموده و فرمودند:

۱- وسائل الشیعه: ۲۰/۲۱۴ ب ۱۱۸ ح ۲۵۴۵۸، مستدرک الوسائل: ۱۴/۲۸۱ ب ۹۱ ح ۱۶۷۲۰.

۲- دعائم الإسلام: ۲/۲۱۵ فصل ۴ ح ۷۹۴، مستدرک الوسائل: ۱/۳۸۵ ب ۱۲ ح ۹۳۰-۴ و ج ۱۴ ص ۲۸۰ ب ۹۰ ح ۱۶۷۱۶-۳.

۳- دعائم الإسلام: ۲/۲۱۵ فصل ۴ ح ۷۹۶، مستدرک الوسائل: ۱۴/۲۸۰ ب ۹۰ ح ۱۶۷۱۸-۵.

زنان را از وسط راه بهره ای نیست و زنان را از اینکه لباس شهرت (که سبب انگشت نما شدن باشد) بپوشند و از پوشیدن چیزی که صدا ایجاد کند (زیورآلات و غیر آنها باشد)؛ نهی فرمودند و مردانی را که صفات زنان دارند (تشبه به زنان) و زنان با صفات مردان (تشبه به مردان) را لعنت کردند و زنان را از اینکه صدای خود را در غیر ضرورت آشکار کنند و در غیر خانه خود بمانند نهی فرمودند و از سلام کردن مردان به زنان نهی فرمودند.

من مناهي النبي ﷺ: مَنْ صَافَحَ امْرَأَةً تَحْرُمُ عَلَيْهِ فَقَدْ بَاءَ بِسَخَطٍ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَمَنْ التَّرَمَ امْرَأَةً حَرَامًا قُرْنَ فِي سِلْسِلَةٍ مِنْ نَارٍ مَعَ شَيْطَانٍ فَيُقَذَّفَانِ فِي النَّارِ.^۱

از آنچه پیامبر خدا ﷺ نهی فرموده، آن است که فرمود: هرکسی دست به زن نامحرمی بدهد، سزاوار غضب الهی شده و هرکس زن نامحرمی را در آغوش گیرد به همراهی شیطان در زنجیری از آتش بسته شود و هر دو در آتش جهنم انداخته شوند.

۶- از وصایای پدر امت

فِيمَا أَوْصَى بِهِ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَلِيًّا: يَا عَلِيُّ!... وَ لَا تَخْرُجُ مِنْ بَيْتِ زَوْجِهَا إِلَّا بِإِذْنِهِ فَإِنْ خَرَجْتَ بِغَيْرِ إِذْنِهِ لَعَنَهَا اللَّهُ وَ جَبْرَيْلُ وَ مِيكَائِيلُ وَ لَا تُعْطِي مِنْ بَيْتِ زَوْجِهَا شَيْئًا إِلَّا بِإِذْنِهِ... يَا عَلِيُّ!... وَ طَاعَةُ الْمَرْأَةِ نَدَامَةٌ، يَا عَلِيُّ! إِنْ كَانَ الشُّؤْمُ فِي شَيْءٍ فَفِي لِسَانِ الْمَرْأَةِ... يَا عَلِيُّ! أَرْبَعَةٌ مِنْ قَوَاصِمِ الظَّهْرِ، إِمَامٌ يَعْصِي اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَ يُطَاعُ أَمْرُهُ وَ زَوْجَةٌ يَحْفَظُهَا زَوْجُهَا وَ هِيَ تَخُونُهُ وَ فَقْرٌ لَا يَجِدُ صَاحِبَهُ مُدَاوِيًا وَ جَارٌ سَوَاءٌ فِي دَارٍ مُقَامٍ...^۲

۱- من لا يحضره الفقيه ۴/ ۳۷۶ باب ذکر جمل من مناهي النبي ﷺ ...

۲- من لا يحضره الفقيه ۴/ ۳۵۲-۳۷۶ بالنوادر ح ۵۷۶، خصال: ۵۱۱/۲، وضع عن النساء تسعة عشر

پیامبر اکرم ﷺ به امیرالمؤمنین ﷺ فرمودند: ای علی! (زن) ... و نباید از خانه شوهر بدون اجازه او خارج شود و اگر چنین کرد خدا و جبرئیل و میکائیل او را لعنت می کنند. و از خانه شوهر بدون اجازه او چیزی به کسی ندهد... ای علی! ... فرمانبرداری از زن پشیمانی آورد. ای علی! اگر در چیزی شومی و نحسی است، پس در زبان زن (بددهان) است... ای علی! چهار چیز کمر را می شکند: ۱- پیشوایی که نافرمانی خدا کند و فرمان او برده شود ۲- و زنی که شوهرش او را حفظ کند و آن زن به شوهر خود خیانت کند ۳- و تنگدستی و فقری که صاحب آن درمان کننده ای نیابد ۴- و همسایه بد برای خانه ...

۷- پدیرت آمرزیده شد

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِنَّ رَجُلًا مِنَ الْأَنْصَارِ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ خَرَجَ فِي بَعْضِ حَوَائِجِهِ فَعَهَدَ إِلَى امْرَأَتِهِ عَهْدًا أَلَّا تَخْرُجَ مِنْ بَيْتِهَا حَتَّى يَقْدَمَ، قَالَ: وَإِنَّ أَبَاهَا مَرِضٌ فَبَعَثَتِ الْمَرْأَةُ إِلَى النَّبِيِّ ﷺ فَقَالَتْ: إِنَّ زَوْجِي خَرَجَ وَعَهْدِي أَنِّي لَا أَخْرُجُ مِنْ بَيْتِي حَتَّى يَقْدَمَ وَإِنَّ أَبِي قَدْ مَرِضَ فَتَأْمُرُنِي أَنْ أَعُودَهُ؟ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: لَا إِجْلِسِي فِي بَيْتِكَ وَاطِيعِي زَوْجَكَ، قَالَ: فَثَقُلْتُ فَأَرْسَلْتُ إِلَيْهِ ثَانِيًا بِذَلِكَ فَقَالَتْ: فَتَأْمُرُنِي أَنْ أَعُودَهُ؟ فَقَالَ: إِجْلِسِي فِي بَيْتِكَ وَاطِيعِي زَوْجَكَ، قَالَ: فَمَاتَ أَبُوهَا فَبَعَثَتْ إِلَيْهِ إِنَّ أَبِي قَدْ مَاتَ فَتَأْمُرُنِي أَنْ أَصْلِي عَلَيْهِ؟ فَقَالَ: لَا إِجْلِسِي فِي بَيْتِكَ وَاطِيعِي زَوْجَكَ. قَالَ: فَدَفِنَ الرَّجُلُ فَبَعَثَتْ إِلَيْهَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِنَّ اللَّهَ قَدْ غَفَرَ لَكَ وَلِأَبِيكَ بِطَاعَتِكَ لِزَوْجِكَ.^۱

شیئا... مکارم الأخلاق: ۴۳۸ فصل ۳ در وصیت پیامبر ﷺ به امام علی عليه السلام، بحار الأنوار: ۴۶/۷۴ ح ۳ و ج ۱۰ ص ۲۵۷ ح ۲.

۱- کافی: ۵۱۳/۵ باب ما يجب من طاعة الزوج... ح ۱، من لایحضره الفقیه: ۴۴۱/۳ باب حق المرأة علی الزوج... ح ۴۵۳۲، مکارم الأخلاق: ۲۱۶، نوادر راوندی: ۴۳، وسائل الشیعه: ۱۷۴/۲۰ ب ۹۱

امام صادق علیه السلام فرمود: مردی از انصار در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله برای انجام بعضی از کارهایش از خانه خارج شد (به سفر رفت) و به همسر خود گفت: تا بازنگشته ام از خانه بیرون مرو. در آن زمان پدرش (پدر آن زن) بیمار گشت. پس آن زن برای پیامبر صلی الله علیه و آله پیغام فرستاد که: شوهرم بیرون رفته و به من گفته است از خانه خارج نشوم تا وی بازگردد و بدرستی که پدرم بیمار شده است. امر می فرمایید به عیادت پدرم بروم؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: نه، بنشین در خانه ات و از فرمان شوهرت پیروی کن. پس پدرش به شدت بیمار گشت؛ دوباره آن زن برای پیامبر پیغام فرستاد، پیامبر فرمود: در خانه ات بنشین و از فرمان شوهرت پیروی کن. تا اینکه پدر آن زن از دنیا رفت و باز آن زن پیغام برای حضرتش فرستاد که آیا مرا اجازه می دهید بر پدرم نماز بگذارم؟ فرمود: نه، در خانه ات بنشین و فرمان شوهرت را اطاعت کن. عاقبت پدر آن زن را به خاک سپردند. و پیامبر این بار برای او پیغام فرستاد که: خداوند تو و پدرت را به خاطر فرمانبرداری از شوهرت آمرزید.

۸- زنان...

قَالَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله: النِّسَاءُ عِيٌّ وَ عَوْرَاتٌ، فَدَاوُوا عِيَّهُنَّ بِالسُّكُوتِ وَ عَوْرَاتِهِنَّ بِالْبُيُوتِ^۱.
پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: زنان ناتوان و ناتوان طلب (در گفتار) و عورت هستند، ناتوانی گفتاری آنان را با سکوت و عورت های آنان را با خانه ها درمان کنید.

ح ۲۵۳۵-۱، بحار الأنوار: ۱۴۵/۲۲ ب ۳۷ ح ۱۳۶، مستدرک الوسائل: ۱۴/۲۵۶ ب ۷۱ ح ۱۶۶۳۸-۱ و ص ۲۵۷ ح ۱۶۶۴۰-۳ و ص ۲۵۸ ح ۱۶۶۴۴-۷.

۱- در کتاب کافی: فَاسْتَرْوْا، و در مستدرک الوسائل: فَادْرُءُوا آمده است.

کافی: ۵۳۵/۵ ح ۱ و ۴، من لا يحضره الفقيه: ۳/۳۹۰ باب المذموم من أخلاق النساء و... ح ۴۳۷۲، مکارم الأخلاق: ۲۰۱، مستدرک الوسائل: ۱۴/۱۸۲ ح ۱۶۴۵۱-۳، وسائل الشیعه: ۲۰/۶۶ ب ۲۴ و ۲۵۰۵۱ و ۲۵۰۵۳، بحار الأنوار: ۱۰۰/۲۵۲ ب ۴-أحوال الرجال و... ح ۵۰.

عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ أَنَّهُ قَالَ: اتَّقُوا اللَّهَ فِي النِّسَاءِ فَإِنَّهُنَّ عِيٌّ وَعَوْرَةٌ وَإِنَّكُمْ اسْتَحْلَلْتُمُوهُنَّ بِأَمَانَةِ اللَّهِ وَهُنَّ عِنْدَكُمْ عَوَانٌ فَأَذَرُوا عِيَّهُنَّ بِالسَّكُوتِ وَارُوا عَوْرَاتِهِنَّ بِالْبُيُوتِ.^۱

رسول اکرم ﷺ فرمودند: درباره زنان تقوای خدا پیشه کنید، همانا آنان ناتوان (در گفتار) و عورت اند و همانا آنان را به امانت خدا بر خود حلال کردید و آنان نزد شما به نیمه رسیده هستند، پس ناتوانی آنان را با خاموشی و عورتهای آنان را با خانه ها بپوشانید.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: النِّسَاءُ عَوْرَةٌ إِحْبِسُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ وَاسْتَعِينُوا عَلَيْهِنَّ بِالْعُرَى.^۲
پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: زنان عورت اند، آنان را در خانه (دور از محیطی که نامحرم در آن حضور دارد) نگاه دارید...

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع): لَا تَبْدُءُوا النِّسَاءَ بِالسَّلَامِ وَلَا تَدْعُوهُنَّ إِلَى الطَّعَامِ فَإِنَّ النَّبِيَّ ﷺ قَالَ: النِّسَاءُ عِيٌّ وَعَوْرَةٌ فَاسْتُرُوا عِيَّهُنَّ بِالسَّكُوتِ وَاسْتُرُوا عَوْرَاتِهِنَّ بِالْبُيُوتِ.^۳
حضرت امام امیرالمؤمنین علی (ع) فرمودند: به زنان آغاز به سلام نکنید و آنان را به طعام (جهت پذیرایی) دعوت ننمایید، زیرا پیغمبر ﷺ فرمود: زنان، ناتوان و ناتوان طلب در گفتار و عورتند. پس عیب گفتاری آنان را با سکوت (گفتگو نمودن با نامحرم) و عورت (تن و اندام) آنان را با خانه بپوشانید.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ اتَّقُوا اللَّهَ فِي الضَّعِيفِينَ يَعْنِي بِذَلِكَ الْيَتِيمَ وَالنِّسَاءَ وَإِنَّمَا

۱- دعائم الإسلام: ۲/۲۱۴ فصل ۴ ح ۷۸۹، مستدرک الوسائل: ۱۴/۱۸۲ ب ۲۱ ح ۱۶۴۵۱-۳.

۲- نوادر راوندی: ۳۶، بحار الأنوار: ۱۰۰/۲۵۰ ب ۴۴ ح ۳، مستدرک الوسائل: ۱۴/۱۸۱ ب ۲۱ ح ۱۶۴۴۹-۱.

۳- کافی: ۵/۵۳۴ باب التسليم على النساء... ح ۱، شرح نهج البلاغه حیدری: ۲۰/۳۱۰ حکمت ۵۵۷، وسائل الشیعه: ۲۰/۲۳۴ ب ۱۳۱ ح ۲۵۵۱۶.

هُنَّ عَوْرَةٌ^۱

امام صادق علیه السلام فرمودند: درباره دو ناتوان تقوای خداپیشه کنید یعنی یتیم و زنان و همانا که آنان (زنان) عورت هستند. (آنان را از گناه بازدارید).

توضیح: تعبیر «النِّسَاءُ عَيٌّ» از باب مبالغه و به این مفهوم است که زنان باید سکوت را به طور کامل در حضور نامحرم مراعات کنند. کلمه «عَيٌّ» را بعضی ناتوانی در درست سخن گفتن و بند آمدن زبان و در صحبت گیر کردن معنا کرده اند. بنابر فرمایش حضرت که درباره تمام تن زنان فرمودند: آنان عورت اند، یعنی باید پوشیده گردند. برای ما مراد آن حضرت از کلمه «عَيٌّ» معلوم می شود: از آنجا که در سخن گفتن و ارتباط گفتاری زنان با نامحرمان به ویژه زمانی که با صدای نازک و عشوه همراه باشد، شهوت انگیز برای مردان و سبب ایجاد انس با آنان می شود، پیامبر صلی الله علیه و آله همچنان که فرموده است تن و اندام زن باید در خانه پوشیده گردد، فرموده اند که باید سخن گفتن ایشان نیز که می تواند توجّه نامحرم را جلب کند با سکوت محافظت شود.

در بیان این مطلب محقق حلی می فرماید: اصل، وجوب پوشش تمام بدن زن مسلمان مؤمنه است.^۲

۹- حجاب حضرت فاطمه علیها السلام

عن أهل البيت عليهم السلام: أَنَّهُ لَمَّا أَجْمَعَ أَبُو بَكْرٍ عَلَى مَنَعِ فَاطِمَةَ عليها السلام فَدَكَ، وَ بَلَغَهَا ذَلِكَ لَاتَتْ [لَا تَتْ] خِمَارَهَا عَلَى رَأْسِهَا وَ اسْتَمَلَتْ بِجِلْبَابِهَا وَ أَقْبَلَتْ فِي لُمَةٍ مِنْ حَفَدَتِهَا وَ نِسَاءٍ قَوْمِهَا تَطَأُ ذُيُولَهَا، مَا تَخَرَّمُ مَشْيَتُهَا مَشْيَةَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ حَتَّى

۱- کافی: ۵/۵۱۱ باب حق المرأة على الزوج... ح ۳، وسائل الشیعه: ۲۰/۱۷۰ ب ۸۸ ح ۲۵۳۳۱.

۲- سلسله ینابیع الفقهیه: ۴۵/۱۸.

دَخَلَتْ عَلَى أَبِي بَكْرٍ وَهُوَ فِي حَشْدٍ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَغَيْرِهِمْ فَنِيطَتْ دُونَهَا
مُلَاءَةً...^۱

از اهل بیت علیهم السلام روایت شده است که فرمودند: چون ابوبکر و عمر، تصمیم گرفتند حضرت فاطمه علیها السلام را از فدک محروم کنند و خبر آن به حضرت رسید، مقنعه به سر کشیدند و چادر خویش را بر خود پیچیدند و در میان گروهی از یاران و زنان خویشاوند، درحالی که بلندی چادر قدم هایشان را می پوشانید و در راه رفتن پا روی آن می نهادند. راه رفتنشان، به سان راه رفتن پیامبر صلی الله علیه و آله بود، تا اینکه بر ابوبکر وارد شدند درحالی که در میان جمعی از مهاجرین و انصار بود، و برای حضرت فاطمه علیها السلام پرده ای زده شد و... .

۱۰- آنجا که جگرگوشه زهرا بیرون می آید...

رُوي: ... وَأَقْبَلَ النَّاسُ مِثْلَ عُرْفِ الْفَرَسِ إِلَى عَلِيٍّ وَ هُوَ جَالِسٌ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ علیهما السلام بَيْنَ يَدَيْهِ يَبْكِيَانِ فَبَكَى النَّاسُ لِبُكَائِهِمَا وَ خَرَجَتْ أُمُّ كَلْثُومٍ وَعَلَيْهَا بُرْقُعَةٌ وَ تَجُرُّ ذَيْلَهَا مُتَجَلِّلَةً بِرِدَاءٍ عَلَيْهَا تُسَبِّحُهَا وَ هِيَ تَقُولُ يَا أَبَتَاهُ! يَا رَسُولَ اللَّهِ! الْآنَ حَقًّا فَقَدْ نَاكَ فَقْدًا لَا لِقَاءَ بَعْدَهُ أَبَدًا...^۲

علامه شهید محمد بن فتال نیشابوری رحمته الله در کتاب شریف «روضة الواعظین» فرموده است: روایت گردیده... هنگام شهادت حضرت زهرا علیها السلام مردم همچنان پشت سر یکدیگر به حضور حضرت علی علیه السلام رسیدند در حالی که ایشان نشسته بود و حسنین علیهما السلام در حضور آن حضرت مشغول گریه کردن بودند، و مردم به سبب گریه آنان اشک می ریختند، و امّ کلثوم علیها السلام در حالی خارج گردید که

۱- إحتجاج طبرسی: ۹۷/۱، بحار الأنوار: ۲۲۰/۲۹.

۲- روضة الواعظین: ۱۵۰/۱، بحار الأنوار: ۱۹۱/۴۳ ب ۷ ح ۲۰.

روبنده به صورت داشت و دامن لباسش به زمین کشیده می شد و می فرمود: ای پدر جان! ای پیامبر خدا! گویا هم اکنون تو را به نحوی از دست دادیم که پس از آن ملاقاتی در کار نخواهد بود!...

توضیح: ای سراپا کتاب خدا! ای سراپا قرآن خدا! و ای سرتاپا ولی خدا! مرا به خود نزدیک کن تا نه مثل تو، بلکه همرنگ تو شوم، تو محبوب من هستی و من می خواهم به تو نزدیک باشم.

۱۱- بهترین زن

جَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ يَقُولُ كُنَّا عِنْدَ النَّبِيِّ ﷺ فَقَالَ: إِنَّ خَيْرَ نِسَائِكُمُ الْوُلُودُ الْوُدُودُ الْعَفِيفَةُ الْعَزِيزَةُ فِي أَهْلِهَا الذَّلِيلَةَ مَعَ بَعْلِهَا الْمُتَبَرِّجَةَ مَعَ زَوْجِهَا الْحَصَانُ عَلَى غَيْرِهِ الَّتِي تَسْمَعُ قَوْلَهُ وَتَطِيعُ أَمْرَهُ وَإِذَا خَلَا بِهَا بَذَلَتْ لَهُ مَا يَرِيدُ مِنْهَا وَلَمْ تَبْذُلْ كَتَبْذُلِ الرَّجُلِ^۱.

جابر بن عبدالله انصاری که یکی از اصحاب خوب پیامبر ﷺ است، می گوید: نزد پیامبر ﷺ بودیم که فرمودند: بهترین زنان شما زنی است که بزاید و مهربان و باعفت باشد، نزد خاندان خود قدرتمند و نزد شوهرش فرمانبردار باشد. آنکه در اختیار شوهر باشد، و نزد غیر شوهر خود را حفظ کند، آنکه سخن شوهر را گوش داده و فرمانبردار او باشد و هرگاه نزد شوهر رفت همچون مردان بذل نکند.

۱۲- بدترین زن

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: أَلَا أَخْبِرُكُمْ بِشَرِّ نِسَائِكُمْ... الَّتِي لَا تَوَرَّعُ مِنْ قَبِيحِ الْمُتَبَرِّجَةِ إِذَا غَابَ عَنْهَا بَعْلُهَا الْحَصَانُ مَعَهُ إِذَا حَضَرَ...^۲.

۱- کافی: ۳۲۴/۵ ح ۱، من لایحضره الفقیه: ۳۸۹/۳ ح ۴۳۶۷.

۲- جعفریات: ۱۴۷، کافی: ۳۲۵/۵ ح ۱، من لایحضره الفقیه: ۳۹۱/۳ باب المذموم من أخلاق النساء و... ح ۴۳۷۶، تهذیب الأحکام: ۴۰۰/۷ ب ۳۴ ح ۶، روضة الواعظین: ۳۷۴/۲، مکارم الأخلاق: ۲۰۲.

پیامبر اکرم ﷺ فرمود: آیا خبر بدهم شما را به بدترین زنانان؟!... و او زنی است که از کارهای زشت دامن خود را پاک نگاه ندارد و هنگامی که شوهر نزد او نیست بی بندوبار باشد و نزد شوهر خود را نگه دارد... .

۱۳- تشبیه به جنس مخالف و...

قال النبي ﷺ: ...لَعَنَ اللَّهُ...وَالْمُتَشَبِّهِينَ مِنَ الرِّجَالِ بِالنِّسَاءِ وَالْمُتَشَبِّهَاتِ مِنَ النِّسَاءِ بِالرِّجَالِ...^۱

پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: ... لعنت خدا بر... و بر مردانی که خود را شبیه زنان و زنانی که خود را شبیه مردان کنند.

لَعَنَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ [مِنَ] الرِّجَالِ الْمُتَشَبِّهِينَ بِالنِّسَاءِ وَالْمُتَرَجِّلَاتِ مِنَ النِّسَاءِ الْمُتَشَبِّهَاتِ بِالرِّجَالِ.^۲

پیامبر خدا ﷺ مردان مخنث را لعنت کردند. آنان که خود را شبیه زنان کنند، و زنانی مردصفت که خود را شبیه مردان کنند (صفت مردان را به خود بگیرند).

عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ أَنَّهُ لَعَنَ الْمُخَنَّثِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَقَالَ: أَخْرِجُوهُمْ مِنْ بُيُوتِكُمْ وَ لَعَنَ الْمَذْكَرَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْمُؤَنَّثِينَ مِنَ الرِّجَالِ.^۳

پیامبر گرامی اسلام ﷺ مردانی را که صفات زنان بگیرند لعنت فرموده و فرمان دادند آنان را از خانه های خود بیرون کنید و زنانی را که صفت مردان بگیرند و مردانی را که صفت زنان بگیرند، لعنت فرمودند.

وسائل الشیعه: ۳۳/۲۰ ب ۷ ح ۲۴۹۵۷، مستدرک الوسائل: ۱۴/۱۶۵ ب ۶ ح ۱۶۳۸۹-۵ و ص ۱۶۶ ح ۱۶۳۹۳-۹.

۱- کافی: ۶۹/۸، وسائل الشیعه: ۱۷/۲۸۴ ب ۸۷.

۲- جعفریات: ۱۴۷، مستدرک الوسائل: ۱۳/۲۰۲ ب ۷۰ ح ۱۵۱۰۶-۱ و ج ۱۴ ص ۳۴۸ ب ۶ ح ۱۶۹۱۸-۴.

۳- دعائم الإسلام: ۲/۴۵۵ فصل ۲ ح ۱۵۹۷، مستدرک الوسائل: ۱۴/۳۴۹ ب ۱۶ ح ۱۶۹۲۱-۷.

عَنْ عَلِيٍّ عليه السلام أَنَّهُ رَأَى رَجُلًا بِهِ تَأْنِيثٌ فِي مَسْجِدِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ لَهُ: أَخْرُجْ مِنْ مَسْجِدِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ يَا مَنْ لَعَنَهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ، ثُمَّ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: لَعَنَ اللَّهُ الْمُتَشَبِّهِينَ مِنَ الرِّجَالِ بِالنِّسَاءِ وَ الْمُتَشَبِّهَاتِ مِنَ النِّسَاءِ بِالرِّجَالِ^۱

امام علی علیه السلام در مسجد پیامبر ﷺ با مردی مواجه شدند که حالت های زنانه داشت؛ پس به او فرمودند: از مسجد پیامبر خدا ﷺ بیرون شو ای کسی که مورد لعنت پیامبر خدا ﷺ هستی. سپس فرمودند: شنیدم پیامبر ﷺ می فرمودند: خداوند مردانی که خود را شبیه زنان و زنانی که خود را شبیه مردان می کنند، لعنت کند.

عَنْ عَلِيٍّ عليه السلام قَالَ: كُنْتُ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ جَالِسًا فِي الْمَسْجِدِ حَتَّى أَتَاهُ رَجُلٌ بِهِ تَأْنِيثٌ فَسَلَّمَ عَلَيْهِ فَرَدَّ عَلَيْهِ السَّلَامَ ثُمَّ أَكَبَّ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِلَى الْأَرْضِ يَسْتَرْجِعُ ثُمَّ قَالَ: مِثْلُ هَؤُلَاءِ فِي أُمَّتِي؟! إِنَّهُ لَمْ يَكُنْ مِثْلُ هَؤُلَاءِ فِي أُمَّةٍ إِلَّا عَذِّبَتْ قَبْلَ السَّاعَةِ^۲.

حضرت امام امیر المؤمنین علی علیه السلام فرمودند: همراه با پیامبر خدا ﷺ در مسجد نشسته بودم که مردی با تأنث و ویژگی های زنان وارد شد و بر پیامبر سلام کرد، حضرت پس از اینکه به سلام او پاسخ دادند، چشم به زمین دوختند در حالی که استرجاع می نمودند^۳ سپس فرمودند: چنین افرادی در امت من یافت می شوند؟! این گونه افراد، در هیچ امتی یافت نمی شوند، مگر اینکه آن امت پیش از آمدن قیامت، عذاب می شوند.

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ لَعَنَ الْمُتَشَبِّهِينَ مِنَ الرِّجَالِ بِالنِّسَاءِ وَلَعَنَ الْمُتَشَبِّهَاتِ مِنَ النِّسَاءِ بِالرِّجَالِ^۴.

۱- علل الشرائع: ۶۰۲/۲ ب ۳۸۵ ح ۶۳، وسائل الشیعه: ۳۳۷/۲۰ ب ۱۸ ح ۲۵۷۶۵، بحار الأنوار: ۶۴/۷۶ ب ۷۱ ح ۷.

۲- علل الشرائع: ۶۰۲/۲ ب ۳۸۵ ح ۶۵، وسائل الشیعه: ۲۸۵/۱۷ ب ۸۷ ح ۲۲۵۳۴.

۳- این آیه کریمه را تلاوت فرمودند: (۲) سوره بقره: آیه ۱۵۷: ﴿إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾ کنایه از اینکه با مصیبتی مواجه گردیده اند.

۴- بحار الأنوار: ۳۴۱/۷۳ ب ۶۷ ح ۱۱.

امام محمد باقر علیه السلام فرمودند: بدرستی که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله مردانی که خود را شبیه زنان و زنانی که خود را شبیه مردان کنند، لعنت فرمودند.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله يَرْجُرُ الرَّجُلَ أَنْ يَتَشَبَّهَ بِالنِّسَاءِ وَيَنْهَى الْمَرْأَةَ أَنْ تَتَشَبَّهَ بِالرِّجَالِ فِي لِبَاسِهَا.^۱

امام صادق از پدران گرامیش علیهم السلام نقل نمود که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از اینکه مردان خود را شبیه به زنان کنند، جلوگیری می نمودند و از اینکه زنان در پوشاک خود را به مردان شبیه کنند، نهی می فرمودند.

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فِي حَدِيثٍ: لَعَنَ اللَّهُ... وَالْمُتَشَبِّهِينَ مِنَ الرِّجَالِ بِالنِّسَاءِ وَالْمُتَشَبِّهَاتِ مِنَ النِّسَاءِ بِالرِّجَالِ وَ...^۲

حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: لعنت خداوند بر... و بر مردانی که خود را شبیه زنان و زنانی که خود را شبیه مردان کنند... .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ لَعَنَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: الْمُتَشَبِّهِينَ مِنَ الرِّجَالِ بِالنِّسَاءِ وَالْمُتَشَبِّهَاتِ مِنَ النِّسَاءِ بِالرِّجَالِ وَ هُمُ الْمُخَنَّثُونَ وَ...^۳

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: پیامبر خدا مردانی که خود را شبیه زنان و زنانی که خود را شبیه مردان کنند - که همان مخنثون می باشند- لعنت فرمودند.

فَقَّه الرِّضَاءِ علیه السلام: قَدْ لَعَنَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله سَبْعَةً... وَالْمُتَشَبَّهَةَ مِنَ النِّسَاءِ بِالرِّجَالِ وَ الرِّجَالَ بِالنِّسَاءِ... وَ الْمُتَغَافِلَ عَلَى زَوْجَتِهِ وَ هُوَ الدِّيُوثُ وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: افْتُلُوا الدِّيُوثَ.^۴

۱- مکارم الأخلاق: ۱۱۸، وسائل الشیعه: ۲۵/۵ ابواب احکام الملابس ب ۱۳ ح ۵۷۹۴.

۲- کافی: ۶۹/۸ ح ۲۷، علل الشرائع: ۶۰۲/۲ ب ۳۸۵ ح ۶۳، وسائل الشیعه: ۲۸۴/۱۷، ابواب ما یکتسب به، ب ۸۷ ح ۲۲۵۳۱.

۳- محاسن: ۱۱۳/۱ ب ۵۱ ح ۱۰۸، کافی: ۵۵۰/۵ ح ۴، وسائل الشیعه: ۳۴۶/۲۰ ب ۲۴ ح ۲۵۷۸۹.

۴- فقه الرضا علیه السلام: ۲۵۰ ب ۳۶، مستدرک الوسائل: ۹۴/۱۳ ب ۱۷ ح ۱۴۸۷۴- ۱۴ ج ۱۴ ص ۲۹۱ ب ۱۰۳.

در کتاب شریف فقه منسوب رضوی رحمه الله آمده است: بدرستی که پیامبر هفت کس را لعنت فرمود: ... و زنی که خود را شبیه مردان و مردی که خود را شبیه زنان کند و مردی که حفاظت از همسر خود (از فحشاء و منکر) نکند و او دیوث است و پیامبر فرمود: دیوث را بکشید.

وَلَعَنَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ الْمُخَنَّثِينَ وَقَالَ: أَخْرِجُوهُمْ مِنْ بُيُوتِكُمْ^۱.

و پیامبرگرامی اسلام ﷺ مخنث ها (مردان زن صفت و شبیه زن) را لعنت کرده و فرمودند: آنان را از خانه هایتان بیرون کنید.

عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ: أَخْرِجُوهُمْ مِنْ بُيُوتِكُمْ فَإِنَّهُمْ أَقْدَرُ شَيْءٍ^۲.

پیامبراکرم ﷺ فرمودند: آنان (مردان زن صفت) را از خانه هایتان بیرون کنید، به یقین آنان کثیفترین چیز هستند.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ أَوْ أَبِي الْحَسَنِ ﷺ قَالَ: إِنِّي لَأَكْرَهُ أَنْ يُتَشَبَّهَ بِالنِّسَاءِ^۳.

امام صادق و یا امام کاظم ﷺ فرمودند: خوش ندارم مردی شبیه زنان شود.

شهید ثانی می فرماید: یکی از محرمات (ممنوعیاتها) زینت نمودن مرد و زن است با چیزی که بر آنها حرام است، مانند اینکه مرد النگو و خلخال و لباسی که به حسب عادت، ویژه بانوان است بپوشد که البته لباس ویژه، با توجه به زمان ها

ح ۱۶۷۵۰-۴ و ص ۳۴۱ ب ۱۴ ح ۱۶۸۹۸-۱، بحار الأنوار: ۱۶/۷۶ ب ۸۴ ح ۱۱۰۰ و ص ۵۱ ح ۱۳.

۱- جعفریات: ۱۲۷، مکارم الأخلاق: ۲۳۲ فصل ۹، وسائل الشیعه: ۳۴۲/۲۰ ب ۲۲ ح ۲۵۷۸۲.

بحار الأنوار: ۱/۱۰۴ ب ۴۶ ح ۳۶، مستدرک الوسائل: ۳۴۸/۱۴ ب ۱۶ ح ۱۶۹۱۷-۳ و ص ۳۵۲ ب ۱۹ ح

۱۶۹۳۳-۳.

۲- علل الشرائع: ۶۰۲/۲ ب ۳۸۵ ح ۶۴، بحار الأنوار: ۶۵/۷۶ ب ۷۱.

۳- کافی: ۴۵۸/۶ باب تشمیر الثیاب... ح ۱۲، مکارم الأخلاق: ۱۱۸، وسائل الشیعه: ۲۵/۵، ابواب

احکام الملابس، ب ۱۳ ح ۵۷۹۳ و ص ۴۲ ب ۲۳ ح ۸۵۵۱.

و مکان ها، فرق می کند- و مانند اینکه زن، اشیای ویژه مرد، مانند کمر بند و عمامه را بپوشد.^۱

قابل توجه: هرگونه شباهت در آرایش و پیرایش موهای سر و ریش و ابرو و نیز ناخن، پوشاک، رفتار، گفتار و اخلاق، به جنس مخالف حرام است.

۱۴- پوشش دشمنان حق

أَوْحَى اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِلَى نَبِيِّ مِنْ أَنْبِيَائِهِ: قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ لَا يَلْبَسُوا لِبَاسَ أَعْدَائِي وَلَا يَطْعَمُوا مَطَاعِمَ أَعْدَائِي وَلَا يَسْلُكُوا مَسَالِكَ أَعْدَائِي فَيَكُونُوا أَعْدَائِي كَمَا هُمْ أَعْدَائِي.^۲

امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند عزوجل به پیامبری از پیامبرانش وحی فرمود: به مؤمنان بگو! پوشش دشمنان را نپوشند، خوردنی های دشمنان را نخورند و راه های آنها را نپیمایند، در غیر این صورت مانند آنان، دشمنان خواهند بود. توضیح: این یک قانون فطری است: آنچه از ظاهر آنکه خدا را دوست دارد، آشکار است؛ نباید شبیه به ظاهر آن باشد که خدا را دوست نمی دارد و با او دشمن است. خودت بگو: اگر خوراک، پوشاک، رفتار و... دوست و دشمن خدا یکسان باشد، پس در چه چیز با یکدیگر تفاوت دارند؟...

۱- الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة تحقیق کلانتر: ۲۱۶/۳.

۲- جعفریات: ۲۳۴ باب البر و...، من لایحضره الفقیه: ۲۵۲/۱ ح ۷۷۰، علل الشرائع: ۳۴۸/۲ ب ۵۶ ح ۶، عیون أخبار الرضا علیه السلام: ۲۳/۲ ب ۳۰ ح ۵۱، تهذیب الأحکام: ۱۷۲/۶ ب ۷۹ ح ۱۰، قصص الأنبیاء راوندی: ۲۷۹ فصل ۱۰ ح ۳۴۲، مجموعه ورام: ۱۵/۱ جزء اول، مشکاة الأنوار: ۳۲۵ ب ۹، نوادر راوندی: ۵۵، وسائل الشیعة: ۳۸۵/۴ ب ۱۹ ح ۵۴۶۸ و ج ۱۵ ص ۱۴۶ ب ۶۴ ح ۲۰۱۸ و ج ۲۵ ص ۳۶۳ ب ۲۷ ح ۳۲۱۳۴، مستدرک الوسائل: ۱۱/۱۱ ب ۵۲ ح ۱۲۵۸۵- ۱ ج ۱۶ ص ۲۹۷ ب ۷۲ ح ۱۹۹۴۱- ۶.

۱۵- بیش از پنج کلمه؟!...

نَهَى (النَّبِيُّ ﷺ): ... وَ نَهَى أَنْ تَتَزَيَّنَ لِغَيْرِ زَوْجِهَا فَإِنْ فَعَلْتَ كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ أَنْ يُحْرِقَهَا بِالنَّارِ وَ نَهَى أَنْ تَتَكَلَّمَ الْمَرْأَةُ عِنْدَ غَيْرِ زَوْجِهَا أَوْ غَيْرِ ذِي مَحْرَمٍ مِنْهَا أَكْثَرَ مِنْ خَمْسِ كَلِمَاتٍ مِمَّا لَا بُدَّ لَهَا مِنْهُ.^۱

پیامبرگرامی اسلام ﷺ نهی فرمود... و از اینکه زنی برای غیر شوهر خود آرایش کند و فرمود: اگر زنی چنین کند بر خدا سزاوار است او را به آتش بسوزاند. و نهی فرمود از این که زنی نزد غیر شوهر خود و نامحرم بیش از پنج کلمه لازم سخن بگوید.

عَنِ الصَّادِقِ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ قَالَ: وَ نَهَى (رَسُولُ اللَّهِ ﷺ) أَنْ تَتَكَلَّمَ الْمَرْأَةُ عِنْدَ غَيْرِ زَوْجِهَا أَوْ غَيْرِ ذِي مَحْرَمٍ مِنْهَا أَكْثَرَ مِنْ خَمْسِ كَلِمَاتٍ مِمَّا لَا بُدَّ لَهَا مِنْهُ.^۲

امام صادق علیه السلام از پدران گرامی خود از رسول خدا ﷺ نقل نمودند: پیامبر ﷺ از اینکه زنی نزد غیر همسر و غیر محرمش، بیش از پنج کلمه لازم سخن بگوید، نهی فرمودند.

۱۶- گفتار با نامحرم

عَنْ عَلِيٍّ عليه السلام: ... وَ مُحَادَثَةُ النِّسَاءِ تَدْعُو إِلَى الْبَلَاءِ وَ يَزِيغُ الْقُلُوبَ...^۳

۱- من لا يحضره الفقيه: ۳/۴ باب ذکر جمل من مناهي النبي ﷺ، ...، امالی صدوق: ۴۲۲ مجلس ۶۶، مجموعه ورام: ۲۵۶/۲، مکارم الأخلاق: ۴۲۴ فصل ۲، وسائل الشیعه: ۱۹۷/۲۰ ب ۱۰۶ و ص ۲۱۱ ب ۱۱۷، بحار الأنوار: ۳۲۸/۷۳ ب ۶۷ و ج ۱۰۰ ص ۲۴۳ ب ۴ و ج ۱۰۱ ص ۳۲ ب ۳۴.

۲- من لا يحضره الفقيه: ۳/۴، امالی صدوق: ۴۴۲ مجلس ۶۶، مجموعه ورام: ۲۵۶/۲، مکارم الأخلاق: ۴۲۴ فصل ۲، وسائل الشیعه: ۱۹۷/۲۰ ب ۱۰۶ ح ۱۰۶، بحار الأنوار: ۳۲۸/۷۳ ب ۶۷ و ج ۱۰۰ ص ۲۴۳ ب ۴ و ج ۱۰۱ ص ۳۲ ب ۳۴ ح ۱.

۳- تحف العقول: ۱۴۹ خطبه دیباج، بحار الأنوار: ۲۹۱/۷۴ ب ۱۴ ح ۲.

حضرت امام علی (علیه السلام) فرمود: ... و گفتگو با زنان فراخوان بلاست و قلبها را منحرف می کند

عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (علیه السلام) أَنَّهُ قَالَ: مُحَادَثَةُ النِّسَاءِ مِنْ مَصَائِدِ الشَّيْطَانِ.^۱

امام صادق (علیه السلام) فرمود: گفتگو با زنان از دامهای شیطان است.

من مواعظ الإمام جعفر بن محمد الصادق (علیه السلام): ثَلَاثٌ يَجِبُ عَلَى كُلِّ إِنْسَانٍ تَجَنُّبُهَا، مُقَارَنَةُ الْأَشْرَارِ وَ مُحَادَثَةُ النِّسَاءِ وَ مُجَالَسَةُ أَهْلِ الْبِدْعِ.^۲

از موعظه های امام صادق (علیه السلام) چنین است: بر هر انسانی واجب است از سه چیز دوری کند: ۱- همراهی افراد شرور ۲- گفتگو با زنان ۳- همنشینی با بدعت گذاران.

۱۷- سلام به ...

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) أَنَّهُ قَالَ: لَا تُسَلِّمْ عَلَى الْمَرْأَةِ.^۳

امام صادق (علیه السلام) فرمود: به زن (آغاز به) سلام نکن!

پیام: باب سخن با نامحرم را باز مکن.

۱۸- گوهر در حراج

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): لَا تُنْزِلُوا النِّسَاءَ بِالْغُرْفِ وَ...^۴

پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمودند: زنان را به محل همگانی (جایی که نامحرمان هستند) نبرید.

۱- دعائم الإسلام: ۲/ ۲۱۴ ح ۷۸۸، مستدرک الوسائل: ۱۴/ ۲۷۳ ب ۸۳ ح ۱۶۶۹۲-۳.

۲- تحف العقول: ۳۱۹، بحار الأنوار: ۷۵/ ۲۳۲ ب ۲۳.

۳- کافی: ۵/ ۵۳۵ باب التسليم على النساء ... ح ۲، مشکاة الأنوار: ۲۰۳ فصل ۵، وسائل الشیعه: ۲۰/ ۲۳۴، ابواب مقدمات النکاح، ب ۱۳۱ ح ۲۵۵۱۷.

۴- جعفریات: ۹۷، کافی: ۵/ ۵۱۶ باب فی تأديب النساء ... ح ۱، من لایحضره الفقیه: ۱/ ۳۷۴ باب أدب المرأة فی الصلاة ... ح ۱۰۸۹، بحار الأنوار: ۱۰۰/ ۲۶۱ ب ۵ ح ۱۶، مستدرک الوسائل: ۱۴/ ۲۵۹ ب ۷۲ ح ۱۶۶۴۷-۱.

۱۹- بهترین برای زن؟...

عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: قَالَ لَنَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: أَيُّ شَيْءٍ خَيْرٌ لِلْمَرْأَةِ؟ فَلَمْ يُجِبْهُ أَحَدٌ مِنْهَا فَذَكَرْتُ ذَلِكَ لِفاطمة عليها السلام فَقَالَتْ: مَا مِنْ شَيْءٍ خَيْرٌ لِلْمَرْأَةِ مِنْ أَنْ لَا تَرَى رَجُلًا وَلَا يَرَاهَا فَذَكَرْتُ ذَلِكَ لِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ: صَدَقْتَ إِنَّهَا بَضْعَةٌ مِنِّْي.^۱

حضرت امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: رسول خدا ﷺ به ما فرمودند: چه چیز برای زن بهتر است؟ هیچ کدام از ما (اصحاب) آن حضرت را پاسخ ندادیم، پس آن را برای حضرت فاطمه علیها السلام ذکر نمودیم، فرمودند: چیزی برای زن بهتر از این نیست که هیچ مردی او را نبیند و او نیز هیچ مردی را نبیند. سخن آن حضرت را برای رسول خدا ﷺ بیان نمودم، پیامبر ﷺ فرمود: راست فرموده است، بدرستی که او پاره ای از من است.

عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: كُنَّا عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ: أَخْبِرُونِي أَيُّ شَيْءٍ خَيْرٌ لِلنِّسَاءِ؟ فَعَيَّنَا بِذَلِكَ كُلُّنَا حَتَّى تَفَرَّقْنَا فَرَجَعْتُ إِلَى فَاطِمَةَ عليها السلام فَأَخْبَرْتُهَا بِالَّذِي قَالَ لَنَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَ لَيْسَ أَحَدٌ مِنْنا عِلْمَهُ وَ لَا عَرَفَهُ فَقَالَتْ: وَ لَكِنِّي أَعْرِفُهُ خَيْرٌ لِلنِّسَاءِ أَنْ لَا يَرَيْنَ الرَّجَالَ وَ لَا يَرَاهُنَّ الرَّجَالُ فَرَجَعْتُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ سَأَلْتَنَا أَيُّ شَيْءٍ خَيْرٌ لِلنِّسَاءِ، خَيْرٌ لَهُنَّ أَنْ لَا يَرَيْنَ الرَّجَالَ وَ لَا يَرَاهُنَّ الرَّجَالُ فَقَالَ ﷺ: مَنْ أَخْبَرَكَ فَلَمْ تَعْلَمْهُ وَ أَنْتَ عِنْدِي؟ فَقُلْتُ فَاطِمَةُ، فَأَعْجَبَ ذَلِكَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ وَ قَالَ: إِنَّ فَاطِمَةَ بَضْعَةٌ مِنِّْي...^۲

حضرت امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: ما نزد پیامبر ﷺ بودیم، و ایشان فرمودند: مرا خبر دهید چه چیزی برای زنان بهتر است؟ ما ندانستیم چه جواب

۱- مستدرک الوسائل: ۱۸۲/۱۴ ب ۲۱ ح ۱۶۴۵۰ و ۱۶۴۵۲-۴ و ص ۲۸۹ ب ۱۰۰ ح ۱۶۷۴۱-۲.

۲- وسائل الشیعه: ۶۶/۲۰ ح ۲۵۰۵۴ از كشف الغمّة: ۴۶۶/۱ از کتاب «أخبار فاطمة علیها السلام» تألیف شیخ

صدوق علیه السلام، عدد القویه: ۲۲۵، مکارم الأخلاق: ۲۳۳ فصل ۹.

بگوییم و پراکنده شدیم، به حضرت زهرا علیها السلام مراجعه نمودم و ایشان را به آنچه پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده بودند و اینکه کسی ندانست چه جوابی بدهد، خبر دادم. آن حضرت فرمودند: ولی من می دانم، بهترین چیز برای زنان این است که مردی را نبینند و مردان نیز آنان را نبینند. پس به سوی پیامبر بازگشتم و گفتم: ای پیامبر! از ما سؤال فرمودید چه چیزی برای زنان بهتر است؛ بهترین چیز برای آنان این است که مردان را نبینند و مردان نیز آنان را نبینند. آن حضرت فرمودند: چه کسی به شما خبر داد، آنگاه که نزد من بودید نمی دانستید؟ گفتم: فاطمه، پس پیامبر صلی الله علیه و آله از آن درسگفت و خشنود گشت و فرمود: بدرستی که فاطمه پاره ای از من است.

قَالَ النَّبِيُّ ﷺ لَهَا (لفاطمة علیها السلام): «أَيُّ شَيْءٍ خَيْرٌ لِلْمَرْأَةِ؟ قَالَتْ: أَنْ لَا تَرَى رَجُلًا وَلَا يَرَاهَا رَجُلٌ. فَضَمَّهَا إِلَيْهِ وَقَالَ: ﴿ذُرِّيَّةٌ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ﴾»^۱.

رسول خدا صلی الله علیه و آله به حضرت فاطمه فرمودند: چه چیز برای زن بهتر است؟ حضرت فاطمه علیها السلام فرمودند: اینکه هیچ مردی را نبیند و هیچ مردی او را نبیند. آنگاه پیامبر صلی الله علیه و آله آن حضرت را در آغوش گرفته و فرمودند: ذریه ای که بعضی از بعضی دیگرند.

توضیح: جمله اخیر «ذریه ای که بعضی از بعضی دیگرند»، مضمون یکی از آیات قرآن^۲ می باشد. پیامبر اکرم از بیان این جمله قصد نموده اند که این سخن حضرت زهرا علیها السلام را تایید فرموده و در عین حال تأکید نمایند که حضرت فاطمه

۱- مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب: ۳/۳۴۱، بحار الأنوار: ۴۳/۸۴ ب ۴.

۲- (۳) سوره آل عمران: آیه ۳۵: ﴿ذُرِّيَّةٌ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾.

زهرا علیها السلام از خاندان عصمت و نبوت بوده و دست پرورده وحی هستند.

۲۰- آنجا که به خدا نزدیکتر است...

عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عليه السلام: أَنَّ فَاطِمَةَ بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ عليه السلام دَخَلَ عَلَيْهَا عَلِيُّ عليه السلام وَ بِهِ كَاتِبَةٌ شَدِيدَةٌ فَقَالَتْ: مَا هَذِهِ الْكَاتِبَةُ فَقَالَ: سَأَلْنَا رَسُولَ اللَّهِ عليه السلام عَنْ مَسْأَلَةٍ وَلَمْ يَكُنْ عِنْدَنَا جَوَابُ لَهَا. فَقَالَتْ: وَ مَا الْمَسْأَلَةُ؟ قَالَ: سَأَلْنَا عَنِ الْمَرْأَةِ مَا هِيَ قُلْنَا عَوْرَةً قَالَ فَمَتَى تَكُونُ أَذْنَى مِنْ رَبِّهَا فَلَمْ نَدْرِ. قَالَتْ: إِرْجِعْ إِلَيْهِ فَأَعْلِمُهُ أَنَّ أَذْنَى مَا تَكُونُ مِنْ رَبِّهَا أَنْ تَلْزَمَ قَعْرَ بَيْتِهَا. فَأَنْطَلَقَ فَأَخْبَرَ النَّبِيَّ عليه السلام فَقَالَ: مَاذَا مِنْ تَلْقَاءِ نَفْسِكَ يَا عَلِيُّ، فَأَخْبَرَهُ أَنَّ فَاطِمَةَ عليها السلام أَخْبَرَتْهُ، فَقَالَ: صَدَقْتَ إِنَّ فَاطِمَةَ بَضْعَةٌ مِنِّي.^۱

امام صادق عليه السلام از پدر گرامیشان روایت می کنند که فرمود: حضرت علی عليه السلام در حالی که بسیار اندوهگین بودند بر حضرت فاطمه علیها السلام وارد شدند. حضرت فاطمه علیها السلام فرمودند: این اندوه بسیار از چیست؟ حضرت علی عليه السلام فرمودند: پیامبر صلی الله علیه و آله از ما پرسشی نمودند و جوابی نداشتیم. حضرت فاطمه علیها السلام فرمودند: آن مسأله چیست؟ گفتم: از ما سؤال فرمود که زن چیست؟ پاسخ دادیم: عورت است (باید پوشیده گردد). فرمود: چه زمانی به خدای خود نزدیکتر است؟ و ما جواب آن را ندانستیم. حضرت فاطمه علیها السلام فرمودند: به سوی پیامبر صلی الله علیه و آله بازگرد و به ایشان بگو: بدرستی که زن زمانی به خدای خود نزدیکتر است که درون خانه خود (دور از نامحرم) باشد. پس امیرالمؤمنین عليه السلام از خانه بیرون رفتند و به پیامبر صلی الله علیه و آله خبر دادند، آن حضرت فرمودند: این جواب از تو نیست ای علی! پس امام علی عليه السلام خبر دادند که جواب از فاطمه علیها السلام است. پس پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند:

۱- جعفریات: ۹۵، عددالقویسه: ۲۲۴؛ نوادر راوندی: ۱۴؛ دعائم الإسلام: ۲/۲۱۵ فصل ۴ ح ۷۹۳، مستدرک الوسائل: ۱۴/۱۸۲ ب ۲۱ ح ۱۶۴۵۰-۲، بحار الأنوار: ۱۰۰/۲۵۰ ب ۴ ح ۴۰.

فاطمه درست گفته است، بدرستی که فاطمه بخشی از من است.

قَالَ عَلِيٌّ عليه السلام: سَأَلَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله أَصْحَابَهُ عَنِ الْمَرْأَةِ مَا هِيَ؟ قَالُوا: عَوْرَةٌ، قَالَ: فَمَتَى تَكُونُ أُذُنِي مِنَ رَبِّهَا؟ فَلَمْ يَدْرُوا فَلَمَّا سَمِعَتْ فَاطِمَةُ عليها السلام ذَلِكَ قَالَتْ: أُذُنِي مَا تَكُونُ مِنْ رَبِّهَا أَنْ تَلْزَمَ قَعَرَ بَيْتِهَا فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: إِنَّ فَاطِمَةَ بَضْعَةٌ مِنِّي.^۱

حضرت امام امیرالمؤمنین علی عليه السلام فرمودند: پیامبر صلى الله عليه وآله از اصحاب خود پرسیدند: زن چیست؟ پاسخ دادند: عورت است (نباید آشکار باشد). فرمود: چه زمانی به خدای خود نزدیکتر است؟ اصحاب جواب را ندانستند، حضرت فاطمه عليها السلام آن را شنیدند و پاسخ فرمودند: زنان زمانی به خدای خود نزدیکترند که کنج (درون) خانه خود باشند. پیامبر صلى الله عليه وآله فرمودند: بدرستی که فاطمه پاره ای از من است.

۲۱- حفظ با حجاب

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام فِي رِسَالَتِهِ إِلَى الْحَسَنِ عليه السلام: ... وَاكْتَفَى عَلَيْهِنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ بِحِجَابِكِ إِيَّاهُنَّ فَإِنَّ شِدَّةَ الْحِجَابِ خَيْرٌ لَكَ وَلَهُنَّ مِنَ الْإِرْتِيَابِ وَلَيْسَ خُرُوجُهُنَّ بِأَشَدَّ مِنْ دُخُولِ مَنْ لَا تَثِقُ بِهِ عَلَيْهِنَّ فَإِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ لَا يَعْرِفَنَّ غَيْرَكَ مِنَ الرِّجَالِ فَافْعَلْ... وَإِيَّاكَ وَالتَّغَايُرَ فِي غَيْرِ مَوْضِعٍ غَيْرَةٍ فَإِنَّ ذَلِكَ يَدْعُوا الصَّحِيحَةَ إِلَى السَّقَمِ وَالْبَرِيئَةَ إِلَى الرَّيْبِ...^۲

حضرت امام امیرالمؤمنین علی عليه السلام از جنگ صفین باز می گشتند، به فرزندشان امام حسن مجتبی عليه السلام نوشتند: ... زنان را روی پوشیده دار تا چشمشان به مردان (نامحرم) نیفتد، که سختگیری در پوشیدگی (و حجاب) بیش از هر چیز آنان را نگاه داری می کند. بیرون رفتن ایشان (از خانه در جمع نامحرمان حاضر شدن)

۱- بحار الأنوار: ۹۲/۴۳ ب ۴ ح ۱۶.

۲- کافی: ۳۳۷/۵ ح ۷، نهج البلاغه چاپ دارالمعرفة بیروت: ۵۶/۳ نامه ۳۱، کشف المحجّه: ۲۲۰، تحف العقول: ۶۸، وسائل الشیعه: ۶۴/۲۰ ب ۲۴ ح ۴۹، ۲۵۰، مستدرک الوسائل: ۱۸۳/۱۴ ب ۲۱ ح ۱۶۴۵۳-۵.

بدتر از آن نیست که فردی را که به وی اطمینان نداری، به خانه آوری. اگر در توان توسل کاری کن که جز تو را شناسند... از غیرت ورزیدن نابجا پرهیز که سبب می شود زن درستکار به نادرستی، و بانوی پاکدامن به بدگمانی بیفتد...

۲۲- حجاب ناتمام...

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: لَا يَصْلُحُ لِلْمَرْأَةِ الْمُسْلِمَةِ أَنْ تَلْبَسَ مِنَ الْخُمُرِ وَالدَّرُوعِ مَا لَا يُؤَارِي شَيْئًا.^۱

امام صادق عليه السلام فرمودند: برای زن مسلمان شایسته نیست حجابش ناتمام باشد.

۲۳- حتی از زنان...

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: وَ لَا (يَنْبَغِي) يَجُوزُ لِلْمَرْأَةِ أَنْ تَنْكَشِفَ بَيْنَ يَدَيِ الْيَهُودِيَّةِ وَالنَّصْرَانِيَّةِ لِأَنَّهُنَّ يَصِفْنَ ذَلِكَ لِأَزْوَاجِهِنَّ وَ لَا يَجُوزُ لَهَا أَنْ تَتَّطِيبَ إِذَا خَرَجَتْ مِنْ بَيْتِهَا وَ لَا يَجُوزُ لَهَا أَنْ تَتَشَبَّهَ بِالرِّجَالِ لِأَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله لَعَنَ الْمُتَشَبِّهِينَ مِنَ الرِّجَالِ بِالنِّسَاءِ وَ لَعَنَ الْمُتَشَبِّهَاتِ مِنَ النِّسَاءِ بِالرِّجَالِ.^۲

حضرت امام صادق عليه السلام فرمودند: زن مسلمان حتی میان زنان یهودی و نصرانی با چهره باز نمایان نشود؛ زیرا آنها ویژگیهای زن مسلمان را برای شوهرانشان و مردهای یهودی و نصرانی توصیف می کنند، و برای زن مسلمان جایز نیست هنگامی که از خانه اش بیرون می رود خود را خوشبو و آرایش کند. و نباید خود را شبیه مردان کند؛ زیرا پیامبر خدا صلى الله عليه وآله مردانی که خود را شبیه زنان و زنانی که خود را شبیه مردان کنند، لعنت فرمود.

۱- کافی: ۳/۳۹۶ ح ۱۴، تهذیب الأحکام: ۲/۲۱۹ ح ۱۱، ۶۹، استبصار: ۱/۳۹۰ ح ۲۲۸، ۸، مکارم الأخلاق: ۹۳، وسائل الشیعه: ۴/۳۸۸ ح ۲۱، ۵۴۷۵.

۲- کافی: ۵/۵۱۹ باب التستر... ح ۵، من لا یحضره الفقیه: ۳/۵۶۱ باب النوادر... ح ۴۹۲۸، وسائل الشیعه: ۲۰/۲۲۰ ح ۱۲۳، ۲۵۴۷۳-۱ از خصال: ۵۸۵ ح ۱۲.

۲۴- در احرام هم...

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: الْمَرْأَةُ الْمُحْرِمَةُ... وَقَالَ: تَسْدُلُ الثَّوْبَ عَلَى وَجْهِهَا، قُلْتُ: حَدُّ ذَلِكَ إِلَى أَيْنَ؟ قَالَ: إِلَى طَرَفِ الْأَنْفِ قَدْرَ مَا تَبْصُرُ.^۱

امام صادق عليه السلام فرمودند: زن در حال احرام... و باید چادرش را بر جلو صورتش آویزان کند. گفتم: حد آن تا کجاست؟ فرمود: تا آخر بینی به اندازه ای که (جلو پایش را) ببیند.

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: الْمُحْرِمَةُ تَسْدُلُ الثَّوْبَ عَلَى وَجْهِهَا إِلَى الذَّقَنِ.^۲

امام صادق عليه السلام فرمودند: زن مُحْرِم (در حال احرام) لباس را پرده وار به صورتش تا چانه آویزان نماید.

عن أبي عبد الله عليه السلام: أَنَّ الْمُحْرِمَةَ تَسْدُلُ ثَوْبَهَا إِلَى نَهْرِهَا.^۳

امام صادق عليه السلام فرمودند: زن مُحْرِم (در حال احرام) چادرش را جلو صورتش تا گودی زیر گلویش (مانند پرده) آویزان کند.

عن أبي عبد الله عليه السلام: أَنَّهُ قَالَ: تَسْدُلُ الْمَرْأَةُ الثَّوْبَ عَلَى وَجْهِهَا مِنْ أَعْلَاهَا إِلَى النَّحْرِ إِذَا كَانَتْ رَاكِبَةً.^۴

امام صادق عليه السلام فرمودند: زن هنگامی که سوار بر مرکب است چادرش را از بالای صورت تا گودی زیر گلویش مانند پرده به صورتش آویزان کند.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: مَرَّ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام بِامْرَأَةٍ مُتَنَقِّبَةٍ وَهِيَ مُحْرِمَةٌ فَقَالَ: أَحْرِمِي وَاسْفُرِي وَارْخِي ثَوْبَكَ مِنْ فَوْقِ رَأْسِكَ فَإِنَّكَ إِنْ تَنَقَّبْتَ لَمْ يَتَغَيَّرْ لَوْثُكَ. فَقَالَ رَجُلٌ:

۱- کافی: ۳۴۴/۴؛ تهذیب: ۷۳/۵ ح ۲۴۳، وسائل الشیعه: ۴۹۳/۱۲ ح ۴۸ ح ۱۶۸۷۷.

۲- من لایحضره الفقیه: ۲۱۹/۲ ح ۱۰۰۷، وسائل الشیعه: ۴۹۵/۱۲ ح ۴۸ ح ۱۶۸۸۱.

۳- من لایحضره الفقیه: ۳۵۶/۲ ح ۲۶۸۸، وسائل الشیعه: ۴۹۵/۱۲ ح ۴۸ ح ۱۶۸۸۲.

۴- من لایحضره الفقیه: ۳۴۲/۲ باب ما يجوز الإحرام فيه و... ح ۲۶۲۶، وسائل الشیعه: ۴۹۵/۱۲ ح ۴۸ ح ۱۶۸۸۳.

إِلَى أَيْنَ تُرْخِيهِ؟ فَقَالَ: تَغْطِي عَيْنَيْهَا. قَالَ قُلْتُ: يَبْلُغُ فَمَهَا؟ قَالَ: نَعَمْ.^۱

امام باقر (ع) از زنی که (مُحَرَّم بود و) نقاب به صورت داشت گذشتند و فرمودند: عمل به احرام کن و نقاب از صورت بگشا و چادرت را از بالای سرت رها کن (به جلو صورت خود)؛ زیرا اگر نقاب بسته باشی شکل و رنگ تو (نسبت به قبل از احرام) تغییر و تفاوتی پیدا نکرده است. مردی پرسید: تا کجا چادرش را رها کند؟ فرمود: تا چشمش را بپوشاند. (آن مرد) گفت: پرسیدم: تا دهانش برسد؟ فرمود: بله.

توضیح: از شیوه بیان حضرت با این خانم چنین برمی آید که او پیش از احرام، نقاب به چهره می زده و این امری عادی بوده، لذا حضرت تصریح می فرمایند که اگر در حال احرام هم نقاب بزند چهره اش با پیش از احرام تفاوتی نکرده و مقصود از آویزان نمودن چادر، پوشاندن صورت است تا آنجا که نامحرمی نتواند چهره او را ببیند.

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع) الْمَرْأَةُ الْمُحَرَّمَةُ... تَسْدِلُ الثَّوْبَ عَلَى وَجْهِهَا. قُلْتُ: حَدُّ ذَلِكَ إِلَى أَيْنَ؟ قَالَ: إِلَى طَرْفِ الْأَنْفِ قَدْرَ مَا تُبْصِرُ.^۲

حضرت امام جعفر صادق (ع) فرمودند: زن در حال احرام... چادر را بر صورت خود بیاندازد. گفتم: حدّ آن تا کجاست؟ فرمودند: تا زیر بینی به اندازه ای که بتواند (جلو خود را) ببیند.

بَعْضُ نُسَخِ فَفْهِ الرِّضَا (ع): وَ لَا بَأْسَ أَنْ تُسْدِلَ الْمَرْأَةُ الْمُحَرَّمَةُ الثَّوْبَ عَلَى وَجْهِهَا حَتَّى يَبْلُغَ نَحْرَهَا إِذَا كَانَتْ رَاكِبَةً.

۱- کافی: ۳۴۴/۴ باب ما يجوز للمحرمة أن تلبسه... ح ۱، تهذیب: ۷۳/۵ ب ۷ ح ۵۱.

۲- کافی: ۳۴۴/۴ ح ۱، تهذیب الأحکام: ۷۳/۵ ب ۷ ح ۵۱، وسائل الشیعه: ۴۹۳/۱۲ ب ۴۸ ح ۱۶۸۷۷.

وفي موضع آخر منه: وَمَنْ كَانَ مَعَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ فَلْيُصْنَعْنَ كَمَا تَصْنَعُونَ وَيَسْدِلْنَ الثِّيَابَ عَلَى وُجُوهُنَّ سَدًّا إِنْ أَرَدْنَ ذَلِكَ إِلَى النَّحْرِ.^۱

در برخی نسخه های کتاب شریف فقه منسوب رضوی رحمته الله علیه چنین آمده است: و باکی نیست که زن در حال احرام پوشش خود را چنان بر چهره بکشد تا به گلوئی خود برساند اگر سوار بر مرکب است.

و در جای دیگر آمده است: و هرکس از زنان با شما باشد، باید همچون شما کنند و پوشش خود را اگر بخواهند تا گلو بر چهره های خود بیاندازند.

کتاب المقنع: وَ لَا يَجُوزُ لِلْمَرْأَةِ أَنْ تَتَنَقَّبَ لِأَنَّ إِحْرَامَ الْمَرْأَةِ فِي وَجْهِهَا وَ إِحْرَامَ الرَّجُلِ فِي رَأْسِهِ، قَالَ: وَ لَا بَأْسَ أَنْ تُسَدِّلَ الثَّوْبَ عَلَى وَجْهِهَا مِنْ أَعْلَاهُ إِلَى النَّحْرِ إِذَا كَانَتْ رَاكِبَةً.^۲

شیخ صدوق رحمته الله علیه در کتاب شریف «المقنع» - که از متون احادیث اهل بیت علیهم السلام است - آورده: جایز نیست زن در حال احرام نقاب بزند؛ زیرا احرام زن در چهره او و احرام مرد در سر اوست، و باکی نیست که چادر خود را اگر سوار بر مرکب است، از بالا تا گلو بیاندازد.

المقنع للصدوق: وَيَكْرَهُ النَّقَابُ وَ لَا بَأْسَ أَنْ تُسَدِّلَ الثَّوْبَ عَلَى وَجْهِهَا إِلَى طَرَفِ الْأَنْفِ قَدْرَ مَا تُبْصِرُ وَإِنْ مَرَّ بِهَا رَجُلٌ اسْتَتَرَتْ مِنْهُ بِثَوْبِهَا وَ لَا تَسْتَتِرُ بِبَيْدِهَا مِنَ الشَّمْسِ.^۳

شیخ صدوق در جای دیگر از «مقنع» فرموده است: و روا نیست نقاب زدن برای زن در حال احرام و باکی نیست که چادرش را بر چهره خود تا انتهای بینی

۱- مستدرک الوسائل: ۲۲۴/۹ ب ۳۸ ح ۱۰۷۴۳-۲.

۲- همان ح ۱۰۷۴۴-۳.

۳- همان ح ۱۰۷۴۵-۴.

بیاندازد چنانکه بتواند (جلو پایش را) ببیند و اگر مردی (نامحرم) از او گذشت با لباس خود چهره اش را نپوشاند و با دست خود را از خورشید نپوشاند.

نتیجه: پوشاندن صورت بر زنان حتی در حال احرام واجب است و نگاه کردن نامحرم به آن جایز نیست.

۲۵- نظر به بانوان نامسلمان ...

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: لَا حُرْمَةَ لِنِسَاءِ أَهْلِ الذِّمَّةِ أَنْ يُنْظَرَ إِلَى شُعُورِهِنَّ وَأَيْدِيهِنَّ^۱.

امام صادق عليه السلام می فرماید: رسول خدا ﷺ فرمود: نگریستن به مو و دست زنان اهل ذمه، حرام نیست.

عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام قَالَ: لَا بَأْسَ بِالنَّظَرِ إِلَى رُءُوسِ نِسَاءِ أَهْلِ الذِّمَّةِ...^۲.

امام صادق عليه السلام از پدرش و آن حضرت از امام علی عليه السلام روایت می نماید که فرمودند: نگاه کردن به سر زنان اهل ذمه اشکالی ندارد.

عَنْ عَبَّادِ بْنِ صُهَيْبٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: لَا بَأْسَ بِالنَّظَرِ إِلَى رُءُوسِ أَهْلِ التَّهَامَةِ وَالْأَعْرَابِ وَأَهْلِ السَّوَادِ وَالْعُلُوجِ لِأَنَّهُمْ إِذَا نَهَوْا لَا يَنْتَهَوْنَ قَالَ: وَالْمَجْنُونَةُ وَالْمَغْلُوبَةُ عَلَى عَقْلِهَا وَ لَا بَأْسَ بِالنَّظَرِ إِلَى شَعْرِهَا وَ جَسَدِهَا مَا لَمْ يَتَعَمَّدْ ذَلِكَ^۳.

امام صادق عليه السلام فرمود: نگریستن به سر زنان تهامه، بادیه نشین، روستایی های اطراف و علج ها (بی تقوایان)، ایراد ندارد؛ زیرا اینان، هرگاه نهی شوند، از

۱- کافی: ۵/۵۲۴ باب النظر الى نساء اهل الذمة ح ۱، وسائل الشیعه: ۲۰/۲۰۵، ابواب مقدمات النکاح، ب ۱۱۲ ح ۲۵۴۴۰.

۲- وسائل الشیعه: ۲۰/۲۰۵، ابواب مقدمات النکاح، ب ۱۱۲ ح ۲۵۴۴۱.

۳- کافی: ۵/۵۲۴ باب النظر الى نساء الاعراب و اهل السواد ح ۱، وسائل الشیعه: ۲۰/۲۰۶ ح ۱.

انجام این کار دست بر نمی دارند. ایراد ندارد به مو و بدن زنان دیوانه و فاقد عقل نگاه کرد، البته به شرطی که این کار از روی عمد (قصد لذت و ادامه نگاه) نباشد.

۲۶- پوشش بانوان در برابر خواستگاران

شیخ طوسی در النهایه و الخلاف و المبسوط نگاه کردن مرد به چهره و دستها تا میچ زنی را که می خواهد به عقد نکاح درآورد جایز می داند.^۱
ابن ادریس و محقق حلی و شهید ثانی نیز بر این فتوا هستند.^۲
۲۷- بیتوته و نفس...

عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ قَالَ: مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَا يَبْتَ فِي مَوْضِعٍ يَسْمَعُ نَفْسَ امْرَأَةٍ لَيْسَتْ لَهُ بِمَحْرَمٍ.^۳

رسول خدا ﷺ فرمود: هرکس ایمان به خدا و روز قیامت دارد، نباید در جایی که صدای نفس زن نامحرم را می شنود، بماند.

۲۸- در خانه بیگانه

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷺ: أَيُّمَا امْرَأَةٍ وَضَعَتْ ثَوْبَهَا فِي غَيْرِ مَنْزِلِ زَوْجِهَا أَوْ بَغِيرِ إِذْنِهِ لَمْ تَزَلْ فِي لَعْنَةِ اللَّهِ إِلَى أَنْ تَرْجِعَ إِلَى بَيْتِهَا.^۴

امام صادق ﷺ فرمود: هر زنی که پوشش خود را در غیر خانه شوهرش و بدون اجازه او کنار گذارد؛ تا آنگاه که به خانه بازگردد؛ پیوسته در لعنت خداست.

۱- النهایه: ۴۸۴؛ الخلاف: ۱۳۹/۲؛ المبسوط: ۱۶۱/۴.

۲- شرائع الاسلام: ۲۶۸/۲؛ الروضة البهیة: ۹۷/۵، سلسله بنایع الفقهیه: ۴۲۵/۱۹.

۳- وسائل الشیعه: ۱۸۵/۲۰ ب ۹۹ ح ۲۵۳۸۲، بحار الأنوار: ۵۰/۱۰۱ ب ۳۷ ح ۱۶.

۴- من لا یحضره الفقیه: ۴۴۰/۳ باب حق الزوج علی المرأة... ح ۴۵۲۳، مکارم الأخلاق: ۲۱۵.

۲۹- بیگانه در خانه

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: غَضِبَ اللَّهُ وَ غَضِبِي عَلَى امْرَأَةٍ أَذْخَلَتْ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهَا مِنْ غَيْرِهِمْ فَأَكَلَ خَزَائِنَهُمْ وَ نَظَرَ إِلَى عَوْرَاتِهِمْ.^۱

پیامبر اکرم ﷺ فرمود: غضب خداوند و من بر زنی است که نامحرم را بر اهل خانه اش داخل کرده و آن نامحرم از خوردنی ها بخورد و نگاه (شهوة آلود و حرام) به آنان بیندازد.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: لَا يَحِلُّ لِمَرْأَةٍ أَنْ تَدْخُلَ بَيْتَهَا مَنْ قَدْ بَلَغَ الْحُلُمَ وَ لَا تَمْلَأْ عَيْنَهَا مِنْهُ وَ لَا يَمْلَأْ عَيْنُهُ مِنْهَا وَ لَا تَأْكُلْ مَعَهُ وَ لَا تَشْرَبْ إِلَّا أَنْ يَكُونَ مَحْرَمًا عَلَيْهَا وَ ذَلِكَ بِحَضْرَةِ زَوْجِهَا. فَقَالَتْ عَائِشَةُ عِنْدَ ذَلِكَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! وَإِنْ كَانَ مَمْلُوكًا؟ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: وَإِنْ كَانَ مَمْلُوكًا، فَلَا تَفْعَلْ شَيْئًا مِنْ ذَلِكَ فَإِنْ فَعَلْتَ فَقَدْ سَخِطَ اللَّهُ عَلَيْهَا وَ مَقْتَهَا وَلَعْنَهَا وَ لَعْنَتُهَا الْمَلَائِكَةُ.^۲

رسول خدا ﷺ فرمود: جایز نیست زنی مرد بالغ را داخل خانه خود کند و چشمان خود را از نگاه به او و چشمان او را از نگاه به خود پُر کند و نباید با او هم غذا شود و نوشیدنی بنوشد مگر اینکه محرم او باشد در حالی که شوهرش هم حضور داشته باشد. آنگاه عایشه گفت: ای پیامبر خدا! هرچند که برده یا غلام باشد؟ پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: گرچه برده باشد نباید هیچ یک از این کارها را انجام دهد و اگر چنین کرد، همانا خداوند بر او غضب نموده و همراه با فرشتگانش او را لعنت می کنند.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ: إِشْتَدَّ غَضَبُ اللَّهِ عَلَى امْرَأَةٍ أَذْخَلَتْ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهَا مِنْ

۱- جعفریات: ۱۰۴، مستدرک الوسائل: ۳۰۴/۱۴ ح ۱۱۸، ۱۶۷۸۳-۶ و ص ۳۳۳ ب ۲ ح ۱۶۸۶۹-۲.

۲- مستدرک الوسائل: ۲۸۶/۱۴ ب ۹۶ ح ۱۶۷۳۴-۲.

غَيْرِهِمْ فَأَكَلَ خَيْرَاتِهِمْ وَنَظَرَ إِلَى عَوْرَاتِهِمْ^۱.

امام صادق (ع) فرمود: غضب خداوند بر زنی که بر اهل خانه اش نامحرم را داخل کند و او نعمت های آنان را بخورد و عورت های آنان را نگاه (چشم چرانی) کند شدت خواهد گرفت.

۳۰- سَوِّمِينَ أَنَّهُا...

عَنْ عَلِيٍّ (ع): أَنَّهُ كَانَ نَهَى عَنْ مُحَادَثَةِ النِّسَاءِ، يَعْنِي غَيْرَ ذَوَاتِ الْمَحَارِمِ وَقَالَ: لَا يَخْلُو بِامْرَأَةٍ رَجُلٌ، فَمَا مِنْ رَجُلٍ خَلَا بِامْرَأَةٍ إِلَّا كَانَ الشَّيْطَانُ ثَالِثَهُمَا^۲.

حضرت امام امیرالمؤمنین علی (ع) از سخن گفتن زنان با نامحرم نهی کرده و فرمودند: زن و مرد نامحرمی با هم خلوت نکنند، مگر اینکه شیطان سومین آنان باشد (و زمینه سازی فحشاء کند).

۳۱- خداوند نمی پذیرد...

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع): ... وَ أَيْمًا امْرَأَةً تَطَيَّبَتْ لِغَيْرِ زَوْجِهَا لَمْ تُقْبَلْ مِنْهَا صَلَاةٌ حَتَّى تَغْتَسِلَ مِنْ طَيِّبِهَا كَغُسْلِهَا مِنْ جَنَابَتِهَا^۳.

امام صادق (ع) فرمود: ... و خداوند نماز زنی را که برای غیر همسرش خود را خوشبو نماید، نمی پذیرد تا وقتی که از این کار خود غسل نماید، همان گونه که از جنابت خود غسل می کند.

۱- کافی: ۵/۵۴۳ ح ۳، دعائم الإسلام: ۲/۴۴۸ فصل ۲ ح ۱۵۶۶، نوادر راوندی: ۳۸، وسائل الشیعه: ۲۰/۳۱۵ ب ۲ ح ۲۵۷۱۱.

۲- دعائم الإسلام: ۲/۲۱۴ فصل ۴ ح ۷۸۸، مستدرک الوسائل: ۱۴/۲۶۵ ب ۷۸ ح ۱۶۶۶۵-۲.

۳- کافی: ۷/۵۰۷ باب حق الزوج علی المرأة... ح ۲، من لایحضره الفقیه: ۳/۴۴۰ باب حق الزوج علی المرأة... ح ۴۵۲۱، مکارم الأخلاق: ۲۱۵، وسائل الشیعه: ۲۰/۱۶۰، ابواب مقدمات النکاح، ب ۸۰ ح ۲۵۳۰۵.

۳۲- شایسته نیست

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: لَا يَنْبَغِي لِلْمَرْأَةِ أَنْ تُجَمَّرَ ثَوْبَهَا إِذَا خَرَجَتْ مِنْ بَيْتِهَا.^۱

امام صادق عليه السلام فرمود: هرگاه زن بخواند از خانه خارج شود، شایسته نیست (نارواست) لباس خود را خوشبو کند.

۳۳- آرایش کرده ...

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: أَيُّ امْرَأَةٍ تَطَيَّبَتْ ثُمَّ خَرَجَتْ مِنْ بَيْتِهَا فَهِيَ تُلْعَنُ حَتَّى تَرْجِعَ إِلَى بَيْتِهَا مَتَى مَا رَجَعَتْ.^۲

امام صادق عليه السلام فرمود: پیامبر خدا صلى الله عليه وآله فرمود: زنی که خود را خوشبو کند، سپس از خانه اش خارج شود (جایی برود که نامحرم حضور دارد)، مورد لعنت است تا هنگامی که به خانه خود بازگردد.

۳۴- من او را می بینم...

جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عليه السلام: أَنَّ فَاطِمَةَ بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله اسْتَأْذَنَ عَلَيْهَا أَعْمَى فَحَجَبَتْهُ فَقَالَ لَهَا النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله: لِمَ حَجَبْتِهِ وَهُوَ لَا يَرَاكَ؟ فَقَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنْ لَمْ يَكُنْ يَرَانِي فَأَنَا أَرَاهُ وَهُوَ يَشْمُ الرِّيحَ. فَقَالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله: أَشْهَدُ أَنَّكَ بَضْعَةٌ مِنِّي.^۳

امام صادق از پدر گرامی خود امام باقر عليه السلام نقل نمودند که ایشان فرمودند: مرد کوری بر حضرت فاطمه زهرا عليها السلام وارد شد در حالی که آن حضرت خود را از او در حجاب داشتند. آنگاه رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمودند: او شما را نمی بیند، چرا خود

۱- کافی: ۵/۵۱۹ ح ۳، من لایحضره الفقیه: ۳/۴۴۰ ح ۴۵۲۲، وسائل الشیعه: ۱۶۱/۲۰ ح ۸۰، ۲۵۳۰۹.

۲- کافی: ۵/۵۱۸ باب التستر... ح ۲، مکارم الأخلاق: ۴۳، عوالی اللآلی: ۳/۳۰۹ باب النکاح... ح ۱۳۳، بحار الأنوار: ۲۴۷/۱۰۰ ب ۴ ح ۲۷، وسائل الشیعه: ۱۱۲/۱۴، ابواب مقدمات النکاح، ب ۸۰ ح ۴ و ص ۱۶۱ ح ۲۵۳۰۸.

۳- دعائم الإسلام: ۲/۲۱۴ فصل ۴ ح ۷۹۲؛ عدد القویّه: ۲۲۴؛ نوادر راوندی: ۱۳، مستدرک الوسائل:

۲۸۹/۱۴ ب ۱۰۰ ح ۱، بحار الأنوار: ۹۱/۴۳ ب ۴.

را در حجاب داشتید؟ فرمودند: اگر او مرا نمی بیند من او را می بینم و او بو را استشمام می کند. آنگاه پیامبر ﷺ فرمودند: گواهی می دهم که تو پاره ای از من هستی.

۳۵- شما که ... می بینید!

إِسْتَأْذَنَ ابْنُ أُمِّ مَكْتُومٍ عَلَى النَّبِيِّ ﷺ وَ عِنْدَهُ عَائِشَةُ وَ حَفْصَةُ فَقَالَ لَهُمَا: قُومَا فَادْخُلَا الْبَيْتَ. فَقَالَتَا: إِنَّهُ أَعْمَى. فَقَالَ ﷺ: إِنْ لَمْ يَرَكُمَا فَإِنَّكُمَا تَرِيَانِهِ.^۱

یکی از اصحاب پیامبر که نابینا بود به نام ابن امّ مکتوم درحالی بر پیامبر ﷺ وارد شد که عایشه و حفصه نزد ایشان بودند، پیامبر فرمودند: برخیزید و به اتاق بروید. گفتند: وی کور است. حضرت فرمودند: گرچه او شما را نمی بیند، ولی شما وی را می بینید.

عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ قَالَتْ: كُنْتُ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ عِنْدَهُ مَيْمُونَةُ فَأَقْبَلَ ابْنُ أُمِّ مَكْتُومٍ وَ ذَلِكَ بَعْدَ أَنْ أُمِرَ بِالْحِجَابِ فَقَالَ ﷺ: احْتَجِبَا، فَقُلْنَا: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَلَيْسَ أَعْمَى لَا يُبْصِرُنَا؟ قَالَ: أَفَعَمِيَاوَانِ أَنْتُمَا؟ أَلَسْتُمَا تُبْصِرَانِهِ؟...!^۲

امّ سلمه همسر خوب رسول خدا ﷺ می گوید: من و میمونه نزد رسول خدا بودیم که ابن امّ مکتوم - بعد از آنکه فرمان حجاب برای ما آمده بود - وارد شد، پیامبر ﷺ فرمود: هر دو حجاب بگیرید. ما گفتیم: ای رسول خدا! مگر نه اینکه او کور است و ما را نمی بیند؟ آن حضرت فرمود: آیا شما نیز کور هستید؟ او را نمی بینید؟!...

۱- کافی: ۵/۵۳۴ ح ۲.

۲- وسائل الشیعه: ۲۰/۲۳۲ ب ۱۲۹ ح ۲۵۵۱۱-۴ از مکارم الأخلاق: ۲۳۳.

۳۶- چشمان گریان، مگر...

عَنِ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ: كُلُّ عَيْنٍ بَاكِیَّةٌ یَوْمَ الْقِیَامَةِ إِلَّا ثَلَاثَ أَعْیُنٍ، عَيْنٌ بَكَتْ مِنْ خَشِیَةِ اللَّهِ وَ عَيْنٌ غَضَّتْ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ وَ عَيْنٌ بَاتَتْ سَاهِرَةً فِی سَبِيلِ اللَّهِ.^۱

پیامبر اکرم ﷺ فرمود: روز قیامت همه چشم ها گریان اند به جز سه چشم: چشمی که از ترس (نافرمانی) خدا در دنیا گریان بوده است، چشمی که از صحنه های حرام بسته شده و چشمی که در راه خدا شب زنده داری نموده.

۳۷- با حوریان

وَ قَالَ الصَّادِقُ ﷺ: مَنْ نَظَرَ إِلَى امْرَأَةٍ فَرَفَعَ بَصَرَهُ إِلَى السَّمَاءِ أَوْ غَمَضَ بَصَرَهُ لَمْ يَرْتَدَّ إِلَيْهِ بَصَرُهُ حَتَّى يُزَوِّجَهُ اللَّهُ مِنَ الْحُورِ الْعِیْنِ.^۲

امام جعفر صادق ﷺ فرمودند: هرکس چشمش به زنی افتاد، اگر چشم خود را به آسمان کند و یا از حرام فرو نهد، بی درنگ خدای تعالی از حوریان بهشتی به همسری او درآورد.

۳۸- روحی پاک، خاطری آرام

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ: مَنْ غَضَّ طَرَفَهُ أَرَاخَ قَلْبِهِ.^۳

حضرت امام امیرالمؤمنین علی ﷺ فرمود: کسی که چشم خود را از نگاه حرام بازدارد، قلبش را آسوده نموده است.

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ: مَنْ غَضَّ طَرَفَهُ قَلَّ أَسْفُهُ وَ أَمِنَ تَلَفُهُ.^۱

۱- وسائل الشیعه: ۷۵/۷ ب ۲۹ ح ۸۷۷۰- ۷ از خصال: ۹۸/۱ ح ۴۶، ثواب الأعمال: ۱۷۷، جامع الأخبار:

۹۸ فصل ۵۴، روضة الواعظین: ۴۵۰/۲، كشف الغمة: ۹۹/۲، مکارم الأخلاق: ۳۱۵.

۲- من لا یحضره الفقیه: ۴۷۳/۳ باب النوادر... ح ۴۶۵۶ و عوالی اللآلی: ۲۹۱/۳ باب النکاح... ح ۴۹،

فقه القرآن راوندی: ۱۴۴/۲، باب الزیادات... و مکارم الأخلاق: ۲۳۶ فصل ۱۰، وسائل الشیعه:

۱۹۳/۲۰ ب ۱۰۴ ح ۲۵۴۰۳، بحار الأنوار: ۳۷/۱۰۱ ب ۳۴ ح ۲۸.

۳- غرر الحکم آمدی: ۲۵۱/۱ ح ۲۵۹، مستدرک الوسائل: ۲۷۱/۱۴ ب ۸۱.

حضرت امام امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) فرمودند: کسی که چشم خود را از حرام ببندد، افسوسش کم شده و از تباهی در امان می ماند.

۳۹- تیر زهرآلود شیطان

عَنْ عَلِيٍّ (علیه السلام) أَنَّهُ قَالَ: سُئِلَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) عَنِ الرَّجُلِ تَمَرُّ بِهِ الْمَرْأَةُ فَيَنْظُرُ إِلَيْهَا؟ فَقَالَ (ص): أَوَّلُ نَظْرَةٍ لَكَ وَالثَّانِيَةُ عَلَيْكَ وَ لَا لَكَ وَالنَّظْرَةُ الثَّلَاثَةُ سَهْمٌ مَسْمُومٌ مِنْ سِهَامِ إِبْلِيسَ مَنْ تَرَكَهَا لِلَّهِ لَا يَغْيِرُهُ أَغْقَبَهُ اللَّهُ إِيْمَانًا يَجِدُ طَعْمَهُ.^۱

حضرت امیرالمؤمنین امام علی (علیه السلام) فرمودند: از پیامبر (ص) پرسیده شد از مردی که زنی از کنار او بگذرد و آن زن را ببیند (چشم چرانی کند)؟ پیامبر (ص) فرمود: اولین نگاه از آن توست (نگاه اتفاقی) و نگاه دوم تو به زیان توست و نگاه سوم (استمرار نگاه) تیری زهرآگین از تیرهای شیطان است. هرکس آن نگاهها را برای خدا و نه برای غیر خدا ترک کند، خدای متعال او را چنان ایمانی بدهد که طعم گوارای آن را بچشد.

عَنِ النَّبِيِّ (ص) أَنَّهُ قَالَ: النَّظْرَةُ سَهْمٌ مَسْمُومٌ مِنْ سِهَامِ إِبْلِيسَ فَمَنْ تَرَكَهَا خَوْفًا مِنَ اللَّهِ أُعْطَاهُ إِيْمَانًا يَجِدُ حَلَاوَتَهُ فِي قَلْبِهِ.^۲

پیامبر اکرم (ص) فرمودند: نگاه (حرام) تیری زهرآگین از تیرهای شیطان است، پس هرکس آن را از بیم نافرمانی خدا رها کند (چشم چرانی نکند)، خداوند تعالی او را چنان ایمانی عطا فرماید که شیرینی آن را در قلبش احساس کند.

عَنْهُ (ص): أَنَّهُ قَالَ النَّظْرُ إِلَى مُحَاسِنِ النِّسَاءِ سَهْمٌ مِنْ سِهَامِ إِبْلِيسَ فَمَنْ تَرَكَهُ أَذَاقَهُ اللَّهُ

۱- مستدرک الوسائل: ۲۷۱/۱۴ ب ۸۱.

۲- دعائم الإسلام: ۲/۲۰۲ فصل ۳ ح ۷۳۹، مستدرک الوسائل: ۲۶۸/۱۴ ب ۸۱ ح ۱۶۶۷۶-۱.

۳- جامع الأخبار: ۹۳ فصل ۱۰۵ و ص ۱۴۵ فصل ۱۰۷، بحار الأنوار: ۳۸/۱۰۱ ب ۳۴ ح ۳۴.

مستدرک الوسائل: ۲۶۸/۱۴ ب ۸۱ ح ۱۶۶۸۰-۵.

طَعَمَ عِبَادَةَ تَسْرُدُ^۱.

پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: نگاه کردن به زیباییهای زنان تیری از تیرهای شیطان است، هرکس آن را ترک کند خدای تعالی طعم و مزه عبادتی به او بپشاند که او را شادمان کند.

قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: اِشْتَدَّ غَضَبُ اللَّهِ عَلَى امْرَأَةٍ ذَاتِ بَعْلٍ مَلَأَتْ عَيْنَهَا مِنْ غَيْرِ زَوْجِهَا أَوْ غَيْرِ ذِي مَحْرَمٍ مِنْهَا فَإِنَّهَا إِنْ فَعَلَتْ ذَلِكَ أَحْبَطَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ كُلَّ عَمَلٍ عَمَلْتُهُ فَإِنْ أُوطِئَتْ فِرَاشَهُ غَيْرَهُ كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يُحْرِقَهَا بِالنَّارِ بَعْدَ أَنْ يُعَذِّبَهَا فِي قَبْرِهَا.^۲

پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: زن شوهر داری که چشم او از غیر همسرش یا نامحرمی پر شود، غضب خداوند بر او شدت می گیرد؛ اگر چنین باشد، خداوند همه کردارش (عبادتهایش) را نابود می کند و اگر بستر شوهر را در اختیار دیگری قرار دهد (با دیگری رابطه نامشروع داشته باشد)، بر خداوند سزاوار است او را پس از عذاب نمودن در قبر، با آتش بسوزاند.

عَنِ النَّبِيِّ ﷺ: أَنَّهُ قَالَ مَنْ أَصَابَ مِنْ امْرَأَةٍ نَظْرَةً حَرَامًا مَلَأَ اللَّهُ عَيْنَهُ نَارًا.^۳

پیامبر اسلام ﷺ فرمودند: هر مردی به زن نامحرم نگاه حرام کند، خداوند چشم او را از آتش پر می نماید.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ: النَّظْرَةُ سَهْمٌ مِنْ سِهَامِ إِبْلِيسَ مَسْمُومٌ وَكَمْ مِنْ نَظْرَةٍ أَوْرَثَتْ حَسْرَةً طَوِيلَةً.^۴

۱- مستدرک الوسائل: ۲۷۰/۱۴ ب ۸۱ ح ۱۶۶۸۶-۱۱ از لبّ الباب.

۲- عقاب الاعمال: ۳۳۸، وسائل الشیعه: ۲۳۲/۲۰ باب تحریم رؤیة المرأة الرجل الاجنبی... ح ۲۵۵۰۹-۲.

۳- مستدرک الوسائل: ۲۷۰/۱۴ ب ۸۱ ح ۱۶۶۸۵-۱۰.

۴- کافی: ۵۵۹/۵ باب نوادر... ح ۱۲، ثواب الأعمال: ۲۶۴، محاسن: ۱۰۹/۱ ب ۴۹ ح ۱۰۱، وسائل

امام صادق علیه السلام فرمود: نگرستن (به آنچه حرام است) تیری از تیرهای زهرآلود شیطان است و چه بسا نگاهی (هر چند کوتاه) سبب افسوسی دراز گردد.

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: النَّظَرُ سَهْمٌ مِنْ سِهَامِ إِبْلِيسَ مَسْمُومٌ مَنْ تَرَكَهَا لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ لِلْغَيْرِ أَغْقَبَهُ اللَّهُ إِيْمَانًا يَجِدُ طَعْمَهُ.^۱

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: چشم چرانی تیری از تیرهای زهرآلود شیطان می باشد هرکس آن را برای خدا و نه برای دیگری ترک کند خداوند ایمانی به او خواهد داد که طعم (خوش) آن را بچشد.

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِيَّاكُمْ وَ النَّظَرَ فَإِنَّهُ سَهْمٌ مِنْ سِهَامِ إِبْلِيسَ.^۲

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: از نگاه حرام برحذر باشید، همانا تیری از تیرهای شیطان است.

فقه الرضا عليه السلام: وَ اجْتَنِبِ الْمَسَّ وَ الْقُبْلَةَ وَ النَّظَرَ فَإِنَّهَا سَهْمٌ مِنْ سِهَامِ إِبْلِيسَ.^۳

در کتاب شریف فقه الرضا عليه السلام چنین آمده: و از لمس کردن و بوسیدن نامحرم و نگاه کردن به نامحرم دوری کن چرا که نگاه حرام تیری از تیرهای شیطان است.

۴۰- حدّ نگاه

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: لَا يَدْخُلُ الرَّجُلُ مَعَ ابْنِهِ الْحَمَّامَ فَيَنْظُرَ إِلَى عَوْرَتِهِ. وَقَالَ: لَيْسَ لِلْوَالِدَيْنِ أَنْ يَنْظُرَا إِلَى عَوْرَةِ الْوَلَدِ وَ لَيْسَ لِلْوَلَدِ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى عَوْرَةِ الْوَالِدِ.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: نباید مردی با فرزند خود به حمّام رود و عورتهای او را بنگرد. و فرمود: پدر و مادر نباید به عورت فرزند نگاه کنند و فرزند نیز نباید

الشيعة: ۲۰/۱۹۰ ابواب مقدمات النكاح ب ۱۰۴ ح ۲۵۳۹۵، بحار الأنوار: ۴۰/۱۰۱ ب ۳۴ ح ۴۶.

۱- من لا يحضره الفقيه: ۴/۱۸ ح ۴۹۶۹، وسائل الشيعة: ۲۰/۱۹۲ ب ۱۰۴ ح ۲۵۳۹۹.

۲- تهذيب الأحكام: ۷/۴۳۵ ب ۳۹ ح ۳، وسائل الشيعة: ۲۰/۸۹ ب ۳۶ ح ۲۵۱۰۸.

۳- فقه الرضا عليه السلام: ۲۰۵ ب ۳۰، بحار الأنوار: ۲۷۵/۹۳ ب ۳۲ ح ۱۹، مستدرک الوسائل: ۷/۳۵۱ ب ۳۷ ح ۸۳۸۷-۱.

به عورت پدر و مادر خود نگاه کند.

وَقَالَ ﷺ: لَعَنَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ النَّاظِرَ وَالْمَنْظُورَ إِلَيْهِ فِي الْحَمَّامِ بِلَا مِثْرٍ^۱.

و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله کسی را که در حمام (به دیگری) نگاه کند و یا بگذارد به او نگاه کنند در حالی که پوشش ندارد؛ لعنت فرمودند.

عَنِ النَّبِيِّ ﷺ أَنَّهُ قَالَ: يَا عَلِيُّ! إِيَّاكَ وَدُخُولَ الْحَمَّامِ بِغَيْرِ مِثْرٍ مُثْرٍ مُلْعُونٍ (مُلْعُونُ) النَّاظِرُ وَالْمَنْظُورُ إِلَيْهِ.^۲

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: ای علی! بدون لُنگ (پوشاننده ای که از ناف تا زانو را می پوشاند) داخل حمام مشو، بیننده (چشم چران) و (آنچه) دیده شده هر دو ملعون (از رحمت خدا محروم) می باشند.

وَعَنْ عَلِيٍّ ﷺ أَنَّهُ قَالَ: لَعَنَ اللَّهُ النَّاظِرَ وَالْمَنْظُورَ إِلَيْهِ.^۳

حضرت امیرالمؤمنین امام علی علیه السلام فرمودند: لعنت خدا بر بیننده (چشم چران) و (آنچه) دیده شده باد.

عَنْ فَحْهِ الرِّضَا ﷺ: وَإِيَّاكَ أَنْ تَدْخُلَ الْحَمَّامَ بِغَيْرِ مِثْرٍ فَإِنَّهُ مِنَ الْإِيمَانِ وَغَضَّ بَصْرَكَ عَنْ عَوْرَةِ النَّاسِ وَاسْتُرْ عَوْرَتَكَ مِنْ أَنْ يُنْظَرَ إِلَيْهِ فَإِنَّهُ أَرُوي: أَنَّ النَّاظِرَ وَالْمَنْظُورَ إِلَيْهِ مُلْعُونٌ.^۴

۱- کافی: ۵۰۳/۶ باب الحمام... ح ۳۶، وسائل الشیعه: ۵۶/۲ ب ۲۱ ح ۱۴۶۶.

۲- تحف العقول: ۱۳، وسائل الشیعه: ۳۳/۲ ب ۳ ح ۱۳۹۹، بحار الأنوار: ۶۸/۷۴ ب ۳ ح ۶، مستدرک الوسائل:

۳۸۰/۱ ب ۷ ح ۱۸-۳.

۳- بحار الأنوار: ۷۵/۷۳ ب ۳ ح ۱۸، مستدرک الوسائل: ۲۷۱/۱۴ ب ۸۱ ضمن حدیث ۱۶۶۸۵-۱۰ ازلب الباب راوندی.

۴- فقه الرضا علیه السلام: ۴، مستدرک الوسائل: ۳۷۶/۱ ب ۳ ح ۹۰۰-۱.

در کتاب شریف فقه منسوب به امام رضا علیه السلام آمده است: و مبادا بدون ئنگ داخل حَمَّام شوی؛ زیرا (پوشش عورتها بخشی) از ایمان است و چشمانت را از نگاه کردن به عورت مردم ببند و عورت خود را از دیده شدن بپوشان زیرا روایت می کنم: بیننده و دیده شده هر دو ملعون اند.

۴۱- ایمان چشم ها

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام: ... وَ فَرَضَ عَلَى الْعَيْنَيْنِ غَضَّ الْبَصَرِ عَمَّا حَرَّمَ اللَّهُ وَ هُوَ عَمَلُهُمَا.

وفي نسخة: وَ فَرَضَ عَلَى الْبَصَرِ أَنْ لَا يَنْظُرَ إِلَى مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَأَنْ يُغَضَّ عَمَّا نَهَى اللَّهُ عَنْهُ مِمَّا لَا يَحِلُّ لَهُ وَ هُوَ عَمَلُهُ وَ ذَلِكَ مِنَ الْإِيمَانِ.^۱

امام صادق علیه السلام فرمودند: ... و خداوند بر چشم ها واجب فرمود که از دیدن آنچه حرام است فروگذارند و نبینند و این وظیفه چشم هاست.

و در نسخه دیگری چنین آمده: و خداوند بر دیده واجب فرموده است که آنچه را حرام کرده نبیند و آنچه را که بر او حلال نکرده و نهی فرموده چشم ببندد و این وظیفه چشم است. و چشم از حرام بستن (نشانه و بخشی) از ایمان است.

۴۲- ... در پی ناموس کسان...

عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام: أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ الرَّجُلِ تَمَرُّ بِهِ الْمَرْأَةُ فَيَنْظُرُ إِلَى خَلْفِهَا؟ فَقَالَ: أَيْسَرُ أَحَدِكُمْ أَنْ يَنْظُرَ الرَّجَالُ إِلَى أَهْلِهِ؟! إِرْضُوا لِلنَّاسِ مَا تَرْضَوْنَ لِنَفْسِكُمْ.^۲

از امام صادق علیه السلام پرسیده شد: اگر زنی (نامحرم) از مردی بگذرد آیا می تواند آن زن را از پشت سر نگاه کند؟ آن حضرت فرمود: آیا کسی از شما مردان خوش

۱- مستدرک الوسائل: ۱/۲۴۵ ح ۴۸۹-۳.

۲- مستدرک الوسائل: ۱۴/۲۷۳ ب ۸۴ ح ۱۶۶۹۵-۱ از دعائم الإسلام: ۲/۲۰۱ ح ۷۳۷.

دارد که مردان دیگر همسرش را ببینند؟! آنچه را که برای خودتان راضی هستید برای دیگران نیز راضی باشید.

۴۲- عبور از کنار

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: لَيْسَ لِلنِّسَاءِ مِنْ سَرَوَاتِ الطَّرِيقِ شَيْءٌ وَ لَكِنَّهَا تَمْشِي فِي جَانِبِ الْحَائِطِ وَ الطَّرِيقِ.^۱

رسول خدا ﷺ فرمود: برای زنان از وسط راه بهره ای نیست. از کنار دیوار و راه ها حرکت کنند.

الإمام الباقر (ع): وَ لَيْسَ لِلنِّسَاءِ مِنْ سَرَوَاتِ الطَّرِيقِ شَيْءٌ وَ لَهِنَّ جَنْبَتَاهُ وَ لَا يَجُوزُ لَهُنَّ نَزُولُ الْغُرْفِ.^۲

امام محمدباقر (ع) فرمود: برای زنان از وسط راه نصیبی نیست و برای آنها دو سمتِ راه می باشد و برای آنها جایز نیست به جایی بروند که نامحرم حضور دارد.

۴۴- زنان از پشت سر

فَرَوَى أَنَّ مُوسَى ﷺ قَالَ لَهَا: وَجَّهِيْنِي إِلَى الطَّرِيقِ وَ امْشِي خَلْفِي فَإِنَّا بَنُو يَعْقُوبَ لَنَنْظُرُ فِي أَعْجَازِ النِّسَاءِ.^۳

روایت است که حضرت موسی پیغمبر (ع) به دختر حضرت شعیب (ع) فرمود: از پشتِ سر من حرکت کن و مرا به راه (خانه حضرت شعیب) راهنمایی کن. بدرستی که ما فرزندان یعقوب (ع) به پشتِ سر زنان نگاه نمی کنیم.

... قَالَ (مُوسَى ﷺ) لِي: تَأْخِرِي عَنِّي وَ دَلِّينِي عَلَى الطَّرِيقِ فَإِنَّا مِنْ قَوْمٍ لَا يَنْظُرُونَ فِي

۱- کافی: ۵/۵۱۸ باب التستر... ح ۱، وسائل الشیعه: ۱۸۳/۲۰ ب ۹۷ ح ۲۵۳۷۶.

۲- وسائل الشیعه: ۲۰/۲۲۰ ب ۱۲۳ ح ۲۵۴۷۳ از خصال: ۵۸۲ ح ۱۲.

۳- مستدرک الوسائل: ۱۴/۲۷۴ ب ۸۴ ح ۱۶۶۹۸- ۴ از کتاب کمال الدین: ۱۵۱.

أَذْبَارِ النِّسَاءِ، عَرَفْتُ أَنَّهُ لَيْسَ مِنَ الْقَوْمِ الَّذِينَ يَنْظُرُونَ فِي أَعْجَازِ النِّسَاءِ.^۱

دختر شعیب پیغمبر ﷺ می گوید: حضرت موسی ﷺ به من فرمود: از پشت سر من حرکت کن و مرا به راه خانه ی پدرت راهنمایی کن. من از قومی هستم که پشت سر زنان را نگاه نمی کنند. از این سخن او دانستم او از چنین قومی است که از پشت سر (قامت) زنان را نگاه نمی کنند.

قَالَ (مُوسَى ﷺ): فَإِنَّا بَنُو يَعْقُوبَ لَا نَنْظُرُ فِي أَعْجَازِ النِّسَاءِ.^۲

حضرت موسی ﷺ فرمود: ما فرزندان یعقوب ﷺ پشت سر زنان را نگاه نمی کنیم.
۴۵- دنبال شیر برو اما...

قَالَ دَاوُودُ ﷺ لَابْنِهِ: اِمْشِ خَلْفَ الْأَسَدِ وَالْأَسْوَدِ وَلَا تَمْشِ خَلْفَ الْمَرْأَةِ.^۳

حضرت داوود پیامبر ﷺ به فرزندش فرمود: پشت سر شیر و درندگان راه برو (ولی) پشت سر زن راه مرو.

۴۶- تا سرد شود

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِذَا جَلَسَتِ الْمَرْأَةُ مَجْلِسًا فَقَامَتْ عَنْهُ فَلَا يَجْلِسُ فِي مَجْلِسِهَا رَجُلٌ حَتَّى يَبْرُدَ.^۴

رسول اکرم ﷺ فرمود: اگر زنی در جایی نشست و برخاست، تا هنگامی که جای او سرد نشده، هیچ مردی جای او ننشیند.

۱- مستدرک الوسائل: ۲۷۴/۱۴ ب ۸۴ ح ۱۶۶۹۹-۵.

۲- کمال الدین: ۱۵۱/۱ ب ۶، بحار الأنوار: ۴۱/۱۳ ب ۲ و ص ۵۹ ب ۲.

۳- مستدرک الوسائل: ۲۷۵/۱۴ ب ۸۴ ح ۱۶۷۰۰-۶ از لبّ اللباب راوندی.

۴- کافی: ۵۶۴/۵ باب نوادر... ح ۳۸، من لایحضره الفقیه: ۴۶۷/۳ باب نوادر... ح ۴۶۱۹ و ج ۳ ص ۵۵۵ ح ۴۹۰۳، وسائل الشیعه: ۲۲۰/۲۰ ب ۱۲۳ ح ۲۵۴۷۳-۱ و ص ۲۴۸ ب ۱۴۵ ح ۲۵۵۵۳، بحار الأنوار: ۲۵۴/۱۰۰ ب ۵.

٤٧- هيجان شهوت

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع): لَا تَحْمِلُوا الْفُرُوجَ عَلَى السُّرُوجِ فَتَهَيِّجُوهُنَّ لِلْفُجُورِ.^١

حضرت امام اميرالمؤمنين علي (ع) فرمود: فروج (زنان) را بر زين ها سوار نكنيد، زيرا (با اين كار) آنان را براي فحشاء به هيجان مى آوريد.

٤٨- كيفر زنان...

عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: دَخَلْتُ أَنَا وَفَاطِمَةُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ (ص) فَوَجَدْتُهُ يَبْكِي بُكَاءً شَدِيداً فَقُلْتُ: فِدَاكَ أَبِي وَ أُمِّي يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا الَّذِي أَبْكَاكَ فَقَالَ (ص):

يَا عَلِيُّ! لَيْلَةَ أُسْرِي بِي إِلَى السَّمَاءِ رَأَيْتُ نِسَاءً مِنْ أُمَّتِي فِي عَذَابٍ شَدِيدٍ فَأَنْكَرْتُ شَأْنَهُنَّ فَبَكَيْتُ لِمَا رَأَيْتُ مِنْ شِدَّةِ عَذَابِهِنَّ، وَ رَأَيْتُ امْرَأَةً مُعَلَّقَةً بِشَعْرِهَا يَغْلِي دِمَاعُ رَأْسِهَا وَ رَأَيْتُ امْرَأَةً مُعَلَّقَةً بِلِسَانِهَا وَ الْحَمِيمُ يُصَبُّ فِي حَلْقِهَا وَ رَأَيْتُ امْرَأَةً مُعَلَّقَةً بِبَنْدِيهَا وَ رَأَيْتُ امْرَأَةً تَأْكُلُ لَحْمَ جَسَدِهَا وَ النَّارُ تَوْقَدُ مِنْ تَحْتِهَا وَ رَأَيْتُ امْرَأَةً قَدْ شَدَّ رِجْلَاهَا إِلَى يَدَيْهَا وَ قَدْ سَلَّطَ عَلَيْهَا الْحَيَاتُ وَ الْعَقَارِبُ وَ رَأَيْتُ امْرَأَةً صَمَاءَ عَمِيَاءَ خَرَسَاءَ فِي تَابُوتٍ مِنْ نَارٍ يَخْرُجُ دِمَاعُ رَأْسِهَا مِنْ مَنْخَرِهَا وَ بَدْنُهَا مُتَقَطَّعٌ مِنَ الْجَذَامِ وَ الْبَرَصِ وَ رَأَيْتُ امْرَأَةً مُعَلَّقَةً بِرِجْلَيْهَا فِي تَنُورٍ مِنْ نَارٍ وَ رَأَيْتُ امْرَأَةً تُقَطِّعُ لَحْمَ جَسَدِهَا مِنْ مُقَدَّمِهَا وَ مُؤَخَّرِهَا بِمِقَارِيضَ مِنْ نَارٍ وَ رَأَيْتُ امْرَأَةً يُحْرِقُ وَجْهَهَا وَ يَدَاهَا وَ هِيَ تَأْكُلُ أَمْعَاءَهَا وَ رَأَيْتُ امْرَأَةً رَأْسُهَا رَأْسُ خِنْزِيرٍ وَ بَدْنُهَا بَدَنُ الْجَمَارِ وَ عَلَيْهَا أَلْفُ أَلْفٍ لَوْنٍ مِنَ الْعَذَابِ وَ رَأَيْتُ امْرَأَةً عَلَى صُورَةِ الْكَلْبِ وَ النَّارُ تَدْخُلُ فِي دُبُرِهَا وَ تَخْرُجُ مِنْ فِيهَا وَ الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ رَأْسَهَا وَ بَدَنَهَا بِمَقَامِعَ مِنْ نَارٍ.

فَقَالَتْ فَاطِمَةُ (ع): حَبِيبِي وَ قُرَّةُ عَيْنِي أَخْبَرَنِي مَا كَانَ عَمَلُهُنَّ وَ سِيرَتُهُنَّ حَتَّى وَضَعَ اللَّهُ عَلَيْهِنَّ هَذَا الْعَذَابَ فَقَالَ (ع): يَا بِنْتِي! أَمَّا الْمُعَلَّقَةُ بِشَعْرِهَا فَإِنَّهَا كَانَتْ

١- كافي: ٥١٦/٥ باب فى تأديب النساء ... ح ٤، من لا يحضره الفقيه: ٤٦٨/٣ باب النوادر ... ح ٤٦٢٦.

مكارم الأخلاق: ٢٣١، وسائل الشيعة: ١٧٨/٢٠ ب ٩٣ ح ٢٥٣٦٠، بحار الأنوار: ١٠٠/٢٦٠ ب ٥ ح ١٤.

لَا تَغْطِي شَعْرَهَا مِنَ الرِّجَالِ وَأُمَّا الْمُعْلَقَةُ بِلِسَانِهَا فَإِنَّهَا كَانَتْ تُؤْذِي زَوْجَهَا وَأُمَّا الْمُعْلَقَةُ بِثَدْيِهَا فَإِنَّهَا كَانَتْ تَمْتَنِعُ مِنْ فِرَاشِ زَوْجِهَا وَأُمَّا الْمُعْلَقَةُ بِرِجْلَيْهَا فَإِنَّهَا كَانَتْ تَخْرُجُ مِنْ بَيْتِهَا بِغَيْرِ إِذْنِ زَوْجِهَا وَأُمَّا الَّتِي كَانَتْ تَأْكُلُ لَحْمَ جَسَدِهَا فَإِنَّهَا كَانَتْ تُزَيِّنُ بَدَنَهَا لِلنَّاسِ وَأُمَّا الَّتِي شَدَّتْ يَدَاهَا إِلَى رِجْلَيْهَا وَسَلَّطَ عَلَيْهَا الْحَيَّاتُ وَالْعَقَارِبُ فَإِنَّهَا كَانَتْ قَدِيرَةً الْوُضُوءِ قَدِيرَةً الثِّيَابِ وَكَانَتْ لَا تَغْتَسِلُ مِنَ الْجَنَابَةِ وَالْحَيْضِ وَلَا تَتَنَظَّمُ وَكَانَتْ تَسْتَهِينُ بِالصَّلَاةِ وَأُمَّا الْعُمَيَّا الصَّمَاءُ الْخُرَسَاءُ فَإِنَّهَا كَانَتْ تَلِدُ مِنَ الزَّانِ فَتَعْلِقُهُ فِي عُنُقِ زَوْجِهَا وَأُمَّا الَّتِي تُفَرِّضُ لَحْمَهَا بِالْمَقَارِيضِ فَإِنَّهَا تَعْرِضُ نَفْسَهَا عَلَى الرِّجَالِ وَأُمَّا الَّتِي كَانَتْ تُحَرِّقُ وَجْهَهَا وَبَدَنَهَا وَهِيَ تَأْكُلُ أَمْعَاءَهَا فَإِنَّهَا كَانَتْ قَوَادَةً وَأُمَّا الَّتِي كَانَ رَأْسُهَا رَأْسَ خَنْزِيرٍ وَبَدَنُهَا بَدَنَ الْجَمَارِ فَإِنَّهَا كَانَتْ نَمَامَةً كَذَّابَةً وَأُمَّا الَّتِي كَانَتْ عَلَى صُورَةِ الْكَلْبِ وَالنَّارُ تَدْخُلُ فِي دُبُرِهَا وَتَخْرُجُ مِنْ فِيْهَا فَإِنَّهَا كَانَتْ فَيْنَةً نَوَاحَةً حَاسِدَةً.

ثُمَّ قَالَ ﷺ: وَيْلٌ لِمَا رَأَتْ أَعْضَبَتْ زَوْجَهَا وَطُوبَى لِمَا رَأَتْ رَضِيَ عَنْهَا زَوْجَهَا.^۱

حضرت امام اميرالمؤمنين علی (ع) فرمودند: همراه با حضرت فاطمه (ع) بر پیامبر خدا (ص) وارد شدید و دیدیم آن حضرت به شدت گریه می کنند.

عرض کردم: ای رسول خدا! پدر و مادرم به فدایت. چه چیزی شما را گریان نموده است؟

آن حضرت فرمود: ای علی! شبی که به معراج برده شدم، زنانی را از امتم در عذاب شدید دیدم و ناراحت شدم از اینکه آن زنان چه کرده بودند تا به اینچنین عذابهای سختی گرفتار آمده اند، گریان شدم، زنی را دیدم که به موی سرش آویزان بود و مغز سرش می جوشید. زنی را دیدم که به زبانش آویزان بود و آب جوشان در گلویش می ریختند. زنی را دیدم که به سینه اش آویزان بود. زنی را

۱- عیون اخبار الرضا (ع): ۲/۱۰، بحار الأنوار: ۳۰۹/۸، ج ۷۵.

دیدم که گوشت بدن خود را می خورد و آتش از نشیمنگاه او خارج می شد. زنی را دیدم که پاهایش را به دستهایش بسته بودند و مارها و عقرب ها او را می گزیدند. زنی را دیدم که کور و لال در تابوتی از آتش، مغز سرش از بینی اش بیرون می ریخت و اندامش بر اثر جذام و پیری از هم جدا بود.

زنی را دیدم که گوشت تنش را با قیچی های آتشین پاره پاره می کردند. زنی را دیدم که صورت و دست هایش می سوخت و روده ها و درون خود را می خورد. زنی را دیدم که سرش مانند سرِ خوک و بدنش مانند بدن الاغ بود و به یک میلیون نوع از عذاب ها گرفتار بود.

زنی را دیدم شبیه سگ که آتش از نشیمنگاه او داخل و از دهانش خارج می شد و فرشتگان با گرزهای آهنین آتشین بر سر و پیکر او می زدند.

آنگاه حضرت فاطمه عليها السلام عرضه داشتند: ای حبیبم و نور دیدگانم! مرا خبر دهید کار و روش آنان چه بود که خداوند اینگونه عذابهایی را بر آنان قرار داده بود؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: ای دخترم! آنکه به موی خود آویزان بود، موی خود را از مردان نامحرم نمی پوشاند.

و آن زنی که به زبانش آویزان شده بود، شوهرش را اذیت می نمود. و آن زنی که به سینه اش آویزان بود، از همخواهی با شوهرش سرپیچی می نمود. و آن زنی که به پاهایش آویزان بود بدون اجازه شوهرش از خانه بیرون می رفت. و آن زنی که گوشت بدن خود را می جوید، خود را برای مردان (نامحرم) آرایش و زینت می نمود.

و آن زنی که دستهایش بسته بود و مارها و عقرب ها بر او مسلط گردیده بودند،

شرایط وضو و طهارت را رعایت نمی کرد و لباسهایش آلوده بود و غسل حیض و جنابت را انجام نمی داد و نماز را سبک می شمرد.

و آن زنی که کر، کور و لال بود از زنا (فحشاء) باردار می شد و فرزند می آورد و فرزندان زنزاده را برگردن شوهر خود می انداخت.

و آن زنی که گوشتش چیده می شد، خود را به مردان نامحرم عرضه می داشت. و آن زنی که صورت و بدنش می سوخت و روده ها و درون خود را می خورد، واسطه زنا میان دو نامحرم بود.

و آن زنی که سرش مانند سرخوک و اندامش مانند الاغ بود، سخن چین و بسیار دروغگو بود.

و آن زنی که به صورت سگ بود و آتش در نشیمنگاه وی داخل و از دهانش خارج می شد، آوازه خوان و نوحه گر (خواننده و نوازنده) و حسود بود.

سپس حضرت فرمودند: وای به حال زنی که شوهرش را خشمگین کند، و خوشا به حال زنی که شوهرش از او راضی و خشنود گردد.

۴۹- خشم امام

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: يَا أَهْلَ الْعِرَاقِ! نُبِّئْتُ أَنَّ نِسَاءَكُمْ يُدَافِعْنَ الرِّجَالَ فِي الطَّرِيقِ أَمَا تَسْتَحْيُونَ^۱.

امام صادق عليه السلام فرمود: امام امیرالمؤمنین عليه السلام فرمودند: ای اهل عراق! باخبر شدم که زنان شما در گذرها مردان را هل می دهند (با هم برخورد می کنند)، آیا شرم نمی کنید؟

۱- کافی: ۵/۵۳۶ باب الغيرة... ح ۶، وسائل الشیعه: ۲۰/۲۳۵ ب ۱۳۲ ح ۲۵۵۲۰.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ قَالَ عَلِيُّ عليه السلام: يَا أَهْلَ الْعِرَاقِ! نُبِّئْتُ أَنَّ نِسَاءَكُمْ يُؤَافِينَ الرِّجَالَ فِي الطَّرِيقِ أَمَا تَسْتَحْيُونَ.

وَقَالَ عليه السلام: لَعَنَ اللَّهُ مَنْ لَا يَغَارُ.^۱

امام صادق عليه السلام فرمود: حضرت علی عليه السلام چنین فرمود: ای اهل عراق! باخبر شدم زنان شما در راه با مردان برخورد می کنند، آیا حیا نمی کنید؟

و فرمودند: لعنت خدا بر کسی که غیرت ندارد.

قَالَ عَلِيُّ عليه السلام: يَا أَهْلَ الْعِرَاقِ نُبِّئْتُ أَنَّ نِسَاءَكُمْ يُدَافِعْنَ الرِّجَالَ فِي الطَّرِيقِ أَمَا تَسْتَحْيُونَ.

حضرت امام امیرالمؤمنین علی عليه السلام فرمود: ای اهل عراق! آگاهی یافتم زنان شما با مردان در راه ها برخورد می کنند، آیا حیا نمی کنید؟

و فِي حَدِيثٍ آخَرَ أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام قَالَ: أَمَا تَسْتَحْيُونَ وَ لَا تَغَارُونَ نِسَاءَكُمْ يَخْرُجْنَ إِلَى الْأَسْوَاقِ وَ يُزَاحِمْنَ الْعُلُوجَ.^۲

و در حدیث دیگری است که امیرالمؤمنین عليه السلام فرمودند: آیا حیا نمی کنید و غیرت نمی ورزید از اینکه زنان شما به بازارها می روند و با مردان بی تقوا برخورد می کنند (هل می دهند)؟!...

۵۰- حشر با... منافقین

عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله قَالَ: وَ مَنْ أَطْلَعَ فِي بَيْتٍ جَارِهِ فَنَظَرَ إِلَى عَوْرَةِ رَجُلٍ أَوْ شَعْرِ امْرَأَةٍ أَوْ شَيْءٍ مِنْ جَسَدِهَا كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يُدْخِلَهُ النَّارَ مَعَ الْمُنَافِقِينَ الَّذِينَ كَانُوا يَتَّبِعُونَ عَوْرَاتِ النِّسَاءِ فِي الدُّنْيَا وَ لَا يَخْرُجُ مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى يَفْضَحَهُ اللَّهُ وَ يُبْدِيَ لِلنَّاسِ عَوْرَتَهُ فِي الْآخِرَةِ. وَ مَنْ مَلَأَ عَيْنَيْهِ مِنْ امْرَأَةٍ حَرَامًا حَشَاهُمَا اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

۱- محاسن ۱/۱۱۵ ب ۵۴، بحار الأنوار: ۱۱۵/۷۶ ب ۸۴ ح ۷.

۲- مشکاة الأنوار: ۲۳۷ فصل ۶.

بِمَسَامِيرٍ مِنْ نَارٍ وَ حَشَاهُمَا نَارًا حَتَّى يَقْضِيَ بَيْنَ النَّاسِ ثُمَّ يُؤْمَرُ بِهِ إِلَى النَّارِ... وَ مَنْ صَافَحَ امْرَأَةً حَرَامًا جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَغْلُولًا ثُمَّ يُؤْمَرُ بِهِ إِلَى النَّارِ وَ مَنْ فَآكَهَا امْرَأَةً لَا يَمْلِكُهَا حُبْسَ بِكُلِّ كَلِمَةٍ كَلَّمَهَا فِي الدُّنْيَا أَلْفَ عَامٍ وَ الْمَرْأَةُ إِذَا طَاوَعَتِ الرَّجُلَ فَالْتَزَمَهَا حَرَامًا أَوْ قَبَّلَهَا أَوْ بَاشَرَهَا حَرَامًا أَوْ فَآكَهَا فَأَصَابَ بِهَا فَاحِشَةً فَعَلَيْهَا مِنَ الْوِزْرِ مَا عَلَى الرَّجُلِ وَ إِنْ غَلَبَهَا عَلَى نَفْسِهَا كَانَ عَلَى الرَّجُلِ وَزْرُهُ وَ وَزْرُهَا....^۱

پیامبر اسلام ﷺ فرمود: و هر کسی که به خانه همسایه سرک بکشد و عورت مرد و یا موی زنی و یا بدن آن زن را ببیند سزاوار است خداوند او را با منافقین داخل آتش کند، همانان که در دنیا عورت های زنان را پیروی می کردند (در بی عفتی سرآمد بودند)، و از دنیا خارج نمی شود مگر اینکه خداوند او را رسوا نموده و در آخرت عورتش (عیب هایش) برای مردم آشکار گردد. و هر کسی چشم خود را از نگاه حرام به زنی پر کند، خداوند روز قیامت دو چشمش را از میخ های آتشین و آتش پر کند، تا اینکه قضاوت بین همه اهل محشر به انجام برسد. سپس فرمان دهد او را در آتش بیاندازند... و هر کسی که دست به زن نامحرم بدهد روز قیامت او را دست بسته بیاورند و در آتش اندازند و هر کسی با زن نامحرمی شوخی کند، به خاطر هر کلمه ای که در دنیا با آن زن شوخی نموده است؛ او را هزار سال در آتش قرار دهند و اگر زنی مردی را همراهی کند و آن مرد او را در آغوش بگیرد یا ببوسد و یا با او شوخی کند و کار به فحشاء بیانجامد هر دو مانند هم گناهکارند و کیفر خواهند دید و اگر مردی بر زن حرامی (نامحرمی) چیره

۱- جامع الأخبار: ۹۳ فصل ۵۱، عقاب الأعمال: ۲۸۲، اعلام الدین واعظ دیلمی: ۴۱۲.

وسائل الشیعه: ۱۹۴/۲۰ ب ۱۰۴ ح ۲۵۴۱۰، بحار الأنوار: ۳۶۱/۷۳ ب ۶۷ و ج ۱۰۱ ص ۳۷ ب ۳۴ ح ۳۲.

مستدرک الوسائل: ۳۷۶/۱ ب ۳ ح ۹۰۱-۲.

گردد، گناه خودش و گناه آن زن به عهده آن مرد است.

۵۱- از نشانه های آخرالزمان

عَنِ النَّبِيِّ ﷺ أَنَّهُ قَالَ فِي حَجَّةِ الْوَدَاعِ: إِنَّ مِنْ أَشْرَاطِ الْقِيَامَةِ... ثُمَّ قَالَ: فَعِنْدَهَا إِمَارَةُ النِّسَاءِ وَ مُشَاوَرَةُ الْإِمَاءِ... وَيَشَبَّهُ الرَّجَالُ بِالنِّسَاءِ وَ النِّسَاءُ بِالرَّجَالِ وَ يَرْكَبْنَ ذَوَاتُ الْفُرُوجِ السُّرُوجَ فَعَلَيْهِمْ مِنْ أُمَّتِي لَعْنَةُ اللَّهِ. ثُمَّ قَالَ: إِنَّ عِنْدَهَا تَزَخُّرُفُ الْمَسَاجِدِ كَمَا تَزَخُّرُفُ الْبَيْعُ وَ الْكُنَائِسُ وَ تَحْلَى الْمَصَاحِفُ...^۱

پیامبر اکرم ﷺ در حجۃ الوداع (آخرین سفر حجی که پیامبر در عمر شریفشان به جای آوردند) فرمودند: از شرایط برپا شدن قیامت است: ... آنگاه که زنان امیر شوند و با دختران مشورت شود... و مردان خود را شبیه زنان و زنان خود را شبیه مردان کنند و زنان سوار بر زین ها شوند. پس لعنت خدا از امت من بر آنان باد. سپس فرمود: در آن زمان مسجدها مانند معابد یهود و نصاری، زیبا شوند و قرآن ها به زیور تزیین شوند... .

قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: كَيْفَ بَكُمْ إِذَا فَسَدَتْ نِسَاؤُكُمْ وَ فَسَقَ شَبَابُكُمْ وَ لَمْ تَأْمُرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ لَمْ تَنْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ؟! فَقِيلَ لَهُ وَ يَكُونُ ذَلِكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟! فَقَالَ: نَعَمْ وَ شَرٌّ مِنْ ذَلِكَ، كَيْفَ بَكُمْ إِذَا أَمَرْتُمْ بِالْمُنْكَرِ وَ نَهَيْتُمْ عَنِ الْمَعْرُوفِ؟! فَقِيلَ لَهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ يَكُونُ ذَلِكَ؟! قَالَ: نَعَمْ وَ شَرٌّ مِنْ ذَلِكَ، كَيْفَ بَكُمْ إِذَا رَأَيْتُمُ الْمَعْرُوفَ مُنْكَرًا وَ الْمُنْكَرَ مَعْرُوفًا؟!...^۲

پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: چه حالی دارید آنگاه که زنانتان فاسد و جوانانتان فاسق

۱- تفسیر قمی ۳۰۳/۲، وسائل الشیعه: ۳۴۸/۱۵ ب ۴۹ ح ۲۰۷۰۵، بحار الأنوار: ۳۰۵/۶ ب ۱، مستدرک الوسائل: ۲۷۵/۸ ب ۱۷.

۲- کافی: ۵۹/۵ باب الأمر بالمعروف و... ح ۱۴، تهذیب الأحکام: ۱۷۷/۶ ب ۸۰ ح ۸؛ روضة الواعظین: ۳۶۵/۲؛ مجموعة ورام: ۱۲۴/۲ و مشکوة الأنوار: ۴۹ فصل ۱۳، بحار الأنوار: ۹۱/۹۷ ب ۱ ح ۸۲.

شوند و امر به معروف و نهی از منکر نکنید؟! گفته شد: ای پیامبر خدا! آیا چنین خواهد شد؟ حضرت فرمودند: آری و بدتر از آن. شما را چه می شود آنگاه که امر به منکر و نهی از معروف کنید؟! به حضرتش گفته شد: آیا چنین شود؟ فرمود: آری و بدتر از آن. چه حالتی خواهید داشت آنگاه که معروف را منکر و منکر را معروف ببینید؟!...

قال أمير المؤمنين (عليه السلام): ... وَأَثْمُنَ الْخَائِنِ وَ اتَّخَذَتِ الْقَيْنَاتُ وَالْمَعَارِيفُ وَلَعَنَ آخِرُ هَذِهِ الْأُمَّةِ أَوْلَهَا وَ رَكِبَ ذَوَاتُ الْفُرُوجِ السُّرُوجَ وَتَشَبَّهَ النِّسَاءُ بِالرِّجَالِ وَ الرِّجَالُ بِالنِّسَاءِ^۱.

حضرت امام امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) درباره علائم ظهور فرمودند: ... و زمانی که خائن را امانت دار بدانند و زنان، آوازه خوان و نوازنده شود و آوازه خوانی و نوازندگی مطلوب گردد... و زنان برزین ها سوار شوند و خود را به مردان شبیه کنند و مردان شبیه زنان شوند.

قال أمير المؤمنين (عليه السلام): ... وَ خَرِبَتِ الْقُلُوبُ وَ اسْتَحْلَوْا الْمَعَارِيفَ وَ شَرِبَتِ الْخُمُورُ وَ رَكِبَتِ الذُّكُورُ وَ اسْتَغَلَّ النِّسَاءُ وَ شَارَكْنَ أَزْوَاجَهُنَّ فِي التِّجَارَةِ حِرْصاً عَلَى الدُّنْيَا وَ عَلَتِ الْفُرُوجُ السُّرُوجُ وَ يُشَبِّهَنَّ بِالرِّجَالِ فَحِينَئِذٍ عَدُّوا أَنْفُسَكُمْ فِي الْمَوْتِ وَ لَا تَغْرَنَكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فَإِنَّ النَّاسَ اثْنَانِ بَرٌّ تَقِيٌّ وَ آخَرُ شَقِيٌّ وَ الدَّارُ دَارَانِ لَا ثَالِثَ لَهُمَا وَ الْكِتَابُ وَاحِدٌ لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَ لَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا أَلَا وَ إِنَّ حُبَّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ وَ بَابُ كُلِّ بَلِيَّةٍ وَ مَجْمَعُ كُلِّ فِتْنَةٍ وَ دَاعِيَةٌ كُلِّ رِيْبَةٍ، الْوَيْلُ لِمَنْ جَمَعَ الدُّنْيَا وَ أَوْرَثَهَا مَنْ لَا يَحْمَدُهُ وَ قَدِمَ عَلَى مَنْ لَا يَعْذِرُهُ^۲.

۱- کمال الدین: ۵۲/۲-۵۴، باب حدیث الدجال...، خرائج و جرائع: ۱۱۳۳/۳؛ مستدرک الوسائل:

۳۲۶/۱۲ ب ۳۹.

۲- کمال الدین: ۱/۳۳۰ ب ۳۲؛ بحار الأنوار: ۲۲/۷۵ ب ۱۵.

حضرت امام امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) فرمودند: (از علائم آخرالزمان است که) دلها خراب شوند و موسیقی و خوانندگی حلال قلمداد شود و نوشیدنی های مست کننده نوشیده شود و مردان مرکب شوند و زنان مشغول کار شده و در تجارت به خاطر حرص بر دنیا با مردان مشارکت کنند و زنان سوار بر زین ها (دوچرخه، موتور و اسب) و شبیه مردان شوند.

در آن زمان خود را میان مردگان به شمار آورید و زندگانی دنیا شما را مغرور نکند. به یقین مردم دو دسته اند: یا نیکوکار باتقوا یا بدبخت پست و خانه دو خانه است، سوّم ندارد. (دنیا محلّ تکلیف و آخرت محلّ جزاست) و نامه ی عمل یکی است که کوچک و بزرگ کارها، همه در آن نوشته شده است.

و بدرستی که دنیادوستی، موجب گرفتار آمدن به تمامی گناهان و باب ورود به همه بلاها و محلّ گردهمایی همه فتنه ها و فراخواننده (به سوی) همه شک هاست. وای به حال کسی که به گردآوری دنیا مشغول است (فرد بیچاره فرومایه) و برای کسی که حمد و سپاس خدا را نمی نگوید مال جمع می کند، و رو به سوی خدایی می آورد که عذر وی را نمی پذیرد.

عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (فِي عَلَائِمِ ظُهُورِ الدَّجَالِ): ... فَإِنَّ عَلَامَةَ ذَلِكَ إِذَا أَمَاتَ النَّاسُ الصَّلَاةَ... وَ اتَّخَذَتِ الْقِيَانُ وَ الْمَعَازِفُ وَ لَعَنَ آخِرُ هَذِهِ الْأُمَّةِ أَوَّلَهَا وَ رَكِبَ ذَوَاتُ الْفُرُوجِ السُّرُوجَ وَ تَشَبَّهَ النِّسَاءُ بِالرِّجَالِ وَ الرِّجَالُ بِالنِّسَاءِ... وَ تَفَقَّهَ لِغَيْرِ الدِّينِ وَ أَثَرُوا عَمَلَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَ لَبَسُوا جُلُودَ الضَّانِ عَلَى قُلُوبِ الذَّنَابِ وَ قُلُوبُهُمْ أَنْتَنُ مِنَ الْجَيْفِ وَ أَمْرٌ مِنَ الصَّبْرِ...^۱.

۱- کمال الدین: ۵۲۵/۲ ح ۴۷، ۱، خرائج و جرائع: ۱۱۳۳/۳؛ منتخب الأنوار المضيئة: ۸۵، بحار الأنوار: ۱۹۲/۵۲ ح ۲۵، ۲۶، مستدرک الوسائل: ۳۲۶/۱۲ ح ۳۹، ۱۴۲۱۴-۱ به نقل از کتاب مختصر البصائر.

حضرت امام امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) به صعصعه از اصحاب خود فرمودند: حفظ کن! بدرستی که از نشانه های ظهور دجال آن است: آنگاه مردم نماز را بمیرانند... و زنان بر زین ها سوار شوند و خود را شبیه به مردان کنند و مردان خود را شبیه زنان کنند... و دین را بیاموزند نه برای دین، و کار دنیا را بر آخرت پیش اندازند و بر دل های گرگ صفت خود، پوست میش بپوشانند، در حالی که دل های آنان از مردار کثیف تر و از صبر (گیاهی بسیار تلخ) تلخ تر باشد...

عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) قَالَ: يَظْهَرُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ وَاقْتِرَابِ السَّاعَةِ (الْقِيَامَةِ) وَهُوَ شَرُّ الْأَزْمِنَةِ نِسْوَةٌ كَاشِفَاتُ عَارِيَّاتٍ مُتَبَرِّجَاتٍ مِنَ الدِّينِ دَاخِلَاتُ فِي الْفِتَنِ مَائِلَاتُ إِلَى الشَّهَوَاتِ مُسْرِعَاتُ إِلَى اللَّذَاتِ مُسْتَحِلَّاتُ لِلْمَحْرَمَاتِ فِي جَهَنَّمَ خَالِدَاتٌ.^۱

حضرت امام امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) فرمودند: در آخر الزمان و نزدیکی قیامت که بدترین زمانهاست، زنانی با چهره باز و تن نمایان آشکار شوند، از دین خارج گشته و در فتنه ها داخل شده اند، چنانکه به شهوت رانی ها مایل و به لذت های نفسانی شتابان هستند، کارهای حرام را حلال می دانند، آنان در جهنم جاودان خواهند بود.

قَالَ حَمِيدُ بْنُ مُسْلِمٍ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ (عليه السلام) يَقُولُ: الْقَائِمُ مَنْصُورٌ بِالرُّعْبِ... فَقُلْتُ لَهُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ مَتَى يَخْرُجُ قَائِمُكُمْ؟ قَالَ: إِذَا تَشَبَّهَ الرَّجَالُ بِالنِّسَاءِ وَالنِّسَاءُ بِالرِّجَالِ وَاکْتَفَى الرَّجَالُ بِالرِّجَالِ وَالنِّسَاءُ بِالنِّسَاءِ وَرَكِبَ ذَوَاتُ الْفُرُوجِ السُّرُوجَ وَقَبِلَتْ شَهَادَاتُ الزُّورِ وَرُدَّتْ شَهَادَاتُ الْعَدْلِ وَاسْتَحَفَّ النَّاسُ بِالدِّمَاءِ وَارْتَكَبَ الزِّنَاءَ وَ أَكَلَ الرِّبَا وَ اتَّقَى الْأَشْرَارَ مَخَافَةَ أَلْسِنَتِهِمْ... فَعِنْدَ ذَلِكَ خُرُوجُ قَائِمِنَا...^۲

۱- من لا يحضره الفقيه: ۳/ ۳۹۰ ح ۴۳۷۴، مکارم الأخلاق: ۲۰۱، وسائل الشیعه: ۳۵/۲۰ ب ۷ ح ۲۴۹۶۱.

۲- کمال الدین: ۱/ ۳۳۰ ب ۳۲ ح ۱۶، إعلام الوری: ۴۶۳ فصل ۳، کشف الغمّة: ۵۳۴/۲ فصل ۳.

حمید بن مسلم می گوید: از امام باقر (ع) شنیدم فرمود: مهدی (ع) به سبب هراس (که خداوند در دل دشمنان می اندازد) یاری می شود... به حضرت گفتند: ای فرزند رسول خدا (ص)! قائم شما چه زمان خروج خواهد کرد؟ فرمودند: آنگاه که مردان شبیه زنان و زنان شبیه مردان شوند و مردان به مردان و زنان به زنان اکتفا (هم جنس بازی) کنند و زنان بر زین ها سوار شوند و گواهی های دروغ پذیرفته شود و گواهی های دادگرانه رد شوند و مردم، خون مردم و زناکاری و رباخواری را سبک بشمارند و از ترس زبان اشرار پروا شود... پس در آن زمان قائم ما خروج خواهد نمود...

حدیث اَبی عَبْدِالله (ع) مَعَ الْمَنْصُورِ (فِي عَلَائِمِ الظُّهُورِ): ... وَ رَأَيْتَ أَكْثَرَ النَّاسِ وَ خَيْرَ بَيْتٍ مَنْ يُسَاعِدُ النِّسَاءَ عَلَى فِسْقِهِنَّ وَ رَأَيْتَ الْمُؤْمِنَ مَحْزُونًا مُحْتَقِرًا ذَلِيلًا وَ رَأَيْتَ الْبِدْعَ وَ الزُّنَا قَدْ ظَهَرَ... وَ رَأَيْتَ الْحَرَامَ يُحَلَّلُ وَ رَأَيْتَ الْحَلَالَ يُحَرَّمُ وَ رَأَيْتَ الدِّينَ بِالرَّأْيِ... وَ رَأَيْتَ النِّسَاءَ وَ قَدْ غَلَبْنَ عَلَى الْمُلْكِ وَ غَلَبْنَ عَلَى كُلِّ أَمْرٍ لَا يُؤْتَى إِلَّا مَا لَهُنَّ فِيهِ هَوًى...^۱

امام صادق (ع) در باب علائم ظهور فرمودند: ... آنگاه که بیشتر مردم به گناه کردن زنان کمک کنند و بهترین خانه را خانه ای بینی که برگناه (آشکار) زنان کمک کند و آنگاه که مؤمن را غمگین و حقیر شده و خار، و بدعت ها و زنا (اعمال منافی عفت) را آشکار دیدی و حرام را حلال شده و حلال را حرام شده دیدی و دین را به رأی (اظهار نظر شخصی) دیدی... و زنان را دیدی که بر

بحار الأنوار: ۱۹۱/۵۲ ب ۲۵ ح ۲۴، مستدرک الوسائل: ۳۳۵/۱۲ ب ۳۹ ح ۱۴۲۱۹-۶ و ج ۱۴ ص ۲۶۱

ب ۷۳ ح ۱۶۶۵۴-۱ و ص ۳۵۴ ب ۲۰ ح ۱۶۹۴۲-۷.

۱- کافی: ۳۸/۸، وسائل الشیعه: ۲۷۵/۱۶ ب ۴۱، بحار الأنوار: ۲۵۷/۵۲ ب ۲۵.

مُلک مسلط شوند و بر هر کاری چیره گردند و جز به سوی آنچه هوا و هوس
ایشان را فرا می خواند، نروند....

پیشنهاد و خاتمه

و در پایان پس از طی این لحظاتی که آن را برای خداوند گذراندی، می خواهم بگویم: نیامدم تا چیزی را از جانب خویش بیان کنم. و کلام را دیگری بر زبانم جاری نمود. او مرا یاد داد تا سخن بگویم. کمک کرد تا راه را بیابم و آنگاه که به حقیقت آن پی بردم، به تو نشانش دهم. این راه را خدا برای ما علامتگذاری کرده، حریم ها حفظ شده اند، خط قرمز را رها کن. به سوی روشنایی برو. از خودش برای پرواز بال بگیر و در فضای نورانی رضای او پر بکش.

آرزو دارم اینقدر که به غذا و تحصیل و پوشاک و خواب جوانانمان اهمیت می دهیم، برای اندیشه آنها نیز ارزش قائل شویم.

ما هیچکدام نمی خواهیم جوانانمان بازیچه شوند. بازیچه دست آنان که ادّعی دلسوزی دارند، آنان که تظاهر به ترحم و تلاش می کنند اما هرگز آرامشی را به ارمغان نمی آورند.

مسلم است که مردان غیور و بانوان با عفت به یقین می خواهند راحت زندگی

کنند و مطمئن باشند که احکام اجرا می شود. بهتر است با دایر نمودن مراکز تعلیم و تربیت و پزشکی، فروشگاههای مختلف و... با کادر آقایان برای آنها و با کادر خانم ها برای ایشان به توسعه فرهنگ اهل بیت اطهار علیهم السلام، رفاه و امنیت اخلاقی، روانی و اجتماعی کمک کنیم.

و آنچه از آن یاد شد کفایت می نماید برای آنان که می خواهند پیروی کنند. هر کدام از ما می تواند با حفظ خود و خانواده اش، یک گام به سوی معدن علم و نور بردارد. و اگر نگاه حرام را ترک نمود برای خدا، چنان ایمانی به او دهد که شیرینی آن را در قلب خود احساس نماید.

به امید آن روز که دیگر حتی دیگر نامی هم از گناه باقی نماند. به امید آن روز که تو بیایی و من نیز با امید به درگاهت زانو بزنم، مرا بپذیری و با خود ببری، هر کجا که می روی... .

(۳)

ریش تراشی

از دیدگاه

قرآن و عترت

بسم الله الرحمن الرحيم

پذیرفتن اینکه خدایی یکتا وجود دارد و او تنها وجود لایق پرستش است، کار سختی نیست. مشکل کنار گذاشتن غیر اوست، اگر غیر او را، غیر او ببینیم و بدانیم. وقتی کسی کار زشتی را مرتکب می شود، اگر آن اشتباه را زشت نپندارد، اصلاً اشتباهی نمی بیند، که بخواهد رهايش کند،

و امروز ما به این بلای عظیم گرفتار آمده ایم. گناهان وجهه شرعی پیدا کرده اند و دیگر نمی آییم بگوییم فلان کار حرام است، فقط باید بگوییم: حلال نیست، تا بلکه شکل حلال بودن به خود نگیرد.

و متأسفانه یکی از این گناهان، ریش تراشی است، که در میان مسلمانان رایج شده و به شکل های گوناگون صورت می پذیرد و البته در لباس اسلام.

در این زمینه علمای بزرگوار شیعه رساله های مستقل تألیف کرده و حرمت تراشیدن ریش را از ضرورت های دین دانسته اند و نظر مخالفی ذکر نکرده اند. ما نیز به برخی از دلایل حرمت آن اشاره می کنیم، باشد تا گفته باشیم

ریش تراشی از دیدگاه قرآن کریم

آیه کریمه: ﴿وَلَا ضَلَالَهُمْ وَلَأَمْنٌ بَيْنَهُمْ... وَ لَأَمْرَنَّهُمْ فَلْيُغَيِّرَنَّ خَلْقَ اللَّهِ وَ مَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا مُبِينًا﴾^۱

ترجمه: (شیطان گفت): به طور حتم ایشان (انسانها) را گمراه خواهم کرد و به آرزوهای باطل (و دور و دراز) سرگرم خواهم کرد... و آنان را امر کنم تا خلقت خدا را تغییر دهند، (اما ای بندگان بدانید) هرکس شیطان را به جای خداوند ولی (سرپرست) گیرد، سخت زیان کرده، زبانی آشکار.

متن آیه دلالت می کند بر اینکه ایجاد هر گونه تغییر در آفرینش الهی صورتاً یا صفتاً، چنانچه بدون اجازه از راه وحی باشد، حرام است. و از جمله این تغییرات است: ریش تراشی، جوان را بی ریش نمودن و هر آنچه مانند آن باشد. این تغییرات در شرع به نام «مُثْلَه» شناخته می شود و بنابر تصریح معصومین علیهم السلام

ریش تراشیدن نیز از مصادیق «مُثله» است و بنابر سیاق آیه معلوم است که هرکس این کارها را انجام دهد از دوستان و یاران شیطان است، مگر اینکه در مورد خاصی اجازه داده شده باشد، چنانچه در مورد شارب فرموده اند: از ته بگیرید چرا که منزلگاه شیطان است.

دلالت علماء

شیخ فقیه بحرانی در کتاب شریف «الحدائق الناضرة» به نقل از ملا محسن فیض کاشانی در کتاب «الوافی» نوشته است: و قد افتی جماعة من فقهاءنا بتحريم حلق اللحية و ربما يستشهد لهم بقوله سبحانه حكاية عن ابليس اللعين: «وَلَأْمُرَنَّهُمْ فَلْيُغَيِّرَنَّ خَلْقَ اللَّهِ». یعنی: به تحقیق گروهی از فقهاء ما شیعیان فتوا به حرام بودن تراشیدن ریش داده اند و چه بسا که دلیل آورند بر آن به سخن خدای تعالی از زبان ابلیس ملعون (که گفت: «وَلَأْمُرَنَّهُمْ فَلْيُغَيِّرَنَّ خَلْقَ اللَّهِ».

ریش تراشی از دیدگاه اهل بیت علیهم السلام

۱- فطرت اسلام

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِنَّ الْمَجُوسَ جَزُّوا لِحَاهُمْ وَفَرَّوْا شَوَارِبَهُمْ وَإِنَّا نَجْزُ الشَّوَارِبَ وَنُعْفِي اللَّحَى وَهِيَ الْفِطْرَةُ.^۱

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: همانا گبران ریش را می چیدند و سبیل را بلند می کردند و ما مسلمانان شارب ها را می چینیم و ریش را بلند می گذاریم و این فطرت اسلام است.

۲- پروردگار مرا امر فرموده تا...

حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله به فرستادگان کسری (پادشاه ایران باستان) که ریش خود را تراشیده بودند و سبیل را گذاشته بودند فرمود: وَيَلْكُمَا مَنْ أَمْرَكُمَا بِهِذَا؟ قَالَا أَمَرَنَا بِهِذَا رَبَّنَا يَعْنِيَانِ كِسْرَى. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: لَكِنَّ رَبِّي أَمَرَنِي بِإِعْفَاءِ لِحْيَتِي

۱- من لا يحضره الفقيه: ۱/۱۳۰ ح ۳۳۱، وسائل الشیعه: ۲/۱۱۶ ب ۶۷ ح ۱۶۵۹.

وَقَصَّ شَارِبِي^۱.

وای بر شما! چه کسی شما را به این کار امر نمود؟ گفتند: ربّ ما یعنی کسری، حضرت فرمودند: لیکن پروردگار من مرا به گذاشتن ریش و چیدن شارب امر کرده است.

۳- شبیه یهودیان نباشید

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: حُفُّوا الشَّوَارِبَ وَاعْفُوا اللَّحَى وَ لَا تَشَبَّهُوا بِالْيَهُودِ^۲.

پیامبر خدا ﷺ فرمودند: سبیل را گود نمایید و ریش را کوتاه نکنید و بلند بگذارید و شبیه به یهودیان نباشید (نگذارید ریش زیاد بلند شود زیرا یهودیان دست به اصلاح نمی زنند).

۴- آنجا که امیرالمؤمنین ﷺ بر مسند قضاوت می نشیند

قَضَى أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ فِي اللَّحْيَةِ إِذَا حُلِقَتْ فَلَمْ تَنْبُتِ الدِّيَّةَ كَامِلَةً فَإِذَا نَبَتَتْ فَتُلْتُ الدِّيَّةَ^۳.

امیرالمؤمنین ﷺ درباره تراشیدن ریش قضاوت فرمودند که اگر دومرتبه ریش درنیامد دیه کامل واجب می شود و اگر روییده شد، باید یک سوّم دیه پرداخت شود.

۱- مستدرک الوسائل: ۴۰۷/۱: قال الكازروني في المنتقى في حوادث السنة السادسة بعد أن ذكر كتابة رسول الله ﷺ إلى الملوك وأنه كتب كسرى الى عامل اليمن بازان [بأذان] أن يبعثه ﷺ إليه وأنه يبعث كاتبه بانويه و رجلاً آخر يقال له خرخسك إليه ﷺ. قال: و كانا قد دخلا على رسول الله ﷺ و قد حلقا لحاهما و أعفيا شواربهما فكره النظر إليهما و قال: .

۲- من لا يحضره الفقيه: ۱/۱۳۰ ح ۳۲۹، معاني الأخبار: ۲۹۱ ح ۱، مكارم الأخلاق: ۶۷، وسائل الشيعة: ۱۱۶/۲ ب ۶۷ ح ۱۶۵۸ و ۱۶۶۰، بحار الأنوار: ۱۱۱/۷۳ و ۱۱۲/۱۳ ح ۱۰.

۳- کافی: ۳۱۶/۷ باب ما تجب فيه الدية كاملة... ح ۲۳، من لا يحضره الفقيه: ۴/۱۵۰ ح ۵۳۳۲، تهذيب: ۱۰/۲۵۰ ب ۲۲ ح ۲۳، عوالي اللآلي: ۳/۶۲۹ باب الديات... ح ۵۰.

دلالت علماء

شیخ حرّ عاملی در «وسائل الشیعه» و محقق شیخ علی در «درّ المنثور» برای حرمت تراشیدن ریش به حدیث فوق استدلال کرده اند بدین نحو: انجام دادن هر کاری که سبب وجوب پرداخت دیه گردد، حرام است، و تراشیدن ریش هم از جمله آن موارد است.

۵- پس مسخ شدند...

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام: أَقْوَامٌ حَلَقُوا اللَّحَى وَفَتَلُوا الشَّوَارِبَ فَمُسِخُوا.^۱

این حدیث شریف نیز صحیح است و دلالتی آشکار را در بر دارد: حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: اقوامی بودند که ریش می تراشیدند و شارب را پیچ می دادند، پس خداوند تعالی آنان را به مارماهی مسخ کرد. توضیح: با توجه به متن حدیث، آشکار است که حضرت در مقام بیان حرمت انجام دادن این کار برآمده اند، بدین نحو: کسی که این کار را انجام دهد استحقاق دارد که خداوند او را به صورت مارماهی و جرّی (نوعی ماهی حرام گوشت) و مانند این مسخ شدگان، مسخ نماید.

دلالت علماء

گروهی از علما در حکم به حرمت ریش تراشیدن اکتفا به این حدیث نموده اند، مانند علامه مجلسی در «حلیة المتّقین» و شیخ فقیه بحرانی در موسوعه «الحدائق

۱- کافی: ۳۴۶/۱، ۳، کمال الدین: ۵۳۶/۲، وسائل الشیعه: ۱۱۶/۲، ۶۷ ح ۱۶۶۱، بحار الأنوار:

الناصرة»^۱ می فرماید: الظاهر- كما استظهره جملة من الأصحاب كما عرفت - تحريم حلق اللحية لخبر المسخ المروي عن أمير المؤمنين (ع) فإنه لا يقع إلّا على ارتكاب أمر محرّم بالغ في التحريم، یعنی: ظاهر- همچنانکه گروهی از علماء شیعه اظهار نموده اند - حرام بودن تراشیدن ریش است، به دلیل خبر مسخ شدن عده ای که از امیرالمؤمنین (ع) روایت گردیده است، و همانا مسخ شدن تنها به سبب انجام کار حرامی صورت می گیرد که درباره حرام بودنش تأکید به عمل آمده باشد.

۶- قوم لوط و هلاکت

حضرت امام حسن (ع) روایت می فرمایند از پیامبر (ص) که فرمودند: عَشْرُ خِصَالٍ عَمِلَهَا قَوْمٌ لُوطٌ بِهَا أَهْلَكُوا وَزَيْدُهَا أُمَّتِي بِخَلَّةِ إِيَّانِ الرِّجَالِ، إِلَى أَنْ قَالَ: وَقَصُّ الْحَيَّةِ وَطُولُ الشَّارِبِ.^۲

قوم لوط ده کار را انجام دادند و به سبب انجام آن کارها هلاک شدند. اُمّت من بر آن يك صفت دیگر را اضافه خواهند کرد، و یکی از آن ده کار چیدن ریش از ته با قیچی و نیز بلند گذاشتن سبیل است.

۷- از ما نیست...

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): لَيْسَ مِنَّا مَنْ سَلَقَ وَلا خَرَقَ وَلا حَلَقَ.^۳

پیامبر اکرم (ص) فرمودند: از ما نیست کسی که بسیار بی حیا و بی پروا سخن بگوید و مال خود را اسراف کند (به هدر بدهد) و ریش را بتراشد.

توضیح: تو بگو، آیا بدتر از این نیز وجود دارد که پیامبری به یکی از پیروانش که

۱- حدائق الناضرة: ۵/۵۶۱.

۲- مستدرک الوسائل: ۱/۴۰۷ ح ۴۰-۱۰۰۵ از جامع صغیر سیوطی و او از ابن عساکر.

۳- عوالی الآلای: ۱/۱۱۱ فصل ۷ ح ۱۹، مستدرک الوسائل: ۱/۴۰۶ ح ۴۰-۱۰۰۴.

گمان می کند عملش نیکوست، بگوید: تو از من نیستی؟! تصوّر کن چقدر دردناک است... و در آن لحظه فقط به دنبال دلیل و برطرف کردن آن است.

۸- شهادت می دهم از او راضی نیستم

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: حَلَقُ اللَّحْيَةِ مِنَ الْمُثْلَةِ وَمَنْ مَثَلَ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ.^۱

امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) فرمود که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: تراشیدن ریش از جمله مصادیق «مثله» است و لعنت خداوند بر کسی باد که «مثله» کند.

۹- اینجا نامحرّم، آنجا محروم

قَالَ الْإِمَامُ الصَّادِقُ (علیه السلام): ثَلَاثَةٌ لَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ النَّاتِفُ شَيْبَةً وَ النَّاكِحُ نَفْسَهُ وَ الْمُنْكُوخُ فِي دُبُرِهِ.^۲

امام جعفر صادق (علیه السلام) فرمودند: سه گروه هستند که خداوند روز قیامت با آنها سخن نخواهد گفت و نظر رحمت به سوی ایشان نخواهد افکند و برای ایشان است عذابی دردناک: کسی که ریش را بکند و کسی که با خود استمناء کند و کسی که موطوء شود و... .

توضیح: غرض معصوم این بیان است: کسی که ریش دارد، خود را بی ریش کند؛ چه به چیدن با قیچی یا تراشیدن با تیغ، یا به هرصورت و وسیله یا ماده دیگری. خوب، دلالت واضح است و کم و زیاد هم در کار نیست، اگر گفته شود کمی از ریش را بتراشد یا مقداری از آن را باقی گزارده و بقیّه را بتراشد، باز هم مصداق سخن معصوم خواهد بود، چرا که جزء تابع کل است و تفاوتی نیست که تمام ریش را محو کند یا قسمتی از آن را.

۱- جعفریات: ۱۵۷ مستدرک الوسائل: ۴۰۶/۱ ب ۴۰ ح ۱۰۰۳-۱.

۲- وسائل الشیعه: ۱۳۰/۲ ب ۷۹ ح ۱۷۰۹.

وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ
مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ

سورة الاسراء آية ٢٨

(۴)

شطرنج

از دیدگاه

قرآن و عترت

بسم الله الرحمن الرحيم

همه خوب می دانند، کمتر کسی از حضور و ظهور یگانه منجی عالم بشریت بی اطلاع است. او روزی خواهد آمد و عدل را به پهنه زمین خواهد گستراند، این را همه می دانند و بسیارند چشم های به راه مانده برای دیدن آن طلعت دلربا... اما کیست که بداند امید همه ی چشم های به راه مانده، رو به سوی که می آورد و به دیدن چه کسی می رود؟ همه مشتاق دیدار او هستند، او مشتاق دیدار کیست؟ چه کسی است که دیدنش او را به وجد می آورد؟ در آغوش نورانی او چه کسی جای دارد؟ و نگاه لطف او به سوی چه کسی جاری است؟...

دیگر خدا نیست که می گوید چه کاری خوب است و چه کاری بد. اگر چنین بود کارمان به اینجا نمی کشید. ما بیشتر آن هستیم که خودمان می پسندیم، بیشتر طوری رفتار می کنیم که دیگران می خواهند، طرز لباس پوشیدن و رفتار و گفتارمان، بستگی به ذائقه دیگران دارد، قریحه دیگران است که حتی دوست داشتن هایمان به علاقه و تنفر آن شکل می گیرد، دوست داشتن هایی که دین ما را می سازد و جهت گیری آنها مسیر زندگیمان را تعیین می کند.

مگر ما برای دیگران زندگی می‌کنیم؟ پس آن استقلالی که می‌گویند و می‌گوییم وجود دارد، کجاست؟ آنچه می‌بینیم آیا جز تقلیدی کورکورانه است؟... و ای کاش کسی هم به این بیاندیشد: مرا باید خدا تربیت کند و سایرین همانطور که خدا مرا می‌پسندد، بپذیرند.

افسوس و آه کاری برای ما از پیش نمی‌برد. همه از تکرار خسته ایم، از اینکه به جای عمل، فقط افسوس را می‌بینیم. ادعا و مدعی زیاد است ولی کمتر کسی به فکر آینده است، آینده ای که آمدنش چندان دور نیست، آنکه همه پیامبران به آمدنش بشارت داده اند، آینده ای که به فرا رسیدنش محتاجیم. کیست راه را نشان دهد؟ رهگذران! آیا یاریگری هست که مرا راهنمایی کند؟ کسی هست کمکم کند؟

صدایش را می‌شنویم، اگر بخواهیم: خدا به همه آنچه تو بدان نیازمندی، پاسخ گفته. راه از این طرف است، دنبال من بیا. مراقب باش، بیراهه بسیار است و پرتگاهها عمیق، نا امید نباش که در این راه خدا یار و همراه و رهنماست.

بیا به درگاهش نیاز شویم و برویم تا بلکه ما را قابل نماید و محرم راز خویش کند. بیا آنچه ما را از او دور می‌کند، رهاکنیم و با او پیوندیم تا جاودانه شویم. تمام تلاش ما باید این باشد که انتخابش کنیم، برای امروز و فردایمان، برای خود و خانواده مان، برای دنیا و آخرتمان... و یک گام به سویش برداشته و ادامه دهیم و تا آخر با او برویم، تا آستان بوس درگاهش شویم.

و به دیگران بگوییم تا جلوتر بیایند تا آنجا که در نور وجودش قرار گیرند و در آغوشش آرام شوند و این همان آرامشی است که به دنبال آن هستیم.

شطرنج از دیدگاه قرآن کریم

آیه یکم- ﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَّفْعِهِمَا...﴾^۱

ترجمه: (ای پیامبر) از تو درباره شراب و میسر (قمار) سؤال می کنند (به آنها) بگو: در آن دو گناه بزرگی است، و منافی برای مردم دارند، ولی گناهشان از نفعشان بزرگتر است....

آیه دوم- ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنصَابُ وَالْأَزْلَامُ رَجَسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ^۲ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾

۱- (۲) سوره بقره: آیه ۲۲۰.

۲- در کتاب راز شطرنج نوشته: سعید رمزی صفحات ۱۰۵-۱۰۶ آمده است: آیا شطرنج تقویت کننده نیروی فکر است؟ در جواب این سؤال می توان اثرات بازی شطرنج و پیامدهای آن را در بعد فکری و عقلی از دیدگاه روانشناسان، کارشناسان و قهرمانان شطرنج جهان چنین توصیف کرد: بسیار خسته کننده، خطرناک، نابود کننده سایر منابع و فعالیت های ذهنی، موجب اختلال حواس، منشأ ایجاد انگیزه زشت اسارت و پدرکشی، موجب بروز عواطف نامطلوب، منشأ ایجاد تنفر از حریف، اعتیادآور، مانع خوشبختی و موجب تزلزل بنیان خانواده....

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید! بدانید که شراب و میسر (قمار) و بت ها و ازالام (نوعی بخت آزمایی) پلید و از عمل شیطانند، از آن دوری و اجتناب کنید، امید است رستگار شوید.

آیه سوم- ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ﴾^۱

ترجمه: همانا شیطان می خواهد در میان شما به وسیله شراب و میسر (قمار)، دشمنی ایجاد کند و شما را از یاد خدا و نماز بازدارد، آیا از انجام این امور دست برمی دارید؟

۱- قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع): الشُّطْرُنْجُ وَالنَّرْدُ هُمَا الْمَيْسِرُ.^۲

بنا به نظر کارشناسان حتی افراد کودن و کم هوش نیز به خوبی می توانند شطرنج بازی کنند، به طوری که دیوانگان بر دانشجویان پیروز می شوند.

واقعاً این بازی چه زیبا فکر را تقویت می کند. و چه زیبا فکر یک شطرنج باز تقویت می گردد آن جا که حاضر است اعضای خود را و بالاتر از آن، همسر خود را در معرض برد و باخت قرار دهد، و یا پس از باخت از فرط خشم و غضب لوازم اطراف خود را بشکند، و یا خود را برای مدتی زندانی کند، و حتی حریف خود را از طبقه دوم به بیرون پرتاب نماید، و در نهایت مبتلا به بیماریهای روانی، عصبی و حملات قلبی و مرگ نابهنگام گردد؟

یک ضرب المثل فرانسوی می می گوید: اگر قلب مهربانی داشته باشی نمی توانی شطرنج بازی کنی. بازی شطرنج بر فرض که یک نوع تقویت فکر باشد، تقویت فکر جنگجویی و ستیز است، و تقویت هر فکری پسندیده نیست. باید فکر انسانیت، دوستی و صمیمیت، صلح و صفا را تقویت کرد، و هیچ کدام از این ها از یک بازی جنگی بدست نمی آید. شاید یکی از فلسفه های ممنوعیت شطرنج همین جنگ فکری آن باشد.

برادران و خواهران ایمانی خود را برای آگاهی بیشتر از آثار شوم و زیانبار موسیقی به کتاب ارزنده: تأثیر موسیقی بر روان و اعصاب، نوشته مرحوم حسین عبداللّهی خوروش ارجاع می دهم.

۱- (۵) سوره مائده: آیات ۹۱ و ۹۲.

۲- کافی: ۴۳۵/۶ باب النرد و الشطرنج... ح ۳، وسائل الشیعه: ۱۷/۳۲۴ ب ۱۰۴ ح ۲۲۶۶۶ و در آن

حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند: شطرنج و نرد (طاولی) هر دو میسر هستند.

۲- عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (علیه السلام): وَ أَمَّا الْمَيْسِرُ فَالنَّرْدُ وَ الشَّطْرَنْجُ وَ كُلُّ قِمَارٍ مَيْسِرٌ... كُلُّ هَذَا بَيْعُهُ وَ شِرَاؤُهُ وَ الْإِنْتِفَاعُ بِشَيْءٍ مِنْ هَذَا حَرَامٌ مِنَ اللَّهِ مُحَرَّمٌ وَ هُوَ رَجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ وَ قَرَنَ اللَّهُ الْخَمْرَ وَ الْمَيْسِرَ مَعَ الْأَوْثَانِ.^۱

امام باقر (علیه السلام) فرمودند: اما معنای میسر، نرد و شطرنج و هر قماری میسر است... و تمام این موارد خرید و فروش و هر گونه بهره برداری از این ها حرام است؛ از جانب خدا حرام شده و پلید و از کار شیطان است، و خداوند شراب و قمار را قرین بت ها قرار داده است.

توضیح: گناه میگساری و قماربازی با بت پرستی و کفر ورزیدن به خدا قرین است.

۳- عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (علیه السلام): قَالَ: الشَّطْرَنْجُ وَ النَّرْدُ مَيْسِرٌ.^۲

امام باقر (علیه السلام) فرمودند: شطرنج و نرد، میسر هستند.

۴- وَ قَالَ الْبَاقِرُ (علیه السلام): يَدْخُلُ فِي الْمَيْسِرِ اللَّعِبُ بِالشَّطْرَنْجِ وَ النَّرْدِ وَ غَيْرِ ذَلِكَ مِنْ أَنْوَاعِ الْقِمَارِ حَتَّى أَنْ لَعِبِ الصَّبْيَانِ بِالْجَوْزِ مِنَ الْقِمَارِ.^۳

امام باقر (علیه السلام) می فرماید: بازی با شطرنج و نرد و غیر این دو از انواع قمار، همه داخل در میسر است، حتی گردوبازی بچه ها هم قمار (و از مصادیق میسر) است (و همان حکم را دارد).

۵- مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (علیه السلام): قَالَ: النَّرْدُ وَ الشَّطْرَنْجُ مِنَ الْمَيْسِرِ.^۴

چنین آمده: النَّرْدُ وَ الشَّطْرَنْجُ هُمَا الْمَيْسِرُ.

۱- تفسیر قمی: ۱/ ۱۸۰، تفسیر عیاشی: ۱/ ۳۳۹، وسائل الشیعه: ۱۷/ ۳۲۱ ب ۱۰۲ ح ۲۲۶۵۷، تفسیر البرهان:

۱/ ۴۹۷، تفسیر نور الثقلین: ۱/ ۶۶۹، بحار الانوار: ۷۶/ ۲۲۸ ب ۹۸ ح ۱.

۲- تفسیر عیاشی: ۱/ ۳۴۱ ح ۱۸۶، وسائل الشیعه: ۱۷/ ۳۲۲ ب ۱۰۲ ح ۲۲۶۶۰، بحار الانوار: ۷۶/ ۲۳۵

ب ۹۸ ح ۱۸.

۳- مجمع البیان: ۳/ ۳۷۰، تفسیر نور الثقلین: ۱/ ۶۶۹ ح ۳۴۵.

۴- وسائل الشیعه: ۱۷/ ۳۲۶ ب ۱۰۴ ح ۲۲۶۷۶.

امام صادق (ع) می فرماید: نرد و شطرنج قمار و از (مصادیق) میسر هستند.

۶- عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: الشُّطْرُنُجُ مَيْسِرٌ وَ النَّرْدُ مَيْسِرٌ^۱.

امام صادق (ع) می فرماید: شطرنج میسر است و نرد نیز میسر است.

۷- فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع): هِيَ الشُّطْرُنُجُ قَالَ: فَقُلْتُ: أَمَا إِنَّهُمْ يَقُولُونَ إِنَّهَا النَّرْدُ، قَالَ: وَ النَّرْدُ أَيْضًا^۲.

عبدالملک قمی می گوید: من با برادرم ادريس نزد امام صادق (ع) بودیم که برادرم ادريس گفت: خدا ما را فدایت گرداند؛ میسر یعنی چه؟ حضرت فرمود: میسر یعنی شطرنج. عرض کردم: ایشان (عامه - سنیها) می گویند که مقصود نرد است؟! فرمود: بلی، نرد هم میسر است.

۸- عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) قَالَ: لَمَّا أُنْزِلَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ (ص): ﴿إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَ الْأَنْصَابُ وَ الْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ﴾ قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا الْمَيْسِرُ؟ فَقَالَ (ص): كُلُّ مَا تَقُومِرُ بِهِ حَتَّى الْكِعَابِ وَ الْجَوْزُ...^۳.

حضرت امام محمد باقر (ع) فرمودند: هنگامی که آیه ﴿إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَ...﴾ حضرت امامبر خدا (ص) نازل گردید از آن حضرت پرسیده شد: میسر چیست؟ فرمود: هر چیزی که با آن قمار بازی (برد و باخت) شود، حتی طاس و گردو بازی.

۹- وَ سُئِلَ الصَّادِقُ (ع) عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ﴾؟ قَالَ (ع): «الرِّجْسُ مِنَ الْأَوْثَانِ» الشُّطْرُنُجُ وَ «قَوْلَ الزُّورِ» الْغِنَاءُ وَ النَّرْدُ

۱- کافی: ۴۳۷/۶ باب النرد و الشطرنج... ح ۱۱، تفسیر عیاشی: ۱/۳۴۱ ح ۱۸۵، وسائل الشیعه: ۱۷/۳۲۱ ح ۱۰۲، ۲۲۶۵۹ ح ۳۲۴ و ۳۲۴ ح ۱۰۴، ۲۲۶۶۸ ح ۳۲۵ و ۲۲۶۷۲ ح ۲۲۶، بحار الأنوار: ۷۶/۲۳۵ ح ۹۸ و ۱۷.

۲- کافی: ۴۳۶/۶ باب النرد و الشطرنج... ح ۸، وسائل الشیعه: ۱۷/۳۲۴ ح ۱۰۴، ۲۲۶۶۹ ح ۲۲۶.

۳- کافی: ۱۲۲/۵ باب القمار... ح ۲، من لایحضره الفقیه: ۳/۱۶۰ ح ۳۵۸۷، تهذیب الاحکام: ۶/۳۷۱ ح ۹۳، وسائل الشیعه: ۱۷/۱۶۵ ح ۲۲۲۵۷.

أَشَدُّ مِنَ الشَّطْرَنْجِ فَأَمَّا الشَّطْرَنْجُ فَإِنَّ اتِّخَاذَهَا كُفْرٌ وَاللَّعِبُ بِهَا شِرْكٌ وَتَعْلِيمُهَا كَبِيرَةٌ مُؤَبَّقَةٌ وَالسَّلَامُ عَلَى اللَّاهِي بِهَا مَعْصِيَةٌ وَمُقْلَبٌ بِهَا كَمُقْلَبِ لَحْمِ الْخَنزِيرِ وَالنَّاظِرُ إِلَيْهَا كَالنَّاظِرِ إِلَى فَرْجِ أُمِّهِ وَاللَّاعِبُ بِالنَّرْدِ قِمَارًا مِثْلُهُ مِثْلُ مَنْ يَأْكُلُ لَحْمَ الْخَنزِيرِ وَمِثْلَ الَّذِي يَلْعَبُ بِهَا مِنْ غَيْرِ قِمَارٍ مِثْلُ مَنْ يَضَعُ يَدَهُ فِي لَحْمِ الْخَنزِيرِ أَوْ فِي دَمِهِ وَلا يَجُوزُ اللَّعِبُ بِالْخَوَاتِيمِ وَالْأَرْبَعَةِ عَشَرَ وَكُلُّ ذَلِكَ وَأَشْبَاهُهُ قِمَارٌ حَتَّى لَعِبَ الصَّبِيَّانِ بِالْجُوزِ هُوَ الْقِمَارُ وَإِيَّاكَ وَالضَّرْبُ بِالصَّوَانِيحِ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ يَرْكُضُ مَعَكَ وَالْمَلَائِكَةُ تَنْفِرُ عَنْكَ وَمَنْ بَقِيَ فِي بَيْتِهِ طُنْبُورٌ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا فَقَدْ بَاءَ بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ.^۱

از امام جعفر صادق (ع) درباره تفسیر آیه ﴿فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ﴾ پرسیده شد آن حضرت فرمود: ﴿الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ - بت های پلید﴾ شطرنج است و ﴿قَوْلَ الزُّورِ - سخن ناروا﴾ غنا می باشد و نرد (گناه و کیفرش) شدیدتر از شطرنج است، و اما شطرنج: همانا گرفتن آن، کفر ورزیدن به خداوند و بازی کردن با آن، شرک ورزیدن به خداست، یادگرفتن آن، گناهی نابودگر است و سلام کردن به سرگرم شونده با آن، معصیت (و سرکشی از فرمان خدا) است و زیر و رو کننده آن، مانند کسی است که گوشت خوک را زیر و رو کند و بیننده آن، مانند کسی است که شرمگاه مادر خود را ببیند و کسی که با نرد قماربازی کند مانند کسی است که گوشت خوک بخورد و مثل کسی که بدون قمار (برد و باخت) با آن بازی کند، مانند کسی است که دست خود را به گوشت خوک و یا خون آن آلوده گرداند و جایز نیست بازی کردن با خواتیم و اربعة عشر^۲ و مبادا چوگان بازی

۱- فقه الرضا (ع) ۲۸۴ ح ۴، من لا یحضره الفقیه: ۵۸/۴ باب حد شرب الخمر... ح ۵۰۹۳، بحار الأنوار:

۲۳۳/۷۶ ب ۹۸ ح ۹، مستدرک الوسائل: ۲۲۴/۱۳ ب ۸۳ ح ۱۵۱۹۶-۲.

۲- نوعی بازی بچه هاست که روی زمین خطوط جدول مانند کشیده و روی خطوط سنگهایی را گذاشته و بازی می کنند.

کنی زیرا همراه با تو شیطان می دود و فرشته ها از تو بیزار می شوند... .

۱۰- فقه الرضا علیه السلام: اَعْلَمُ يَرْحَمُكَ اللَّهُ أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى قَدْ نَهَى عَنْ جَمِيعِ الْقِمَارِ وَ أَمَرَ الْعِبَادَ بِالْاجْتِنَابِ مِنْهَا وَ سَمَّاهَا رِجْسًا فَقَالَ: رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ مِثْلُ اللَّعِبِ بِالشُّطْرَنْجِ وَ النَّرْدِ وَ غَيْرِهِمَا مِنَ الْقِمَارِ وَ النَّرْدُ أَشْرٌ مِنَ الشُّطْرَنْجِ فَأَمَّا الشُّطْرَنْجُ فَإِنَّ اتِّخَاذَهَا كُفْرٌ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ وَ اللَّعِبُ بِهَا شِرْكٌ وَ تَقْلَابُهَا كَبِيرَةٌ مُوبِقَةٌ وَ السَّلَامُ عَلَى اللَّاهِي بِهَا كُفْرٌ وَ مَقْلَبُهَا كَالنَّازِلِ إِلَى فَرْجِ امِّهِ وَ اللَّاعِبُ بِالنَّردِ كَمِثْلِ الَّذِي يَأْكُلُ لَحْمَ الْخَنَزِيرِ وَ مِثْلُ الَّذِي يَلْعَبُ بِهَا مِنْ غَيْرِ قِمَارٍ مِثْلُ الَّذِي يَصْنَعُ [يَضَعُ] يَدَهُ فِي الدَّمِ وَ لَحْمِ الْخَنَزِيرِ وَ مِثْلُ الَّذِي يَلْعَبُ فِي شَيْءٍ مِنْ هَذِهِ الْأَشْيَاءِ كَمِثْلِ الَّذِي مُصِرٌّ عَلَى الْفَرْجِ الْحَرَامِ وَ اتَّقِ اللَّعِبَ بِالْخَوَاتِيمِ وَ الْأَرْبَعَةَ عَشَرَ وَ كُلَّ قِمَارٍ حَتَّى لَعِبَ الصَّبِيَّانِ بِالْجَوْزِ وَ اللَّوْزِ وَ الْكَعَابِ وَ إِيَّاكَ وَ الضَّرْبَةَ بِالصَّوْلُجَانِ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ يَرْكُضُ مَعَكَ وَ الْمَلَائِكَةُ تَنْفِرُ عَنْكَ وَ مَنْ عَثَرَ دَابَّتَهُ فَمَاتَ دَخَلَ النَّارَ^۱.

در کتاب فقه منسوب رضوی علیه السلام چنین آمده است: بدان! خدا تو را رحمت کند که خداوند تبارک و تعالی از جمیع اقسام قمار نهی فرموده، و بندگان خود را امر فرمود تا از آنها اجتناب نمایند، و آنها را «پلیدی» نامید و فرمود: ﴿رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ﴾ - این ها پلیدی و از عمل شیطان است، از آن اجتناب کنید ﴿مانند بازی با شطرنج و نرد و غیر این دو از اقسام قمار، و نرد بدتر از شطرنج است، و اما شطرنج: همانا گرفتن آن، کفر ورزیدن به خداوند بزرگ و بازی کردن با آن، شرک ورزیدن به خدا و زیر و روکردن آن، گناهی بزرگ و سلام کردن به سرگرم شونده با شطرنج، کفر است و کسی که مهره شطرنج را به دست می گیرد، مانند کسی است که شرمگاه مادرش را ببیند و بازی کننده با نرد،

۱- فقه الرضا علیه السلام: ۲۸۴ ب ۴۶، بحار الأنوار: ۲۳۳/۷۶ ب ۹۸ ح ۹، مستدرک الوسائل: ۱۱/۱۳ ب ۲۹

مانند کسی است که گوشت خوک می خورد و کسی که با آن به غیر از قمار کردن بازی کند (بدون برد و باخت)، مانند کسی است که دست خود را به خون و گوشت خوک آلوده کند و کسی که با این ابزارهای قمار، بازی کند؛ مانند کسی است که اصرار و تکرار بر زنا نماید، و پرهیز از خواتیم و اربعة عشر و هرگونه دیگر از اقسام قمار، حتی بازی بچه ها با گردو و بادام و طاس. و مبادا چوگان بازی کنی زیرا شیطان همراه تو می دود و فرشتگان از تو بیزار می شوند و فرد چوگان بازی که مرکبش بلغزد (به زمین بخورد) و بمیرد، داخل آتش می شود.

۱۱- وَ عَنِ الرَّضَا عليه السلام قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ: إِنَّ الشُّطْرَنْجَ وَالنَّرْدَ وَأَرْبَعَةَ عَشَرَ وَكُلَّ مَا قَوْمَرِ عَلَيْهِ مِنْهَا فَهُوَ مَيْسِرٌ^۱.

امام رضا عليه السلام می فرماید: شطرنج و نرد و اربعة عشر و هرچیزی که با آن قمار شود، میسر است.

۱۲- عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرَّضَا عليه السلام قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: الْمَيْسِرُ هُوَ الْقِمَارُ^۲.

امام رضا عليه السلام می فرماید: «المیسر» همان قمار است.

۱۳- عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ: النَّرْدُ وَالشُّطْرَنْجُ وَالْأَرْبَعَةُ عَشَرَ بِمَنْزِلَةِ وَاحِدَةٍ وَكُلُّ مَا قَوْمَرِ عَلَيْهِ فَهُوَ مَيْسِرٌ^۳.

۱- تفسیر عیاشی: ۳۳۹/۱ ح ۱۸۲، عوالی اللآلی: ۱۱۱/۲ مسلك ۴ ح ۳۰۴: و روی عن أهل البيت عليهم السلام أن الميسر هو القمار بجميع أنواعه حتى لعب الصبيان بالجوز والبيض، متشابه القرآن ابن شهر آشوب: ۲۱۰/۲: و قال ابن عباس و ابن مسعود و الحسن و قتادة و ابن سيرين الميسر هو القمار كله، و سائل الشيعه: ۱۶۷/۱۷ ح ۳۵، بحار الأنوار: ۲۳۵/۷۶ ح ۹۸ ب ۱۶.

۲- کافی: ۱۲۴/۵ باب القمار و... ح ۹، و سائل الشيعه: ۱۶۵/۱۷ ح ۳۵ ب ۲۲۲۵۶ و ص ۱۶۷ ح ۲۲۲۶۳، بحار الأنوار: ۲۳۵/۷۶ ح ۹۸ ب ۱۵..

۳- کافی: ۴۳۵/۶ باب النرد و الشطرنج... ح ۱، و سائل الشيعه: ۳۲۳/۱۷ ح ۱۰۴ ب ۲۲۶۶۵.

امام کاظم علیه السلام فرمودند: نرد و شطرنج و اربعة عشر همه یکسان هستند (فرقی بین آلات قمار نیست) و هر چیزی که با آن قمار شود؛ میسر است.

۱۴-...إِلَى عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام إِنَّ رَأْيَ سَيِّدِي وَمَوْلَايَ أَنْ يُخْبِرَنِي عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: ﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ...﴾ فَمَا الْمَيْسِرُ جُعِلَتْ فِدَاكَ؟ فَكَتَبَ عليه السلام: كُلُّ مَا قُومِرَ بِهِ فَهُوَ الْمَيْسِرُ وَكُلُّ مُسْكِرٍ حَرَامٌ.^۱

ابراهیم بن عنبسه به امام علی بن محمد هادی علیه السلام نامه نوشت که: سرور و آقام مرا از مقصود خداوند تعالی از این آیه: ﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ...﴾ خبر دهند، قربانتان گردم «المیسر» چیست؟ آن حضرت در پاسخ مرقوم فرمودند: آنچه با آن قمار (برد و باخت) شود، میسر می باشد، و (نوشیدن) هر مست کننده ای حرام است.

آیه چهارم- ﴿...فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ﴾^۲

ترجمه: از پلیدترین نوع بت پرستی اجتناب کنید و از سخن ناروا پرهیزید.

۱۵- عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: ﴿فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ﴾، قَالَ عليه السلام: «الرِّجْسُ مِنَ الْأَوْثَانِ» هُوَ الشُّطْرُنْجُ وَ «قَوْلُ الزُّورِ» الْغِنَاءُ.^۳

امام صادق علیه السلام پیرامون این آیه فرمودند: «پلیدی از بت ها (بت پرستی)» همان شطرنج است و «سخن ناروا» غنا (آوازه خوانی و نوازندگی) می باشد.

۱۶- سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: ﴿فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ

۱- تفسیر عیاشی: ۱۰۵/۱ ح ۳۱۱، وسائل الشیعه: ۳۲۵/۱۷ ب ۱۰۴ ح ۲۲۶۷۵.

۲- (۲۲) سوره حج: آیه ۳۱.

۳- کافی: ۴۳۶/۶ باب النرد و الشطرنج... ح ۷.

وَأَجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ، فَقَالَ: الرَّجْسُ مِنَ الْأَوْثَانِ الشُّطْرَنْجُ وَقَوْلُ الزُّورِ الْغِنَاءُ.^۱
 زید شحام می گوید: از امام صادق علیه السلام پیرامون این آیه سؤال کردم، فرمودند:
 مقصود از «پلیدی از بت ها (بت پرستی)» شطرنج است و مقصود از «سخن ناروا»
 غنا (ترانه خوانی و نوازندگی) می باشد.

۱۷- سَأَلْتُ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: ﴿فَاجْتَنِبُوا الرَّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ
 وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ﴾، قَالَ: الرَّجْسُ مِنَ الْأَوْثَانِ الشُّطْرَنْجُ وَقَوْلُ الزُّورِ
 الْغِنَاءُ. قُلْتُ قَوْلَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ﴾؟ قَالَ: «مِنْهُ
 الْغِنَاءُ».^۲

عبدالأعلى گوید: از امام جعفر صادق علیه السلام درباره آیه یاد شده پرسش نمودم،
 حضرت فرمودند: مراد خداوند از «پلیدی از بت ها (بت پرستی)» شطرنج و مراد
 از «سخن ناروا» غناست. راوی گوید: از حضرت درباره آیه: ﴿وَمِنَ النَّاسِ...﴾ —
 و از مردم کسانی هستند که سخنان لاهو و بیهوده را خریدارند پرسیدم، فرمود:
 از جمله آن (سخنان لاهو و بیهوده) غنا می باشد.

۱۸- عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الثَّالِثِ عَنْ آبَائِهِ عَنِ الصَّادِقِ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿فَاجْتَنِبُوا
 الرَّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ﴾ قَالَ: الرَّجْسُ الشُّطْرَنْجُ وَقَوْلُ الزُّورِ
 الْغِنَاءُ.^۳

امام علی هادی علیه السلام از پدران خود علیه السلام از امام جعفر صادق علیه السلام نقل می فرمایند
 که آن حضرت در تفسیر آیه فوق فرمودند: «الرَّجْسُ - پلید و نجس»، شطرنج

۱- کافی: ۴۳۵/۶ باب النرد و الشطرنج... ح ۲.

۲- معانی الأخبار: ۳۴۹ ح ۱، وسائل الشیعه: ۳۰۸/۱۷ ب ۹۹ ح ۲۲۶، بحار الأنوار: ۲۴۵/۷۶ ب ۹۹ ح ۲۰.

۳- أمالی شیخ طوسی علیه السلام: ۲۹۴ مجلس ۱۱ ح ۵۷۵-۲۲، بحار الأنوار: ۲۴۴/۷۶ ب ۹۹ ح ۱۷.

و «سخن ناروا» غنا (موسیقی) است.

۱۹- عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ أَنَّهُ سُئِلَ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: ﴿فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ﴾ فَقَالَ: الرِّجْسُ مِنَ الْأَوْثَانِ الشَّطْرُنْجُ وَقَوْلُ الزُّورِ الْغِنَاءُ.^۱

از امام جعفر صادق (ع) درباره آیه پرسیده شد، حضرت فرمودند: «پلیدی از بت ها (بت پرستی)»، شطرنج و «سخن ناروا»، غنا (آوازه خوانی و نوازندگی) است.

۲۰- عَنْ الصَّادِقِ (ع): أَنَّ الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ الشَّطْرُنْجُ.^۲

از امام جعفر صادق (ع) نقل است که فرمودند: «پلیدی از بت ها (بت پرستی)»، شطرنج است.

۲۱- فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع)...: وَأَمَّا الشَّطْرُنْجُ فَهِيَ الَّتِي قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: ﴿فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ﴾ فَقَوْلُ الزُّورِ الْغِنَاءُ وَإِنَّ الْمُؤْمِنَ عَنْ جَمِيعِ ذَلِكَ لَفِي شُغْلٍ مَا لَهُ وَالْمَلَاهِي! فَإِنَّ الْمَلَاهِي تُوْرِثُ فَسَادَ الْقَلْبِ وَتُوْرِثُ النِّفَاقَ وَ...^۳

امام صادق (ع) درباره شطرنج فرمودند: و اما شطرنج، همان است که خدای عزوجل در مورد آن فرموده است: ﴿از پلیدی از بت ها (بت پرستی) اجتناب ورزید و از سخن ناروا دوری کنید﴾ و «سخن ناروا» غنا است و همانا مؤمن از تمامی این کارها به کار دیگر است، مؤمن را چه به آلات لهو، (مؤمن و شطرنج بازی و مطربی؟! زیرا (استعمال) آلات لهو، قساوت قلب می آورد و دورویی

۱- دعائم الإسلام: ۲/۲۱۰ فصل ۴ ح ۷۶۹، مستدرک الوسائل: ۱۳/۲۲۲ ب ۸۱ ح ۱۵۱۸۶-۱.

۲- المقنعه شيخ مفيد: ۱۵۴، مستدرک الوسائل: ۱۳/۲۲۲ ب ۸۱ ح ۱۵۱۸۸-۳.

۳- بحار الأنوار: ۷۳/۳۵۶ ب ۶۷ ح ۲۲ و مستدرک الوسائل: ۱۳/۲۱۶ ب ۷۹ ح ۱۵۱۶۳-۴ از کتاب زید النرسي: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ سَأَلَهُ بَعْضُ أَصْحَابِنَا عَنْ طَلَبِ الصَّيْدِ وَقَالَ لَهُ إِنِّي رَجُلٌ أَلهُو بِطَلَبِ الصَّيْدِ وَضَرْبِ الصَّوَالِجِ وَالْهُو بِلَعِبِ الشَّطْرُنْجِ قَالَ:..

را به یادگار می نهد.

۲۲- عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ﴾، قَالَ عليه السلام: الرِّجْسُ مِنَ الْأَوْثَانِ الشَّطْرُنْجُ وَقَوْلُ الزُّورِ الْغِنَاءُ.^۱

امام صادق عليه السلام در حدیث دیگری در تفسیر این آیه کریمه فرمودند: «پلیدی از بتها (بت پرستی)» شطرنج و «سخن ناروا» غنا می باشد.

۲۳- فِي التَّفْسِيرِ: أَنَّ الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ الشَّطْرُنْجُ وَقَوْلُ الزُّورِ الْغِنَاءُ... وَاجْتَنِبِ الْمَلَاهِي كُلَّهَا وَاللَّغَبَ بِالْخَوَاتِيمِ وَالْأَرْبَعَةَ عَشَرَ فَإِنَّ الصَّادِقِينَ عليهم السلام نَهَوْا عَنْ ذَلِكَ أَجْمَعَ.^۲

شیخ صدوق رحمته الله می گوید: در تفسیر از اهل بیت عليهم السلام است که عليه السلام «الرجس من الأوثان» شطرنج و «قول الزور» غنا می باشد... و از انجام کارهای بیهوده (استعمال آلات موسیقی) پرهیز و از بازی کردن با خواتیم و اربعه عشر دوری کن. زیرا امامان راستگو از انجام دادن همه آنها نهی فرموده اند.

آیه پنجم - ﴿وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا﴾^۳

ترجمه: (بندگان خاص خداوند) کسانی هستند که در مجالس باطل و گناه شرکت نمی کنند، و هنگامی که با لغو روبرو می شوند، بزرگوارانه از آن می گذرند (به آن اعتنایی نمی کنند).

۲۴- وَعَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام أَنَّهُ سُئِلَ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: ﴿وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا﴾ قَالَ: مِنْ ذَلِكَ الْغِنَاءُ وَالشَّطْرُنْجُ.^۴

۱- تفسیر قمی ۸۴/۲، وسائل الشیعه: ۳۱۰/۱۷ ب ۹۹ ح ۲۲۶۱۹.

۲- المقنع شیخ صدوق رحمته الله: ۱۵۴، مستدرک الوسائل: ۱۱۸/۱۳ ب ۲۹ ح ۱۴۹۴۴-۲.

۳- (۲۵) سوره فرقان: آیه ۷۳.

۴- دعائم الإسلام: ۲/۲۰۸ فصل ۴ ح ۷۶۳، مستدرک الوسائل: ۲۱۳/۱۳ ب ۷۸ ح ۱۵۱۴۷-۷.

از امام صادق (ع) درباره آیه شریفه فوق سؤال شد، حضرت در جواب فرمودند: غنا و شطرنج از (مصادیق) آن (لغو) هستند.

توضیح: لحظه ای درنگ کن! خداوند بندگان ویژه درگاهش را اینگونه توصیف می کند، به رنگ و بویی که خود می پسندد: آنان در انجمن های گناه لحظه ای تأمل نمی کنند.

آیه ششم- ﴿إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَا هَذِهِ التَّمَاثِيلُ الَّتِي أَنْتُمْ لَهَا عَاكِفُونَ﴾^۱

ترجمه: حضرت ابراهیم (ع) به پدر و قوم خویش چنین فرمودند: این صورت ها (بتها) چیست که دور آن جمع شده و خود را گرفتار آن نموده اید؟!

۲۵- رَوَى عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مَسْعُودٍ: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ مَرَّ بِقَوْمٍ يَلْعَبُونَ بِالشَّطْرَنْجِ قَالَ: ﴿مَا هَذِهِ التَّمَاثِيلُ الَّتِي أَنْتُمْ لَهَا عَاكِفُونَ﴾.^۲

عبدالله بن مسعود صحابی پیامبر (ص) روایت می کند که آن حضرت بر گروهی که با شطرنج بازی می کردند گذشتند (معترضانه) فرمودند: این صورت ها (بت ها) چیست که دور آن جمع شده و خود را گرفتار نموده اید؟!

۲۶- عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ أَنَّهُ مَرَّ بِقَوْمٍ يَلْعَبُونَ بِالشَّطْرَنْجِ فَقَالَ: ﴿مَا هَذِهِ التَّمَاثِيلُ الَّتِي أَنْتُمْ لَهَا عَاكِفُونَ﴾ وَ أَخَذَ قَدْرًا مِنَ التُّرَابِ وَ طَرَحَهُ فِيهِ. قَالَ الشَّيْخُ: يَقُولُ الَّذِينَ يَتَعَاطَوْنَ لَعِبَ الشَّطْرَنْجِ إِنَّهُ كُلَّمَا بَسَطَ نَطْعَهُ وَجَدَ فِيهِ شَيْئًا مِنَ التُّرَابِ.^۳

۱- (۲۱) سوره انبیاء: آیه ۵۳.

۲- جامع الأخبار: ۱۵۳ فصل ۱۱۴، عوالی اللآلی: ۲۴۳/۱ فصل ۹ ح ۱۶۶، بحار الأنوار: ۲۳۶/۷۶ ب ۹۸ ح ۲۳، مستدرک الوسائل: ۲۲۲/۱۳ ح ۱۵۱۸۹-۴.

۳- مستدرک الوسائل: ۲۲۳/۱۳ ب ۸۱ ح ۱۵۱۹۱-۶.

شیخ ابوالفتوح رازی رحمته الله در تفسیرش از امیرالمؤمنین علی علیه السلام نقل نموده که آن حضرت با گروهی که شطرنج بازی می کردند، روبرو شدند (مانند پیامبر صلی الله علیه و آله) اعتراض کردند و همان آیه را تلاوت فرمودند) و مقداری خاک برداشته و روی صفحه شطرنج انداختند.

شیخ در ادامه می گوید: آنان که اصرار داشتند با شطرنج، بازی کنند؛ هرگاه بساط شطرنج را پهن می کردند، مقداری خاک در آن می یافتند.

۲۷- قال العلامة الحلبي رحمته الله: و قد خالفوا قول النبي صلی الله علیه و آله حيث نهى عن اللعب بالشطرنج. و مرَّ عليَّ عليه السلام بقوم يلعبون بالشطرنج فقال: يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يَلْعَبُونَ بِهَا وَ لَا يَلْعَبُ بِهَا إِلَّا كُلُّ جَبَّارٍ وَ الْجَبَّارُ مِنَ النَّارِ، يَعْنِي الشُّطْرَنْجُ.^۱

علامه حلّی رحمته الله می نویسد: (و عامّه) با پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد نهی از بازی با شطرنج مخالفت نمودند. و امام علی علیه السلام بر گروهی شطرنج باز گذر کردند و فرمودند: زمانی بر مردم خواهد آمد که با شطرنج، بازی کنند (رایج شود) و با آن بازی نکند مگر هر ستمگری و ستمگر از آن آتش است.

۲۸- مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ رحمته الله أَنَّهُ سَأَلَ أَبَاهُ عَنِ التَّمَاثِيلِ فَقَالَ: لَا يَصْلُحُ أَنْ يُلْعَبَ بِهَا.^۲

امام موسی بن جعفر رحمته الله از پدر گرامش امام صادق علیه السلام در مورد مهره های شطرنج پرسیدند. امام صادق علیه السلام فرمودند: نباید (حرام است) با آنها بازی شود. آیه هفتم - ﴿وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَ تَدُلُّوْا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا

۱- نهج الحق علامه حلّی رحمته الله: ۵۶۸.

۲- مسائل علی بن جعفر رحمته الله: ۲۹۴ ح ۷۵۱، محاسن: ۶۱۸، قرب الإسناد: ۱۲۲، وسائل الشیعه: ۳۰۷/۵ ب ۳ ح ۶۶۲۲ و ۶۶۲۳ ج ۱۷ ب ۲۹۸ ح ۹۴، بحار الأنوار: ۳۵۶/۷۳ ب ۶۷ ح ۲۴ ج ۷۶ ص ۲۸۷ ب ۱۰۷ ح ۸ و ۹.

مِنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ^۱

ترجمه: و داراییهای یکدیگر را به ناحق در میان خودتان نخورید، و اموال را به عنوان رشوه به جیب) حاکمان و قاضیان سرازیر نکنید، تا بخشی از اموال مردم را به گناه بخورید، حال آنکه خودتان می دانید (که گناه می کنید).

۲۹- سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام عَنْ هَذِهِ الْأَشْيَاءِ الَّتِي يَلْعَبُ بِهَا النَّاسُ النَّرْدِ وَالشُّطْرَنْجِ حَتَّى انْتَهَيْتَ إِلَى السُّدْرِ، فَقَالَ: إِذَا مَيَّزَ اللَّهُ بَيْنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ فِي أَيِّهِمَا يَكُونُ؟ قُلْتُ: مَعَ الْبَاطِلِ. قَالَ: فَمَا لَكَ وَ لِلْبَاطِلِ^۲.

فضیل گوید: از امام محمد باقر عليه السلام درباره چیزهایی که مردم با آنها بازی می کنند مانند نرد و شطرنج سؤال کردم تا اینکه رسیدم به سُدر، فرمود: وقتی خدا حق را از باطل جدا کند (نرد و شطرنج و...) با کدام هستند (حق یا باطل)؟ گفتم: با باطل، حضرت فرمود: پس تو با باطل چکار داری؟

۳۰- عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ الشُّطْرَنْجِ وَ عَنِ لُعْبَةِ شَبِيبِ الَّتِي يُقَالُ لَهَا لُعْبَةُ الْأَمِيرِ وَ عَنِ لُعْبَةِ الثَّلَاثِ فَقَالَ: أَرَأَيْتَكَ إِذَا مَيَّزَ اللَّهُ الْحَقَّ مِنَ الْبَاطِلِ مَعَ أَيِّهِمَا تَكُونُ؟ قَالَ: قُلْتُ: مَعَ الْبَاطِلِ. قَالَ: فَلَا خَيْرَ فِيهِ^۳.

زراره می گوید: از امام صادق عليه السلام درباره شطرنج و بازی شبیب و سه در (برخی انواع قمار) سؤال شد، فرمود: وقتی خدا حق و باطل را از هم جدا کند، (شطرنج و...) با حق خواهند بود یا با باطل؟ عرض کردم: با باطل. فرمودند: پس خیری در باطل نیست.

۱- (۲) سوره بقره: آیه ۱۸۹.

۲- کافی: ۴۳۶/۶، وسائل الشیعه: ۳۲۴/۱۷، ب ۱۰۴ ح ۲۲۶۶۷.

۳- کافی: ۴۳۶/۶، وسائل الشیعه: ۳۱۹/۱۷، ب ۱۰۲ ح ۲۲۶۵۰.

۳۱- سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ﴾ فَقَالَ: كَانَتْ قُرَيْشٌ تُقَامِرُ الرَّجُلَ بِأَهْلِهِ وَ مَالِهِ فَهَنَاهُمُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَنْ ذَلِكَ.^۱

أبو عبیده حذاء گوید: از امام جعفر صادق عليه السلام درباره این آیه: ﴿وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ﴾ پرسیدم؛ فرمودند: قریشیان بر سر مال و زنهای خود قماربازی می کردند و خداوند در این آیه آنها را از آن (کار) نهی فرمود.

۳۲- قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ﴾: ذَلِكَ الْقِمَارُ.^۲

امام جعفر صادق عليه السلام درباره کلام خداوند: ﴿وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ﴾ فرمودند: مقصود از باطل قمار است.

۳۳- عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: الشُّطْرُنُجُ مِنَ الْبَاطِلِ.^۳

امام صادق عليه السلام فرمودند: شطرنج از باطل (و حرام) است.

۱- کافی: ۱۲۲/۵ باب القمار... ح ۱، تفسیر عیاشی: ۸۴/۱ ح ۲۰۴، وسائل الشیعه: ۱۶۴/۱۷ ب ۳۵ ح ۲۲۲۵۴، بحار الأنوار: ۲۳۴/۷۶ ب ۹۸ ح ۱۲.

۲- وسائل الشیعه: ۱۶۷/۱۷ ب ۳۵ ح ۲۲۲۶۷.

۳- کافی: ۴۳۵/۶ باب الرد و الشطرنج... ح ۴، تفسیر عیاشی: ۳۱۵/۲ ح ۱۵۳، وسائل الشیعه: ۳۱۸/۱۷ و ۳۲۱ ب ۱۰۲ ح ۲۲۶۴۷ و ۲۲۶۵۸، بحار الأنوار: ۲۳۶/۷۶ ب ۹۸ ح ۲۱.

شطرنج از دیدگاه اهل بیت علیهم السلام

۱- نهی نبوی

نَهَى رَسُولُ اللَّهِ ﷺ... وَنَهَى عَنِ اللَّعِبِ بِالنَّرْدِ وَ الشَّطْرَنْجِ وَ الْكُوبَةِ وَ الْعَرُطَبَةِ وَ هِيَ الطُّنْبُورُ وَ الْعُودُ...^۱

امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش نقل می فرماید که پیامبر صلی الله علیه و آله از بازی کردن با نرد و شطرنج و طبل و تار و طنبور (آلات موسیقی) نهی فرمود...
عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: نَهَى رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: عَنِ اللَّعِبِ بِالشَّطْرَنْجِ وَ النَّرْدِ.^۲
امام صادق علیه السلام می فرماید: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از بازی کردن با شطرنج و نرد نهی فرمود.

فِي خَبَرٍ مَنَاهِيَ النَّبِيُّ ﷺ أَنَّهُ نَهَى عَنْ بَيْعِ النَّرْدِ وَ الشَّطْرَنْجِ وَقَالَ ﷺ: مَنْ فَعَلَ ذَلِكَ

۱- من لا يحضره الفقيه: ۳/۴ باب ذکر جمل من مناهي النبي ﷺ... ح ۴۹۶۸، مجموعة ورام: ۲/۲۵۶ وسائل الشیعه: ۳۲۵/۱۷ ب ۱۰۴ ح ۲۲۶۷۰ و بحار الأنوار: ۳۳۰/۷۳ ب ۶۷.

۲- کافی: ۴۳۷/۶ باب النرد و الشطرنج... ح ۱۷، وسائل الشیعه: ۳۲۰/۱۷ ب ۱۰۲ ح ۲۲۶۵۴.

فَهُوَ كَأَكْلِ لَحْمِ الْخَنزِيرِ^۱

پیامبر خدا ﷺ از خرید و فروش نرد و شطرنج نهی نموده و فرمودند: هرکس چنین کند مانند کسی است که گوشت خوک می خورد.

توضیح: خداوند از بازی نمودن با شطرنج نهی نموده و از این رو وجهی که برای خریداری آن پرداخت می شود، از جمله اموال حرام است، به همین دلیل پیامبر اکرم از کسی که در ازای خرید و فروش آن مبلغی پرداخته یا اخذ می نماید، با عنوان کسی یاد می کنند که گوشت خوک می خورد، یعنی... .

۲- گناهی بس بزرگ

عَنِ الرَّضَاءِ فِي كِتَابِهِ إِلَى الْمَأْمُونِ قَالَ: الْإِيمَانُ هُوَ آدَاءُ الْأَمَانَةِ وَاجْتِنَابُ جَمِيعِ الْكِبَائِرِ... وَاجْتِنَابُ الْكِبَائِرِ وَهِيَ... وَالْمَيْسِرُ وَهُوَ الْقِمَارُ...^۲

حضرت امام علی بن موسی الرضا ﷺ در نامه ای که به مأمون (لعنه الله) درباره ایمان نوشتند، مرقوم داشتند: ایمان ادای امانت و پرهیز از همه گناهان بزرگ و... است... و گناهان بزرگ... و میسر است که همان قمار می باشد و... .

۳- پرده های عصمت

عن أبي خالد الكابلي قال سَمِعْتُ زَيْنَ الْعَابِدِينَ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ ﷺ يَقُولُ: ...وَالذُّنُوبُ الَّتِي تَهْتِكُ الْعِصَمَ شُرْبُ الْخَمْرِ وَاللَّعِبُ بِالْقِمَارِ.^۳

ابو خالد کابلی گوید: شنیدم امام زین العابدین علی بن الحسین ﷺ فرمود: ... و گناهان بزرگی که پرده های عصمت را پاره می کند، شراب خواری و قماربازی

۱- أمالی شیخ صدوق: ۴۲۴ مجلس ۶۶، بحار الأنوار: ۴۴/۱۰۰ ب ۴ ح ۹ و ج ۷۶ ص ۲۳۲ ب ۹۸ ح ۷.

۲- عیون اخبار الرضا ﷺ: ۲/۱۲۶ ب ۳۵، وسائل الشیعه: ۳۲۹/۱۵ ب ۴۶ ح ۲۰۶۶۰، بحار الأنوار: ۱۲/۷۶ ب ۶۸ ح ۱۲.

۳- معانی الأخبار: ۲۷۰، وسائل الشیعه: ۲۸۱/۱۶ ب ۴۱ ح ۲۱۵۵۶، بحار الأنوار: ۳۷۵/۷۰ ب ۱۳۸.

است.

توضیح: می شنوی؟ این صدای اوست، انجام دادن این کارها پاک بودن را از من و تو می گیرد، خوب بودن را و نزدیک بودن به درگاه او را... .

۴- حرام محض

عَنِ الصَّادِقِ (ع) أَنَّهُ سُئِلَ عَنْ مَعَاشِ الْعِبَادِ فَقَالَ: ... وَ ذَلِكَ إِنَّمَا حَرَّمَ اللَّهُ الصَّنَاعَةَ الَّتِي هِيَ حَرَامٌ كُلُّهَا الَّتِي يَجِيءُ مِنْهَا الْفُسَادُ مَحْضًا نَظِيرَ الْبَرَابِطِ وَالْمَزَامِيرِ وَالشُّطْرَنْجِ وَ كُلِّ مَلْهُوٍّ بِهِ وَ الصُّلْبَانِ وَ الْأَصْنَامِ وَ مَا أَشْبَهَ ذَلِكَ مِنْ صِنَاعَاتِ الْأَشْرَبَةِ الْحَرَامِ وَ مَا يَكُونُ مِنْهُ وَ فِيهِ الْفُسَادُ مَحْضًا وَ لَا يَكُونُ مِنْهُ وَ لَا فِيهِ شَيْءٌ مِنْ وُجُوهِ الصَّلَاحِ فَحَرَامٌ تَعْلِيمُهُ وَ تَعَلُّمُهُ وَ الْعَمَلُ بِهِ وَ اخْذُ الْأَجْرِ عَلَيْهِ وَ جَمِيعُ التَّقَلُّبِ فِيهِ مِنْ جَمِيعِ وُجُوهِ الْحَرَكَاتِ كُلِّهَا...^۱

امام صادق (ع) فرمودند: ... خدا صنعتهایی را حرام نموده که تمامی اش حرام است و فساد محض در آن است نظیر تارها، نی ها (آلات نوازندگی و موسیقی)، شطرنج و هراآلت لهو دیگر و ساختن صلیب، بت و امثال اینها مانند شراب درست کردن و آن چیزی که در آن فساد محض باشد و از آن و در آن وجه مصلحتی نباشد، پس یاد دادن و یادگرفتن و عمل کردن و به کار گرفتن این آلات و هرگونه حرکت و اجرت گرفتن بر اینها حرام است... .

۵- نزدیکش مشو

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: سُئِلَ عَنِ الشُّطْرَنْجِ وَ النَّرْدِ فَقَالَ: لَا تَقْرَبُوهُمَا، قُلْتُ: فَالْغِنَاءُ؟ قَالَ: لَا خَيْرَ فِيهِ لَا تَقْرَبُهُ.^۲

ابوریع شامی می گوید: از امام صادق (ع) درباره شطرنج و نرد سؤال شد.

۱- تحف العقول: ۳۳۵، وسائل الشیعه: ۸۳/۱۷ ح ۲، بحار الأنوار: ۴۷/۱۰۰ ب ۴.

۲- وسائل الشیعه: ۳۲۰/۱۷ ب ۱۰۲ ح ۲۲۶۵۵.

حضرت فرمود: نزدیک آن دو نشوید. گفتم: غنا چطور؟ فرمود: خیری در آن نیست. نزدیک آن نشو.

توضیح: خواننده محترم، می دانم تو که اهل دقت هستی خوب می فهمی که عبارت «با شطرنج بازی نکن» با عبارت «نزدیک آن نشو»، تفاوتی آشکار دارد و العاقل تکفیه الإشارة.

۶- در آتش شدن

عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عليه السلام قَالَ: «الْمُطَّلِعُ فِي الشَّطْرَنْجِ كَالْمُطَّلِعِ فِي النَّارِ»^۱.

امام رضا عليه السلام فرمودند: کسی که از شطرنج آگاهی می یابد مانند کسی است که آگاه از (وارد) آتش شده است.

۷- شطرنج و نگاه

عَنِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله: مَلْعُونٌ مَنْ لَعِبَ بِالِاسْتِرِيقِ يَغْنِي الشَّطْرَنْجُ وَالنَّاظِرُ إِلَيْهِ كَاكِلٍ لَحْمِ الْخَنْزِيرِ.

و فی خبر آخر: النَّاظِرُ إِلَيْهِ كَالنَّاظِرِ إِلَى فَرْجِ أُمِّهِ^۲.

پیامبر صلى الله عليه وآله فرمودند: کسی که با شطرنج، بازی کند مورد لعنت است و تماشاگر آن، مانند کسی است که گوشت خوک می خورد.

و در حدیث دیگری فرمود: (کیفر) نگاه کننده به شطرنج مانند (کیفر) کسی است که شرمگاه مادرش را نگاه کند.

۸- دستی آلوده

دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَقُلْتُ: جُعِلَتْ فِدَاكَ مَا تَقُولُ فِي الشَّطْرَنْجِ؟ قَالَ: الْمُقْلَبُ

۱- کافی: ۴۳۷/۶ ح ۱۶، وسائل الشیعه: ۳۲۲/۱۷ ب ۱۰۳ ح ۲۲۶۶۲.

۲- جامع الأخبار: ۱۵۳ فصل ۱۱۴، بحار الأنوار: ۲۳۷/۷۶ ب ۹۸، مستدرک الوسائل: ۲۲۳/۱۳ ب ۸۲ ح ۱۵۱۹۲-۱.

لَهَا كَالْمُقَلَّبِ لَحْمِ الْخِنْزِيرِ. فَقُلْتُ: مَا عَلَى مَنْ قَلَّبَ لَحْمَ الْخِنْزِيرِ؟ قَالَ: يَغْسِلُ يَدَهُ.^۱
 علی بن رئاب می گوید: بر امام صادق (ع) وارد شدم و عرضه داشتم: فدایت شوم! درباره شطرنج چه می فرمایید؟ فرمود: کسی که مهره شطرنج را بگیرد، مانند زیر و رو کننده گوشت خوک است. عرض کردم: کسی که گوشت خوک را زیر و رو کند چه وظیفه ای دارد؟ فرمود: (باید) دست خود را بشوید (تطهیر کند).
 عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (ع) قَالَ: مِنَ السُّخْتِ... وَثَمَنُ الشَّطْرَنْجِ وَثَمَنُ النَّارِ...^۲
 حضرت امام المتقین امیرالمؤمنین علی (ع) فرمودند: از جمله اموال حرام ... و پول شطرنج و نرد است (مبلغی که بابت خرید یا فروش آن پرداخت یا اخذ می گردد و یا هر اجرت دیگری که به واسطه شطرنج داده و یا گرفته شود)

۹- شطرنج در خانه؟

فقه منسوب رضوی (ع): أَنَّهُ مَنْ لَقِيَ فِي بَيْتِهِ طَنْبُورًا أَوْ عُودًا أَوْ شَيْئًا مِنَ الْمَلَاهِي مِنَ الْمَعْرِفَةِ وَالشَّطْرَنْجِ وَأَشْبَاهِهِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا فَقَدْ بَاءَ بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ فَإِنْ مَاتَ فِي أَرْبَعِينَ مَاتَ فَاجِرًا فَاسِقًا مَاوَاهُ النَّارُ وَبُئْسَ الْمَصِيرُ.^۳
 در کتاب فقه منسوب به امام رضا (ع) آمده است: هر که طنبور یا تار (آلات موسیقی) یا هر چیز دیگر از وسایل لهو و آلات ساز و شطرنج و مانند اینها را چهل روز در خانه اش نگهداری کند، در خشم خدا داخل شده (خود را از لطف خدا محروم گردانده) و اگر در این چهل روز بمیرد فاجر و فاسق مرده و جایگاهش آتش خواهد بود و بد جایگاهی است.

۱- کافی: ۴۳۷/۶ باب النرد و الشطرنج... ح ۱۵، وسائل الشیعه: ۳۲۲/۱۷ ب ۱۰۳ ح ۲۲۶۶۳.

۲- جعفریات: ۱۸۰، مستدرک الوسائل: ۶۹/۱۳ ب ۵ ح ۱۴۷۷۳-۱.

۳- فقه الرضا (ع): ۲۸۲ ب ۴۵، بحار الأنوار: ۲۵۳/۷۶ ب ۱۰۰ ح ۱۱، مستدرک الوسائل: ۲۱۸/۱۳ ب ۷۹ ح ۱۵۱۶۹-۱۰.

توضیح: خدای تو و من خود فرمود: رحمتم همه چیز را فرا گرفته است، اما ببین

چه آسوده اما بی اطلاع، خود را از رحمت او دور می سازد، خدایش آگاه کند.

۱۰- کاری یزیدی و مجوسی گری

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ الشَّطْرَنْجِ فَقَالَ: دَعُوا الْمَجُوسِيَّةَ لِأَهْلِهَا لَعَنَهَا اللَّهُ.^۱

مسعدة بن زیاد می گوید: از امام صادق عليه السلام درباره شطرنج سؤال شد، حضرت

فرمود: مجوسی گری را برای اهلش واگذارید، خدا لعنتش کند.

قال الفضل: سَمِعْتُ الرِّضَا عليه السلام يَقُولُ: لَمَّا حُمِلَ رَأْسُ الْحُسَيْنِ عليه السلام إِلَى الشَّامِ أَمَرَ يَزِيدُ لَعَنَهُ اللَّهُ فَوُضِعَ وَ نُصِبَ عَلَيْهِ مَائِدَةٌ فَأَقْبَلَ هُوَ وَ أَصْحَابُهُ يَأْكُلُونَ وَ يَشْرَبُونَ الْفُقَاعَ فَلَمَّا فَرَعُوا أَمَرَ بِالرَّأْسِ فَوُضِعَ فِي طَسْتٍ تَحْتَ سَرِيرَةٍ وَ بُسِطَ عَلَيْهِ رُفْعَةُ الشَّطْرَنْجِ وَ جَلَسَ يَزِيدُ لَعَنَهُ اللَّهُ يَلْعَبُ بِالشَّطْرَنْجِ وَ يَذْكُرُ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ وَ أَبَاهُ وَ جَدَّهُ عليه السلام وَ يَسْتَهْزِئُ بِذِكْرِهِمْ فَمَتَى قَامَ صَاحِبُهُ تَنَاوَلَ الْفُقَاعَ فَشَرِبَهُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ ثُمَّ صَبَّ فَضَلَّتْهُ عَلَى مَا يَلِي الطَّسْتَ مِنَ الْأَرْضِ فَمَنْ كَانَ مِنْ شِيعَتِنَا فَلْيَتَوَرَّعْ عَنْ شُرْبِ الْفُقَاعِ وَ اللَّعِبِ بِالشَّطْرَنْجِ وَ مَنْ نَظَرَ إِلَى الْفُقَاعِ أَوْ إِلَى الشَّطْرَنْجِ فَلْيَذْكُرِ الْحُسَيْنَ عليه السلام وَ يَلْعَنُ يَزِيدَ وَ آلَ زِيَادٍ يَمْحُو اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِذَلِكَ ذُنُوبَهُ وَ لَوْ كَانَتْ بِعَدَدِ النُّجُومِ.^۲

فضل بن شاذان می گوید: شنیدم از امام رضا عليه السلام که می فرمود: چون سر مقدس

امام حسین عليه السلام به شام حمل شد، یزید لعنه الله فرمان داد تا سر قرار داده شود و بر

آن سفره غذایی قرار گرفت و خود و همراهانش شروع به خوردن و آبجو نوشیدن

نمودند، و پس از آن فرمان داد تا سر مقدس را در طشتی زیر سرپوشی قرار داده

و بر آن بساط شطرنج را پهن نمودند و یزید لعنه الله برای شطرنج بازی نشست

۱- کافی: ۴۳۷/۶ ح ۱۳، وسائل الشیعه: ۳۱۹/۱۷ ب ۱۰۲ ح ۲۲۶۵۲.

۲- من لا یحضره الفقیه: ۴/۱۹۹ ح ۵۹۱۵، عیون أخبار الرضا عليه السلام: ۲/۲۲ ب ۳۰ ح ۵۰، جامع الأخبار: ۱۵۳ فصل ۱۱۴، دعوات راوندی: ۱۶۲ ح ۴۴۷، وسائل الشیعه: ۳۶۳/۲۵ ب ۲۷ ح ۳۲۱۳۳، بحار الأنوار: ۲۹۹/۴۴ ب ۳۶ ح ۲.

و از امام حسین (علیه السلام) و پدر و جدّ گرامش به مسخره کردن یاد می کرد و هرگاه که نوبت بازی حریفش می شد، آجگو می نوشید، تا اینکه سه مرتبه آجگو نوشید و زیادی آن را بر زمین کنار طشت ریخت.

هر که از شیعیان ما (اهل بیت) می باشد، دامن خود را از گناه نوشیدن آجگو و بازی با شطرنج، پاک نگاه دارد.

و هرکس که نگاهش به آجگو و یا به شطرنج افتاد، باید امام حسین (علیه السلام) را یاد کند و یزید و آل زیاد را لعنت نماید، بدین سبب خداوند گناهان او را محو (نابود) می نماید، گرچه به شماره ستارگان باشد.

تذکر: آجگو نوشیدن و شطرنج بازی نمودن، کار یزید است و آنان که او را دوست می دارند، ولی آنان که سنگ حسین فاطمه (علیهما السلام) را به سینه می زنند هرگز با یزید و کار او میانه ای ندارند.

۱۱- مؤمن و شطرنج...!!!

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) عَنِ اللَّعِبِ بِالشَّطْرَنْجِ فَقَالَ: إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَمَشْغُولٌ عَنِ اللَّعِبِ.^۱

عبدالواحد می گوید: از امام صادق (علیه السلام) در مورد بازی کردن با شطرنج سؤال کردم؛ فرمود: مؤمن از این بازی روی گردان است.

۱۲- در معرض غضب خداوند...

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ: بَيْعُ الشَّطْرَنْجِ حَرَامٌ وَ أَكْلُ ثَمَنِهِ سُحْتٌ وَ اتِّخَاذُهَا كُفْرٌ وَ اللَّعِبُ بِهَا شِرْكٌ وَ السَّلَامُ عَلَى اللَّاهِي بِهَا مَعْصِيَةٌ وَ كَبِيرَةٌ مُوبِقَةٌ وَ الْخَائِضُ فِيهَا يَدُهُ كَالْخَائِضِ يَدُهُ فِي لَحْمِ الْخَنْزِيرِ لَا صَلَاةَ لَهُ حَتَّى يَغْسِلَ يَدَهُ كَمَا يَغْسِلُهَا مِنْ مَسِّ لَحْمِ

۱- قرب الإسناد: ۸۱، خصال: ۲۶/۱ ح ۹۲، وسائل الشیعه: ۳۲۰/۱۷ ب ۱۰۲ ح ۲۲۶۵۶، بحار الأنوار:

الْخَنْزِيرِ وَالنَّازِلِ إِلَيْهَا كَالنَّازِلِ فِي فَرْجِ أُمِّهِ وَاللَّاهِي بِهَا وَالنَّازِلِ إِلَيْهَا فِي حَالِ مَا يُلْهَى بِهِ وَالسَّلَامَ عَلَى اللَّاهِي بِهَا فِي حَالَتِهِ تِلْكَ فِي الْإِثْمِ سَوَاءٌ وَمَنْ جَلَسَ عَلَى اللَّعِبِ بِهَا فَقَدْ تَبَوَّأَ مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ وَكَانَ عَيْشُهُ ذَلِكَ حَسْرَةً عَلَيْهِ فِي الْقِيَامَةِ وَإِيَّاكَ وَمَجَالِسَةَ اللَّاهِي وَالْمَغْرُورِ بِلَعِبِهَا فَإِنَّهَا مِنَ الْمَجَالِسِ الَّتِي بَاءَ أَهْلُهَا بِسَخَطٍ مِنَ اللَّهِ يَتَوَقَّعُونَهُ فِي كُلِّ سَاعَةٍ فَيَعُمَّكَ مَعَهُمْ^۱.

امام صادق علیه السلام فرمودند: فروختن شطرنج و خوردن پول آن حرام و گرفتن آن کفر، و بازی با آن شرک است و سلام کردن به بازی کننده با آن، معصیت و گناه بزرگ و نابودگر است. هرکس دست خود را به آن آلوده کند، مانند کسی است که دست خود را به گوشت خوک آلوده نموده باشد؛ نماز ندارد مگر اینکه دست خود را بشوید (تطهیر نماید) و تماشاگر آن مانند کسی است که به شرمگاه مادرش نگاه کند و سرگرم شونده و بیننده و سلام کردن (سلام کننده) به شطرنج باز در هنگام بازی با شطرنج، همه در گناه با یکدیگر یکسان هستند.

و هرکس در مجلس شطرنج بازی، برای بازی کردن بنشیند، حتماً جایگاه خود را آتش قرار داده، و این خوشی (اندک) در روز قیامت برای او حسرت خواهد بود. و بپرهیز از کسی که شطرنج بازی می کند و به بازی با آن مغرور شده، زیرا این مجلس از مجالسی است که غضب خدا اهلش را فراگرفته و هر لحظه، در معرض نزول غضب الهی هستند، آنگاه تو را نیز همراه با ایشان فرا می گیرد.

۱۳- آنجا که نور رحمت الهی نمی تابد...

عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ: مَلْعُونٌ مَنْ جَرَّ اللَّعْبَ بِالْإِسْتِرِيقِ يَعْنِي الشَّطْرَنْجَ.^۲

۱- وسائل الشیعه: ۳۲۳/۱۷ ب ۱۰۳ ح ۲۲۶۶۴، بحار الأنوار: ۲۳۴/۷۶ ب ۹۸ ح ۱۳.

۲- مستدرک الوسائل: ۲۲۳/۱۳ ب ۸۱ ح ۱۵۱۹۰-۵.

پیامبر ﷺ می فرماید: کسی که بازی خود را به شطرنج بکشانند (شطرنج بازی کند)؛ مورد لعنت (دور از مهر خدا) است.

۱۴- محروم از نظر لطف او

دَخَلَ رَجُلٌ مِنَ الْبَصْرِيِّينَ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ ﷺ فَقَالَ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنِّي أَفْعُدُ مَعَ قَوْمٍ يَلْعَبُونَ بِالشَّطْرَنْجِ وَ لَسْتُ أَلْعَبُ بِهَا وَ لَكِنْ أَنْظُرُ فَقَالَ: مَا لَكَ وَ لِمَجْلِسٍ لَا يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَى أَهْلِهِ.^۱

مردی از اهل بصره بر امام موسی کاظم ﷺ وارد شد و عرضه داشت: فدایت شوم! من با گروهی که شطرنج بازی می کنند می نشینم و بازی نمی کنم تنها نگاه می کنم (آیا اشکال دارد؟) آن حضرت فرمود: تو با مجلسی که خدا به اهل آن نظر رحمت نمی اندازد؛ چه کاری داری؟!...

۱۵- دور از یاد خدا...

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ كَانَ نَاطِقًا فَكَانَ مَنْطِقُهُ لِغَيْرِ ذِكْرِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ كَانَ لَاغِيًا وَ مَنْ كَانَ صَامِتًا فَكَانَ صَمْتُهُ لِغَيْرِ ذِكْرِ اللَّهِ كَانَ سَاهِيًا. ثُمَّ سَكَتَ فَقَامَ الرَّجُلُ وَانْصَرَفَ.^۲

امام رضا ﷺ می فرماید: مردی خدمت امام باقر ﷺ شرفیاب شده و عرض کرد: ای اباجعفر! درباره شطرنج - که با آن بازی می کنند- چه می فرمایید؟ حضرت فرمود: پدرم علی بن الحسین ﷺ به من خبر داد از پدرش حسین بن علی ﷺ از پدرش امیرالمؤمنین ﷺ از پیامبر خدا ﷺ که آن حضرت فرمود: کسی که سخنی می گوید که یاد خدا نباشد، لاغی (بیهوده گو) است و اگر ساکت باشد

۱- کافی: ۴۳۷/۶ باب النرد و الشطرنج... ح ۱۲، وسائل الشیعه: ۳۲۲/۱۷ ب ۱۰۳ ح ۲۲۶۶۱.

۲- کافی: ۴۳۷/۶ باب النرد و الشطرنج... ح ۱۴... عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنِ الرَّضَا ﷺ قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ ﷺ فَقَالَ: يَا أَبَا جَعْفَرٍ مَا تَقُولُ فِي الشَّطْرَنْجِ الَّتِي يَلْعَبُ بِهَا النَّاسُ؟ فَقَالَ: أَخْبَرَنِي أَبِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ قَالَ: .. وسائل الشیعه: ۳۲۰/۱۷ ب ۳۲۰ ح ۲۲۶۵۳.

و سکوتش هم برای یاد خدا نباشد، غافل است. سپس حضرت سکوت فرمودند، و آن مرد برخاست و رفت.

توضیح: کسی که سخن گفتن و نگفتن او برای خدا نباشد، از یاد خدا دور است. اینجا سخن گفتن بدل از فعل است. حتی از یاد خدا دور می کند مرا، در حالی که من بدون او هیچ و پوچم و نظر رحمت اوست که مرا ارزشمند می کند.

۱۶- آنجا که او همه را می بخشد...

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِنَّ لِلَّهِ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ عَتَقَاءَ مِنَ النَّارِ إِلَّا مَنْ أَفْطَرَ عَلَى مُسْكِرٍ أَوْ مُشَاحِنٍ أَوْ صَاحِبِ شَاهَيْنِ قَالَ قُلْتُ: وَ أَيْ شَيْءٍ صَاحِبُ شَاهَيْنِ؟ قَالَ: الشُّطْرَنْجُ.^۱

امام صادق عليه السلام می فرماید: در هر شب از ماه رمضان برای خدا آزاد شدگانی از آتش است مگر کسی که با نوشیدنی مست کننده افطار کند، کسی که با مسلمانی کینه توزی کند و صاحب شاهین و آن شطرنج می باشد.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: يَغْفِرُ اللَّهُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ إِلَّا لِثَلَاثَةٍ: صَاحِبِ مُسْكِرٍ أَوْ صَاحِبِ شَاهَيْنِ أَوْ مُشَاحِنٍ.^۲

امام صادق عليه السلام می فرماید: در ماه رمضان خداوند (همه را) می آمرزد، مگر سه کس را: شراب خوار، شطرنج باز و کسی که با مسلمانی کینه توزی کند.

۱۷- محروم از مهر سلام

أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام قَالَ: نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله أَنْ يُسَلَّمَ عَلَى أَرْبَعَةٍ عَلَى السَّكَرَانِ فِي سَكْرِهِ وَ عَلَى مَنْ يَعْمَلُ التَّمَاثِيلَ وَ عَلَى مَنْ يَلْعَبُ بِالنَّرْدِ وَ عَلَى مَنْ يَلْعَبُ بِالْأَرْبَعَةِ عَشَرَ وَ أَنَا

۱- کافی: ۴۳۵/۶ باب النرد و الشطرنج... ح ۵، من لا يحضره الفقيه: ۹۸/۲ ح ۱۸۳۹، تهذيب الأحكام:

۳/۶۰ ب ح ۴، أمالی شیخ طوسی: ۶۹۰ مجلس ۳۹ ح ۱۴۶۸-۱۱.

۲- کافی: ۴۳۶/۶ باب النرد و الشطرنج... ح ۱۰.

أَزِيدُكُمْ الْخَامِسَةَ أَنهَآكُمْ أَنْ تُسَلِّمُوا عَلَى أَصْحَابِ الشُّطْرَنْجِ.^۱

امیرالمؤمنین علی (ع) می فرمایند: پیامبر خدا (ص) از سلام کردن به چهار نفر نهی فرمود: ۱- میگسار در هنگام مستی ۲- بت تراش ۳- کسی که با نرد بازی می کند ۴- و کسی که با اربعة عشر بازی کند؛ و من پنجمین را می افزایم: و شما را باز می دارم از سلام کردن به اهل شطرنج (کسانی که به نحوی شطرنج را به عرصه زندگی خود راه داده اند).

سَمِعْتُ عَلِيًّا (ع) يَقُولُ: سِتَّةٌ لَا يَنْبَغِي أَنْ تُسَلَّمَ عَلَيْهِمُ الْيَهُودُ وَالنَّصَارَى وَأَصْحَابُ النَّرْدِ وَالشُّطْرَنْجِ وَأَصْحَابُ خَمْرِ وَبَرَبِطٍ وَطَنْبُورٍ وَ...^۲

حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) فرمودند: شش دسته هستند که جایز نیست به آنها سلام کنی: یهودی، مسیحی، صاحب نرد و شطرنج، میگسار و اهل تار و طنبور (نوازندگان و...) و... .

عَنِ الصَّادِقِ عَنْ أَبِيهِ (ع) قَالَ: لَا تُسَلِّمُوا عَلَى الْيَهُودِ وَلَا عَلَى النَّصَارَى وَلَا عَلَى الْمَجُوسِ وَلَا عِبَادَةَ الْأَوْثَانِ وَلَا عَلَى مَوَائِدِ شُرَابِ الْخَمْرِ وَلَا عَلَى صَاحِبِ الشُّطْرَنْجِ وَالنَّرْدِ وَ...^۳

حضرت امام محمدباقر (ع) فرمود: به یهودیان، مسیحیان، مجوسیان، بت پرستان، می خواران، اهل شطرنج و نرد و... سلام نکنید.

۱- خصال: ۲۳۷/۱ ح ۸۰، مشکوة الأنوار: ۱۹۸ فصل ۴، وسائل الشیعه: ۴۹/۱۲ ب ۲۸ ح ۱۵۶۱۳، بحار الأنوار: ۸/۷۳ ح ۹۷ ب ۳۲ و ص ۳۵۶ ب ۶۷ ح ۲۳.

۲- خصال: ۳۳۰/۱ ح ۲۹، مشکوة الأنوار: ۱۹۸/۱ فصل ۴، وسائل الشیعه: ۵۰/۱۲ ب ۲۸ ح ۱۵۶۱۶ و ص ۷۹ ب ۴۹ ح ۱۵۶۹۳، بحار الأنوار: ۹/۷۳ ب ۹۷ ح ۳۴ و ص ۳۴۰ ب ۶۷ ح ۱۰.

۳- خصال: ۴۸۴/۲، روضة الواعظین: ۴۵۸/۲ مجلس فی ذکر إفساء السلام...، مشکاة الأنوار: ۱۹۸ فصل ۴، وسائل الشیعه: ۵۱/۱۲ ب ۲۸ ح ۱۵۶۱۷، بحار الأنوار: ۹/۷۳ ب ۹۷ ح ۳۵ و ج ۸۱ ص ۳۰۹ تحقیق أنیق... ح ۳۵، مستدرک الوسائل: ۳۸۲/۱ ب ۱۰ ح ۹۲۳-۱.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: السَّلَامُ عَلَى اللَّهِ بِالشَّطْرَنْجِ مَعْصِيَةٌ وَكَبِيرَةٌ مُوبِقَةٌ وَاللَّاهِي بِهَا وَالنَّاظِرُ إِلَيْهَا فِي حَالٍ مَا يُلْهَى بِهَا وَالسَّلَامُ عَلَى اللَّهِ بِهَا فِي حَالَتِهِ تِلْكَ فِي الْإِثْمِ سَوَاءٌ.^۱

امام جعفر صادق عليه السلام می فرماید: سلام کردن به کسی که با شطرنج، بازی می کند، نافرمانی خدا و گناهی بزرگ و نابودکننده است. شطرنج باز و تماشاگران (شطرنج) هنگام بازی و سلام کننده به شطرنج باز در هنگام بازی، در گناه یکسانند.

قَالَ الصَّادِقُ عليه السلام: اللَّاعِبُ بِالشَّطْرَنْجِ مُشْرِكٌ وَالسَّلَامُ عَلَى اللَّهِ بِهِ مَعْصِيَةٌ.^۲
امام جعفر صادق عليه السلام فرمودند: شطرنج باز مشرک است و سلام کردن به کسی که با آن (شطرنج) سرگرم باشد، گناه است.

توضیح: امام صادق می خواهند یک نکته لطیف را به تو و من بگویند: الزامی نیست که برای حرام بودن بازی با شطرنج، قید برد و باخت را به آن اضافه کنیم، یعنی حتی اگر... هم...؟ یعنی خودت حسابش را بکن وقتی نگاه کردن به آن، خرید و فروش آن، شرکت در محفل آن و سلام کردن به اهل آن و همنشینی با آنان حرام باشد، آیا می توان قید با برد و باخت یا بدون آن را به شطرنج بازی اضافه نمود؟... و به آن لباس اسلام پوشاند؟...

۱۸ - غیبتش روا

فقه منسوب رضوی عليه السلام: ... وَ لَا غِيْبَةَ لِلْفَاجِرِ وَ شَارِبِ الْخَمْرِ وَ اللَّاعِبِ بِالشَّطْرَنْجِ

۱- بحار الأنوار: ۱۰/۷۳ ب ۹۷ ح ۴۳.

۲- عوالی الآلای: ۱۱۱/۲ ح ۳۰۶، مستدرک الوسائل: ۲۲۳/۱۳ ب ۸۲ ح ۱۵۱۹۴-۳.

وَالْقَمَارِ^۱

در فقه منسوب به امام رضا (ع) آمده است: ... فاجر (گناه کار)، فاسق (آنکه اظهار به گناه می کند)، شرابخوار، شطرنج باز و قمارباز (حرمت) غیبت ندارند.

۱۹- گواهی اش ناروا

سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) يَقُولُ: لَا تُقْبَلُ شَهَادَةُ صَاحِبِ النَّرْدِ وَالْأَرْبَعَةِ عَشَرَ وَصَاحِبِ الشَّاهِينَ يَقُولُ لَا وَاللَّهِ وَبَلَى وَاللَّهِ، مَاتَ وَاللَّهِ شَاهٌ وَقُتِلَ وَاللَّهِ شَاهٌ وَمَا مَاتَ وَمَا قُتِلَ.^۲

علاء بن سیابه می گوید: شنیدم امام صادق (ع) می فرمود: گواهی صاحب نرد (قمارباز) و دوزباز و صاحب شطرنج (شطرنج باز) قبول نمی شود (عدالت ندارند)، (شطرنج باز) می گوید: "نه به خدا سوگند و بله به خدا سوگند، به خدا سوگند شاهی مُرد و به خدا سوگند شاهی کشته شد." درحالی که نه مُرد و نه کشته شد.

عَنِ الصَّادِقِ (ع)....: وَلَا تُقْبَلُ شَهَادَةُ شَارِبِ الْخَمْرِ وَلَا شَهَادَةُ اللَّاعِبِ بِالشَّطْرَنْجِ وَالنَّارِدِ وَلَا شَهَادَةُ الْمُقَامِرِ.^۳

امام صادق (ع) می فرماید: گواهی شرابخوار، شطرنج باز، کسی که با نرد بازی می کند و قمارباز، قبول نمی شود.

توضیح: او با شطرنج بازی روح خویش را نابود می کند به طوری که دیگر راستی را نمی بیند و نمی تواند ببیند و حتی اگر هم ببیند، نمی تواند به زبان آورده

۱- فقه الرضا (ع): ۲۰۵ ب ۳۰، بحار الأنوار: ۲۵۷/۷۲ ب ۶۶ ح ۴۷ و ج ۹۳ ص ۲۷۵ ب ۳۲ ح ۱۹.

۲- کافی: ۳۹۶/۷ ح ۹، من لا يحضره الفقيه: ۴۳/۳ ح ۳۲۹۱، تهذيب الأحكام: ۲۴۳/۶ ب ۹۱ ح ۹، وسائل الشیعه: ۳۸۰/۲۷ ب ۳۳ ح ۳۴۰۰.

۳- من لا يحضره الفقيه: ۴۰/۳ ح ۳۲۸۲.

و بپذیرد....

۲۰- از نشانه های آخرالزمان

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام....: وَرَأَيْتَ الْقِمَارَ قَدْ ظَهَرَ وَرَأَيْتَ الشَّرَابَ يُبَاعُ ظَاهِرًا لَيْسَ لَهُ مَانِعٌ وَرَأَيْتَ النِّسَاءَ يَبْذُلْنَ أَنْفُسَهُنَّ لِأَهْلِ الْكُفْرِ وَرَأَيْتَ الْمَلَاهِيَّ قَدْ ظَهَرَتْ يَمْرُ بِهَا لَا يَمْنَعُهَا أَحَدٌ أَحَدًا وَلَا يَجْتَرِئُ أَحَدٌ عَلَى مَنَعِهَا.^۱

حضرت امام جعفر صادق عليه السلام (درباره علائم آخرالزمان) فرمودند: ... و آنگاه که قماربازی و شراب فروشی را آشکارا ببینی، و زنان را ببینی که اندام خود را به کفار ببخشند، مفسد را آشکارا ببینی و مشاهده کنی که هیچ کس از رهگذران، از آن (فساد) منع ننماید، و کسی جرأت نکند دیگری را از آن مفسد بازدارد.

۱- کافی: ۳۶/۸-۳۸ فی حَدِيثِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مَعَ الْمُتْصُورِ لَعَنَهُ اللَّهُ فِي مَوْكِهِ ح ۷، وسائل

الشيعة: ۲۷۷/۱۶ ب ۴۱ ح ۲۱۵۵۴، بحار الأنوار: ۲۵۷/۵۲ ب ۲۵ ح ۱۴۷.

قال الامام الصادق عليه السلام

لَيْسَ فِي حَرَامٍ شِفَاءٌ

امام صادق عليه السلام خطاب به پزشکی که برای
درمان بیماران از آبجو استفاده می کرد فرمودند:

شفا در چیزهای حرام نیست

کافی جلد ۸ صفحه ۱۹۳ حدیث ۲۲۹ و بحار الأنوار جلد ۵۹ صفحه ۶۶ باب ۵۰ حدیث ۱۹

(۵)

غنا و موسیقی

(آواز، ترانه خوانی و نوازندگی)

از دیدگاه

قرآن و عترت

غنا و موسیقی از دیدگاه قرآن کریم

آیه یکم- ﴿وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَٰئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا﴾^۱

ترجمه: و مبادا به دنبال چیزی که حقایق آن را نمی دانی بروی، زیرا گوش و چشم و دل، همه را، بدان بازخواست کنند.

۱- مسعدة بن زیاد می گوید: نزد امام صادق (ع) بودم که مردی به آن حضرت عرض کرد: پدر و مادرم به فدایت! من همسایگانی دارم و آنان کنیزکانی دارند که آواز می خوانند و با ابزار غنا (موسیقی) می نوازند؛ هرگاه به دستشویی می روم و آن صداها را می شنوم، ماندنم را طول می دهم تا آن صداها را بیشتر بشنوم، چگونه است؟ حضرت به او فرمودند: این کار را مکن. آن مرد گفت: به خداوند سوگند! من به سوی (مجلس) آنان نمی روم بلکه این صدایی است که با گوش خود می شنوم. امام صادق (ع) فرمودند: **لِلَّهِ أَنْتَ أَمَّا سَمِعْتَ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَقُولُ: ﴿إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَٰئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا﴾؟ فَقَالَ: بَلَىٰ وَاللَّهِ لَكَانِي لَمْ أَسْمَعْ بِهَذِهِ الْآيَةِ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ مِنْ أَعْجَمِيٍّ وَلَا عَرَبِيٍّ لَا جَرَمَ أَنَّنِي لَأَعُودُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ**

وَأَنِّي أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ فَقَالَ لَهُ: قُمْ فَاغْتَسِلْ وَ سَلْ مَا بَدَا لَكَ فَإِنَّكَ كُنْتَ مُقِيمًا عَلَى أَمْرٍ عَظِيمٍ مَا كَانَ أَسْوَأَ حَالِكَ لَوْ مِتَّ عَلَى ذَلِكَ أَحْمَدُ اللَّهِ وَ سَلَّهُ التَّوْبَةَ مِنْ كُلِّ مَا يَكْرَهُ فَإِنَّهُ لَا يَكْرَهُ إِلَّا كُلَّ قَبِيحٍ وَ الْقَبِيحَ دَعَا لِأَهْلِهِ فَإِنَّ لِكُلِّ أَهْلًا.^۱

تو را به خدا سوگند! آیا نشنیده ای که خداوند می فرماید: گوش و چشم و دل، همه را بازخواست کنند؟ گفت: آری؛ به خدا سوگند هرگز این آیه از کتاب خدا را نه از عجم و نه از عرب نشنیده بودم و بدرستی که دیگر چنین کاری را انجام نخواهم داد - ان شاء الله - و از خدا طلب مغفرت می کنم. حضرت فرمودند: برخیز و غسل کن و هرچه می خواهی درخواست کن، زیرا تو بر امر (گناه) بزرگی بودی، اگر در آن حال (بدون توبه و بازگشت) از دنیا می رفتی؛ در حالت بسیار بدی بودی. حمد و سپاس خداوند را بگو و از او درخواست توبه کن از انجام هر کاری که خدا را خوش نیاید، چرا که خداوند جز کارهای قبیح (زشت و پلید) را ناپسند نمی دارد و انجام هرگونه امر زشت و پلید را برای اهلش رها کن زیرا هر چیزی اهلی دارد.

آیه دوم - ﴿وَاسْتَغْفِرْ مَنْ اسْتَطَعَتْ مِنْهُمْ بِصَوْتِكَ وَاجْلِبْ عَلَيْهِمْ بِخَيْلِكَ وَرَجِلِكَ وَشَارِكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ وَعِدَّهُمْ مَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا﴾^۲

ترجمه: و (ای شیطان) هرکس از آنان را که می توانی با صدا و ندای خود (غنا و موسیقی) دچار لغزش نما، و با سواران و پیادگان خود بر آنان بتاز، و در مال و فرزند با آنان شریک شو و به آنان وعده بده، و حال آنکه شیطان جز به غرور

۱- کافی: ۴۳۲/۶ باب الغناء... ح ۱۰، مستدرک الوسائل: ۲۲۱/۱۳ ح ۸۰، ۱۵۱۸۲-۲ و ۱۵۱۸۴-۴.

۲- (۱۷) سوره اسراء: آیه ۶۵.

و فریب ایشان را وعده نخواهد داد.

آیه سوم- ﴿وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعِبِينَ﴾

ترجمه: آسمان و زمین و آنچه را که میان آنهاست بازیچه نیافریده ایم.

آیه چهارم- ﴿لَوْ أَرَدْنَا أَنْ نَتَّخِذَ لَهُمْ لَاتَّخِذْنَاهُمْ مِنْ لَدُنَّا إِنْ كُنَّا فَاعِلِينَ﴾

ترجمه: بر فرض محال اگر می خواستیم سرگرمی اتخاذ کنیم آن سرگرمی را از نزد خود می گرفتیم.

آیه پنجم- ﴿بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ وَلَكُمْ الْوَيْلُ مِمَّا تَصِفُونَ﴾^۱

ترجمه: بلکه ما به وسیله حق بر سر باطل می کوبیم تا آن را نابود سازد و آن باطل به نابودی کشیده می شود، و وای بر شما از آنچه توصیف می کنید.

۲- عبد الاعلی می گوید: از امام صادق (ع) درباره غنا سؤال کردم و گفتم: می گویند که پیامبر خدا (ص) رخصت داده اند که بگویند (ترانه ای به این مضمون را بخوانند): "ما آمدم شما را ما آمدم شما را، ما را خوش آمد بگویند، ما را خوش آمد بگویند تا شما را خوش آمد گوییم" آن حضرت فرمودند: كَذَبُوا إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَقُولُ: ﴿وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعِبِينَ لَوْ أَرَدْنَا أَنْ نَتَّخِذَ لَهُمْ لَاتَّخِذْنَاهُمْ مِنْ لَدُنَّا إِنْ كُنَّا فَاعِلِينَ بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ وَلَكُمْ الْوَيْلُ مِمَّا تَصِفُونَ﴾. ثُمَّ قَالَ: وَيْلُ لِفُلَانٍ مِمَّا يَصِفُ رَجُلٌ لَمْ يَحْضُرِ الْمَجْلِسَ^۲.

دروغ می گویند، بددرستی که خداوند می فرماید: (به ترجمه آیه توجه کنید)

۱- (۲۱) سوره انبیاء: آیات ۱۷ الی ۱۹.

۲- کافی: ۴۳۳/۶ باب الغناء... ح ۱۲، دعائم الإسلام: ۲/۲۰۶ فصل ۴ ح ۷۵۳، وسائل الشیعه: ۳۰۷/۱۷ ب ۹۹ ح ۲۲۶۰، مستدرک الوسائل: ۱۳/۲۱۶ ب ۷۹ ح ۱۵۱۶۴-۵.

سپس فرمودند: وای به حال فلانی از آنچه نسبت می دهد (مقصود حضرت کسی بود که در آن مجلس حضور نداشت و این سخن دروغ را به پیامبر ﷺ بسته بود).

آیه ششم - ﴿ذَلِكَ وَمَنْ يُعْظَمْ حُرْمَاتِ اللَّهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَأُحِلَّتْ لَكُمْ الْأَنْعَامُ إِلَّا مَا يُتْلَى عَلَيْكُمْ فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ﴾^۱

ترجمه: همچنین هرکس دست از حرام بردارد، نزد پروردگارش برای او بهتر است. و چهارپایان بر شما حلالند مگر آنهایی که برایتان خوانده شده. پس، از پلیدی از بت ها (بت پرستی) و سخن باطل و دروغ اجتناب ورزید.

۳- ابوبصیر می گوید: از امام صادق (ع) درباره سخن خداوند عزوجل ﴿فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ﴾ سؤال کردم، فرمود: مقصود از آن (سخن ناروا) غنا است.^۲

۴- زید شحام گوید: از امام صادق (ع) سؤال کردم درباره سخن خداوند عزوجل: ﴿فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ﴾، حضرت فرمودند: الرِّجْسُ مِنَ الْأَوْثَانِ الشُّطْرَنْجُ وَقَوْلُ الزُّورِ الْغِنَاءُ.^۳

مقصود از پلیدی از بت ها (بت پرستی)، شطرنج و مقصود از سخن ناروا، غناست.

۵- از امام صادق (ع) سوال شد از فرمایش خداوند عزوجل: ﴿فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ﴾، فرمود: الرِّجْسُ مِنَ الْأَوْثَانِ الشُّطْرَنْجُ وَقَوْلُ الزُّورِ الْغِنَاءُ... إِيَّاكَ وَالضَّرْبَ بِالصَّوَانِيحِ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ يَرْكُضُ مَعَكَ وَالْمَلَائِكَةُ تَنْفِرُ

۱- (۲۲) سوره حج: آیه ۳۱.

۲- کافی: ۴۳۱/۶ باب الغناء... ح ۱، وسائل الشیعه: ۳۰۳/۱۷ ب ۹۹ ح ۲۲۶۰۲.

۳- کافی: ۴۳۵/۶ باب النرد و الشطرنج... ح ۷ و ۲، وسائل الشیعه: ۳۰۳/۱۷ ب ۹۹ ح ۲۲۵۹۵ و ص ۳۰۸ ح ۲۲۶۱۹ و ص ۳۱۸ ب ۱۰۲ ح ۲۲۶۴۶.

عَنْكَ وَمَنْ بَقِيَ فِي بَيْتِهِ طُنْبُورٌ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا فَقَدْ بَاءَ بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ.^۱
 آن حضرت فرمودند: مقصود از پلیدی از بت ها (بت پرستی)، شطرنج و مقصود از سخن ناروا، غنا است... و مبادا با آلات موسیقی بنوازی چرا که شیطان همراه با تو پایکوبی کند و فرشتگان از تو دوری کنند. و هرکس چهل روز در خانه خود طنبور (ابزار موسیقی) نگه دارد به سوی غضب خداوند بازگشته است.

۶- برخی از اصحاب امام صادق (ع) از حضرت نقل می کنند که درباره فرمایش خداوند متعال: ﴿وَأَجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ﴾ فرموده اند: مقصود از سخن ناروا، غنا (آوازه خوانی و نوازندگی) است.^۲

۷- امام صادق (ع) می فرمایند: ﴿وَأَجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ﴾ الْغِنَاءُ وَإِنَّ الْمُؤْمِنَ عَنْ جَمِيعِ ذَلِكَ لَفِي شُغْلٍ.^۳

مراد خداوند از اینکه فرمود: ﴿از سخن ناروا بپرهیزید﴾ غناست و همانا مؤمن از انجام دادن تمامی این کارها به کار دیگر (از باطل روی گردان) است.

۸- عبدالاعلی می گوید: از امام صادق (ع) در مورد فرمایش خداوند متعال ﴿فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ﴾ پرسش نمودم، فرمود: مقصود از پلیدی از بت ها (بت پرستی)، شطرنج و مقصود از سخن ناروا، غنا است. عرض کردم: کلام پروردگار متعال: ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ﴾ فرمود: از جمله آن (سخنان بیهوده) غناست.^۴

۱- من لا يحضره الفقيه: ۵۸/۴ باب حد شرب الخمر و... ح ۸۰۹۳.

۲- وسائل الشیعه: ۳۰۳/۱۷ ب ۹۹ ح ۲۲۶۰۱.

۳- مستدرک الوسائل: ۲۱۴/۱۳، ۷۸- باب تحریم الغناء حتی فی القرآن و... ح ۱۵۱۵۳-۱۳.

۴- دعائم الإسلام: ۲۰۷/۲ فصل ۴۷۵۷، وسائل الشیعه: ۳۰۸/۱۷ ب ۹۹ ح ۲۲۶۱۳ و بحار الأنوار: ۲۴۵/۷۶.

۹- برخی اصحاب از امام صادق (ع) درباره فرمایش خداوند متعال: ﴿فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ﴾ نقل کرده اند که فرمود: مقصود از پلیدی از بت ها (بت پرستی)، شطرنج و مقصود از سخن ناروا، غنا است.

۱۰- شیخ بزرگوار ابن بابویه (ط) می نویسد: وَإِيَّاكَ وَالْغِنَاءَ فَإِنَّ اللَّهَ تَوَعَّدَ عَلَيْهِ النَّارَ وَالصَّادِقُ (ع) يَقُولُ شَرُّ الْأَصْوَاتِ الْغِنَاءُ وَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى: وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ وَهُوَ الْغِنَاءُ وَقَالَ: وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهُوَ الْحَدِيثَ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ وَهُوَ الْحَدِيثُ فِي التَّفْسِيرِ هُوَ الْغِنَاءُ.^۱

تو را از غنا برحذر می دارم زیرا خداوند متعال برای انجام آن وعده آتش داده است و امام صادق (ع) فرمود: پلیدترین صداها، صدای غناست و خداوند متعال فرموده است: ﴿وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ﴾ از گفتار ناروا پرهیزید ﴿که همان غنا است و فرموده است: ﴿وَمِنَ النَّاسِ...﴾ و از میان مردم...﴾ و لاهو الحدیث در تفسیر، همان غنا است.

و ابن عباس و ابن مسعود روایت کرده اند در تفسیر سخن خدای تعالی: ﴿وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ﴾ و کلام پروردگار متعال: ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهُوَ الْحَدِيثُ﴾ أَنَّهُ الْغِنَاءُ که مقصود از هر دوی آنها غنا می باشد.^۲

۱۱- حضرت امام علی هادی از پدرانش (ع) نقل می فرماید که از امام صادق (ع) درباره کلام خداوند متعال: ﴿فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ﴾

ب ۹۹- الغناء... ح ۲۰، مستدرک الوسائل: ۲۲۲/۱۳ ب ۸۱ ح ۱۵۱۸۶-۱.

۱- مستدرک الوسائل: ۲۱۴/۱۳ ب ۷۸ ح ۱۵۱۵۶-۱۶.

۲- عوالی الآلای: ۲۴۴/۱ فصل ۹ ح ۱۷۳، مستدرک الوسائل: ۲۱۵/۱۳ ب ۷۸ ح ۱۵۱۵۸-۱۸.

پرسیده شد، آن حضرت فرمود: «الرَّحْسُ» شطرنج است و «قَوْلُ الزُّورِ» غناست.^۱

آیه هفتم- ﴿وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا﴾^۲

ترجمه: و آنان (بندگان ویژه ی خداوند) که به دروغ شهادت نمی دهند و چون بر ناپسندی بگذرند به شتاب از آن دوری می جویند.

۱۲- از امام صادق (ع) پیرامون کلام خداوند متعال: ﴿وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ﴾ سؤال شد، فرمود: غناست.^۳

و در برخی کتابها اضافه بر غنا، مجالس لغو نیز ذکر شده است.^۴

۱۳- محمد بن ابی عباد که آشکارا به خوانندگی و نوازندگی گوش می داد و آبدو می خورد می گوید: از امام رضا (ع) درباره سماع (گوش دادن به آواز و موسیقی) سؤال کردم، فرمود: اهل حجاز را نظری (رای) است و آن داخل در باطل (ناروا) است، آیا نشنیده ای که خداوند می فرماید: ﴿وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا﴾ و چون بر ناروایی گذرکنند به شتاب از آن دور شوند؟^۵

۱۴- ابویوب خزاز می گوید: به مدینه رفتیم و نزد امام جعفر صادق (ع)، به ما فرمود: «کجا بار نهاده اید؟» گفتیم: نزد فلانی که دارای نوازندگان و خوانندگان است. فرمودند: «گرامی باشید.» پس به خداوند سوگند ما گمان کردیم که به ما فرمود بفرمایید، به سوی ایشان بازگشتیم و عرض نمودیم که اینکه فرمودید

۱- بحار الأنوار: ۲۴۴/۷۶ ب ۹۹ ح ۱۷.

۲- (۲۵) سوره فرقان: آیه ۷۳.

۳- کافی: ۴۳۳/۶ باب الغناء... ح ۱۳، وسائل الشیعه: ۳۰۴/۱۷ ب ۹۹ ح ۲۲۵۹۸.

۴- بحار الأنوار: ۲۴۰/۷۶ ب ۹۹ ح ۳ و ۵ از تفسیر قمی: وَمِنْ النَّاسِ... قَالَ: الْغِنَاءُ وَشُرْبُ الْخَمْرِ وَجَمِيعُ الْمَلَاهِي.

۵- وسائل الشیعه: ۳۰۸/۱۷ ب ۹۹ ح ۲۲۶۱۲.

گرامی (کرام) باشید، مقصود شما را نفهمیدیم، فرمودند: آیا نشنیده اید که خدا می فرماید: ﴿وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا﴾ و چون بر ناروایی گذرکنند به شتاب از آن دور شوند؟^۱

۱۵- از امام صادق علیه السلام درباره فرمایش خداوند متعال: ﴿وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا﴾ سؤال شد؛ فرمود: از جمله آن غنا و شطرنج است.^۲
 آیه هشتم- ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ﴾^۳

ترجمه: برخی از مردم خریدار سخنان بیهوده (غنا) هستند تا (بدینوسیله) مردم را از راه خدا گمراه کنند و قرآن را به مسخره می گیرند. آنان کسانی هستند که عذابی خوارکننده برایشان است.

۱۶- از امام باقر و امام صادق و امام رضا علیهم السلام روایت گردیده است که درباره فرمایش خدای متعال: ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ﴾ فرمودند: از جمله آن (سخنان بیهوده) غناء است.^۴

۱۷- از امام صادق علیه السلام در مورد سخن خداوند متعال سؤال شد: ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ...﴾ فرمود: امام باقر علیه السلام فرمود: هُوَ الْغِنَاءُ وَقَدْ تَوَاعَدَ اللَّهُ عَلَيْهِ بِالنَّارِ. آن غنا می باشد، و همانا خداوند برای آن وعده آتش

۱- کافی: ۴۳۲/۶ باب الغناء... ح ۹، وسائل الشیعه: ۳۱۶/۱۷ ب ۱۰۱ ح ۲۲۶۴۲.

۲- دعائم الإسلام: ۲۰۸/۲ فصل ۴ ح ۷۶۳، مستدرک الوسائل: ۲۱۳/۱۳ ب ۷۸ ح ۱۵۱۴۷-۷.

۳- (۳۱) سوره لقمان علیه السلام: آیه ۷.

۴- وسائل الشیعه: ۳۱۰/۱۷ ب ۹۹ ح ۲۲۶۱۸ از تفسیر مجمع البیان.

داده است.^۱

۱۸- در کتاب فقه منسوب به امام رضا علیه السلام آمده است: **إِعْلَمَنَّ الْغِنَاءَ مِمَّا وَعَدَ اللَّهُ عَلَيْهِ النَّارَ فِي قَوْلِهِ: ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ...﴾**.

بدان! غنا از گناهانی است که خداوند در کلام خود برای (انجام دادن) آن، وعده آتش داده، آنجا که فرموده است: **﴿بِرْخَىٰ مِنْ أَهْلِ الْيَمِينِ﴾** (برخی از مردم خریدار سخنان بیهوده (غنا) هستند، تا مردم را بدینوسیله از راه خدا گمراه کنند و قرآن را به سخره می گیرند. عذابی خوارکننده برای آنهاست^۲.

۱۹- محمد بن مسلم می گوید: شنیدم امام باقر علیه السلام می فرمودند: غناء از گناهانی است که خداوند برای انجام آنها وعده آتش داده است، و این آیه را تلاوت فرمودند: **﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ﴾**^۳.

۲۰- قال الإمام الباقر علیه السلام: **الْغِنَاءُ مِمَّا وَعَدَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْهِ النَّارَ وَ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ: ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ﴾**^۴.

امام باقر علیه السلام فرمودند: همانا غنا از چیزهایی است که خداوند متعال در کلامش برای انجام دادن آن وعده آتش داده است. و این آیه را تلاوت فرمودند: **﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ﴾**

۱- مستدرک الوسائل: ۲۱۲/۱۳ ب ۷۸ ح ۱۵۱۴۲-۲.

۲- بحار الأنوار: ۲۴۶/۷۶ ب ۹۹- الغناء... ح ۲۳، مستدرک الوسائل: ۲۱۳/۱۳ ب ۷۸ ح ۱۵۱۴۹-۹.

۳- کافی: ۴۳۱/۶ باب الغناء... ح ۴، من لا يحضره الفقيه: ۵۸/۴ باب حد شرب الخمر و...، وسائل الشیعه: ۳۰۴/۱۷ ب ۹۹ ح ۲۲۵۹۹.

۴- کافی: ۴۳۱/۶ باب الغناء... ح ۴، وسائل الشیعه: ۳۰۴/۱۷ ب ۹۹ ح ۲۲۵۹۹، مستدرک الوسائل:

۲۱۳/۱۳ ب ۷۸ باب تحريم الغناء حتى في القرآن ح ۱۵۱۴۹-۹.

النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهُوَ الْحَدِيثُ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ».

۲۱- امام صادق (ع) فرمود: غنا همان «لَهُوَ الْحَدِيثُ» در کلام خداوند متعال است که فرمود: ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهُوَ الْحَدِيثُ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ﴾.^۱

۲۲- حسن بن هارون می گوید: شنیدم امام صادق (ع) فرمودند: مجلس غنا مجلسی است که خداوند متعال به اهل آن مجلس نظر رحمت نمی اندازد و از مجالسی است که (خداوند) درباره اش فرموده است: ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهُوَ الْحَدِيثُ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ﴾.^۲

۲۳- و شاء می گوید: شنیدم امام رضا (ع) فرمودند: از امام صادق درباره غنا سؤال شد، حضرتش فرمود: غنا همان است که خداوند درباره اش فرمود: ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهُوَ الْحَدِيثُ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ﴾.^۳

آیه نهم - ﴿وَأَفْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَاعْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ﴾^۴ ترجمه: (از نصایح حضرت لقمان (ع) به فرزندش است که فرمود:) در رفتار (راه رفتن) راه میانه را برگزین و صدایت را فرود آور، زیرا ناخوش ترین نواها صدای خران است.

۲۴- افتخار جهان تشیع شیخ محمد بن الحسن الحر العاملی (ع) صاحب کتاب شریف «وسائل الشیعة»، در کتاب ارزشمند خود «الإثنی عشریة فی الردّ علی

۱- کافی: ۴۳۱/۶ باب الغناء... ح ۵، ووسائل الشیعة: ۱۷ ص ۳۰۵ ب ۹۹ ح ۲۲۶۰۰.

۲- کافی: ۴۳۳/۶ باب الغناء... ح ۱۶، ووسائل الشیعة: ۱۷/۳۰۷ ب ۹۹ ح ۲۲۶۰۹.

۳- کافی: ۴۳۲/۶ باب الغناء... ح ۸، ووسائل الشیعة: ۱۷ ص ۳۰۶ ب ۹۹ باب تحریم الغناء... ح ۲۲۶۰۴.

۴- (۳۱) سوره لقمان (ع): آیه ۲۰.

الصَّوْقِيَّةُ» از جمله آیاتی که در حرمت غناء (موسیقی) ذکر می فرماید آیه: ﴿إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ﴾ می باشد و می نویسد: به روایت برخی از علمای ما منظور از این صدا غناست.

آیه دهم- ﴿وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا أَنْفَضُوا إِلَيْهَا وَتَرَكُوكَ قَائِمًا قُلْ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ اللَّهِوِ وَمِنَ التِّجَارَةِ وَاللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ﴾^۱

ترجمه: و چون تجارتی را دیدند و یا صدای آوازی (غنا، موسیقی) را شنیدند به سوی آن رفته و تو را (در حال ایراد خطبه جمعه) ایستاده رها می کنند و از گرد تو پراکنده می شوند، بگو: آنچه نزد خداست از سرگرمی و تجارت بهتر است، و خدا بهترین روزی دهندگان است.

۲۵- امام صادق (ع) از پدران خود نقل نموده است که فرمودند: همچنان که پیامبر در روز جمعه ای ایستاده خطبه نماز جمعه را ایراد می فرمودند، و در آن نزدیکی بازاری بود که به نام بطحاء نامیده می شد و بنو سُلَیم در آن برده ها و شتران و گوسفندان خود را برای فروش می آوردند و در چنین اوقاتی و هنگام ازدواج خود، تنبک و تار (موسیقی) می نواختند، و چون مردم می شنیدند به سوی آنها می رفتند و پیامبر خدا را ایستاده رها می کردند، پس خداوند آنها را به این سبب سرزنش فرمود و این آیه را فرستاد: ﴿وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا أَنْفَضُوا إِلَيْهَا وَتَرَكُوكَ قَائِمًا قُلْ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ اللَّهِوِ وَمِنَ التِّجَارَةِ وَاللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ﴾^۲.

محدث بزرگ جهان تشیع علامه ملا محمد باقر مجلسی (رحمته الله) می فرماید: فرمایش

۱- (۶۲) سوره جمعه: آیه ۱۲.

۲- مستدرک الوسائل ۲۴/۶ ب ۱۴ ح ۶۳۴۶-۳.

خداوند متعال: ﴿وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا﴾ مقصود از «لهو» همان طبل است و گفته شده است که مقصود از آن آلات موسیقی است، و معنای «انْفَضُّوا إِلَيْهَا» یعنی از کنار تو پراکنده شوند و به سوی آن بروند.^۱

۲۶- تفسیر مجاهد و ابویوسف یعقوب بن ابی سفیان از ابن عباس در مورد کلام خداوند متعال: ﴿وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انْفَضُّوا إِلَيْهَا وَتَرَكُوكَ قَائِمًا﴾ نقل کرده اند که: دحیه کلبی در روز جمعه ای از شهر شام غذا آورده بود و در محلی به نام احجار الزيت بار انداخت، سپس برای آگاهی مردم به طبل نواخت؛ پس از شنیدن آن صداها مردم از پیرامون رسول خدا ﷺ پراکنده شدند و تنها حضرت علی و امام حسن و امام حسین و حضرت فاطمه و سلمان و ابوذر و مقداد و صُهیّب، کس دیگری نماند و رسول خدا را ایستاده بر روی منبر ترک نمودند، آنگاه حضرت فرمود: لَقَدْ نَظَرَ اللَّهُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ إِلَى مَسْجِدِي فَلَوْلَا الْفِتْنَةُ الَّذِينَ جَلَسُوا فِي مَسْجِدِي لَأَضْرَمْتُ الْمَدِينَةَ عَلَى أَهْلِهَا وَحُصِبُوا بِالْحِجَارَةِ كَقَوْمِ لُوطٍ.

بدرستی که خداوند در روز جمعه به مسجدم نظر فرمود و همانا اگر نبودند گروهی که در مسجد من باقی ماندند، هرآینه شهر بر اهل آن آتش می گرفت و (اهل شهر) مانند قوم لوط سنگباران می شدند.

و درباره آن گروه که در مسجد ماندند این آیه نازل گردید: ﴿رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ﴾ مردانی که تجارت و خریدوفروش آنها را از یاد خدا و ادامه نماز و دادن زکات باز نمی دارد، آنان از روزی که دلها و دیده‌ها دگرگون می شوند

۱- بحار الأنوار: ۵۹/۲۲ ب ۳۷ تفسیر الآیات.

بیم دارند ﴿۲۰۱﴾

۲۷- در تفسیر شریف علی بن ابراهیم قمی رحمته الله آمده است: پیامبر صلی الله علیه و آله در روز جمعه ای در حال ایراد خطبه بودند؛ در آن هنگام کاروان آذوقه ای وارد شهر شد و جلوی آن گروهی بود که به دف و دیگر ابزار موسیقی می نواختند، مردم نمازگزار با شنیدن آن صدا، نماز را رها کردند و برای تماشای آنها (از مسجد) بیرون رفتند، آنگاه خداوند متعال این آیه را نازل فرمود: ﴿وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انْفَضُّوا إِلَيْهَا وَتَرَكُوكَ قَائِمًا قُلْ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ اللَّهِوِ وَمِنَ التِّجَارَةِ وَاللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ﴾^۳

۱- (۲۴) سوره نور: آیه ۳۸.

۲- بحار الأنوار: ۱۹۵/۸۶ تبیین ح ۳۹.

۳- تفسیر قمی: ۳۶۷/۲ س ۶۲، بحار الأنوار: ۷۲/۲۲ ب ۳۷ ح ۲۴.

غنا و موسیقی از دیدگاه اهل بیت علیهم السلام

۱- نهی الهی

قال رسول الله ﷺ: إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ الدَّفَّ وَ الْكُوبَةَ وَ الْمَزَامِيرَ وَ مَا يُلْعَبُ بِهِ.^۱
پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: همانا خداوند دف زدن و طبل زدن و بازی با آنچه (از ابزار موسیقی) با آن بازی می شود را حرام نموده است.

۲- نهی نبوی ﷺ

قال رسول الله ﷺ: أَنْهَى أُمَّتِي عَنِ الزَّفْنِ وَالْمَزْمَارِ وَعَنِ الْكُوبَةِ وَ الْكِنَارَاتِ (الْكُوبَاتِ).^۲
پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: امت خود را از رقصیدن و نی زدن و طبل زدن و تنبک زدن باز می دارم.

نَهَى رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَنِ اللَّعِبِ بِالنَّرْدِ وَ الشَّطْرَنْجِ وَ الْكُوبَةِ وَ الْعُرْطَةِ وَ هِيَ الطُّنْبُورُ وَ الْعُودُ...^۳

۱- مستدرک الوسائل: ۲۱۸/۱۳ ح ۱۵۱۷۰-۱۱.

۲- کافی: ۴۳۱/۶ باب الغناء... ح ۷، دعائم الإسلام: ۲۰۷/۲ ح ۷۵۴، وسائل الشیعه: ۳۱۴/۱۷، مستدرک

الوسائل: ۲۱۷/۱۳ ح ۱۵۱۶۵-۶.

۳- من لا یحضره الفقیه: ۳/۴ ح ۴۹۶۸، أمالی شیخ صدوق: ۴۲۴ مجلس ۶۶ ح ۱.

رسول خدا ﷺ از بازی کردن با نرد و شطرنج و طبل و طنبور و دیگر ابزارهای موسیقی ... نهی فرمودند.

۳- مأموریتی الهی

قال رسول الله ﷺ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ بَعَثَنِي رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ وَلِأَمْحَقِ الْمَعَازِفَ وَالْمَزَامِيرَ وَأُمُورَ الْجَاهِلِيَّةِ.^۱

پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: بدرستی که خدا مرا رحمتی برای جهانیان، به پیامبری مبعوث فرمود و مرا برانگیخت تا آلات موسیقی و نی ها و امور زمان جاهلیت (کفر) را از میان ببرم.

قال رسول الله ﷺ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى بَعَثَنِي هُدًى وَ رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ وَأَمَرَنِي أَنْ أَمْحُوَ الْمَزَامِيرَ وَ الْمَعَازِفَ وَ الْأُوتَارَ وَ الْأَوْثَانَ وَأُمُورَ الْجَاهِلِيَّةِ. إِلَى أَنْ قَالَ: إِنَّ آلَاتِ الْمَزَامِيرِ شِرَافُهَا وَ بَيْعُهَا وَ ثَمْنُهَا وَ التَّجَارَةُ بِهَا حَرَامٌ.^۲

پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: خداوند متعال مرا برای هدایت و رحمت برای عالمیان به پیامبری برانگیخت، مرا امر نمود که نی ها و آلات موسیقی و تارها و بتها و امور زمان جاهلیت (کفر) را از میان ببرم... همانا خرید و فروش و پولی که (در این راه) داد و ستد می شود و تجارت با ابزار موسیقی حرام است.

۴- نردبان فحشاء

قال رسول الله ﷺ: الْغِنَاءُ رُقِيَّةُ الزَّنى.^۳

پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: غنا افسون زناست.

توضیح: شیطان با این تزویر به سوی اعمال منافی عفت فرا می خواند. و همان

۱- کافی: ۳۹۵/۶ باب شارب الخمر... ح ۱، بحار الأنوار: ۱۲۵/۷۶ ح ۴.

۲- مستدرک الوسائل: ۲۱۹/۱۳ ح ۱۵۱۷۵-۱۶.

۳- جامع الأخبار: ۱۸۰.

چیزی که از آن می ترسیدیم، جامعه را فرا خواهد گرفت و دیگر کسی پاییند به اصول اخلاقی نخواهد بود. و این است تابلوی علامت به سوی ناکجاآباد...
 ۵- مانند شکوفه؟!...

قال الإمام الباقر (ع): الْغِنَاءُ يُنْبِتُ النِّفَاقَ فِي الْقَلْبِ، كَمَا يُنْبِتُ النِّخْلُ الطَّلْعَ.^۱
 امام باقر (ع) فرمودند: موسیقی و آوازه خوانی در دل دورویی می کارد همچنان که درخت خرما شکوفه می زند.

۶- آشیانه دو رویی
 قال الإمام الصادق (ع): الْغِنَاءُ عَشُّ النِّفَاقِ.^۲
 امام صادق (ع) فرمودند: آوازه خوانی و موسیقی، آشیانه دورویی است.

۷- تهی دستی
 قال الإمام الصادق (ع): الْغِنَاءُ يُوْرِثُ النِّفَاقَ، وَ يُعَقِّبُ الْفَقْرَ.^۳
 امام صادق (ع) فرمودند: آوازه خوانی و موسیقی، دورویی و تهیدستی به بار می آورد.

۸- پست ترین مخلوق
 قال الإمام الصادق (ع): مَجْلِسُ الْغِنَاءِ مَجْلِسٌ لَا يَنْظُرُ اللَّهُ (عَزَّوَجَلَّ) إِلَى أَهْلِهِ، وَالْغِنَاءُ أَخْبَثُ مَا خَلَقَ اللَّهُ (تَعَالَى)، وَالْغِنَاءُ يُوْرِثُ النِّفَاقَ وَ يُعَقِّبُ الْفَقْرَ.^۴
 امام صادق (ع) فرمودند: مجلس موسیقی و آوازه خوانی، مجلسی است که خدای متعال بر اهل آن نظر رحمت نمی اندازد (رحمت الهی شامل حال آنها نمی شود)؛

۱- دعائم الإسلام: ۲/۲۰۸ فصل ۴ ح ۷۶۱.

۲- کافی: ۶/۴۳۱ کتاب الأشربة، باب الغناء ح ۲ و در علل الشرائع و ثواب الأعمال مانند آن آمده است.

۳- خصال: ۱/۲۴ ح ۸۴.

۴- دعائم الإسلام: ۲/۲۰۷ فصل ۴ ح ۷۵۶.

و موسیقی و آوازه خوانی بدترین و پلیدترین آفریدگان خداوند هستند، موسیقی و آوازه خوانی دورویی و تهی دستی به بار می آورد.

۹- حرام محض

قال الإمام الصادق (ع): إِنَّمَا حَرَّمَ اللَّهُ الصَّنَاعَةَ الَّتِي هِيَ حَرَامٌ كُلُّهَا الَّتِي يَجِيءُ مِنْهَا الْفَسَادُ مُحْضًا نَظِيرَ الْبُرَابِطِ وَالْمَزَامِيرِ وَالشُّطْرَنْجِ وَكُلِّ مَلْهُوٍّ بِهِ وَالصُّلْبَانِ وَالْأَصْنَامِ وَمَا شَبَّهَ ذَلِكَ مِنْ صِنَاعَاتِ الْأَشْرِيَةِ الْحَرَامِ وَمَا يَكُونُ مِنْهُ وَفِيهِ الْفَسَادُ مُحْضًا وَلَا يَكُونُ مِنْهُ وَلَا فِيهِ شَيْءٌ مِنْ وُجُوهِ الصَّلَاحِ فَحَرَامٌ تَعْلِيمُهُ وَتَعَلُّمُهُ وَالْعَمَلُ بِهِ وَآخِذُ الْأَجْرِ عَلَيْهِ وَجَمِيعُ التَّقَلُّبِ فِيهِ مِنْ جَمِيعِ وُجُوهِ الْحَرَكَاتِ كُلِّهَا.^۱

امام صادق (ع) فرمودند: و همانا خداوند متعال کار و ابزاری را حرام کرده است که تمام (کاربرد و مصرف) آن حرام است و جز در راه فساد کاربرد ندارد؛ مانند تارسازی و نی سازی و شطرنج سازی و هر آلت لهُو دیگری و همچنین حرام فرموده است ساختن صلیب ها و بت ها و شبیه آن ها، مانند نوشیدنی های حرام و آنچه که از آن و در آن جز فساد نیست و از آن و در آن چیزی از کاربردهای سالم نباشد. آموختن آن و آموزش دادن آن و کار کردن با آن و مزد گرفتن برای آن و همه کاربردهای آن و هرگونه حرکتی با آنها حرام است.

۱۰- آموزش کفر...

قال الإمام الصادق (ع): لَا يَجِلُّ بَيْعُ الْغِنَاءِ وَلَا شِرَاؤُهُ وَاسْتِمَاعُهُ نِفَاقٌ وَتَعَلُّمُهُ كُفْرٌ.^۲

امام صادق (ع) فرمودند: خرید و فروش (آلات) موسیقی حرام است و گوش دادن به آن دورویی و آموختن آن (همسان) کفر است.

۱- وسائل الشیعه: ۸۳/۱۷ ح ۴۷/۲۲۰.

۲- دعائم الإسلام: ۲/۲۰۹ فصل ۴ ح ۷۶۷.

۱۱- پای کوبی شیطان...

قال رسول الله ﷺ: مَا رَفَعَ أَحَدٌ صَوْتَهُ بِغِنَاءٍ إِلَّا بَعَثَ اللَّهُ شَيْطَانَيْنِ عَلَى مَنْكِبَيْهِ يَضْرِبَانِ بِأَعْقَابِهِمَا عَلَى صَدْرِهِ حَتَّى يُمْسِكَ.^۱

پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: هیچ کس صدای خود را به آوازه خوانی بلند نمی کند مگر اینکه خداوند متعال دو شیطان را می فرستد که بر شانه هایش بنشینند و با پاشنه هایشان به سینه او بکوبند تا هنگامی که از آوازه خوانی بازایستد.

۱۲- نفرین کبوتران

قال الإمام عليّ ﷺ: تَدْعُوا عَلَى أَهْلِ الْمَعَازِفِ وَالْقِيَانِ وَالْمَزَامِيرِ وَالْعِيدَانِ.^۲

امام امیرالمؤمنین علی ﷺ فرمودند: کبوتر راعبی (نوعی کبوتر) بر نوازندگان موسیقی و ترانه خوانان و نی زنان و تار زنان لعنت می فرستد.

۱۳- نا امن و بی نور

قال الإمام الصادق ﷺ: بَيْتُ الْغِنَاءِ لَا تُؤْمَنُ فِيهِ الْفَجِيعَةُ وَلَا تُجَابُ فِيهِ الدَّعْوَةُ وَلَا يَدْخُلُهُ الْمَلَكُ.^۳

امام صادق ﷺ فرمودند: خانه ای که در آن آوازه خوانی شده و موسیقی نواخته می شود، خانه ای است که از وقوع حوادث ناگوار ایمن نیست، دعا در آن مستجاب نمی شود و هیچ فرشته ای وارد آن نمی شود.

۱۴- غضب الهی

نَرُوي أَنَّهُ مَنْ أَبْقَى فِي بَيْتِهِ طُنْبُورًا أَوْ عُودًا أَوْ شَيْئًا مِنَ الْمَلَاهِي مِنَ الْمُعْرِفَةِ

۱- جامع الأخبار: ۱۵۴.

۲- وسائل الشیعه: ۴۴۳/۲۱ ح ۲۷۵۳۶.

۳- کافی: ۴۳۳/۶ ح ۱۵، دعائم الاسلام: ۲۰۸/۲ فصل ۴ ح ۷۶۲: بَيْتُ الْغِنَاءِ بَيْتٌ لَا تُؤْمَنُ فِيهِ الْفَجِيعَةُ وَلَا تُجَابُ فِيهِ الدَّعْوَةُ وَلَا تَدْخُلُهُ الْمَلَائِكَةُ، وسائل الشیعه: ۳۰۳/۱۷ ح ۹۹ ب ۲۲۵۹۴، مستدرک الوسائل: ۲۱۳/۱۳ ب ۷۸ ح ۱۵۱۴۶-۶.

وَالشُّطْرُنَجِ وَأَشْبَاهِهِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا فَقَدْ بَاءَ بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ فَإِنْ مَاتَ فِي أَرْبَعِينَ مَاتَ فَاجِرًا فَاسِقًا وَمَاوَاهُ النَّارُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ^۱

از امام رضا علیه السلام روایت شده که فرموده اند: هرکس در خانه خود یکی از ابزارهای موسیقی و شطرنج و مانند آنها را چهل روز نگهدارد به غضب خدا گرفتار آید، اگر در آن مدت بمیرد، فاجر (گناه کار) و فاسق (کسی که آشکارا گناه می کند) مرده است و جایگاه او آتش است و چه بد جایگاهی است.

۱۵- حشرنوازنده و...

قال رسول الله ﷺ: يُحْشَرُ صَاحِبُ الطُّنْبُورِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَهُوَ أَسْوَدُ الْوَجْهِ وَبِيَدِهِ طُنْبُورٌ مِنَ النَّارِ وَفَوْقَ رَأْسِهِ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ بِيَدِ كُلِّ مَلَكٍ مِقْمَعَةٌ يَضْرِبُونَ رَأْسَهُ وَوَجْهَهُ وَ يُحْشَرُ صَاحِبُ الْغِنَاءِ مِنْ قَبْرِهِ أَعْمَى وَ أَخْرَسَ وَ أَبْكَمَ وَ يُحْشَرُ الزَّانِي مِثْلَ ذَلِكَ وَ صَاحِبُ الْمَرْمَرِ مِثْلَ ذَلِكَ وَ صَاحِبُ الدَّفِّ مِثْلَ ذَلِكَ^۲.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: اهل طنبور (نوازنده و شنونده و...) روز قیامت در حالی محشور می شوند که روسیاه هستند و طنبوری از آتش به دست دارند و هفتاد هزار فرشته از بالای سر با عمود آهنین بر سر و صورت آنها می زنند. آوازه خوان، کور و کر و گنگ از گورش محشور می گردد و زناکار و نوازنده نی و نوازنده دف نیز با این حالت محشور می شوند.

۱۶- نشانه آخر الزمان

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْعَبَّاسِ قَالَ: حَجَجْنَا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ حَجَّةَ الْوُدَاعِ فَأَخَذَ بِحَلْقَةِ بَابِ الْكُفْبَةِ وَأَقْبَلَ بِوَجْهِهِ عَلَيْنَا: عَاشِرَ النَّاسِ أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِأَشْرَاطِ السَّاعَةِ؟ قَالُوا: بَلَى يَارَسُولَ اللَّهِ. قَالَ: مِنْ أَشْرَاطِ السَّاعَةِ إِضَاعَةُ الصَّلَوَاتِ وَ... وَ تَظْهَرُ الْكُوبَةُ وَ الْقَيْنَاتُ

۱- فقه الرضا علیه السلام: ۲۸۲ ب ۴۵.

۲- بحار الأنوار: ۲۵۳/۷۶ ح ۱۲ و مستدرک الوسائل: ۲۱۵/۱۳ ح ۱۵۱۷۶-۱۷.

وَالْمَعَارِضَ وَ الْمَيْلُ إِلَى أَصْحَابِ الطَّنَابِيرِ وَالدُّفُوفِ وَ الْمَزَامِيرِ وَ سَائِرِ آلَاتِ اللّٰهُوْ أَلَا وَ مَنْ
 أَعَانَ أَحَدًا مِنْهُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الدِّينَارِ وَ الدَّرْهَمِ وَ الْأَلْبَسَةِ وَ الْأُطْعَمَةِ وَ غَيْرَهَا فَكَأَنَّمَا زَنَى
 مَعَ أُمِّهِ سَبْعِينَ مَرَّةً فِي جَوْفِ الْكَعْبَةِ فَعِنْدَهَا يَلِيهِمْ أَشْرَارُ أُمَّتِي وَ تُنْتَهَكُ الْمَحَارِمُ
 وَ تُكْتَسَبُ الْمَآثِمُ وَ تُسَلَّطُ الْأَشْرَارُ عَلَى الْأَخْيَارِ وَ يَتَبَاهَوْنَ فِي اللَّبَاسِ وَ يَسْتَحْسِنُونَ
 أَصْحَابَ الْمَلَاهِي وَ الزَّانِيَاتِ فَيَكُونُ الْمَطَرُ قَيْظًا وَ يَغِيظُ الْكِرَامُ غَيْظًا وَ يَفْشُو الْكَذِبُ
 وَ تَظْهَرُ الْحَاجَةُ وَ تَفْشُو الْفَاقَةُ فَعِنْدَهَا يَكُونُ أَقْوَامٌ يَتَعَلَّمُونَ الْقُرْآنَ لِغَيْرِ اللَّهِ فَيَتَّخِذُونَهُ
 مَزَامِيرَ وَ يَكُونُ أَقْوَامٌ يَتَفَقَّهُونَ لِغَيْرِ اللَّهِ وَ يَكْثُرُ أَوْلَادُ الزَّنى وَ يَتَغَنَّوْنَ بِالْقُرْآنِ
 فَعَلَيْهِمْ مِنْ أُمَّتِي لَعْنَةُ اللَّهِ وَ ... فَأُولَئِكَ يُدْعَوْنَ فِي مَكُوتِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ
 الْأَرْجَاسَ وَ الْأُنْجَاسَ.^۱

پیامبر ﷺ در حجة الوداع حلقه در کعبه را گرفتند، رو به مردم کردند و فرمودند:
 ای مردم! آیا شما را به نشانه های ساعت (آخر الزمان) خبر دهم؟ گفتند: آری.
 فرمود: از نشانه های ساعت است: تباه نمودن نمازها و... و طبل ها، زنان
 آوازه خوان، ابزارهای موسیقی و میل به نوازندگان طنبور و دف و نی و سایر
 آلات موسیقی آشکار شود.

آگاه باشید هر که آنها را به دینار و درهمی (از نظر مالی) و یا پوشاک و غذایی و یا
 غیر از این ها کمک کند؛ گناهِش مانند کسی است که با مادر خود در درون کعبه
 هفتاد مرتبه زنا نموده باشد. در آن هنگام بدترین اَمّت آنها را سرپرستی کنند
 و حرمت ها هتک گردد و گناهان کسب شوند، شرورترین افراد بر نیکوکاران چیره
 گردند، با پوشاک خود بر یکدیگر فخر فروشند و نوازندگان و اهل فساد و زنان
 بی عفت را نیکو بشمارند، آنگاه باران (به جای رحمت) بلا خواهد بود و...

و دروغ گفتن آشکار گشته، نیازمند فراوان شود و تهی دستی آشکار گردد، آن زمان گروه هایی قرآن را برای غیر خداوند بیاموزند و آن را به آواز بخوانند و گروه هایی علم فقه را بیاموزند برای غیر خداوند و زنازادگان زیاد شوند و قرآن را با آواز بخوانند، پس آنگاه از (سوی) امتّ لعنت خدا بر آنان باد و... آنان در ملکوت آسمانها و زمین نجس ها و آلوده ها خوانده می شوند.

سخن پایانی

ای کاش همه ما معنای گناه را می فهمیدیم . چهار حرف بیشتر ندارد ولی چهار ستون بدن را می لرزاند . چه چیز بدتر از این است که خدا نگاه لطف خود را از من بگیرد؟ یا نه ، من به او پشت کنم و نخواهم بپذیرم که او برای من نیکویی را می پسندد؟ ... نخواهم ببینم که او مرا پاک می خواهد ، برای خودش بدون غل و غش ، تا امروز دنیایم آباد باشد و وسیله ای برای آباد شدن زندگی جاودانه ام ، فراهم سازم؟!...

براستی مگر زور و زر دنیا چه چیزی با خود دارد و چقدر ارزش و دوام دارد که من بخواهم احساس در سایه لطف خدا بودن را به آن بفروشم؟ آیا اگر همه دنیا از آن ما بود ، حاضر نبودیم آن را بپردازیم تا خدا از ما راضی شود؟

فقط همین را بدانیم : برای آن مرد از آن سلاله پاک ، یک قدم هم برداریم کافست . اگر هر کدام از ما یک قدم بردارد ، راهی نمانده ، خوب بودن سخت نیست ، اما تلاش می خواهد و درک اینکه این یک قدم ها وظیفه ای است که باید

از عهده آن برآیم، خود حکایتی طولانی دارد، پس به جای حرف بهتر است به دنبال عمل برویم.

و در پایان تو را که می دانم قلبت از آن اوست و برای او می تپد به او می سپارم تا به من و ما بگوید: فرقی نمی کند که موسیقی چطور نواخته شود، تفاوتی نیست که مثلاً مطرب باشد یا غیر آن. و هرگز در هیچ یک از جنگ های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، امیرالمؤمنین، امام مجتبی و حضرت سیدالشهداء علیه السلام طبل و دهل نبوده و این ابزار در میان دستهای آلوده طرف مقابل بوده است. و بگوید اگر خدای ناکرده همراه با نوای شیطانی موسیقی، قرآن تلاوت کردیم یا برای اهل بیت علیهم السلام مرثیه سرودیم، خداوند را به صورت مضاعف نافرمانی نموده ایم.

کافی است نگاهی به ادیان نسخ و تحریف شده و پیروان فرقه های گمراه و گمراه کننده بیندازیم و توجه کنیم که چه کسانی هستند که از این آلات استفاده می کنند. خدا کند که بفهمیم، و اگر فهمیدیم به لطف او، خدا کند که وارد راه شویم، و اگر وارد راه شدیم به لطف او، خدا کند رهایش نکنیم، باز هم به لطف او ...

و آخِرُ دَعْوَانَا أَنِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

و صَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَ لَعْنَةُ اللهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ

حیدر حسین التریبی الکربلائی عفی الله عن والدیه و عنه آمین

جمادی الآخر ۱۴۲۸ هـ. ق

غلام و بنده آنم که قطب ارض و سماست	به یمن مقدم و تدبیرش این جهان برپاست
امام ، حجت موجود ، مهدی موعود	که از طفیل وجودش حیات ما برخاست
ز غیب او چه اگر دل به نیمه جان آمد	ولی شمیم ولایش به دوست جان افزاست
چو دل به او بسپر دم دگر نگیرم پس	که ارتداد و تلّون ز پیروان هواست

کجا روم ز که گیرم که اوست منبع فیض
هم اوست مرشد و هم رهنما و باب هداست

از سروده های مرحوم آیه الله حاج شیخ جواد خراسانی

کتابنامه

القرآن الکریم، کلام الله ﷻ.

نهج البلاغة: الإمام أمير المؤمنين علي بن أبي طالب عليه السلام (شهادت سال ۴۰هـ).

چاپ دارالمعرفه - بيروت.

و تحقیق صبحی الصالح، نشر دارالأسوه، اوقاف چاپ اول ۱۴۱۵هـ.

الف

الإثنى عشرية في الردّ على الصّوفيّة= نقدی جامع بر تصوّف: المحدث الجلیل

الشیخ محمد بن حسن الحرّ العاملی رحمه الله (ت ۱۱۰۴هـ)، مترجم: عباس جلالی،

انتشارات انصاریان- قم، چاپ اول ۱۴۲۵هـ.

الإحتجاج: احمد بن علی بن ابی طالب الطبرسی (ت ۵۶۰هـ)، منشورات دارالنعمان

نجف اشرف.

إرشاد القلوب: حسن بن ابی الحسن محمد الدیلمی (از علمای قرن هشتم)، نشر

رضى - قم، چاپ دوم ١٤٠٩ هـ.

و دارالأسوة، تهران، ١٤١٧ هـ.

الإستبصار: محمد بن حسن الطوسي (ت ٤٦٠ هـ)، دارالكتب الإسلامية - تهران.

أعلام الدّين: الواعظ الديلمي (ت ٨٤١ هـ) مؤسسه آل البيت (ع) - قم، چاپ اول.

إعلام الوری: امین الاسلام فضل بن حسن الشیخ الطبرسی (ت ٥٤٨ هـ)، انتشارات

دارالكتب الإسلامية - قم، چاپ سوم.

الأمالی: الشیخ الصدوق محمد بن علی بن حسین بن بابویه القمّی (ت ٣٨١ هـ)،

مکتبة الإسلامية، ١٣٦٢ ش.

الأمالی: ابوجعفر محمد بن حسن الطوسي (ت ٤٦٠ هـ)، دارالثقافة - قم، چاپ اول

١٤١٤ هـ.

و مؤسسه بعثت - قم، چاپ اول ١٤١٤ هـ.

ب

البرهان في تفسير القرآن: المحدث الجليل السيّد هاشم بن سليمان البحراني

(ت ١١٠٧ هـ)، مؤسسه بعثت - قم، چاپ اول ١٤١٥ هـ.

بحار الأنوار: العلّامة محمد باقر المجلسی (ت ١١١١ هـ.ق)، دار الكتب الإسلامية

تهران، چاپ چهارم ١٣٦٢ ش.

و مؤسسه الوفاء - بيروت، ١٤٠٣.

بصائر الدّرجات: محمد بن حسن الصفّار (ت ٢٩٠ هـ)، انتشارات کتابخانه آیه الله

مرعشی نجفی، چاپ دوم.

ت

التَّبَيَان فِي تَفْسِيرِ الْقُرْآن: مُحَمَّد بن حَسَن الطُّوسِي (ت ۴۶۰هـ)، مَكْتَبَةُ الْأَمِين - نَجَف
أَشْرَف، ۱۳۸۱هـ.

تَحْفُ الْعُقُول: حَسَن بن عَلِي الْحَرَّانِي (قَرْن چَهَارم)، جَامِعُهُ مَدْرَسِينَ حَوْزُهُ عِلْمِيهِ
قَم، چاپ دوم ۱۴۰۴ هجری.

تَذْكِرَةُ الْفُقَهَاء: الْعَلَّامَةُ حَسَن بن يُونُس الْحَلِّي (ت ۷۲۶هـ)، چاپ سَنَگِي مَكْتَبَةُ
الْمُرْتَضَوِيَّة - قَم.

تَفْسِيرِ ابْنِ كَثِير: اِسْمَاعِيل بن كَثِير الْقُرَشِي الدَّمَشَقِي (ت ۷۷۴هـ)، چاپ دَارِ الْمَعْرِفَةِ
بِيْرُوت، ۱۴۰۲هـ.

تَفْسِيرِ صَافِي: مُحَمَّد بن حَسَن بن شَاهِ مَرْتَضَى الْفَيْض الْكَاشَانِي (ت ۱۰۹۱هـ)،
مَكْتَبَةُ الصَّدْر - تَهْرَان، چاپ اول ۱۴۱۵هـ.

تَفْسِيرِ الْقَمِّي: عَلِي بن اِبْرَاهِيم الْقَمِّي (ت ۳۲۹هـ)، مَوْسَسَةُ دَارِ الْكِتَاب - قَم، چاپ
سوم ۱۴۰۴هـ.

تَفْسِيرِ نَوْرِ الثَّقَلَيْن: شَيْخ عَبْد عَلِي بن جَمْعَةِ الْعُرُوسِي الْحَوِيزِي (ت ۱۱۱۲هـ)،
تَحْقِيق: سَيِّد هَاشِم رَسُوْلِي مَحَلَّاتِي، چاپ و نَشْر مَوْسَسَةِ اِسْمَاعِيلِيَان - قَم.

تَفْسِيرِ الْعِيَّاشِي: مُحَمَّد بن مَسْعُود الْعِيَّاشِي (ت ۳۲۰هـ)، چاپْخَانَةُ عِلْمِيهِ - تَهْرَان،
۱۳۸۰ هجری.

تَهْذِيبُ الْأَحْكَام: مُحَمَّد بن حَسَن الطُّوسِي (ت ۴۶۰هـ)، دَارِ الْكُتُبِ الْإِسْلَامِيَّة - تَهْرَان
چاپ چَهَارم.

ث

ثواب الأعمال و عقاب الأعمال : الشيخ الصدوق محمد بن علي بن بابويه
(ت ٣٨١هـ)، نشر رضى ١٣٦٤ش .

ج

جامع الأخبار : محمد بن محمد السبزواري (قرن هفتم)، مؤسسه آل البيت عليه السلام
قم .

الجامع لأحكام القرآن : محمد بن احمد انصارى القرطبي (ت ٦٧١هـ)، دار إحياء
التراث العربى - بيروت، ١٤٠٥هـ .

الجعفریات (الأشعثيات) : محمد بن محمد بن اشعث الكوفى (قرن چهارم)، چاپ
مكتبة نينوى الحديثة - تهران .

جواهر الكلام في شرح شرائع الإسلام : محمد حسن النجفى (ت ١٢٦٦هـ)، نشر
دارالكتب الإسلامية - تهران .

و مؤسسه المرتضى العالمى - بيروت .

خ

الخراج و الجرائح : قطب الدين الراوندى (ت ٥٧٣هـ)، مؤسسه امام مهدى عليه السلام -
قم، چاپ اول ١٤٠٩هـ .

الخصال : الشيخ الصدوق محمد بن علي بن بابويه (ت ٣٨١هـ)، جامعه مدرسين

حوزه علمیه - قم.

الخلاف: محمد بن حسن الطوسی (ت ۴۶۰هـ)، تحقیق: سید جواد شهرستانی و سید علی خراسانی و شیخ محمد مهدی نجف، مؤسسه نشر اسلامی - قم، چاپ اول ۱۴۱۷هـ.

د

دعائم الإسلام: نعمان بن محمد التیمی المغربي (ت ۳۶۳هـ)، دارالمعارف - مصر، چاپ دوم ۱۳۸۵ هـ.
الدّعوات = سلوة الحزین: قطب الدین الراوندی (ت ۵۷۳هـ)، چاپ انتشارات مدرسه امام مهدی (عج) - قم، چاپ اول ۱۴۰۷ هجری.

ر

رازشطنج: سعید رمزی (معاصر)، نشر یوسف فاطمه - مشهد مقدس، چاپ چهارم ۱۳۸۵ ش.
رجال الکشی = إختیار معرفة الرجال: الشیخ أبوجعفر الطوسی (ت ۴۶۰هـ)، شرح و تعلیق: میرداماد استرآبادی، تحقیق: سید مهدی رجایی، مؤسسه آل البيت (ع) - قم، چاپ اول ۱۴۰۴هـ.
الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة: شهید ثانی زین الدین بن علی الجبعی العاملی (شهید در ۹۶۶هـ)، چاپ های متعدّد.
روضة الواعظین: الشهید محمد بن فتال النیشابوری (شهید در ۵۰۸هـ)، منشورات

رضی - قم .

و چاپ مکتبة المصطفوي - قم ، ۱۳۷۷ هـ .

و نشر دلیل ما - قم ، چاپ اوّل ۱۴۲۳ هـ .

ز

زبدة البیان فی أحكام القرآن : ملّا احمد مشهور به محقق اردبیلی (ت ۹۹۳ هـ) ،

کنگره محقق اردبیلی ، چاپ اوّل ۱۳۷۵ ش .

س

سلسلة الینایع الفقهيّة : علی اصغر مروارید (معاصر) ، مؤسسه فقه الشيعة - بيروت ،

چاپ اول ۱۴۱۰ هـ .

ش

شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام : ابوالقاسم جعفر بن محمد الحلّی

(ت ۶۷۲ هـ) ، دارالأضواء - بيروت ، ۱۴۰۳ و سایر چاپ ها .

شرح نهج البلاغة : عبد الحمید بن ابی الحديد المعتزلی (ت ۶۵۶ هـ) ، چاپ دار احیاء

الكتب العربيّة ، ۱۳۸۵ هـ .

ص

الصّاح تاج اللّغة و صحاح العربيّة : اسماعیل بن حمّاد الجوهري (ت ۳۹۸ هـ . ق) ،

دارالعلم للملّیین - بیروت، چاپ دوم ۱۴۰۴هـ.

ع

العدد القویّة لدفع المخاوف الیومیّة: علیّ بن یوسف الحلّی، برادر علّامه حلّی (قرن هشتم هجری)، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، چاپ اول ۱۴۰۸هـ.
 علل الشرائع: الشیخ الصدوق (ت ۳۸۱هـ.ق)، چاپخانه حیدریّه- نجف اشرف، ۱۳۸۶هـ.

عوالي اللآلی العزیزیّة فی الأحادیث الدینیّة: ابن ابی جمهور الأحسائی (ت ۸۸۰هـ)، تحقیق مجتبی عراقی، نشر سیّدالشهداء- قم، چاپ اول ۱۴۰۵هـ.
 عیون أخبار الرضا (ع): الشیخ الصدوق (ت ۳۸۱هـ)، نشر مؤسسه اعلمی- بیروت.

غ

غرر الحکم: عبدالواحد الآمدی التیمی (ت ۵۵۰هـ)، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه- قم، چاپ اول ۱۳۶۶ش.
 الغیبة: محمّد بن الحسن الطوسی (ت ۴۶۰هـ)، مؤسسه المعارف الإسلامیّه- قم، چاپ اول ۱۴۱۱هـ.

ف

فقه الرضا (ع): تحقیق مؤسسه آل البيت (ع)، چاپ کنگره جهانی امام رضا (ع).
 فقه القرآن: سعید بن عبدالله، القطب الراوندی (ت ۵۷۳هـ.ق)، کتابخانه آیه الله

مرعشی نجفی، چاپ اول ۱۳۹۷هـ.

ق

قرب الإسناد: عبدالله بن جعفر الحمیری القمّی (قرن سوّم هجرى)، کتابخانه نینوا
تهران.

و چاپ مؤسسه آل البيت عليه السلام - قم.

ک

الكافي: ثقة الإسلام أبوجعفر محمد بن يعقوب بن اسحاق الكليني الرازي
(ت ۳۲۹هـ)، دارالكتب الإسلامية - تهران، چاپ سوم ۱۳۸۸هـ.

كشف الغمّة: على بن عيسى بن ابي الفتح الإربلى (ت ۶۹۳هـ)، دارالأضواء
بيروت، چاپ دوم ۱۴۰۵هـ.

كشف المحجّة: السيّد ابوالقاسم على بن موسى بن جعفر بن طاووس الحلّي
(ت ۶۶۴هـ)، تحقيق: شيخ محمد حسّون، نشر مكتب الإعلام الإسلامى - قم.

كنز الفوائد: ابوالفتح محمد بن على الكراچكى (ت ۴۴۹هـ)، انتشارات مكتبة
المصطفى - قم.

كنز العرفان في فقه القرآن: مقداد بن عبدالله السيورى (ت ۸۲۶هـ)، کتابخانه نوید
اسلام - قم، چاپ اول ۱۴۲۲هـ.

كمال الدّین و تمام النّعمة: الشيخ الصدوق (ت ۳۸۱هـ)، مؤسسه نشر اسلامى - قم،
۱۴۰۵هـ.

- المبسوط: شيخ محمد بن حسن الطوسي، چاپ مكتبه مرتضويه.
- المقنع: محمد بن علي بن حسين بن بابويه القمي الصدوق (ت ٣٨١هـ)، نشر مؤسسه امام هادي (ع) - قم.
- المقنعه: الشيخ المفيد محمد بن محمد بن نعمان العكبري البغدادي (ت ٣١٤هـ)، نشر جامعه مدرسين، قم - ايران.
- متشابه القرآن: محمد بن علي بن شهر آشوب المازندراني (ت ٥٨٨هـ)، انتشارات بيدار، ١٣٢٨ش.
- مجموعه ورام = تنبيه الخواطر و نزهة النواظر: ورام بن ابي فراس المالكي الاثري (ت ٦٠٥هـ)، دار الكتب الاسلاميه - تهران.
- المحاسن: شيخ احمد بن محمد بن خالد البرقي (ت ٢٨٠هـ)، نشر دار الكتب الاسلاميه.
- مجمع البيان في تفسير القرآن: فضل بن حسن بن فضل الطوسي (ت ٥٦٠هـ)، نشر مؤسسه اعلمى - بيروت.
- مسائل علي بن جعفر و مستدركاتهما: علي بن جعفر الحسيني العلوي العريضي (ت ٢١٠هـ)، تحقيق مؤسسه آل البيت (ع)، چاپ اول ١٤٠٩هـ.
- مسالك الافهام في شرح شرائع الإسلام: الشيخ الشهيد الثاني، زين الدين بن علي بن احمد العاملي (شهيد در سال ٩٦٦هـ)، چاپ مؤسسه المعارف الاسلاميه - قم، ١٤١٤هـ.

مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل: الحاج میرزا حسین النوری الطبرسی (ت ۱۳۲۰هـ)، مؤسسه آل البيت عليه السلام - قم، ۱۴۰۷هـ.

مستطرفات سرائر: محمد بن ادريس الحلی (ت ۵۹۸هـ)، جامعه مدرسين حوزه علمیه - قم، چاپ دوم ۱۴۱۱هـ.

مشکوة الأنوار في غرر الأخبار: ابوالفضل علی طبرسی (وفات در اوایل قرن هفتم)، مؤسسه آل البيت عليه السلام - قم.

معانی الأخبار: الشيخ الصدوق محمد بن علی بن حسین بن بابويه القمي (ت ۳۹۱هـ)، تصحیح علی اکبر غفاری، نشر مکتبه صدوق - تهران، ۱۳۷۹هـ.

مکارم الأخلاق: ابونصر حسن بن فضل الطبرسی (از علمای قرن ششم)، منشورات شریف رضی.

و چاپ جامعه مدرسين قم.

منتخب الأنوار المضيئة: سيد علی بن عبدالکريم النيلي النجفی (در سال ۸۰۳ هجری زنده بوده است)، تحقیق و نشر مؤسسه امام هادی عليه السلام - قم، ۱۴۲۰.

من لا يحضره الفقيه: الشيخ الصدوق (ت ۳۸۱هـ)، نشر جامعه مدرسين حوزه علمیه - قم، چاپ دوم ۱۴۰۴هـ.

منية المريد في آداب المفيد والمستفيد: الشهيد الثاني زين الدين بن علی بن احمد العاملي الشامي (ت ۹۶۵هـ)، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه - قم، چاپ اول ۱۴۰۹هـ.

ن

النوادر: احمد بن محمد بن عيسى الأشعري القمّي (وفات در غیبت صغری)،
مؤسسه امام مهدی (عج) - قم، ۱۴۰۸ هـ.

النوادر: فضل الله بن علي الراوندی (از علمای قرن ششم هجری)، تحقیق و نشر
مؤسسه امام مهدی (عج) - قم.

النهاية في غريب الحديث و الأثر: مبارك بن محمد الجزري، ابن الأثير
(ت ۶۰۶ هـ)، چاپ اسماعيليان - قم، ۱۳۶۴.

نهج الحق و كشف الصدق: العلامة حسن بن يوسف بن علي بن مطهر الحلّي
(ت ۷۲۹ هـ)، چاپ چهارم، منشورات دارالهجرة - قم.

و

وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة: محمد بن حسن الحرّ العاملي
(ت ۱۱۰۴ هـ)، تحقیق مؤسسه آل البيت (ع) - قم، چاپ اوّل ۱۴۱۱ هـ.

فهرست آیات

صفحه	سوره/آیه	
۹	(۳۴) سبأ: ۴۶	﴿قُلْ إِنَّمَا أَعْطُكُمْ بِوَاحِدَةٍ...﴾
۹	(۳۰) روم: ۳۱	﴿فَطَرَتِ اللَّهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا﴾
۱۰	(۱۹) توبه: ۱۰۵	﴿وَقُلْ اْعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ...﴾
۱۱	(۶) انعام: ۱۵۴	﴿وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ...﴾
۱۲	(۷) اعراف: ۱۵۸	﴿وَيُجَلِّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ﴾
۱۲	(۸) انفال: ۳۸	﴿لِيُمَيِّزَ اللَّهُ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ﴾
۱۲	(۴) نساء: ۶۰	﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ...﴾
۱۲	(۴) نساء: ۱۴	﴿... وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ...﴾
۱۳	(۴) نساء: ۷۰	﴿وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ...﴾
۱۳	(۴) نساء: ۸۱	﴿مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ...﴾
۱۳	(۲۴) نور: ۵۳	﴿وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَخْشَ اللَّهَ...﴾
۱۳	(۳۳) احزاب: ۷۲	﴿... وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا﴾

١٣	(٤٨) فتح : ٨١	﴿... وَ مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ...﴾
١٣	(٧٦) انسان : ٤	﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَ إِمَّا كَفُورًا﴾
١٤	(٦) انعام : ٤٤	﴿فَلَوْ لَا إِذْ جَاءَهُمْ بِأُسْنَا تَصَرَّعُوا وَ لَكِنْ...﴾
١٤	(١٤) ابراهيم : ٢٣	﴿وَ مَا كَانَ لِي عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ...﴾
١٦	(٥١) ذاريات : ٥٦	﴿وَ ذَكَرْ فَإِنَّ الذِّكْرَى تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ﴾

گفتار ربا

٢٩	(٢) بقره : ٢٧٥	آیه یکم: ﴿الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ...﴾
٢٩	(٤٠) غافر : ٤٦	﴿النَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَ عَشِيًّا وَ...﴾
٢٩	(٥٦) قمر : ٤٧	﴿السَّاعَةَ أَذْهَى وَ أَمَرَ﴾
٣٦	(٢) بقره : ٢٧٦	آیه دوم: ﴿يَمَحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَ يُرْبِي الصَّدَقَاتِ...﴾
٣٨	(٢) بقره : ٢٧٧	آیه سوم: ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ...﴾
٣٨	(٢) بقره : ٢٧٨	آیه چهارم: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ ذَرُوا...﴾
٤٣	(٢) بقره : ٢٧٩	آیه پنجم: ﴿فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَ...﴾
٤٤	(٢) بقره : ٢٨٠	آیه ششم: ﴿وَ إِنْ كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَى مَيْسَرَةٍ...﴾
٤٩	(٢) بقره : ٢٨١	آیه هفتم: ﴿وَ اتَّقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ...﴾
٥٠	(٣) آل عمران : ١٣٠	آیه هشتم: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا...﴾
٥٠	(٣) آل عمران : ١٣١	آیه نهم: ﴿وَ اتَّقُوا النَّارَ الَّتِي أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ﴾
٥٠	(٣) آل عمران : ١٣٢	آیه دهم: ﴿وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾
٥٠	(٣٠) روم : ٣٩	آیه یازدهم: ﴿وَ مَا آتَيْتُمْ مِنْ رَبًّا لِيَرْبُوهَا...﴾
٥٣	(٧٤) مدثر : ٧	آیه دوازدهم: ﴿وَ لَا تَمْنُنْ تَسْتَكْثِرُ﴾

گفتار حجاب

٧٧	(٧) اعراف : ١٥٨	﴿الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ...﴾
٧٩	(٢٤) نور : ٣١	آیه یکم: ﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ...﴾

- آیه دوم: ﴿وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ...﴾ (٢٤) نور: ٣٢ ٨٤
- آیه سوم: ﴿وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ...﴾ (٢٤) نور: ٦١ ٨٦
- آیه چهارم- ﴿يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِّنَ النِّسَاءِ...﴾ (٣٣) احزاب: ٣٣ ٩٢
- آیه پنجم- ﴿وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ...﴾ (٣٣) احزاب: ٣٤ ٩٢
- آیه ششم- ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا...﴾ (٣٣) احزاب: ٥٤ ٩٣
- آیه هفتم- ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ...﴾ (٣٣) احزاب: ٦٠ ٩٣
- ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ عَلَى أَنْ...﴾ (٦٠) ممتحنه: ١٣ ١٠٢
- ﴿الَّذِينَ إِذَا أَصَابْتَهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا...﴾ (٢) بقره: ١٥٧ ١١٣
- ﴿ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾ (٣) آل عمران: ٣٥ ١٢٠

گفتار ریش تراشی

- ﴿وَلَا ضِلَّيْنَهُمْ وَلَا مَلْنِيْنَهُمْ... وَلَا مَأْرَنَهُمْ فَلْيَغْيِرَنَّ...﴾ (٤) نساء: ١٢٠ ١٥٩

گفتار شطرنج

- آیه یکم- ﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ...﴾ (٢) بقره: ٢٢٠ ١٧٣
- آیه دوم- ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ...﴾ (٥) مائده: ٩١ ١٧٣
- آیه سوم- ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ...﴾ (٥) مائده: ٩٢ ١٧٤
- آیه چهارم- ﴿...فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ...﴾ (٢٢) حج: ٣١ ١٧٩
- آیه پنجم- ﴿وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ...﴾ (٢٥) فرقان: ٧٣ ١٨٣
- آیه ششم- ﴿إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَا هَذِهِ التَّمَاثِيلُ...﴾ (٢١) انبياء: ٥٣ ١٨٤
- آیه هفتم- ﴿وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ...﴾ (٢) بقره: ١٨٩ ١٨٦

گفتار غنا و موسیقی

- آیه یکم- ﴿وَلَا تَقَفْ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ...﴾ (١٧) اسراء: ٣٧ ٢٠٧
- آیه دوم- ﴿وَأَسْتَفْزِرُ مَنِ اسْتَطَعْتَ مِنْهُمْ بِصَوْتِكَ...﴾ (١٧) اسراء: ٦٥ ٢٠٨

٢٠٩	(٢١) انبياء : ١٧	آيه سوم- ﴿وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ...﴾
٢٠٩	(٢١) انبياء : ١٨	آيه چهارم- ﴿لَوْ أَرَدْنَا أَنْ نَتَّخِذَ لَهُوَ...﴾
٢٠٩	(٢١) انبياء : ١٩	آيه پنجم- ﴿بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ...﴾
٢١٠	(٢٢) حج : ٣١	آيه ششم- ﴿...فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ...﴾
٢١٣	(٢٥) فرقان : ٧٣	آيه هفتم- ﴿وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ...﴾
٢١٤	(٣١) لقمان ﷺ : ٧	آيه هشتم- ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ...﴾
٢١٦	(٣١) لقمان ﷺ : ٢٠	آيه نهم- ﴿وَاقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَاعْصُصْ...﴾
٢١٧	(٦٢) جمعه : ١٢	آيه دهم- ﴿وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انفَضُّوا إِلَيْهَا...﴾
٢١٨	(٢٤) نور : ٣٨	﴿رَجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ...﴾

فهرست موضوعات

پیشگفتار.....	۹
آنانکه امر هدایتگری را بر عهده دارند.....	۱۷
و هرگز نیاز ندارد به روز شود.....	۱۹
در این واویلائی گناه چه کنیم؟.....	۲۳

(۱)

ربا از دیدگاه قرآن و عترت

ربا از دیدگاه قرآن کریم.....	۲۹
ربا از دیدگاه اهل بیت علیهم السلام	۵۷
۱- ترس نبی صلی الله علیه و آله	۵۷
۲- پنهانتر از حرکت مورچه.....	۵۸
۳- خداوند ربا را حرام فرمود تا... ..	۵۸

-
- ۴- چرا پلید؟ ۵۸
- ۵- روزی حلال و پاک ۶۰
-
- ۶- گناه بزرگ ۶۱
- ۷- ناچیزترین آنها ۶۱
- ۸- در غضب خدا و ۶۲
- ۹- گواهی دادن و نوشتن ۶۲
-
- ۱۰- زمینه نابودی ۶۳
- ۱۱- بدترین شغل ۶۳
- ۱۲- ناآگاهی از ۶۴
-
- ۱۳- از حيله هاى آخرالزمان ۶۴
- ۱۴- ربای همگانی ۶۴
- ۱۵- چهره ای پشت نقاب ۶۵

(۲)

حجاب از دیدگاه قرآن و عترت

- بسم ربّ الزّهراء علیها السلام ۷۱
- حجاب از دیدگاه قرآن کریم ۷۹
- حجاب از دیدگاه اهل بیت علیهم السلام ۹۹
- ۱- بهشت سزای ۹۹

۲- هر عضوی را بهره ای از... ۱۰۰

۳- دستان پاکش پاکتر از آن بود که... ۱۰۱

۴- پیمان بر عفاف... ۱۰۳

۵- نهی نبوی ﷺ... ۱۰۴

۶- از وصایای پدر اُمّت... ۱۰۵

۷- قدرت آمرزیده شد... ۱۰۶

۸- زنان... ۱۰۷

۹- حجاب حضرت فاطمه علیها السلام... ۱۰۹

۱۰- آنجا که جگرگوشه زهرا علیها السلام بیرون می آید... ۱۱۰

۱۱- بهترین زن... ۱۱۱

۱۲- بدترین زن... ۱۱۱

۱۳- تشبّه به جنس مخالف و... ۱۱۲

۱۴- پوشش دشمنان حق... ۱۱۶

۱۵- بیش از پنج کلمه... ۱۱۷

۱۶- گفتار با نامحرم... ۱۱۷

۱۷- سلام به... ۱۱۸

۱۸- گوهر در حراج... ۱۱۸

۱۹- بهترین برای زن ۱۱۹

۲۰- آنجا که به خدا نزدیکتر است ۱۲۱

۲۱- حفظ با حجاب ۱۲۲

۲۲- حجاب ناتمام ۱۲۳

۲۳- حتی از زنان ۱۲۳

۲۴- در احرام هم ۱۲۴

۲۵- نظر به بانوان نامسلمان ۱۲۷

۲۶- پوشش بانوان در برابر خواستگاران ۱۲۸

۲۷- بیتوته و نفس ۱۲۸

۲۸- در خانه بیگانه ۱۲۸

۲۹- بیگانه در خانه ۱۲۹

۳۰- سومین آنها ۱۳۰

۳۱- خداوند نمی پذیرد ۱۳۰

۳۲- شایسته نیست ۱۳۱

۳۳- آرایش کرده ۱۳۱

۳۴- من او را می بینم ۱۳۱

۳۵- شما که ... می بینید ۱۳۲

-
- ۳۶- چشمان گریان مگر... ۱۳۳
- ۳۷- با حوریان ۱۳۳
- ۳۸- روحی پاک خاطری آرام ۱۳۳
- ۳۹- تیر زهرآلود شیطان ۱۳۴
- ۴۰- حدّ نگاه ۱۳۶
- ۴۱- ایمان چشم ها ۱۳۸
- ۴۲- در پی ناموس کسان... ۱۳۸
- ۴۳- عبور از کنار ۱۳۹
- ۴۴- زنان از پشت سر ۱۳۹
- ۴۵- دنبال شیر برو امّا ۱۴۰
-
- ۴۶- تا سرد شود ۱۴۰
- ۴۷- هیجان شهوت ۱۴۱
- ۴۸- کیفر زنان ۱۴۱
- ۴۹- خشم امام ۱۴۴
- ۵۰- حشر با منافقین ۱۴۵
- ۵۱- از نشانه های آخرالزمان ۱۴۷
- پیشنهاد و خاتمه ۱۵۳

(۳)

ریش تراشی از دیدگاه قرآن و عترت

- ۱۵۹ ریش تراشی از دیدگاه قرآن کریم
- ۱۶۱ ریش تراشی از دیدگاه اهل بیت علیهم السلام
- ۱۶۱ ۱- فطرت اسلام
- ۱۶۱ ۲- پروردگارم مرا امر فرموده تا ...
-
- ۱۶۲ ۳- شبیه یهودیان نباشید
- ۱۶۲ ۴- آنجا که امیرالمؤمنین علیه السلام بر مسند قضاوت می نشیند
-
- ۱۶۳ ۵- پس مسخ شدند ...
- ۱۶۴ ۶- قوم لوط و هلاکت
-
- ۱۶۴ ۷- از ما نیست ...
- ۱۶۵ ۸- شهادت می دهم از او راضی ...
-
- ۱۶۵ ۹- اینجا نامحرم، آنجا محروم

(۴)

شطرنج از دیدگاه قرآن و عترت

- ۱۷۳ شطرنج از دیدگاه قرآن کریم
- ۱۸۹ شطرنج از دیدگاه اهل بیت علیهم السلام

-
- ۱- نهی نبوی ﷺ ۱۸۹
- ۲- گناهی بس بزرگ ۱۹۰
- ۳- پرده های عصمت ۱۹۰
- ۴- حرام محض ۱۹۱
- ۵- نزدیکش مشو ۱۹۱
- ۶- در آتش شدن ۱۹۲
-
- ۷- شطرنج و نگاه ۱۹۲
- ۸- دستی آلوده ۱۹۲
- ۹- شطرنج در خانه؟ ۱۹۳
-
- ۱۰- کاری یزیدی و مجوسی گری ۱۹۴
- ۱۱- مؤمن و شطرنج...!!! ۱۹۵
-
- ۱۲- در معرض غضب خداوند ۱۹۵
- ۱۳- آنجا که نور رحمت الهی نمی تابد ۱۹۶
- ۱۴- محروم از نظر لطف او ۱۹۷
- ۱۵- دور از یاد خدا ۱۹۷
- ۱۶- آنجا که او همه را می بخشد ۱۹۸
- ۱۷- محروم از مهر سلام ۱۹۸
- ۱۸- غیبتش روا ۲۰۰

۱۹- گواهی اش ناروا ۲۰۱

۲۰- از نشانه های آخرالزمان ۲۰۲

(۵)

غنا و موسیقی از دیدگاه قرآن و عترت

غنا و موسیقی از دیدگاه قرآن کریم ۲۰۷

عنا و موسیقی از دیدگاه اهل بیت علیهم السلام ۲۲۱

۱- نهی الهی ۲۲۱

۲- نهی نبوی صلی الله علیه و آله ۲۲۱

۳- مأموریتی الهی ۲۲۲

۴- نردبان فحشاء ۲۲۲

۵- مانند شکوفه ۲۲۳

۶- آشیانه دورویی ۲۲۳

۷- تهی دستی ۲۲۳

۸- پست ترین مخلوق ۲۲۳

۹- حرام محض ۲۲۴

۱۰- آموزش کفر ۲۲۴

۱۱- پای کوبی شیطان ۲۲۵

۲۲۵	۱۲- نفرین کبوتران.....
۲۲۵	۱۳- نا امن و بی نور.....
۲۲۶	۱۴- غضب الهی.....
۲۲۶	۱۵- حشر نوازنده.....

۲۲۷	۱۶- نشانه آخرالزمان.....
۲۲۹	سخن پایانی.....

۲۳۲	کتابنامه.....
۲۴۳	فهرست آیات.....
۲۴۷	فهرست موضوعات.....

بسم الله الرحمن الرحيم
اللهم كن لوليّك الحجة بن الحسن
صلواتك عليه وعلى آباءه
في هذه الساعة وفي كل ساعة
وليّاً حافظاً قائداً ناصراً دليلاً عينا
حتى ترضى عنه أرضاك طوعاً
ومتّعياً فمهما طويلاً

برخی از آثار مؤلف محترم

- عربی زیارات فنج آل محمد صلو الله عليهم اجمعين العاشرائيه
عربی موسوعه تفسير آل طاهيا وياسين صلو الله عليهم اجمعين
فارسی پژوهشی نو درباره حدیث شریف کسای یانی
فارسی گزیده ای از فقه آل یاسین صلو الله عليهم اجمعين
فارسی مرتدی به دارا و نخته

zabihe.ale.mohammad@gmail.com